



مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



اسلام و پژوهش های روان شناختی

فصل نامه علمی - تخصصی

# اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال اول، شماره اول، پیاپی ۱، تابستان ۱۳۹۴

**مدیر مسؤول:** دکتر محمدجواد زارعان  
**جانشین سردبیر:** عباس علی هراتیان

**صاحب امتیاز:** مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت  
**سردبیر:** دکتر محمدرضا احمدی  
**مدیر اجرایی:** هادی ارشاد حسینی

دورنگار: ۰۲۵۳۲۹۲۲۲۳۹

صندوق پستی: ۳۷۱۳۷۱۵۵۴۵

کدپستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

ارسال و پیگیری مقالات: [ipr@ueae.ir](mailto:ipr@ueae.ir)

آدرس اینترنتی: [ipr.ueae.ir](http://ipr.ueae.ir)

نشانی: قم، بلوار شهید صدوقی، خیابان شهید شهبازی، پلاک ۱۳

## اعضاء هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا)

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی  
دانشگاه تهران  
مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت  
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
دانشگاه بقیه الله  
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
دانشگاه علامه طباطبائی  
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی  
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

حجت الاسلام و المسلمین دکتر مسعود آذربایجانی  
حجت الأسلام و المسلمین دکتر محمدرضا احمدی  
دکتر هادی بهرامی احسان  
حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدجواد زارعان  
آیت الله سیدمحمد غروی  
دکتر علی فتحی آشتیانی  
حجت الأسلام و المسلمین دکتر محمد کاویانی  
دکتر محمود گلزاری  
حجت الأسلام و المسلمین دکتر رحیم نارویی  
حجت الأسلام و المسلمین دکتر محمود نوذری

## راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله

### مقدمه

فصلنامه «اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی» فصلنامه‌ای علمی و چندرشته‌ای است که با هدف ارایه نتایج مطالعات و پژوهش‌های علمی، فراهم آوردن زمینه تبادل افکار و اطلاعات، ترویج مباحثات علمی بین پژوهشگران و محققان حوزه‌های مختلف علمی: روانشناسی، مشاوره، مددکاری اجتماعی، تعلیم و تربیت، دین و ... منتشر می‌شود. این فصلنامه در گستره مسایل روان‌شناختی، در دو سطح بنیادی و کاربردی، مقاله‌هایی را می‌پذیرد که از ساحت دینی نیز برخوردار باشند. فصلنامه، به زبان فارسی منتشر می‌شود.

### نوع مقالات مورد پذیرش

- گزارش یک پژوهش علمی؛
- تحلیل علمی با هدف ارایه مفاهیم و الگوهای جدید؛
- نقد علمی مقالات منتشر شده در فصلنامه (در قالب نامه به سردبیر)؛
- گزارش کوتاه علمی؛
- مطالعه موردی؛

### ساختار مقاله بایستی به شرح زیر تنظیم و ارسال گردد

- عنوان مقاله: عنوان باید گویا و کوتاه باشد.
- نام، نام خانوادگی، مرتبه علمی، وابستگی سازمانی و ایمیل پژوهشگر/پژوهشگران؛
- چکیده: در این قسمت، مطالب اصلی مقاله شامل هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت فشرده (حداکثر ۲۰۰ کلمه) بیان می‌شود.
- کلیدواژه‌ها: از میان واژه‌های اصلی مقاله، بین ۳ تا ۵ واژه مشخص شوند.
- مقدمه: بیان مساله، هدف، تبیین ضرورت انجام تحقیق و فرضیه‌ها (سؤال‌ها)؛
- روش: جامعه آماری، روش نمونه‌برداری، گروه نمونه، ابزار(های) پژوهش، فرایند اجرای پژوهش و روش تحلیل داده‌ها؛
- یافته‌ها: یافته‌های حاصل از روش‌های آماری، جدول‌ها (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودارها (شماره و عنوان در زیر آن). کلیه جدول‌ها و نمودارها باید به زبان فارسی تهیه شوند.
- بحث و نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری، مقایسه یافته‌های پژوهشی با پیشینه پژوهش و تبیین آن‌ها؛
- منابع (شامل منابع فارسی و لاتین): ارائه کامل کلیه منابعی که در متن مقاله از آن‌ها استفاده و به آن‌ها ارجاع شده است. تنظیم منابع، مطابق الگوی راهنمای APA به شرح زیر که در مقالات چاپ شده این شماره فصلنامه نیز اعمال شده است، انجام شود:

- کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان کتاب، شماره جلد، (نام و نام خانوادگی مترجم، سال ترجمه)، نوبت چاپ، محل انتشار: انتشارات.
  - مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره، صفحات.
  - پایان نامه: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان پایان نامه، پایان نامه کارشناسی ارشد / دکترا، رشته، دانشگاه.
  - گزارش: نام سازمان (سال انتشار). «نام گزارش».
  - اینترنت: نام خانوادگی، نام (تاریخ اخذ مطلب): نشانی کامل سایت.
- ضمایم (در صورت لزوم)

#### نکات قابل توجه در ارائه مقالات

۱. مقاله ارسالی نباید قبلاً در جای دیگری به چاپ رسیده باشد و نیز نباید به طور همزمان برای بررسی و چاپ به مجله دیگری ارسال شده باشد.
۲. مقاله باید با نرم افزار Word Microsoft، قلم Mitra، اندازه ۱۴ و فاصله خطوط ۱، تهیه و بوسیله ایمیل، برای فصلنامه ارسال شود. شماره تلفن برای دسترسی آسان و سریع دفتر مجله به نویسنده مسؤول مقاله نیز قید گردد.
۳. حجم مقاله از ۹۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.

#### ملاحظات

- فصلنامه در رد، اصلاح یا ویرایش مقاله آزاد است.
- اصطلاحات علمی و اسامی خاص مقاله‌ها مطابق روش فصلنامه یکسان‌سازی می‌شود.
- مسؤولیت صحت و محتوای مقاله و حفظ حقوق دیگر مؤلفان بر عهده نویسنده مسؤول آن است.

از خداآگاهی تا سلامت روان: آزمون یک مدل با کاربرد تحلیل مسیر / ۵  
مسعود نورعلیزاده میانجی

اثربخشی آموزش آموزه‌های اسلامی مربوط به روابط زوجین بر کاهش مشکلات رفتاری  
فرزندان / ۴۳

مهدی جعفری / محمدرضا احمدی / رضا مهکام

رابطه روان‌بندهای ناسازگار اولیه و ویژگی‌های شخصیتی با صفت اخلاقی تکبر / ۶۳  
عباس‌علی هراتیان / جواد ترکاشوند / محمدرضا جهانگیرزاده

اثربخشی آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر خویشتن‌داری جنسی دانشجویان پسر / ۸۱  
نصیر عابدینی / فرامرز سهرابی

مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی دانش‌آموزان خانواده‌های دارای تک و دو  
فرزند با بیش از دو فرزند / ۹۵  
محمد زارعی توپخانه

رابطه حرمت‌خود با خودمهارگری اسلامی؛ با توجه به جنسیت و وضعیت تأهل / ۱۱۵  
حمید رفیعی هنر / عباس آینه‌چی / مریم رجبی

رابطه پایبندی مذهبی با همدلی در میان دانشجویان دختر و پسر؛ با توجه به وضعیت اقتصادی  
و تأهل / ۱۲۹

محمدصادق آقاجانی / فاطمه‌سادات شمسی‌نژاد / زهرا اسکندری

ملخص المقالات / ۱۵۲

## از خداآگاهی تا سلامت روان: آزمون یک مدل با کاربرد تحلیل مسیر

### From Awareness of God to Mental Health: Testing a Model Using Path Analysis

مسعود نورعلیزاده میانجی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

Masood Nour Ali Zadeh Miyajji / PhD student of general psychology, IKI.

Email: Mnoor57@Gmail.com

#### Abstract

The present study was conducted with the aim of modeling, explaining the mechanism of effectiveness and testing the role of self-awareness and identity in the process of the impact of awareness of God on mental health. This research is a descriptive study using correlation, which utilizes path analysis for analyzing the data of four related scales, which were administered simultaneously on 225 samples.

The findings show that there is a goodness of fit in the causal model and in the pattern of path analysis of awareness of God to mental health through the mediation of "self-awareness" and "identity-finding". Therefore, the mechanism of the impact of awareness of God's and His remembrance in serenity and mental health is explainable through the processes of self-awareness and identity-finding, and consequently, the personal functions in unity, solidarity and mental balance.

**Key words:** awareness of God, self-awareness, identity-finding, mental health, path analysis.

#### چکیده

پژوهش پیش رو، با هدف مدل‌یابی، تبیین سازوکار اثرگذاری و آزمون نقش خودآگاهی و هویت در فرایند تأثیر خداآگاهی در سلامت روانی انجام گرفت. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است که از روش تحلیل مسیر، برای تجزیه و تحلیل داده‌های چهار مقیاس مربوط، که به‌طور همزمان بر روی ۲۲۵ نفر نمونه اجرا شده بود، استفاده شد. یافته‌ها حاکی از برازش مطلوب مدل علی ارائه‌شده و الگوی تحلیل مسیر خداآگاهی تا سلامت روانی از طریق میانجی‌گری «خودآگاهی» و «هویت‌یابی» بود. بنابراین، مکانیسم اثر خداآگاهی و ذکر و یاد خدا در آرامش و سلامت روانی، از طریق فرایندهای خودآگاهی و هویت‌یابی و در نتیجه با کارکردهای شخصیتی، در توحید، انسجام و تعادل نظام روانی، تبیین پذیر است.

**کلیدواژه‌ها:** خداآگاهی، خودآگاهی، هویت‌یابی، سلامت روانی، تحلیل مسیر.

### مقدمه

سلامت روانی ارمنانی است که با دین‌داری، به ویژه با خداآگاهی ایمانی، نصیب انسان می‌شود (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۲۲، ص ۴۶۴-۴۶۶). این اثربخشی چگونه و با چه سازوکار (مکانیسم) و فرایندی اتفاق می‌افتد؟ خداآگاهی چه مسیری را طی می‌کند تا به سلامت روانی می‌رسد؟ سازه‌های مهم روان‌شناختی و متغیرهای میانجی، که پل ارتباطی بین آن‌ها می‌شوند، کدام‌اند؟ مدل علی بین این متغیرها چگونه ترسیم می‌شود؟ به عبارت دیگر، خداآگاهی و ذکر و یاد خدا (الا بذكر الله) چگونه موجب آرامش و سلامت روانی (تطمئن القلوب) می‌شود؟ آیا این اثر مهم روان‌شناختی فقط با ذکرگویی و یاد خدا پدیدار می‌شود یا علاوه بر آن، فرایند روان‌شناختی پیچیده و عمیقی طی می‌شود تا یک اثر روانی پایدار را در پی داشته باشد؟

توحید و خداآگاهی اساسی‌ترین مؤلفه دین است و شاکله اصلی دین‌داری را تشکیل می‌دهد. اساساً دین‌داری بدون خداآگاهی و ایمان و عمل توحیدمدارانه معنایی نخواهد داشت. جهت‌گیری همه آموزه‌ها و احکام و مناسک دینی، به‌ویژه عبادات و نماز، فراهم‌سازی بهترین هنگامه‌های خداآگاهی، رفتن به سمت خدا و برقراری پیوند با اوست (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۳۹۴ و ج ۱۷، ص ۲۳). خداآگاهی عبارت است از شناخت و احساس حضور خدا، پیوستگی و تعلق به او و تداوم‌بخشی به ارتباط وجودی و ناگسستگی با او (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۰، ص ۳۰)؛ هدف انبیا نیز در همین یادآوری، آگاهی‌بخشی و برقراری ارتباط انسان‌ها با خدا خلاصه می‌شود (بوترابی، ۱۳۸۲، ص ۲۵). پژوهش‌های بسیاری (از جمله پارگامنت<sup>۱</sup>، کنل<sup>۲</sup>، هاتاوی<sup>۳</sup>، گریونگود<sup>۴</sup>، نیومن<sup>۵</sup> و جونز<sup>۶</sup>؛ ۱۹۸۸؛ پراپست<sup>۷</sup>، اوستروم<sup>۸</sup>، واتکینز<sup>۹</sup>، دین<sup>۱۰</sup> و ماشبورن<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۲؛ پیکوک<sup>۱۲</sup> و پالوما<sup>۱۳</sup>؛ ۱۹۹۹؛ مالتبی<sup>۱۴</sup>، لوپس<sup>۱۵</sup> و دی<sup>۱۶</sup>؛ ۱۹۹۹؛ هیل<sup>۱۷</sup> و پارگامنت، ۲۰۰۳؛ ویلیامز<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۰؛ سرگلزایی، بهدانی و قربانی، ۱۳۸۲؛ بهرامی‌احسان و تاشک،

1. Pargament, K.I.  
4. Grevengoed, N.  
7. Propst, L.R.  
10. Dean, T.  
13. Poloma, M.M.  
16. Day, L.

2. Kennell, J.  
5. Newman, J.  
8. Ostrom, R.  
11. Mashburn, D.  
14. Maltby, J.  
17. Hill, P.C.

3. Hathaway, W.  
6. Jones, W.  
9. Watkins, P.  
12. Peacock, J.R.  
15. Lewis, C.A.  
18. Williams, A.

۱۳۸۳؛ بیانی، گودرزی، بیانی و کوچکی، ۱۳۸۷؛ تیرایی، ۱۳۸۷؛ گل‌پرور و خاکسار، ۱۳۸۸؛ نورعلیزاده میانجی و جان‌بزرگی، ۱۳۸۹؛ احمدی، شیخ و سرابندی، ۱۳۹۱ و یگانه و حسین‌خانزاده، ۱۳۹۲) آثار روان‌شناختی فراوانی را، به‌ویژه در حوزه سلامت و بهزیستی روانی، برای دین‌داری، سازه‌های دین‌شناختی و معنوی و عوامل و مناسک و فعالیت‌های مذهبی نشان داده‌اند.

امروزه فراوانی نتایج این‌گونه مطالعات به حدی رسیده که نقش مثبت مذهب در سلامت روانی را جزو مسائل تردیدناپذیر قرار داده است. نتایج پژوهش‌ها بیانگر وجود ارتباط قوی میان انجام اعمال و رفتارهای مذهبی با سلامت روان‌شناختی است (ویلیامز، ۲۰۱۰، ص ۱۶۳۰). لارسون<sup>۱۹</sup> و همکارانش (۱۹۹۲) با بررسی ۱۳۹ مطالعه تحقیقاتی، که از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۹ در مجله روان‌پزشکی امریکا انتشار یافت، به طور کلی رابطه مثبتی را بین التزام دینی و بهداشت روانی یافتند (تورسین و همکاران، ترجمه جلیلی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۱). تونسن<sup>۲۰</sup>، کلادر<sup>۲۱</sup>، ایلی<sup>۲۲</sup> و مولیگان<sup>۲۳</sup> (۲۰۰۲) نیز در تحقیق مروری خود بر روی پژوهش‌های انجام‌شده در آزمایش‌های بالینی اثر دین بر سلامتی به این نتیجه رسیدند که روان‌درمانی اسلامی محور، بهبودی اضطراب و افسردگی مسلمانان را تسریع می‌کند و در نمونه‌های مسیحی نیز نتایج مشابهی دیده می‌شود. وید<sup>۲۴</sup>، ورتینگتون<sup>۲۵</sup> و وگل<sup>۲۶</sup> (۲۰۰۷) در مقایسه درمان جویان با التزام مذهبی بیشتر و کمتر، که درمان آنان با مداخلات دینی همراه بود، به این نتیجه رسیدند که بهبودی گروه اول به مراتب بیشتر از گروه دیگر بود.

نزدیک‌ترین سبک دین‌داری، که جهت‌گیری آن معمولاً خداآگاهانه و خالصانه است، جهت‌گیری مذهبی درونی و پایدار است، که نسبت به جهت‌گیری مذهبی بیرونی سهم بیشتری در سلامت روانی دارد. مذهب درونی‌شده و خالصانه نقشی کلیدی در سلامت روانی ایفا می‌کند؛ هرچه مذهبی بودن درونی‌تر و پایدارتر شود، سلامت روانی بالاتر می‌رود (جان‌بزرگی، ۱۳۸۶، ص ۳۴۵). استرجن<sup>۲۷</sup> و حاملی<sup>۲۸</sup> (۱۹۷۹) به نقل از شرونیگر<sup>۲۹</sup> و ادلستین<sup>۳۰</sup>، ۲۰۰۴، ص ۳۸۵) در پژوهش‌های خود به دست آوردند که جهت‌گیری

19. Larson, D.B.

22. Ayele, H.

25. Worthington, E.L., Jr.

28. Hamley, R.W.

20. Townsend, M.

23. Mulligan T.

26. Vogel, D.L.

29. Shreve-Neiger, A.K.

21. Kladder, V.

24. Wade, N.G.

27. Sturgeon, R.S.

30. Edelstein, B.A.

مذهبی درونی در کاهش اساسی‌ترین اضطراب‌ها، یعنی اضطراب وجودی و رگه اضطرابی<sup>۳۱</sup> (TA) تأثیر دارد. جهت‌گیری مذهبی درونی بدون آگاهی و درک حضور خدا و برقراری ارتباط خالص با او نمی‌تواند معنا داشته باشد؛ این موضوع در این بخش از مقیاس جهت‌گیری مذهبی آلپورت<sup>۳۲</sup> نیز منعکس شده است.

آموزه‌های اسلامی برقراری ارتباط با خدا و ذکر و یاد او را عامل گشایش و تعالی روانی دانسته‌اند که آثار روان‌شناختی و سلامت‌بخشی بسیاری را به همراه دارد (امام صادق ع، ۱۴۰۰، ص ۱۲۱). از نظر قرآن دوری از منبع هستی‌بخش و غفلت از یاد خدا (خدانا آگاهی) زندگی را پراسترس و اضطراب‌زا می‌نماید و آرامش و خوشی زندگی را به تنیدگی و تنگ‌زیستی مبدل می‌کند: «مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا؛ هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت» (طه: ۱۲۴). در مقابل، ایمان و آگاهی به خدا و یاد او دل‌ها را آرام می‌کند و آرامش و اطمینان روانی را به ارمغان می‌آورد: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد» (رعد: ۲۸).

جیمز<sup>۳۳</sup> (ترجمه قائنی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۷) ارتباط و اتصال با قدرت لایزال الهی را آرام‌بخش و یونگ (۱۹۳۳) به نقل از شریفی‌نیا، (۱۳۸۸، ص ۷۲) اعتقاد به اینکه «خداوند در همه جا حضور دارد» را در فرایند درمان سلامت‌آفرین می‌دانند. در تحقیق گریلی (۱۹۷۵)، که به همراه پژوهش پیمایشی با نمونه‌های بالایی (۱۴۶۰ شرکت‌کننده) درباره تجربه عرفانی تقرب و احساس معنوی حضور (امر متعالی) انجام گرفت، کسانی که چنین تجربه‌هایی را گزارش کرده بودند، از سلامت روانی مثبتی برخوردار بودند. موربسی و هی نیز با تکرار کار گریلی روی ۱۸۶۵ آزمون‌شونده، به استناد تداوم تجربه عرفانی و کاهش اختلالات روانی و احساس خوشبختی، نتایج مشابهی ارائه کردند (فونتانا، ترجمه ساوار، ۱۳۸۵، ص ۳۶۰ و ۳۶۱). پیکوک و پالوما (۱۹۹۹) به دست آوردند که ادراک نزدیکی به خدا به‌تنهایی بزرگترین پیش‌بینی‌کننده رضایت از زندگی در همه سنین است (کامپتون<sup>۳۴</sup> و هافمن<sup>۳۵</sup>، ۲۰۱۲، ص ۲۳۰).

«خدانگار» (تصور از خدا)<sup>۳۶</sup> نیز سازه‌ای در حوزه خداآگاهی است که بر اساس آن افراد تجربه درونی در ارتباط با خدا را به صورت بازنمایی‌های ذهنی خود نشان می‌دهند؛ این سازه با بسیاری از کارکردهای روان‌شناختی و دینی همراه است. لارنس<sup>۳۷</sup> (۱۹۹۷)

31. trait and existential anxiety.

35. Hoffman, E.

32. Allport, G.W.

36. God image.

33. James, W.

37. Lawrence, R.T.



در پژوهش خود نشان داد که خداانگاره با جهت‌گیری مذهبی درونی و حرمت خود همبستگی مثبت و با دل‌بستگی نایمن و ناشایستگی اجتماعی همبستگی منفی دارد. در مقایسه با افراد سالم، خداانگاره بیماران روانی ماهیتی بسیار منفی و تهدیدکننده دارد (شاپ‌جانکر<sup>۳۸</sup>، یورلینگ‌بونکو<sup>۳۹</sup>، جانکر<sup>۴۰</sup> و زاک<sup>۴۱</sup>، ۲۰۰۸، ص ۵۰۱). بین تصور مثبت از خدا و سلامت روانی (زارعی، ۱۳۸۸، ص ۹۳) و بین تصور منفی از خدا با افسردگی و احساس بی‌لیاقتی ارتباط معنادار وجود دارد (گرینوی<sup>۴۲</sup>، میلنی<sup>۴۳</sup> و کلارک<sup>۴۴</sup>، ۲۰۰۳، ص ۴۵)؛ به همین دلیل ریان<sup>۴۵</sup> (۲۰۰۱) اظهار می‌دارد که تصاویر منفی از خدا آثار زیان‌باری بر سلامت روانی، رفتار بین فردی و خودپنداره فرد بر جای می‌گذارد (شجاعی، ۱۳۸۳، ص ۷۸).

غباری بناب، حدادی کوهسار، مظاهری و حمدیه (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که کیفیت دل‌بستگی و تصویر ذهنی از خدا می‌تواند سلامت روانی را پیش‌بینی نماید. افراد دارای دل‌بستگی ایمن، که خداوند را پذیرنده تصور می‌نمودند، از لحاظ سلامت روانی در سطح بالاتری قرار داشتند. در پژوهش شاپ‌جانکر، یورلینگ‌بونکو، ورهاگن<sup>۴۶</sup> و زاک (۲۰۰۲) تصور مثبت از خدا با نشانگان اختلال رفتاری (SCL-90-R)، مثل اضطراب و افسردگی، رابطه منفی نشان داد. فلانلی<sup>۴۷</sup>، گلک<sup>۴۸</sup>، الیسون<sup>۴۹</sup> و گوئینگ<sup>۵۰</sup> (۲۰۱۰) ارتباط بین باور افراد به خدا و اختلالات روانی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که باور به اینکه خداوند نزدیک و دوست‌دارنده است، سودمندی معناداری را در قبال انواع اختلالات روانی، مانند اضطراب و افسردگی، به همراه داشته و همراهی نشانگان اختلال افراد دارنده این باورها، در مقایسه با باورهای دیگر (بخشنده، خالق و دادرس)، کمتر بوده است. بر اساس پژوهش‌های غباری بناب و حدادی کوهسار (۱۳۸۶، ۱۳۸۸ و ۲۰۱۰)، میزان افکار پارانوئیدی، روان‌پریشی، وسواس، اضطراب و افسردگی افراد از کیفیت خداانگاره آنان قابل پیش‌بینی بود؛ افرادی که تصویر مثبت و پذیرنده‌ای از خدا داشتند، دارای افکار پارانوئیدی، روان‌پریشی، وسواس، اضطراب و افسردگی کمتری بودند.

38. Schaap-Jonker, H.

41. Zock, H.

44. Clarke, V.

47. Flannelly, K.J.

50. Koenig, H.G.

39. Eurelings-Bonekoe, E.E.M.

42. Greenway, A.P.

45. Ryan, R.J.

48. Galek, K.

40. Jonker, E.R.

43. Milne, L.C.

46. Verhagen, P.

49. Ellison, C.G.

خداآگاهی هسته مرکزی دین‌داری است و احتمالاً می‌تواند به صورت مستقیم و یا با تحقق عملیات سازه‌های معنوی و روان‌شناختی دیگر نقش مؤثری را در سلامت روانی ایفا کند. با مرور مبانی نظری و آموزه‌های اسلامی و پیشینه پژوهش‌های روان‌شناختی می‌توانیم نقش و سازوکار میانجی‌گری (واسطه‌ای) سازه‌های روان‌شناختی، مانند خودآگاهی و هویت‌یابی، را در تحلیل علی مسیر خداآگاهی تا سلامت روانی تبیین کنیم. خودآگاهی و به تبع آن، هویت از سازه‌های بنیادین شخصیتی هستند که در صورت معنادار بودن نقش میانجی‌گری آن‌ها و برازش مدل علی و الگوی تحلیل مسیر، نشانگر نقش زیربنایی خداآگاهی در سلامت روانی خواهند بود.

خودآگاهی از یک سو با خداآگاهی و سایر عوامل دین‌داری ارتباط و تلازم تنگاتنگ دارد و از سوی دیگر با سلامت روانی و دیگر آثار روان‌شناختی همراه است. این اصطلاح با گذر از پیچ‌وخم‌های تکامل مفهوم‌شناختی و با عبور از مفاهیمی چون خودهشیاری<sup>۵۱</sup> به خودآگاهی<sup>۵۲</sup> رسیده است. خودآگاهی، فراتر از مفهوم خودشناسی<sup>۵۳</sup>، یک ساختار سازش‌دهنده، پویا و انسجام‌بخش است که از رشد ساختارها و فرایندهای شناختی و نیز عواطف و احساسات تنیده در آن حاصل می‌شود و شامل درک، توجه و آگاهی از ابعاد وجودی، ویژگی‌ها، افکار، احساس‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای خود در طی زمان است. در این معنا، خودشناسی از مراتب خودآگاهی محسوب می‌شود. در واقع خودآگاهی نه تنها شامل خودشناسی و شناخت از ابعاد گوناگون وجود خود است، بلکه حالت توجه و آگاهی به آن شناخت و دیگر کنش‌های روان‌شناختی، مانند خودتأملی<sup>۵۴</sup>، خودسنجی<sup>۵۵</sup> و خودنظم‌بخشی<sup>۵۶</sup> را نیز در بر می‌گیرد (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۰، ص ۶۸-۸۲). با این ظرفیت عالی، در حقیقت تأثیرگذاری خودآگاهی در کارکردهای مثبت روان‌شناختی به این دلیل است که میانجی‌گری بسیاری از فرایندها را بر عهده دارد (محسنی، ۱۳۷۵، ص ۵۸).

آموزه‌های اسلامی ملازمه و رابطه متقابلی را بین خداآگاهی و خودآگاهی ترسیم می‌نمایند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۹، ص ۲۲۷). از طرفی، در یک عبارت معکوس، عامل

51. self- consciousness.

52. self- awareness.

53. self-knowledge.

54. self-reflection or self-reflectiveness.

55. self-evaluation.

56. self-regulation.

خودناآگاهی را خدا ناآگاهی معرفی می‌کنند: «نَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ»<sup>۵۷</sup> (حشر: ۱۹) و از طرف دیگر، سر معرفت خدا را در معرفت خویشتن می‌دانند: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»<sup>۵۸</sup> (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۲). برخی به اشتباه از این روایت برداشت کرده‌اند که خودشناسی و معرفت نفس مقدمه خداشناسی و معرفت رب است؛<sup>۵۹</sup> در حالی که باید توجه داشت که معرفت نفس عین معرفت رب است. از روایت نیز همین معنای دقیق به دست می‌آید که شناخت نفس بر شناخت خداوند تقدم زمانی ندارد، بلکه نوعی تلازم و عینیت میان این دو برقرار است. طبق روایت، معرفت نفس راهی برای معرفت رب نیست، بلکه سخن از توأم بودن این دو معرفت است؛ اگر کسی حقیقت نفس خود را بشناسد در حقیقت خدا را شناخته است. وقتی انسان معرفت و شهود آگاهانه به نفس پیدا کند، در واقع خویشتن را عبارت از نفس می‌یابد. وقتی به نفس خویش معرفت و شهود یافت، فنای نفس و هستی خویش در خداوند و ربط محض و عدم استقلال وجودی خویش را درک می‌کند (ابن عربی، ۱۳۷۰، ص ۱۲۵؛ مصباح‌یزدی، ۱۳۸۷، ص ۶۷ و ۱۳۸۸، ص ۱۱۵ و ۱۱۶).

آموزه‌های اسلامی اساسی‌ترین مسیر برای ایجاد و بقای خودآگاهی را خداآگاهی معرفی می‌کنند. اندیشمندان اسلامی نیز بر این باورند که معنای واقعی خودآگاهی یا آگاهی به خود فرع بر خداآگاهی است (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۳، ص ۳۱۵). اگر معرفت نفس معرفت رب باشد، آن هم از طریق یافتن خدا تحقق می‌یابد؛ زیرا در هنگامه خودآگاهی، انسان خدا را در خودش می‌یابد. به تعبیری دقیق‌تر و با الهام از حدیثی از امام صادق<sup>(ع)</sup> (شیخ صدوق، ۱۳۵۷، ص ۱۴۲): معرفت خدا به خدا یا خدا را به خدا شناختن (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۷۲):

۵۷. «خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به خود فراموشی گرفتار کرد». واژه «نسیان» به معنای یادزدودگی و زایل شدن صورت معلوم از صفحه خاطر است، بعد از آنکه در صفحه خاطر نقش بسته بود؛ ولی در استعمال این کلمه توسعه دادند (مانند آیه ۳۴ جاثیه) و در مطلق روگردانی از چیزی که قبلاً مورد توجه بوده نیز به کار می‌رود (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ص ۲۱۹). مجلسی نیز از قول بیضاوی می‌نویسد: «فراموشی خدا یعنی غفلت از ذکر و یاد خدا و دوری از اطاعت او» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۶۴).

۵۸. «آن که به خود معرفت یافت، محققاً به پروردگار خویش معرفت می‌یابد».

۵۹. در حقیقت ترجمه معرفت نفس به خودشناسی دقیق نیست؛ چون شناخت بار معنایی معرفت را ندارد. علامه طباطبایی در مفهوم‌شناسی آن می‌گوید: «عرفان و معرفت عبارت است از تطبیق صورت پدیدآمده در مدرکه (محل ادراک) بر آنچه در ذهن اندوخته شده است. به همین دلیل گفته شده: معرفت ادراکی است بعد از علمی که پیش‌تر حاصل شده است» (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۴۸).

یعنی شناخت حقیقت خویشتن و از خودآگاهی به خداآگاهی رسیدن نیز ثمره آگاهی از خود، به وسیله خود خداوند، یعنی خداآگاهی است<sup>۶۰</sup> (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۲۸).

در حوزه مطالعات علمی روان‌شناختی نیز آلپورت (۱۹۶۰) معتقد بود که در جهت‌گیری مذهبی درونی خودآگاهی وجود دارد (آذربایجانی و موسوی‌اصل، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱).

پژوهش‌های قربانی و همکارانش (۲۰۰۲) نشان داد که خودشناسی انسجامی با سالم‌ترین اشکال دین‌داری در هر دو فرهنگ ایران و امریکا همبستگی دارد (قربانی و واتسن، ۱۳۸۴، ص ۵). اصیل‌ترین شکل دین‌داری و جهت‌گیری مذهبی با خداآگاهی همراه است و اساساً بدون خداآگاهی دین معنا پیدا نمی‌کند. ارتباط هوش معنوی با خودآگاهی از دیگر مطالعات مرتبط است. سیسک<sup>۶۱</sup> (۲۰۰۱) دانش درونی<sup>۶۲</sup> (آگاهی مطلق)، شهود عمیق<sup>۶۳</sup> (هشیاری اصیل) و احساس وحدت<sup>۶۴</sup> و تمامیت<sup>۶۵</sup> را از جمله ابعاد هوش معنوی شمرده و آن را خودآگاهی عمیقی دانسته که در آن فرد بیش از پیش از ابعاد (نه تنها از بدن، بلکه از روان و روح) خویشتن آگاه می‌شود (سهرابی، ۱۳۸۷، ص ۱۷). زوهار<sup>۶۶</sup> و مارشال<sup>۶۷</sup> (۲۰۰۰) درجه بالای هشیاری نسبت به خویشتن را از جمله مشخصات افرادی ذکر کرده‌اند که دارای هوش معنوی بالایی هستند (رجایی، ۱۳۸۹، ص ۳۶). اساساً تجربه دینی و عرفانی همین افزایش بیش از پیش خودآگاهی تا مرحله آگاهی محض است؛ آگاهی از وجود متعالی درون خود و اتکای مطلق و عین ربط بودن خود به خدا است (رو، ترجمه سلیمانی‌فر، ۱۳۷۹، ص ۲۸۹ و آذربایجانی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۵).

عباسی و روشن‌چلسی (۱۳۸۹) در مطالعه خود برای بررسی رابطه باورهای مذهبی و هوش هیجانی، که یکی از مؤلفه‌های اساسی آن خودآگاهی است، به این نتیجه دست یافتند که باورهای مذهبی می‌توانند نقش یک پیش‌بین را در هوش هیجانی و خودآگاهی داشته باشند. پژوهش نورعلیزاده میانجی (۱۳۹۰) نشان داد که بین خداآگاهی و خودآگاهی رابطه مستقیم معنادار و مثبت وجود دارد و عامل اثربخش

۶۰. تَعْرِفُ نَفْسَكَ بِهٖ وَا لَا تَعْرِفُ نَفْسَكَ بِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِكَ؛ توسط خدا به خودت معرفت می‌یابی، نه توسط خودت و از جانب خودت.

61. Sisk, D.A.

62. inner knowing.

63. deep intuition.

64. oneness.

65. wholeness.

66. Zohar, D.

67. Marshall, I.

خداآگاهی توان پیش‌بینی خودآگاهی را دارد؛ یعنی هنگامی که خداآگاهی افراد بالاتر می‌رود، میزان خودآگاهی آنان نیز افزایش می‌یابد.

پژوهش‌های انجام‌گرفته در حوزه خداانگاره و باور به خدا نیز حاکی از نقش آن در فرایندهای روان‌شناختی مرتبط با خودآگاهی است. مطالعات لارنس (۱۹۹۷)، گرنکوویست<sup>۶۸</sup> (۲۰۰۲) و کرک‌پاتریک<sup>۶۹</sup> (۱۹۹۹) به نقل از بزرگی، (۱۳۸۳)، شاپ‌جانکر و همکاران (۲۰۰۲)، بنسون<sup>۷۰</sup> و اسپیلکا<sup>۷۱</sup> (۱۹۷۳)، اسپیلکا، ادیسون<sup>۷۲</sup> و روزنسون<sup>۷۳</sup> (۱۹۷۵)، تیزدل و همکاران (۱۹۹۷) به نقل از غباری‌بناب و حدادی کوهسار، (۱۳۸۹) و صادقی و همکاران (۱۳۸۷) نشان داده است که کیفیت تصور از خدا (خداانگاره افراد) با خداانگاره و چگونگی تصور از خود (خودپنداشت) و دیگر کارکردهای شخصیتی مرتبط با خود، مانند حرمت خود، همبستگی دارد و بر همدیگر تأثیر می‌گذارند. پژوهش‌های متعدد غباری‌بناب و حدادی کوهسار (۱۳۸۸ و ۲۰۱۰)، ریان (۲۰۰۱) و فلانلی و همکاران (۲۰۱۰) نشان داد که چگونگی باور و توصیف خدا، به همان‌گونه، در خود نیز تأثیر دارد. نوع پنداشت از خود و به تبع آن، آثار روان‌شناختی این تصویرسازی را می‌توان از کیفیت انگاره افراد از خدا پیش‌بینی کرد.

گرینوی و همکاران (۲۰۰۳) فرضیه‌هایی، مثل ارتباط درک حضور خدا در زندگی روزمره با احساس بهزیستی، را مورد آزمون قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های شخصیتی و بازنمایی‌های درونی شخصی از خدا می‌تواند اثر متقابل داشته باشند و چگونگی درک خود بر چگونگی احساس خدا اثر می‌گذارد. آنان همچنین به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های شخصیتی منفی همراه با ناشایستگی فرد و افسردگی با تصویر ذهنی منفی از خداوند در ارتباط هستند. افراد با اعتماد به نفس پایین و کسانی که شایستگی‌های خود را پایین می‌دیدند، خداوند را تنبیه‌کننده تصور می‌کردند. پذیرش و دوست داشتن خود نیز با احساس اینکه خداوند از انسان‌ها مواظبت می‌کند و نسبت به نیازهای آنان حساس است، همبستگی دارد. بنابراین، خود و خدا، یا به عبارت دیگر، خودآگاهی و خداآگاهی با هم ارتباطی ناگسستنی دارند.

68. Granqvist, P.

69. Kirkpatrick, L.A.

70. Benson, P.

71. Spilka, B.

72. Addison, J.

73. Rosensohn, M.

خودآگاهی در سلامت روانی افراد نیز نقش قابل توجهی را ایفا می‌کند. سلامت و اختلال روانی انسان با چگونگی شناخت خود و میزان خودآگاهی‌اش مرتبط است. پژوهش‌های براون<sup>۷۴</sup> و رایان<sup>۷۵</sup> (۲۰۰۳) و قربانی و همکاران (۲۰۰۳، ۲۰۰۸ و ۱۳۸۴) فرایندهای خودآگاهی، چون خودهشیاری شخصی، بهشیاری و خودشناسی انسجامی، را در ارتقای سلامت روانی و بهبود اختلالات روانی اثربخش توصیف نموده‌اند. در تحقیق آزمایشی احمدی میکاییلی منیع، خویی و زارع (۱۳۹۰) و آقاسی و آقایی (۱۳۹۰) آموزش مهارت خودآگاهی بر سلامت روانی افراد تأثیر داشت و میزان اضطراب و افسردگی و سایر نشانگان اختلالات روانی را کاهش داد. شاه‌محمدی، قربانی و بشارت (۱۳۸۵، ص ۱۴۶) نیز شواهد پژوهشی و بالینی متعددی (از جمله اسکافل، ۱۹۷۸؛ استوارت، ۱۹۸۳؛ کویل و ویلیام سون، ۱۹۹۰؛ باد، ۱۹۹۳؛ کروگر و همکاران، ۱۹۹۶؛ جانسون، ۱۹۹۷؛ وینشتاین، ۲۰۰۱؛ کلاگزبرون، ۲۰۰۱ و اوانز و کلی، ۲۰۰۴) برای نقش مثبت این نوع فرایندها در مدیریت تنیدگی و سبک‌های دفاعی سالم و مقابله مؤثر ذکر می‌کنند. در پژوهش شاه‌محمدی، قربانی، بشارت و نصرت‌آبادی (۱۳۸۸)، که فرایندهای خودشناختی میزان سرزندگی افراد را در شرایط پراسترس دوره امتحانات پیش‌بینی کرد، میزان بالای خودآگاهی سرزندگی افزون‌تری را به همراه داشت. موسوی و قربانی (۱۳۸۵) نیز دریافتند که خودشناسی انسجامی، برخلاف خودانتقادی، با آسیب‌های شخصیتی و نشانگان آسیب‌های روان‌شناختی ارتباطی معکوس دارد و توان پیش‌بینی آن بیشتر است.

«هویت»<sup>۷۶</sup> بازنمودی بیرونی و مفهومی از خود و بازگوکننده چگونگی موجودیت شخصی افراد در نظام هستی است. هویت با «خود»<sup>۷۷</sup> یا «من»<sup>۷۸</sup> انسانی مناسبت تنگاتنگی دارد. افراد به کمک هویت به تعریفی از خویشان می‌رسند، که اگر این تعریف با واقعیت اجتماعی آنان در تعارض باشد، حالت‌هایی چون ناپختگی، تنیدگی و فشار روانی و مشکلات رفتاری را تجربه می‌کنند. هویت میان تصور فرد از خودش، به عنوان یک فرد بی‌نظیر و دارای ثبات، و تصور دیگران از او یکپارچگی و هماهنگی ایجاد می‌کند. افرادی که احساس هویت قوی دارند، خود را شخصی متمایز و مستقل از دیگران، با نقش‌ها و

74. Brown, K.W.

75. Ryan, R.M.

76. identity.

77. self.

78. ego.

ویژگی‌های فردی، مذهبی، قومیتی و اجتماعی خاص می‌دانند. افراد هویت یافته به خوبی می‌توانند جایگاه خود را در عرصه زندگی تعیین کنند و در طول زندگی، چه در عرصه فردی و چه در عرصه اجتماعی، جهت‌گیری‌های روشنی دارند. این هویت شکل یافته به افکار، احساسات و رفتارهای فرد رنگ‌وبوی ویژه و پایداری می‌بخشد.

نظریهٔ اریکسون<sup>۷۹</sup> در تحول شخصیت و هویت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. تلاش‌های او برای روشن کردن موضوع هویت از دیدگاه نظری موجب شده است تا نام این نظریه‌پرداز با هویت مترادف شود. هویت یک مفهوم سازمان یافته از خود است که از ارزش‌ها، باورها و اهدافی که فرد بدان پایبند است، تشکیل شده است. از نظر وی (۱۹۶۸) آدمی، به ویژه در ایام نوجوانی که با بحران هویت همراه است، در جریان تعامل با واقعیت بیرونی، دید خود را به جهان توسعه می‌بخشد؛ این توسعه با تفسیری عقیدتی همراه است. بدون تفسیر عقیدتی از جهان هستی، «من» نوجوان تجارب متناسب با ظرفیت‌های ویژه خود را نمی‌تواند توسعه دهد و سازماندهی کند. از نظر اریکسون عوامل مختلفی، از جمله مذهب (هویت مذهبی)، در شکل‌گیری هویت «من» تأثیر دارد (رحیمی‌نژاد و منصور، ۱۳۸۰، ص ۴۷۸). فرایند هویت‌یابی زمانی به هدف می‌رسد که فرد بتواند بگوید: «من کیستم» و رویکرد او متوجه آینده باشد. نوجوان به این هدف نایل نمی‌شود، مگر آنکه به نظام ارزشی، مذهب، نگرش سیاسی و اهداف حرفه‌ای متعهد شود و شروع به ایجاد فلسفه‌ای برای زندگی خود کند (کلانسر<sup>۸۰</sup>، ۱۹۹۶ به نقل از شکرکن، نجاریان، امیدیان و حقیقی، ۱۳۸۰، ص ۷۴). بنابراین، مذهب زمینه را برای کشف و تعهد هویت از طریق پیشنهاد کردن مفاهیم ایدئولوژیکی، اجتماعی و معنوی فراهم می‌کند و ساختار هویتی هر فرد از مذهب تأثیر می‌پذیرد. هویت پایدار دینی به معنای دستیابی به یک تعریف منسجم دینی از خود است. انتخاب آگاهانه و آزادانه ارزش‌ها، باورها و هدف‌های زندگی مشخصه اصلی این هویت است؛ به این معنا که فرد کیستی خود را بیابد، بداند چه چیزهایی برای او ارزش به حساب می‌آیند و چه راه‌هایی برگزیده است که در زندگی پی‌گیری کند. می‌توان هویت را از یک منظر نگرش به خود دانست؛ خودی که به جنبه‌های «من»

79. Erikson, E.

80. Klanser, L.

شخص اشاره دارد و معمولاً مشتمل بر ادراکات و احساسات فرد در مورد بدن و شکل ظاهری، صلاحیت‌ها و شایستگی‌های شخصی، توانمندی‌ها و استعدادها، سلیق و علایق اوست (هویت فردی). هویت از منظری دیگر، نگرش به بیرون و رابطه بین خود و دیگران و محیط است (هویت اجتماعی، قومیتی، ملی، شغلی و فرهنگی). از منظر والاتر، هویت نگرش به جهان هستی و عالم غیب است که رابطه بین خود و خدا از ارکان اصلی آن محسوب می‌شود (هویت دینی). احساس‌ها و رفتارهای ما نیز تحت تأثیر این سه نوع نگرش هستند و بر اساس آن‌ها جهت‌گیری، نمود و بروز بیرونی پیدا می‌کنند. پژوهش‌های انجام‌گرفته در مورد هویت را می‌توان در سه وهله (۱) ارتباط هویت با مذهب و خداآگاهی، (۲) رابطه آن با خودآگاهی و دیگر کنش‌وری‌های بهینه روان‌شناختی و شخصیتی و (۳) نقش آن در سلامت روانی بررسی کرد. پژوهش‌های بسیاری (همچون واتسون<sup>۸۱</sup> و موریس<sup>۸۲</sup>، ۲۰۰۵ و کینگ<sup>۸۳</sup>، ۲۰۰۳) بر این موضوع صحه گذاشته‌اند که مذهب و معنویت پیوند نزدیکی با هویت دارند. فولتن (۱۹۹۷) به نقل از رحیمی‌نژاد و منصور، (۱۳۸۰، ص ۴۸۲) طی مطالعه‌ای رابطه هویت‌یافتگی و جهت‌گیری مذهبی درونی را تأیید کرده است. پژوهش مساح، کاظمی و قربانی (۱۳۹۱) نشانگر ارتباط معنادار ابعاد هویت و جهت‌گیری مذهبی، به‌ویژه جهت‌گیری مذهبی درونی، بود. دهشیری (۱۳۸۷) نشان داد که بین دین‌داری و بحران هویت رابطه معکوسی وجود دارد؛ به طوری که هرچه دین‌داری بیشتر باشد، میزان بحران هویت کمتر است. طبق پژوهش واتسون، مورس، هود<sup>۸۴</sup>، میلیون<sup>۸۵</sup> و استاتس<sup>۸۶</sup> (۱۹۹۸) نیز افرادی که علاقه به دین دچار «گم‌گشتگی هویتی»<sup>۸۷</sup> بودند.

بر اساس نتایج پژوهش برجلی و همکاران (۱۳۹۲) ۲۳/۹٪ هویت فردی بر اساس جهت‌گیری مذهبی افراد قابل پیش‌بینی است. پدرسون<sup>۸۸</sup> (۲۰۰۰) در پژوهش خود چنین نتیجه‌گیری کرد که «خودهویتی معنوی»<sup>۸۹</sup> مشخصه بارز تعیین هویت است. شاکری‌نیا (۱۳۸۹) نیز هویت مذهبی را پیش‌بین مطلوبی برای سلامت روانی دانست و به دست آورد که افرادی که در مراسم معنوی اعتکاف شرکت می‌کنند در متغیرهای هویت مذهبی، نگرش مذهبی، سرسختی روان‌شناختی و سلامت روانی وضعیت بهتری از دیگران داشتند

81. Watson, P.J.

82. Morris R.J.

83. King, P.E.

84. Hood, Jr., R.W.

85. Milliron, J.T.

86. Stutz, N.L.

87. Identity confusion.

88. Pederson, M.

89. spiritual self-identity.



و تفاوت بین آنان معنادار بود. پژوهش رجایی، بیاضی و حبیبی پور (۱۳۸۸) نیز نشان داد که باورهای اساسی دینی با بحران هویت رابطه منفی دارد و می‌تواند آن را پیش‌بینی کند. رول<sup>۹۰</sup> (۲۰۰۸) با بررسی رشد معنوی در مدارس عمومی و مذهبی به ارتباط بین معنویت با عواملی مانند جامعه، هویت و شخصیت دست یافت. نورعلیزاده میانجی در تحقیق خود (۱۳۹۱) به این نتیجه رسید که با افزایش سطح دانش دین‌شناختی (تحصیلات علوم اسلامی)، که دین‌داری افراد را به تدریج درونی‌تر، پایدارتر و خداآگاهانه‌تر می‌کند، میزان خودآگاهی آنان نیز افزایش می‌یابد. بر این اساس، تحول شخصیت و هویت‌یابی به رشد یکی از ابعاد مهم انسان، یعنی بُعد دینی و معنوی، نیازمند است.

در جمع‌بندی مجموعه مطالعات موجود در این زمینه (مانند پدرسون، ۲۰۰۰ و مک‌لین<sup>۹۱</sup>، واکر<sup>۹۲</sup> و ماتسوبا<sup>۹۳</sup>، ۲۰۰۴) به این نتیجه کلی می‌رسیم که اگر آثار روان‌شناختی (چون هویت‌یافتگی) برای دین‌داری باشد، بیشتر برای دین‌داری خالصانه و خداآگاهانه (جهت‌گیری مذهبی درونی) است و تجربه‌های مذهبی در میان چنین افرادی رایج‌تر است. آرگایل (۲۰۰۰ و ۲۰۰۲) در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسید که وجوه مختلف تجربه مذهبی با جنبه‌های شخصیت همبستگی دارند (کار، ترجمه شریفی، نجفی زند و ثنایی، ۱۳۸۵، ص ۴۰۹). هویت دینی یا مذهبی پس از تحکیم ارتباط انسان با پروردگار متعال، در وجود انسان شکل می‌گیرد. این ارتباط جز با وجود گرایش‌های خدامحورانه به صورت واقعی پدید نمی‌آید. به نظر می‌رسد که دین‌داری غیرخالصانه و غیر خداآگاهانه باید هویت متعارضانه و بحرانی داشته باشد؛ چراکه این‌گونه جهت‌گیری‌ها در تعارض با گرایش‌های ذاتی و فطری درونی قرار می‌گیرند و با آثار متناقض و منفی همراه خواهند بود. نتایج برخی از پژوهش‌ها (مانند واتسون و همکاران، ۱۹۹۸) آثار منفی را برای جهت‌گیری مذهبی بیرونی و مصلحت‌گرایانه (با تمایل به استفاده منفعت‌طلبانه از مذهب برای اهداف دیگر) نشان داده است. تقی‌یاره، مظاهری و آزادفلاح (۱۳۸۴) نیز نتیجه‌گیری کردند که جهت‌گیری مذهبی درونی و دلبستگی ایمن به خدا پیش‌نیاز دستیابی به تحول من و تحول دینی است.

90. Revell, L.

91. Maclean, A.M.

92. Walker, L.J.

93. Matsuba, K.

از نظر کینگ (۲۰۰۳) بافت دینی احساس هویتی فراتر و متعالی‌تر از «خود» و دغدغه برای داشتن شایستگی اجتماعی را توسعه می‌دهد. در پژوهش خاکشور، غباری‌بناب و شهبابی‌زاده (۱۳۹۲) به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری، هویت مذهبی میانجی‌گر مناسبی برای ارتباط علی بین خداانگاره و معنای زندگی (یکی از مؤلفه‌های مهم هویت‌یابی و سلامت روانی) شناخته شد. در بین خرده‌مقیاس‌های خداانگاره، تعلق‌پذیری و حضور خدا بهترین و بیشترین تبیین‌ها را به خود اختصاص داد؛ یعنی با داشتن خداانگاره و تصور مثبت از خدا و با یافتن خود در پیشگاه خدا، هویت مذهبی شکل می‌گیرد و در نتیجه زندگی فرد معنادار می‌شود. معناداری زندگی از راه کاهش اضطراب وجودی موجب کاهش اضطراب مرضی و روزمره می‌شود و سلامت روانی را افزایش می‌دهد. پژوهش‌ها نشان داده است که افراد مذهبی با درک حقیقت هستی و وجود خویشتن از اضطراب وجودی کمتر و معناداری بیشتری برخوردارند (نورعلیزاده میانجی و جان‌بزرگی، ۱۳۸۹، ص ۳۸). افراد دین‌دار با خداآگاهی مانع از خودبیگانگی و خلأ وجودی خود می‌شوند و در نتیجه کمتر از افراد غیرمتدین به اضطراب و سایر اختلالات روانی مبتلا می‌گردند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۲۲۵)؛ چراکه مانند آنان به نشانه‌های الهی در خود بی‌توجهی نمی‌کنند و نمی‌پندارند که وجودشان بیهوده آفریده شده و به خدا نمی‌پیوندند.<sup>۹۴</sup> در واقع خداآگاهی و غفلت از مبدأ و معاد موجب ناآگاهی از خود و هویت اصیل خود می‌شود. نتیجه این فرایند احساس پوچی، خلأ وجودی یا ناکامی وجودی است که باعث می‌شود زندگی و مسائل آن سخت و استرس‌زا تجربه شوند (طه: ۲۴). شاید به همین دلیل باشد که فرانکل تنها پناهگاه ایمن در بحران وجودی را دین می‌داند؛ فقط در این پناهگاه است که شخص می‌تواند با لایزال ارتباط برقرار کند و به احساس ایمنی و آرامش دست یابد (محمدپور، ۱۳۸۵، ص ۳۷).

مناسبات هویت‌یافتگی با کنش‌وری بهینه روان‌شناختی و شاخص‌های سلامت روانی نیز از دیرباز مورد توجه پژوهشگران بوده است. از سوی واترمن<sup>۹۵</sup> (۱۹۹۲) طی مروری بر مطالعات انجام‌شده رابطه هویت‌یافتگی را با حرمت خود (عزت نفس) بالا، اضطراب و

۹۴. «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ؛ آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده‌ایم و به‌سوی ما باز

نمی‌گردید!؟» (مؤمنون: ۱۱۵).

افسردگی پایین، هدفمند بودن، همکاری و کمک به دیگران و ظرفیت صمیمیت بالا گزارش کرده است. از سوی دیگر کروگر<sup>۹۶</sup> (۱۹۹۶) با اشاره به نتایج پژوهش‌های مختلف، رابطه سردرگمی هویت را با حرمت خود پایین، سطح بالای ناامیدی، فاصله گرفتن از دیگران و انزوای طلبی گزارش کرده است. وستمن<sup>۹۷</sup> (۱۹۹۲) در پژوهش خود ارتباط بین اضطراب وجودی و هویت سردرگم را به دست آورد. در برخی مطالعات بالاترین میزان حالت اضطراب در گروه بحران زده هویتی بوده است (به نقل از رحیمی نژاد و منصور، ۱۳۸۰، ص ۴۸۰ و ۴۸۱). در پژوهش رحیمی نژاد و منصور (۱۳۸۰) نفی هویت مذهبی با سطح اضطراب فزون یافته و کاهش حرمت خود ارتباط داشت. تحقیق حمید، گلستانی پور و کریم نژاد (۱۳۹۲) حاکی از توان پیش‌بینی سلامت روانی افراد از طریق هویت دینی آنان بود. مطالعات علیجانی (۱۳۸۵) و شریفی، شکرکن، احدی و مظاهری (۱۳۸۸) نشان داد که هویت دینی افراد با سلامت روانی آنان همبستگی معناداری دارد؛ هرچه افراد از لحاظ هویت دینی در سطح بالاتری قرار داشته باشند، کمتر دچار اختلالات روانی (وسواس، اضطراب، خصومت، فوبی، پارانوئیا و روان‌پریشی) می‌شوند.

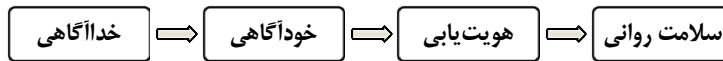
نتایج پژوهش نجارپور استادی (۱۳۸۷) نشان داد که افراد دارای جو عاطفی خانوادگی مساعد، خودپنداره مثبت، حرمت خود و پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا داشته‌اند و از نظر شکل‌گیری هویت و احساس هویت شخصی بهتر از دیگران هستند. رحیمی نژاد و منصور (۱۳۸۰) در کنار گزارش خود از نتایج پژوهش‌های بسیاری که درباره ارتباط هویت با حرمت خود و سلامت روانی انجام گرفته است، با استناد به یافته خود در این زمینه، اظهار داشتند که بین هویت‌یافتگی و حرمت خود بالا و سطح اضطراب پایین همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج آنان نشان داد که به میزان ارتقای سال‌های تحصیلی، دانشجویان از حالت دنباله‌روی و بحران‌زدگی هویتی به سمت افزایش هویت‌یافتگی حرکت می‌کنند. به میزانی که در بحران‌زدگی و سردرگمی هویتی به سر می‌برند، اضطراب بیشتری تجربه می‌کنند؛ اما وقتی به هویت‌یافتگی می‌رسند، سطح اضطراب آنان کاهش می‌یابد. بنابراین، افراد هویت‌یافته در مقابل افراد سردرگم و بحران‌زده، از بالاترین سطح سلامت و بهداشت روانی برخوردارند.

اُچز<sup>۹۸</sup> و پلاگ<sup>۹۹</sup> (۱۹۸۶) در پژوهش خود با بررسی نظریهٔ رشد شخصیتی اریکسون، که یکی از مراحل مهم آن احساس هویت است، به این نتیجه دست یافتند که رشد روانی اجتماعی با بهزیستی روانی ارتباط دارد. هرچه افراد بحران‌های هویت را زودتر حل کنند، به احساس هویت شخصی و در نتیجه به درجه بالاتری از سلامت و بهزیستی روانی می‌رسند. آقامحمدیان و شیخ‌روحانی (۱۳۸۸) به دست آوردند که اضطراب افرادی که در پایگاه‌های فاقد تعهد به هویت هستند، به‌طور معناداری بالاتر از اضطراب افرادی است که به هویت مشخصی متعهد شده‌اند؛ یعنی داشتن چنین هویتی مانع از ابتلا به اضطراب می‌گردد. پژوهش شمسایی، نیکخواه و جدیدی (۱۳۸۵) نیز نشان داد که بین احساس هویت و هوش هیجانی و رضایت زناشویی رابطه معنادار وجود دارد.

بیشتر مطالعات انجام‌شده در مورد عوامل مؤثر بر سلامت روانی، به بررسی ارتباط ساده دو یا چند متغیر پرداخته‌اند و در مجموع پژوهش‌های اندکی در این حوزه یافت می‌شود که با این نگاه به تحلیل مدل علی پرداخته باشند که در مسیر خداآگاهی تا سلامت روانی، متغیرهای میانجی خودآگاهی و هویت‌یابی را با رویکرد اسلامی بررسی کرده باشند. بنابراین، ضروری است که مدل علی بین خداآگاهی و سلامت روانی، با میانجی‌گری متغیر خودآگاهی و سپس هویت، از طریق الگوی تحلیل مسیر ترسیم شود و برآزش آن مورد تجزیه و تحلیل و آزمون آماری قرار گیرد. از این رو با توجه به پشتیبانی پیشینه مطالعات علمی و اسلامی در حوزه ارتباط‌هایی که (۱) خداآگاهی با سلامت روانی، (۲) خداآگاهی با خودآگاهی، (۳) خودآگاهی با هویت‌یابی، (۴) خودآگاهی با سلامت روانی و (۵) هویت‌یابی با سلامت روانی دارند، می‌توان این فرضیه پژوهشی را ارائه کرد که متغیرهای خودآگاهی و هویت‌یابی می‌توانند متغیر میانجی بین خداآگاهی و سلامت روانی باشند و مسیر علی بین این دو متغیر اساسی را هدایت و پیش‌بینی کنند. بدین صورت که خداآگاهی موجب خودآگاهی افراد می‌شود و در شکل‌گیری هویت آنان ایفای نقش می‌کند و در نتیجه بر سلامت روانی آنان تأثیر می‌گذارد. این پژوهش به هدف مدل‌یابی علی و با روش تحلیل مسیر، تبیین سازوکار اثرگذاری و آزمون نقش خودآگاهی و هویت در فرایند

تأثیر خداآگاهی در سلامت روانی انجام می‌گیرد. مدل فرضی این تحلیل مسیر به شکل زیر ترسیم می‌شود:

نمودار ۱- مدل فرضی و اولیه تحلیل مسیر خداآگاهی تا سلامت روانی



روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع مدل‌یابی علی به شیوه تحلیل مسیر است. تحلیل مسیر کاربردی از تحلیل رگرسیون چندگانه است که داده‌های آن به شیوه همبستگی به دست آمده‌اند و برای سنجش اثرهای مستقیم و غیرمستقیم برخی از متغیرها، که علت سایر متغیرها فرض می‌شوند، کاربرد دارد (میرز، گامست و گارینو، ترجمه شریفی، فرزاد، رضاخانی، حسن‌آبادی، ایزانلو و حبیبی، ۱۳۹۱، ص ۶۸۶). برای بررسی میانجی‌گری خداآگاهی و هویت‌یابی در ارتباط بین خداآگاهی و سلامت‌روانی و برآزش مدل علی از تحلیل مسیر با نرم‌افزار لیزرل (LISREL) استفاده شد.

جامعه آماری این پژوهش را کل دانش‌پژوهان مقطع کارشناسی (۵۳۵ نفر مرد) موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰ تشکیل می‌دهند. با استفاده از جدول مورگان<sup>۱۰۰</sup>، حجم نمونه تعداد ۲۲۵ نفر تعیین شد و به روش تصادفی خوشه‌ای با واحد نمونه گروه کلاس، از کلیه رشته‌ها نمونه‌گیری به عمل آمد. میانگین سنی نمونه‌ها حدود ۲۸ سال و انحراف استاندارد ۳/۸۱ بود. نمونه‌ها همزمان با اشتغال به تحصیل در حوزه علمیه قم (سطح ۲ و ۳)، در یکی از رشته‌های علوم انسانی نیز مشغول بودند.

ابزارهای پژوهش

**الف) مقیاس خداآگاهی:** این مقیاس را در سال ۱۳۹۰ نورعلیزاده میانجی به پشتوانه تحلیل‌های نظری و دین‌شناختی سازه خداآگاهی و آموزه‌های وحیانی و مستندهای اسلامی (قرآنی و حدیثی) جامع‌نگر و با رعایت اصول آزمون‌سازی در ۲۵ ماده و با پاسخ‌نامه‌ای به صورت چهار درجه‌ای لیکرتی تهیه کرده است. نمونه‌ای از گویه‌های این مقیاس عبارت است از: «همیشه خداوند برایم حاضر است» و «خدا آن اندازه به من نزدیک است که در راز و

نیازهایم احساس همنشینی و انس با او دارم». مقیاس خداآگاهی به سه شیوهٔ روایی محتوایی<sup>۱۰۱</sup> و صوری بر اساس کارشناسی متخصصان در حوزهٔ دینی و روان‌شناسی، روایی ملاکی<sup>۱۰۲</sup> با خرده مقیاس حضور خداانگاره<sup>۱۰۳</sup> لارنس (۱۹۹۷)، به میزان توافق بالای (r=۰/۷۰۸) و روایی سازه با بررسی ساخت درونی آن روایی‌سنجی شد و هر یک از گزاره‌ها همبستگی معنادار و مطلوبی با نمره کل داشتند. اعتباریابی این مقیاس به سه شیوهٔ بازآزمایی (r=۰/۷۷) همسانی درونی آلفای کرونباخ (۰/۹۰۵) و دونیمه‌سازی (با ضریب اسپرمن - براون و گاتمن، برابر با ۰/۹۱) انجام گرفت. در نتیجه مقیاس خداآگاهی از ویژگی‌های روان‌سنجی (اعتبار<sup>۱۰۴</sup> و روایی<sup>۱۰۵</sup>) رضایت‌بخش و در سطح بالایی برخوردار است.

**ب) مقیاس سلامت روانی «SCL-25»:** مقیاس سلامت روانی، یا به تعبیر دقیق‌تر، چک‌لیست نشانگان اختلالات روانی (SCL) یکی از رایج‌ترین مقیاس‌های سنجش آسیب‌های روانی است. «SCL-25» فرم کوتاه‌شدهٔ «SCL-90-R» است که نجاریان و داودی (۱۳۸۰) آن را تهیه و اعتباریابی کرده‌اند. این مقیاس روی یک طیف پنج درجه‌ای از صفر تا چهار ثبت می‌شود و هرچه نمره‌های فرد پایین‌تر باشد، نشانگر میزان سلامت روانی او خواهد بود. همسانی درونی آن از طریق محاسبهٔ آلفای کرونباخ ۰/۹۷ به دست آمده است. ضریب اعتبار به شیوهٔ بازآزمایی در یک نمونه ۳۱۲ نفری دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، به فاصلهٔ پنج هفته‌ای برابر با  $r = 0/78$ ,  $p < 0/01$  گزارش شد. روایی وابسته ملاک از طریق محاسبه همبستگی SCL-25 با مقیاس اضطراب عمومی (ANQ)  $r = 0/69$ ,  $p < 0/01$  و سرسختی افسردگی بک  $r = 0/49$ ,  $p < 0/01$  کمال‌گرایی اهواز  $r = 0/66$ ,  $p < 0/01$  و سرسختی روان‌شناختی  $r = -0/56$ ,  $p < 0/01$  معنادار بود. در پژوهش کاظمیان مقدم و مهرابی‌زاده (۱۳۸۸) آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۳ و در روش دو نیمه‌سازی ۰/۸۸ به دست آمد.

**ج) مقیاس خودشناسی انسجامی:** برای سنجش متغیر خودآگاهی از مقیاس خودشناسی انسجامی<sup>۱۰۶</sup>، که قربانی، واتسون و هرگیس<sup>۱۰۷</sup> در سال ۲۰۰۸ تهیه کرده‌اند، استفاده شد. این مقیاس محصول بازنگری در فرم پیشین مبتنی بر نظریه دو وجه

101. content validity. 102. criterion related. 103. presence subscale God image.  
104. reliability. 105. validity. 106. scale integrative self-knowledge.  
107. Hargis, M.B.

خودشناسی تجربه‌ای و تأملی ساخته‌شده قربانی و همکاران (۲۰۰۳) است، که هر دو وجه را به صورت منسجم با ۱۲ گویه در مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرتی می‌سنجد. بررسی‌های میان‌فرهنگی در ایران و امریکا حکایت از روایی سازه و ملاک (هم‌گرا، افتراقی و افزایشی یا پیش‌بین با مقیاس‌هایی چون حرمت خود، خودهشیاری شخصی، خودتأملی، آگاهی از خود و بهشیاری) این مقیاس دارد. در بررسی اعتبار این مقیاس در نمونه‌های ایرانی آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد؛ در پژوهش تیبک (۱۳۸۹) نیز همین میزان به دست آمد و در پژوهش شاه‌محمدی و همکاران (۱۳۸۵) آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۴ گزارش شده است.

**د) آزمون احساس هویت:** آزمون احساس هویت شخصی جزئی از مقیاسی است که اُچز و پلاگ (۱۹۸۶)، بر اساس نظریه اریکسون، برای تمام مراحل رشد شخصیتی ساخته‌اند. این پرسش‌نامه ۱۹ گویه چهارگزینه‌ای دارد و نمره بالایی ۵۷ نشان‌دهنده هویت‌یافتگی است. هرچه نمره آزمودنی از ۵۷ بیشتر باشد، احساس هویت او بیشتر و هر چه نمره او از ۵۷ کمتر باشد، احساس هویت او کمتر خواهد بود. این مقیاس در فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف پایایی داشته است. دارابی (۱۳۷۶) با بررسی روایی و اعتبار این آزمون، همسانی درونی آن را ۰/۸۱ به دست آورد. در گزارش شمسایی و همکاران (۱۳۸۵) اعتبار این آزمون با روش بازآزمایی در ۶۵ آزمودنی، به فاصله سه هفته بررسی شد و ضریب همبستگی آن برابر ۰/۸۱ و با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمد.

#### یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌های آماری بر اساس ضریب همبستگی پیرسون، ارتباط ساده و دو به دو بین همه متغیرها را در سطح  $p < 0/01$  معنادار نشان می‌دهد. وجود این همبستگی‌ها، آمادگی داده‌ها را برای تحلیل‌های پیچیده بین متغیرها نشان می‌دهد. ماتریس همبستگی بین متغیرها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- ماتریس همبستگی‌ها بین متغیرهای پژوهش به همراه شاخص‌های توصیفی

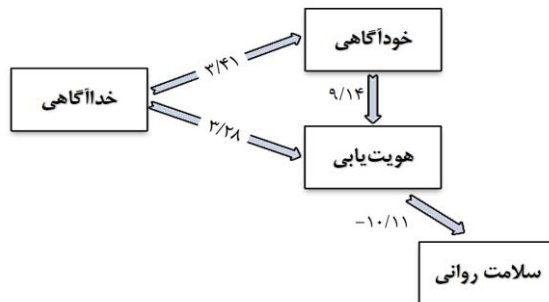
| متغیرها       | میانگین | انحراف استاندارد | کمینه | بیشینه | ضریب‌های همبستگی |         |         |   |
|---------------|---------|------------------|-------|--------|------------------|---------|---------|---|
|               |         |                  |       |        | ۱                | ۲       | ۳       | ۴ |
| ۱ خداآگاهی    | ۷۷/۶۷   | ۹/۳۴۹            | ۵۳    | ۱۰۰    |                  |         |         |   |
| ۲ خودآگاهی    | ۳۳/۳۴   | ۷/۸۹۷            | ۸     | ۴۸     | ۰/۳۰۹**          |         |         |   |
| ۳ هویت‌یابی   | ۵۵/۰۳   | ۸/۴۰۱            | ۳۱    | ۷۵     | ۰/۳۷۲**          | ۰/۶۰۷** |         |   |
| ۴ سلامت روانی | ۲۱/۳۲   | ۱۲/۹۹۵           | ۰     | ۶۵     | ۰/۲۰۶**          | ۰/۵۰۱** | ۰/۵۷۷** |   |

\*\*  $p < 0.01$

بررسی شد که آیا در مدل ارائه‌شده متغیرهای خودآگاهی و هویت‌یابی می‌توانند واسطه ارتباط بین خداآگاهی و سلامت روانی قرار بگیرند. در مرحله اول، چون با حضور متغیر خودآگاهی، مسیر متغیر سوم (سلامت روانی) نسبت معناداری خود به خداآگاهی را از دست می‌دهد، متغیر پیش‌بین دوم (خودآگاهی) حکم میانجی‌گر را دارد. در مرحله دوم نیز با حضور متغیر هویت‌یابی، چون معناداری مسیر خودآگاهی به سلامت روانی از بین می‌رود، متغیر پیش‌بین سوم (هویت) حکم میانجی‌گر بعدی را دارد. با حضور هر دو متغیر میانجی، همچنان مسیر مستقیم بین متغیر برون‌زا یا مستقل (خداآگاهی) و متغیر درون‌زا یا وابسته (سلامت روانی) معنادار نیست؛ بنابراین، الگوی مسیر مورد تأیید قرار می‌گیرد. دقت شود که علامت منفی در نمرات سلامت روانی در همه جدول‌ها و نمودارها به معنای نبود نشانگان اختلال روانی است.

برآزش مدل ارائه‌شده در الگوی تحلیل مسیر بررسی شد. نمودار مسیر میانجی‌گری خودآگاهی و هویت‌یابی بین خداآگاهی و سلامت روانی پس از محاسبه ضرایب مسیر با نرم‌افزار لیزرل و معناداری مسیرها بر اساس  $t$ ، در نمودار ۲ نشان داده شده است.

نمودار ۲- مدل علی خداآگاهی تا سلامت روانی در الگوی تحلیل مسیر





Chi-Square=3.13, df=2, P-value=0.20917, RMSEA=0.060

پس از برآورد پارامترها، مناسب بودن و برازش الگو اندازه‌گیری شد. از مجموع آماره‌های برازش چهار شاخص GFI، CFI، AGFI، RMSEA و Chi-Square از اهمیت بیشتری برخوردارند. نتیجه شاخص‌های آزمون برازندگی مدل، به همراه دامنه مورد قبول آن‌ها، در جدول ۲ آمده است.

| نتیجه | مقدار | دامنه مورد قبول | شاخص                                  |
|-------|-------|-----------------|---------------------------------------|
| رد    | ۳/۱۳  | $P > 0.05$      | شاخص مجذور کای (Chi-Square)           |
| -     | ۲     | -               | درجه آزادی (df)                       |
| تأیید | ۰/۰۶۰ | $RMSEA < 0.10$  | خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) |
| تأیید | ۰/۹۹  | $GFI \geq 0.90$ | شاخص نیکویی برازش (GFI)               |
| تأیید | ۰/۹۵  | $AGFI > 0.90$   | شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI)  |
| تأیید | ۰/۹۸  | $NFI > 0.90$    | شاخص برازش هنجار شده (NFI)            |
| تأیید | ۰/۹۹  | $CFI > 0.90$    | شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)            |
| تأیید | ۰/۹۹  | $IFI > 0.90$    | شاخص برازش افزایشی (IFI)              |

شاخص مجذور کای (Chi-Square) یک آماره برازش کلی مدل است که میزان تفاوت ماتریس مشاهده‌شده و برآوردشده را اندازه‌گیری می‌کند و عدم معناداری آن برازش الگو را نشان می‌دهد. در این پژوهش میزان آن با ارزش ۳/۱۳ با درجه آزادی (۲) و از ۰/۰۵ بالاتر است ( $P = 0.21$ )؛ به همین دلیل معنادار نیست. به دلیل اینکه شاخص ( $RMSEA = 0.06$ ) پایین‌تر از ۰/۱۰ است، نشان می‌دهد که مدل از برازش مناسب برخوردار است. شاخص‌های دیگر برازندگی چون GFI و AGFI هراندازه به ۱ نزدیک‌تر باشند، برازش کامل مدل را بهتر نشان می‌دهند و نشانگر این است که واریانس خطا یا تبیین نشده، که پس از برازش مدل باقی می‌ماند، قابل توجه نیست. بنابراین، نتیجه  $GFI = 0.99$  و  $AGFI = 0.95$  نشان از برازندگی بسیار خوب این الگو است (میرز و همکاران، ترجمه شریفی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۶۵۲-۶۵۴). همچنین شاخص‌های برازندگی هنجار شده (NFI) و مقایسه‌ای (CFI) و افزایشی (IFI) نیز، که مقادیر بسیار بالا و نزدیک به ۱ دارند، نشان می‌دهند که مدل کنونی در مقایسه با سایر مدل‌های ممکن، از لحاظ تبیین داده‌های مشاهده‌شده، خوب عمل کرده است و برازش خوبی دارد (هومن، ۱۳۹۱، ص ۲۳۴-۲۴۴). از این رو، بنابر نتایج نمودار ۲ و جدول ۲

خداآگاهی، با میانجی‌گری خودآگاهی و هویت‌یابی، در سلامت روانی تأثیر می‌گذارد و نقش پیش‌بین و علی آن، از طریق این دو متغیر معنادار است.

تفاوت میانگین نمرات دو گروه تحصیلی علوم اسلامی (سطح ۲ و ۳ حوزه، با درصد فراوانی به ترتیب ۵۱/۹ و ۴۸/۱)، که عمده شرکت‌کننده‌ها را تشکیل می‌دادند، در همه متغیرهای چهارگانه اندازه‌گیری و مقایسه تا روشن شود که میزان سن و سطح تحصیلات دین‌شناختی شرکت‌کنندگان تا چه اندازه می‌تواند نمره متغیرهای پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد و آیا گروه‌های مختلف در این متغیرها با هم متفاوت‌اند. چنانکه نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، تفاوت نمرات این دو گروه در همه متغیرها معنادار است؛ به این معنا که هر اندازه سطح تحصیل دین‌شناختی بالاتر می‌رود، میزان خداآگاهی ( $t = 2/05$  و  $p < 0/05$ )، خودآگاهی ( $t = 2/48$  و  $p < 0/05$ )، هویت‌یابی ( $t = 5/26$  و  $p < 0/001$ ) و سلامت روانی ( $t = 3/60$  و  $p < 0/001$ ) نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۳- آزمون t جهت مقایسه گروه‌های تحصیلی از نظر میزان متغیرهای چهارگانه

| متغیرها     | t     | درجه آزادی | سطح معناداری | تفاوت میانگین | تفاوت انحراف استاندارد |
|-------------|-------|------------|--------------|---------------|------------------------|
| خداآگاهی    | ۲/۰۵  | ۲۰۵        | ۰/۰۴۲        | ۲/۶۰          | ۱/۲۶۹                  |
| خودآگاهی    | ۲/۴۸  | ۲۰۵        | ۰/۰۱۴        | ۲/۶۳          | ۱/۰۶                   |
| هویت‌یابی   | ۵/۲۶  | ۲۰۵        | ۰/۰۰۰        | ۵/۸۱          | ۱/۰۴                   |
| سلامت روانی | -۳/۶۰ | ۲۰۵        | ۰/۰۰۰        | ۶/۱۳          | ۱/۷۰                   |

بر اساس جدول ۳، بیش‌ترین تفاوت در هویت‌یابی و سپس سلامت روانی افراد است؛ یعنی بالا رفتن سطح تحصیلی موجب شکل‌گیری بهتر هویت افراد می‌شود و سلامت روانی آنان را افزایش می‌دهد. همچنین یافته‌ها نشان‌دهنده این است که با افزایش سن، نمرات افراد در متغیرهای چهارگانه افزایش می‌یابد.

نتایج جدول ۴ حاکی از آن است که همبستگی سن با متغیرهای خودآگاهی ( $r = 0/20$ )، هویت‌یابی ( $r = 0/35$ ) و سلامت روانی ( $r = 0/31$ ) در سطح ( $p < 0/01$ ) معنادار است.

## از خداآگاهی تا سلامت روان: آزمون یک مدل با کاربرد تحلیل مسیر $\diamond$ ۲۷

جدول ۴- همبستگی سن افراد شرکت‌کننده با متغیرهای پژوهش

| سلامت روانی | هویت‌یابی | خودآگاهی | خداآگاهی |               |    |
|-------------|-----------|----------|----------|---------------|----|
| -.۰/۳۱۳**   | .۰/۳۵۱**  | .۰/۲۰۰** | .۰/۰۸۵   | میزان همبستگی |    |
| .۰/۰۰۰      | .۰/۰۰۰    | .۰/۰۰۲   | .۰/۱۰۸   | سطح معناداری  | سن |
| ۲۱۴         | ۲۱۴       | ۲۱۴      | ۲۱۴      | تعداد         |    |

\*\*P < ۰/۰۱

طبق جدول ۴، بیشترین نمره به هویت‌یابی و سپس سلامت روانی اختصاص دارد. چنانکه قابل پیش‌بینی بود، با افزایش سن افراد، هویت آنان بیشتر شکل می‌گیرد و به احساس افزون‌تری از هویت شخصی دست می‌یابند.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که نه تنها بین متغیرهای خداآگاهی، خودآگاهی، هویت‌یابی و سلامت روانی رابطه معنادار ساده و دوجه‌دو حاکم است، بلکه بین آن‌ها رابطه پیچیده‌ای در قالب مدل‌یابی علی وجود دارد که در یک الگوی تحلیل مسیر قابل تبیین است. با الهام از آیه شریفه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸) و به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال اساسی که خداآگاهی چگونه و با چه سازوکاری به سلامت روانی می‌انجامد، با پشتیبانی مبانی نظری اسلامی و پژوهش‌های انجام‌گرفته در حوزه‌های مرتبط، به دو متغیر مهم و بنیادی خودآگاهی و هویت‌یابی دست یافتیم که می‌توانند خداآگاهی را به سلامت روانی پیوند دهند و سازوکار بین آن‌ها را در طی فرایندی تبیین کنند.

برای بررسی اینکه آیا این دو متغیر قابلیت میانجی‌گری را در یک مدل علی و الگوی تحلیل مسیر خداآگاهی تا سلامت روانی دارند، ابتدا متغیر خودآگاهی و سپس هویت‌یابی وارد الگوی تحلیل مسیر شد. نتایج نشان داد که پس از ورود این دو متغیر، مسیر مستقیم خداآگاهی و خودآگاهی به سلامت روانی معناداری خود را از دست می‌دهد. بنابراین در چنین شرایطی خودآگاهی و هویت‌یابی قابلیت میانجی‌گری دارند و می‌توانند ارتباط بین متغیرهای اساسی پژوهش را تبیین کنند. این یافته با نظر محسنی (۱۳۷۵) و اولیو<sup>۱۰۸</sup> (۲۰۰۵) به نقل از اشلی<sup>۱۰۹</sup>، (۲۰۰۷، ص ۶ و ۷)، مبنی بر نقش خودآگاهی در میانجی‌گری تأثیر بسیاری از فرایندها در کارکردهای مثبت روان‌شناختی، هم‌خوان است.

نتایج بررسی‌های برازندگی مدل ارائه‌شده نشان داد که این مدل از برازش مناسبی برخوردار است و از نظر شاخص‌های برازش در سطح بالایی قرار دارد. با توجه به اینکه هیچ پژوهش‌هایی این متغیرها را به‌طور جامع در یک مدل ارائه نکرده است، مقایسه دقیق برازش این مدل با سایر پژوهش‌ها به‌صورت مستقیم ممکن نیست؛ اما نتایج مدل ارائه‌شده در این پژوهش با نتایج پژوهش‌های مشابه دیگری (چه در قالب ارائه مدل و تحلیل مسیر و چه در قالب ماتریس همبستگی و تحلیل رگرسیون)، که برخی از متغیرهای موجود در این پژوهش یا متغیرهای نزدیک به آن‌ها را به کار گرفته‌اند، هم‌سو است. از این پژوهش‌ها می‌توان مطالعات خاکشور و همکاران (۱۳۹۲)، گل‌پرور و خاکسار (۱۳۸۸)، قربانی و همکاران (۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۸ و ۱۳۸۴)، عباسی و روشن‌چلسی (۱۳۸۹)، نورعلیزاده میانجی (۱۳۹۰)، لارنس (۱۹۹۷)، گرنکوویست (۲۰۰۲)، اسپچاپ - جانکر و همکاران (۲۰۰۲)، گرینوی و همکاران (۲۰۰۳)، براون و رایان (۲۰۰۳)، آفاسی و آقای (۱۳۹۰)، دهشیری (۱۳۸۷)، برجعلی و همکاران (۱۳۹۲)، اُچز و پلاگ (۱۹۸۶)، پدرسون (۲۰۰۰)، شاکری‌نیا (۱۳۸۹)، رجایی و همکاران (۱۳۸۸)، رحیمی‌نژاد و منصور (۱۳۸۰)، حمید و همکاران (۱۳۹۲)، موسوی و همکاران (۱۳۸۹) و رحیمی‌نژاد و منصور (۱۳۸۰) را نام برد.

طبق برازندگی و مناسب بودن این مدل علی و الگوی تحلیل مسیر، که خداآگاهی از طریق خودآگاهی و هویت‌یابی به سلامت روانی منتهی می‌شود، نتیجه می‌گیریم که خداآگاهی و ذکر و یاد خدا اثر عمیقی در شخصیت انسان می‌گذارد و با تأثیر بر خود و هویت انسان، موجب سلامت روانی و دیگر آثار روان‌شناختی می‌گردد. از همین رو آلپورت و راس<sup>۱۱</sup> (۱۹۶۷) اعلام کردند که ارزش‌های مذهبی درونی بهترین عامل برای وحدت و انسجام شخصیت و کسب هویت یکپارچه هستند، که مهم‌ترین عامل سلامت روانی است (شریفی‌نیا، ۱۳۸۸، ص ۶۸).

چنانکه یونگ، راجرز و آلپورت بیان می‌کنند (فیست و فیست، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۵ و ۴۹۵؛ شولتز، ترجمه کریمی، جمهوری، نقشبندی، گودرزی، بحیرایی و نیکخو، ۱۳۸۳، ص ۳۹۲؛ پورحسین، ۱۳۸۳، ص ۱۱ و ۱۲ و قربانی و واتسون، ۱۳۸۴، ص ۴)،

خود، محور شخصیت و هویت انسان است که انسجام، یکپارچگی، سازگاری و کنش‌وری بهتر آن در گروهی خودآگاهی است. خودآگاهی نیز تابع خداآگاهی و آگاهی از هویت حقیقی و وجود الهی، آگاهی از پیوستگی به خدا، برقراری ارتباط با او و اتکا و احساس نزدیکی و تقرب به او است. در این صورت روان انسان از تعارضات، گسستگی‌ها، آشفتگی‌ها و تنیدگی‌ها دور می‌شود و جایگاه وجودی انسان در جهان هستی معنا پیدا می‌کند و به تعامل سازنده با آن می‌پردازد. وقتی فرد به این هسته مرکزی شخصیت خود، که جدا از خدا نیست و جلوه‌ای از انوار الهی است (بقره: ۱۵۶؛ حجر: ۲۹؛ کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۴۹ و مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۴، ص ۱۰۶)، آگاه می‌شود و به او تقرب می‌یابد (ق: ۱۶؛ حدید: ۴؛ انفال: ۲۴ و کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۱۳)، به هویت‌یابی، توحید یافتگی و انسجام شخصیت، که از کارکردهای مهم خودآگاهی است، دست می‌یابد. نتیجه این هویت‌خدایی و شخصیت‌باثبات، رفتار متعادل و سلامت روانی به دور از اضطراب و افسردگی است.<sup>۱۱۱</sup>

چنانکه مطالعات جلالی تهرانی (۱۳۷۳ و ۱۳۸۳)، شریفی‌نیا (۱۳۸۸) و هادی و جان‌بزرگی (۱۳۸۸) تأکید می‌کنند، در این حالت خودِ توحید یافته با وحدت حاکم بر نظام هستی هم‌سو می‌شود و شخص هویت واقعی خود را همراه با آگاهی از میثاق فطری‌اش (شریف‌الرضی، ۱۳۷۹، ص ۴۳) می‌یابد. رفتارهای انسان کنش‌وری مطلوب یافته، رنگ‌خدایی<sup>۱۱۲</sup> به خود می‌گیرد و در نتیجه آرامش و سلامت روانی بر وجود او حاکم می‌شود؛ چراکه چنین فردی دیگر افکار و احساسی ندارد که با آن وحدت وجودی متعارض باشد و رفتاری نمی‌کند که انتظام و انسجام حاکم را در هم بشکند. احساس ایمنی و آرامش، با ایمان و تکیه بر پایگاه امن الهی همواره تداوم می‌یابد (انعام: ۸۲؛ بقره: ۲۷۷ و فتح: ۴). اگر یاد خدا آرام‌بخش است (رعد: ۲۸)، به این جهت است که فرد خداآگاه در اعماق درون خود، وجود خدایی و ملکوتی‌اش را درمی‌یابد. در روان چنین فردی خود و خدا پیوندی عمیق دارد؛ او کمبودی احساس نمی‌کند تا نگران شود، خود را تنها و بدون تکیه‌گاه

۱۱۱. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ کسانی که گفتند: «پروردگار ما الله است»، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند (احقاف: ۱۳).

۱۱۲. صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ؛ رنگ‌خدایی (بپذیرید! رنگ‌ایمان و توحید و اسلام) و چه رنگی از رنگ‌خدایی بهتر است؟! و ما تنها او را عبادت می‌کنیم (بقره: ۱۳۸).

نمی‌یابد که احساس ناایمنی کند و تعارضی در خود نمی‌بیند تا مضطرب گردد؛ بلکه هرچه هست قلبی آرام و مطمئن است.

کیفیت خداآگاهی افراد تعیین‌کننده چگونگی خودآگاهی و در نتیجه، وضعیت روانی آنان است. طبق پژوهش‌های بسیاری، مانند اسچاپ - جانکر و همکاران (۲۰۰۲) و غباری بناب و حدادی کوهسار (۱۳۸۸ و ۲۰۱۰)، کیفیت انگاره افراد از خدا، که عبارت است بازنمایی‌های ذهنی افراد از تجربه درونی خود در ارتباط با خدا، در چگونگی تصور از خود تأثیر و آثار عمیق شخصیتی و روان‌شناختی را از خود برجای می‌گذارد. بر اساس روی‌آورد شناختی و تحولی، تصورات از خود به تدریج منظمه‌ای از باورها را نسبت به خویشتن شکل می‌دهند که اگر با واقعیت مطابقت نداشته باشند، به افکار و شناخت‌های غیرواقعی و، به تعبیر الیس<sup>۱۳</sup>، به پاسخ‌های عاطفی نامتناسبی همچون افسردگی در فرد منجر می‌شوند. لازم است یادآوری شود که بیشتر پاسخ‌های عاطفی و هیجانی انسان تحت تأثیر نوع آگاهی و ادراک از خود است؛ یافته‌های بسیاری از پژوهشگران، مانند الیس (۱۹۶۳)، ولتن (۱۹۶۷)، کلمن (۱۹۷۰)، بک (۱۹۷۹ و ۱۹۹۳)، شرک (۱۹۸۸) و بلاک برن و کوترو (۱۹۹۰)، آن را تأیید نموده‌اند (پورحسین، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳، ۱۲۵ و ۱۳۶). در مقابل، مداخلات روان‌شناختی همراه با خودآگاهی باعث تغییر در افکار و روان‌بنه‌های زیربنایی، انسجام روان‌بنه‌های سازش‌نیافته و افزایش ادراک ظرفیت‌هایی چون خودکارآمدی در فرد می‌شود و سازوکار روان‌درمانی را آسان می‌کند (قربانی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۳).

این سطح از خودآگاهی (خودآگاهی خداآگاهانه)، که با آگاهی از ارتباط خود و خدا در عمیق‌ترین لایه‌های روانی همراه است، موجب هویت‌یابی به تمام معنا می‌شود. گاه از این هویت به هویت مذهبی یا دینی یاد می‌شود. طبق نظر بل<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۹)، هویت مذهبی سازه‌ای روان‌شناختی است که از درک فرد از ضمیر خودش نسبت به یک نیرو یا موجود متعالی و یا یک گروه اجتماعی - فرهنگی نشئت می‌گیرد و مشخصه غالب آن، هدف متعالی است (خاکشور و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۴۷). چنانکه شیپ<sup>۱۵</sup> و فورمن<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۲) در یکی از سازمان‌دهی‌های ابعاد روانی اشاره می‌کنند، خود انسانی ابعاد گوناگونی دارد که بُعد

113. Ellis, A.

114. Bell, D.M.

115. Sheep, M.L.

116. Foreman, P.O.

معنوی و الهی در عمیق‌ترین لایه‌های آن قرار دارد و روبروای آن را هویت برخاسته از این ابعاد شکل می‌دهد.

بی‌علاقه بودن و دوری از مذهب با هویت بحرانی و گم‌گشته همراه است. از نظر مصباح یزدی (۱۳۸۸) غفلت از یاد خدا (خداناآگاهی) عامل از دست رفتن هویت انسانی است. در واقع غفلت مانع از آگاهی به مبدأ و معاد و هویت الهی و ملکوتی انسان می‌شود. انسان با خودآگاهی خداآگاهانه به هویت یابی، که با معنایابی زندگی همراه است، می‌رسد. چنین انسانی می‌یابد که از کجا آمده است، مبدأ هستی‌بخش او کجاست، در حال حاضر در چه وضعیتی قرار دارد و به کجا می‌رود و مقصدش کجاست. انسان با ایمان به مبدأ هستی خود به هویت الهی و تعلق و ارتباط خود با مبدأ افاضه‌کننده وجودش (ربط وجودی‌اش به خدا) آگاهی می‌یابد. همه هستی و هویت انسان ارتباط با خدا و عین ربط او به خداوند است و اگر نمی‌خواهد وجود و هویت حقیقی‌اش را از دست دهد، باید بکوشد تا این ارتباط قوی ازلی قطع نشود (شاه‌آبادی، ترجمه و تصحیح ویسی، ۱۳۸۶، ص ۴۱۸ و مهریزی، ۱۳۷۷، ص ۲۷ و ۲۸). انسان با آگاهی‌یابی و پیروی از راه ایمنی که رسولان الهی در قالب دین به مردم ابلاغ کرده‌اند، حرکت خود را به سوی مبدأ و معاد جهت‌بخشی و عملیاتی می‌کند و در نهایت به کمال، رستگاری و آرامش و سلامتی دست می‌یابد.<sup>۱۱۷</sup> «بنابراین، انسان برای آنکه حرکت انسانی خود را در قوس صعود قرب الی الله شروع کند، نیاز به آگاهی دارد. آگاهی از چه چیز؟ آگاهی از حقیقت خود که متقوم به سه آگاهی است: آگاهی از خدا، از روز بازپسین و از راهی ایمن که به آن مقصد منتهی می‌شود» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۹۳). با این نوع جهت‌گیری مذهبی و دین‌داری است که انسان به هویت واقعی خود پی می‌برد و می‌فهمد که «موجودی برگزیده»، دارای «کرامت ذاتی یا شرافت انسانی»، فردی «مسئول، امانت‌دار و دارای رسالت» است، نه فردی رهاشده (بقره: ۳۰؛ اسراء: ۷۰؛ احزاب: ۷۲؛ نمل: ۵۹ و جایه: ۱۳). در چنین حالتی انسان به جایگاه خود در نظام هستی آگاهی می‌یابد و نظام روانی و ارتباطی خود را به نوعی خاص سازمان‌دهی می‌کند. در واقع اثر خداآگاهی در سلامت روانی از طریق خودآگاهی، رشد و تحول شخصیت و شکل‌گیری هویت انسان

۱۱۷. «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسانی که به خدا و روز واپسین ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی بر آنان است و نه غمگین خواهند شد» (مائده: ۶۹).

صورت می‌گیرد: «به یاد آر پروردگارت را هر وقت که فراموش کردی، و بگو امید است پروردگارم مرا به رشدی نزدیک‌تر از این هدایت کند»<sup>۱۱۸</sup> (کهف: ۲۴).

با توجه به شواهد و نتایج باید پذیرفت که ساختار هویتی هر فرد از مذهب تأثیر می‌پذیرد. خداآگاهی، عقاید و مناسک مذهبی با معرفی هدف‌نهایی آفرینش، پاسخ‌گویی به سؤالات وجودی فرد، ارائه کاربردی سبک زندگی خاص و جهت‌دادن در مسیر زندگی مسئولانه نسبت به خود، دیگران و آخرت نقش چشم‌گیری در خودآگاهی و تشکیل هویت انسان ایفا می‌کند. همراهی با ارزش‌های مذهبی در تشکیل شخصیت و شکل‌گیری هویت به‌گونه‌ای است که فرد را وامی‌دارد که وجود خود را جزء و تابعی از جهان بزرگ هستی بداند. مذهب زمینه متمایزی را از طریق ارائه بافت‌های ایدئولوژیکی، اجتماعی و معنوی برای هویت‌یابی فراهم می‌کند. مذهب با فراهم کردن زمینه منحصربه‌فرد و ارائه جهان‌بینی، هنجارهای اجتماعی و نحوه ارتباطات، تشکیل مفهوم خودِ شخصی و هویت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کینگ، ۲۰۰۳، ص ۱۹۷).

هویت دینی با توجه به احساس تعلق و تعهد فرد به یک دین و مذهب خاص شکل می‌گیرد. این احساس تعلق معمولاً همراه با میزان ایمان و اعمال مذهبی، یعنی میزان دین‌داری فرد، بیشتر یا کمتر می‌شود. پژوهشگران دریافته‌اند که جهت‌گیری مذهبی و انجام اعمال مذهبی، نظیر نماز، روزه و سایر عبادات در فاصله‌های زمانی تکرارشونده، با آگاهی دادن و متوجه کردن افراد به سوی خداوند و برقراری ارتباط نزدیک با او، باعث ایجاد نوعی آرامش روانی و دوری از تنیدگی و کاهش اختلالات روانی می‌شود. فوتولاکیس و همکاران (۲۰۰۴) اظهار می‌دارند که باور به وجود خدایی که موقعیت‌ها را کنترل می‌کند و ناظر بر بندگان است، تا حد بسیاری اضطراب مرتبط با موقعیت را کاهش می‌دهد؛ چراکه فرد می‌تواند از طریق اتکا به خداوند این احساس را ایجاد کند که موقعیت تحت کنترل است و در نتیجه احساس ایمنی و آرامش کند (شریفی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۳۷).

بر اساس نتایج پژوهش کنونی، هویت انسان از طریق خودآگاهی خداآگاهانه شکل می‌گیرد و حلقه وصلی برای آثار روان‌شناختی می‌شود. پژوهش خاکشور و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که هویت مذهبی با داشتن خداانگاره و تصور مثبت از خدا، یافتن خود

۱۱۸. «وَ إِذْ كُرِّرْكَ إِذَا نَسِيتَ وَ قُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِّي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا».



در پیشگاه خدا و درک حضور او شکل می‌گیرد و زندگی فرد را معنادار می‌کند. هرچه افراد در فرایند رشد سنی، به تحول مذهبی و ارتقای دین‌داری و خداآگاهی و درک عمیقی از خود برسند، به هویت سالم‌تر و سلامت روانی دست می‌یابند.

در این پژوهش بررسی شد که میزان افزوده خداآگاهی، خودآگاهی، هویت‌یابی و سلامت روانی افراد تا چه حد با افزایش سن و ارتقای دانش دین‌شناختی آنان همراه است؛ نتایج این بررسی حاکی از همبستگی معنادار بین آن‌ها (به‌جز معنادار نبودن سن و خداآگاهی) بود. به این معنا که هرچه سن و دانش دین‌شناختی (تحصیلات علوم اسلامی) افراد بالا برود، میزان خداآگاهی، خودآگاهی، هویت‌یابی و سلامت روانی آنان نیز افزایش می‌یابد. این نتیجه با پژوهش رول (۲۰۰۸) در بررسی هویت افراد در مدارس دینی هم‌سو است. کینگ (۲۰۰۳) نیز نتیجه گرفت که بافت دینی احساس هویتی فراتر و متعالی‌تر از خود و دغدغه برای داشتن شایستگی اجتماعی را توسعه می‌دهد و تقی‌یاره و همکارانش (۱۳۸۴) نتیجه گرفتند که جهت‌گیری مذهبی درونی و دلبستگی ایمن به خدا پیش‌نیاز دستیابی به تحول من و تحول دینی است.

به نظر می‌رسد به مرور زمان با افزایش سطح دانش دین‌شناختی افراد، دین‌داری آنان نیز به تدریج درونی‌تر، پایدارتر و خداآگاهانه‌تر می‌شود و سپس میزان خودآگاهی و هویت آنان نیز افزایش می‌یابد. بر اساس این، تحول شخصیت و هویت‌یابی به رشد یکی از ابعاد مهم انسان، یعنی بُعد دینی و معنوی، نیازمند است. چنانکه سازمان بهداشت جهانی<sup>۱۱۹</sup> (۲۰۰۰) اذعان داشته است، با رشد همه‌جانبه ابعاد وجودی انسان و انسجام و یکپارچگی بین آن‌ها سلامت روانی به بهترین صورت تحقق می‌یابد (وادر<sup>۱۲۰</sup>، ۲۰۰۶، ص ۴۵۷).

به دنبال تبیین عوامل اختصاصی‌تری از دین‌داری، برای تحلیل سازوکارها و کارکردهای روان‌شناختی و شخصیتی آن، به سازه‌ای عالی در روان آدمی با عنوان خداآگاهی می‌رسیم که از طریق خودآگاهی و اثرگذاری در خود انسانی، تأثیرات بسیار عمیقی را در شخصیت، هویت‌یابی و کارکردهای روان‌شناختی می‌گذارد. خودآگاهی از خداآگاهی نشئت می‌گیرد و با شکل‌گیری هویت سالم و انسجام، یکپارچگی و توحید یافتگی شخصیت موجب بهزیستی و سلامتی روانی، سازش یافتگی و کنش‌وری بهتر رفتاری می‌شود. در واقع کارکردهای مثبت

شخصیتی و روان‌شناختی و سلامتی و بهزیستی روانی فرد در گروهی توحید، انسجام و تعادل در نظام روانی است.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به نمونه و استفاده از مقیاس خودآگاهی (خودشناسی انسجامی) اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود نمونه‌گیری از هر دو جنسیت و از سایر مراکز دانشگاهی انجام گیرد و از یک مقیاس خودآگاهی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی استفاده شود.

## منابع

- قرآن کریم. ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
- امام صادق (ع) (۱۴۰۰ق). مصباح الشریعه. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ابن عربی، محی الدین (۱۳۷۰)، فصوص الحکم، قم: الزهراء (س).
- احمدی، خدابخش، شیخ، مهدی و سرابندی، حسن (۱۳۹۱)، «نقش دلبستگی به خدا در تاب‌آوری و سلامت روان والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر»، فصل‌نامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی، سال ۶ شماره ۱، ۹۱.
- آذربایجانی، مسعود و موسوی‌اصل، سیدمهدی (۱۳۸۵)، درآمدی بر روان‌شناسی دین، تهران: سمت و قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۶)، «آثار دین‌داری از دیدگاه ویلیام جیمز»، دوفصل‌نامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال ۱، شماره ۱، ۱۴۸-۱۱۷.
- آقاسی، جنت و آقایی، اصغر (۱۳۹۰)، «تربخشی آموزش خودآگاهی هیجانی بر مؤلفه‌های سلامت عمومی (اضطراب و افسردگی) دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهرستان شهرضا»، فصل‌نامه سلامت و روان‌شناسی، سال ۱، شماره ۲، ۴۶-۳۱.
- آقامحمدیان شعریاف، حمیدرضا و شیخ‌روحانی، سعید (۱۳۸۸)، «مقایسه میزان اضطراب در پایگاه‌های هویت»، دانشور رفتار (روان‌شناسی بالینی و شخصیت دانشگاه شاهد)، سال ۱۶، شماره ۳۷، ۲۰-۹.
- بزرگی، محمودرضا (۱۳۸۳)، ارتباط میان سبک‌های دلبستگی به خدا، صبر و عزت نفس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.
- برجعی، زهرا، خسروی، زهره و پورشهریاری، مه‌سیما (۱۳۹۲)، «نقش جهت‌گیری مذهبی در ساختار هویت فردی»، فصل‌نامه روان‌شناسی و دین، سال ۶ شماره ۳ (پیاپی ۲۳)، ۱۰۸-۹۷.
- بهرامی احسان، هادی و تاشک، آناهیتا (۱۳۸۳)، «ابعاد رابطه میان جهت‌گیری مذهبی و سلامت روانی و ارزیابی مقیاس جهت‌گیری مذهبی»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال ۳۴، شماره ۲، ۶۴-۴۱.
- بوترابی، خدیجه (۱۳۸۲)، «وجوه مشترک بهداشت روانی در ادیان توحیدی و کتب مقدس»، در اسلام و بهداشت روان ۲ (مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان در سال ۱۳۸۰)، تهران: معارف.
- بیانی، علی‌اصغر، گودرزی، حسنیه، بیانی، علی و کوچکی، عاشورمحمد (۱۳۸۷)، «رابطه جهت‌گیری مذهبی با اضطراب و افسردگی در دانشجویان»، اصول بهداشت روانی، سال ۱۰، شماره ۳ (پیاپی ۳۹)، ۲۰۹-۲۱۴.
- پورحسین، رضا (۱۳۸۳)، روان‌شناسی خود، تهران: امیر کبیر.
- تبرایی، رامین، فتحی آشتیانی، علی و رسول‌زاده طباطبایی، کاظم (۱۳۸۷)، «بررسی سهم تأثیر جهت‌گیری مذهبی بر سلامت روان در مقایسه با عوامل جمعیت‌شناختی»، فصل‌نامه روان‌شناسی و دین، سال ۱، شماره ۳، ۶۲-۳۷.
- تیبیک، محمدتقی (۱۳۸۹)، ارتباط پنج عامل بزرگ شخصیت و فرایندهای خودشناختی با طبقه‌بندی توانمندی‌های خود در روان‌شناسی مثبت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- تقی‌یاره، فاطمه، مظاهری، محمدعلی و آزاد فلاح، پرویز (۱۳۸۴)، «بررسی ارتباط سطح تحول من، دلبستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان»، مجله روان‌شناسی، سال ۹، شماره ۱ (پیاپی ۳۳)، ۲۱-۳.

تورسن، کارل ای، هریس، الکس ایچ. اس. و اومن، دموگ، «معنویت، دین و بهداشت: شواهد، موضوعات و علایق»، ترجمه احمدرضا جلیلی (۱۳۸۳)، فصل‌نامه نقد و نظر (دین و بهداشت‌روانی ۱)، ش ۳۳ و ۳۴، ۱۶۶-۲۱۶. جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۶)، «جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان»، پژوهش در پزشکی، سال ۳۱، شماره ۴، ۳۴۵-۳۵۰.

جلالی تهرانی، سیدمحمدمحسن، «توحیددرمانی»، ترجمه علی‌رضا شیخ‌شعاعی (۱۳۸۳)، فصل‌نامه نقد و نظر (دین و بهداشت‌روانی ۲)، سال ۹، شماره ۳ و ۴ (پیاپی ۳۵ و ۳۶)، ۱۸-۴۶.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۳)، نقش مذهب در سلامت روان، چکیدهٔ مجموعه ۴۰ سخنرانی در دفتر مطالعات اسلامی در بهداشت‌روانی، شماره ۵.

جیمز، ویلیام، دین و روان، ترجمه مهدی قائنی (۱۳۷۲)، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. حدادی کوهسار، علی‌اکبر و غباری بناب، باقر (۱۳۸۶)، «رابطه ابعاد سلامت روانی دانشجویان با انگاره ذهنی آنان از خدا»، در چکیده مقالات دومین همایش سراسری نقش دین در بهداشت‌روانی، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۷۳.

حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، قم: جامعه مدرسین. حمید، نجمه، گلستانی‌پور، مرتضی و کریم‌نژاد، فرزاد (۱۳۹۲)، «رابطه ساده و چندگانه هویت دینی، سلامت روان و

خوش‌بینی»، فصل‌نامه روان‌شناسی و دین، سال ۶، شماره ۱ (پیاپی ۲۱)، ۷۷-۹۰. خاکشور، فاطمه، غباری‌بناب، باقر و شهبابی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۲)، «نقش تصور از خدا و هویت مذهبی در معنای

زندگی»، فصل‌نامه روان‌شناسی و دین، سال ۶، شماره ۲ (پیاپی ۲۲)، ۴۳-۵۶. دارابی، جعفر (۱۳۷۶)، «بررسی مقایسه‌ای احساس هویت در دانش‌آموزان فاقد و واجد پدری»، در خلاصهٔ مقالات نخستین کنگرهٔ انجمن روان‌شناسی ایران، تهران: انجمن روان‌شناسی ایران.

رجایی، علیرضا (۱۳۸۹)، «هوش معنوی: دیدگاه‌ها و چالش‌ها»، فصل‌نامه پژوهش‌های تربیتی، سال ۵، شماره ۲۲، ۲۱-۴۹.

رجایی، علیرضا، بیاضی، محمدحسین و حبیبی‌پور، حمید (۱۳۸۸)، «باورهای اساسی دینی و بحران هویت و سلامت عمومی جوانان»، فصل‌نامه روان‌شناسان ایرانی، سال ۶، شماره ۲۲، ۹۷-۱۰۷.

رحیمی‌نژاد، عباس و منصور، محمود (۱۳۸۰)، «بررسی تحولی هویت و رابطه آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان دوره کارشناسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۴۷۷-۵۰۰.

رو، ویلیام، «تجربه دینی و عرفانی»، ترجمه اسماعیل سلیمانی‌فر (۱۳۷۹)، فصل‌نامه نقد و نظر، سال ۶، شماره ۳ و ۴ (پیاپی ۲۳ و ۲۴)، ۲۸۶-۳۱۹.

زارعی، اقبال (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه بین تصور از خدا و سلامت روان در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های پیام نور و آزاد اسلامی شهر میناب»، فصل‌نامه روان‌شناسی و دین، سال ۲، شماره ۲ (پیاپی ۶)، ۹۳-۱۰۶.

سرگلزایی، محمد، بهدانی، فاطمه و قربانی، اسمعیل (۱۳۸۲)، «همبستگی بین فعالیت‌های مذهبی و سلامت روانی»، در اسلام و بهداشت‌روانی ۱ (مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت‌روانی در

سال ۱۳۸۰)، قم: نشر معارف، ۲۱۵-۲۲۲.

- سهرابی، فرامرز (۱۳۸۷)، «مبانی هوش معنوی»، فصل‌نامه سلامت روان، سال ۱، شماره ۱، ۱۴-۲۰.
- شاکری‌نیا، ایرج (۱۳۸۹)، «رابطه هویت مذهبی، نگرش مذهبی و سرسختی روان‌شناختی با سلامت روان در معتكفان»، دوفصل‌نامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال ۴، شماره ۷، ۷-۲۰.
- شاه‌آبادی، محمدعلی، رشحات البحار، ترجمه و تصحیح زاهد ویسی (۱۳۸۶)، تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شاه‌محمدی، خدیجه، قربانی، نیما و بشارت، محمدعلی (۱۳۸۵)، «نقش خودشناسی در تیندگی، سبک‌های دفاعی و سلامت جسمانی»، فصل‌نامه روان‌شناسان ایرانی، سال ۳، شماره ۱۰، ۱۴۵-۱۵۶.
- شاه‌محمدی، خدیجه، قربانی، نیما، بشارت، محمدعلی و نصرت‌آبادی، مسعود (۱۳۸۸)، «تأثیر پیش‌بین خودشناسی انسجامی، به‌شیری و سبک‌های دفاعی بر سلامت»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال ۳۹، شماره ۳، ۱۹۹-۱۱۹.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۳)، توکل به خدا راهی به سوی حرمت خود و سلامت روان، قم: مؤسسه امام خمینی<sup>(ع)</sup>.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (۱۳۷۹)، قم: مشهور.
- شریفی‌نیا، محمدحسین (۱۳۸۸)، «درمان یکپارچه توحیدی رویکردی دینی در درمان اختلالات روانی»، دوفصل‌نامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال ۳، شماره ۴، ۶۵-۸۲.
- شریفی، طیبیه، شکرکن، حسین، احدی، حسن و مظاهری، محمدمهدی (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه بین هویت‌های دینی و ملی با سلامت روانی دانشجویان»، یافته‌های نو در روان‌شناسی، سال ۴، شماره ۱۱، ۱۲۵-۱۴۲.
- شکرکن، حسین، نجاریان، بهمن، حقیقی، امیدیان و مرتضی، جمال (۱۳۸۰)، «بررسی و مقایسه انواع هویت در ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شهید چمران اهواز»، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال ۸، شماره ۱ و ۲، ۷۳-۹۸.
- شمسایی، محمدمهدی، نیکخواه، حمیدرضا و جدیدی، محسن (۱۳۸۵)، «نقش احساس هویت و هوش هیجانی در رضایت زناشویی»، فصل‌نامه اندیشه و رفتار (روان‌شناسی کاربردی)، سال ۱، شماره ۲، ۵۷-۶۷.
- شولتز، دوان، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی، فرهاد جمهری، سیامک نقشبندی، بهزاد گودرزی، هادی بحیرایی و محمدرضا نیکخو (۱۳۸۳)، تهران: ارسباران.
- شیخ صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۳۵۷)، التوحید، قم: جامعه مدرسین.
- صادقی، منصوره‌سادات، مظاهری، محمدعلی و ملک‌عسگر، سعاده (۱۳۸۷)، «والدین، خود و دیگران مهم: منابع تصور از خدا»، مجله علوم رفتاری، سال ۲، شماره ۱، ۸۳-۹۶.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۱)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: اسماعیلیان.
- علیچانی، مریم (۱۳۸۵)، «رابطه بین هویت دینی و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی»، مطالعات روان‌شناختی، سال ۲، شماره ۱ و ۲، ۸۹-۱۰۶.
- غباری‌یناب، باقر و حدادی کوهسار، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، «رابطه اضطراب و افسردگی با تصویر ذهنی از خدا در دانشجویان»، مجله علوم روان‌شناختی، سال ۸، شماره ۳۱، ۳۱۴-۲۹۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، «رابطه تصویر ذهنی از خدا با خصومت و حساسیت در روابط بین‌فردی در دانشجویان»، مجله علوم شناختی، سال ۹، شماره ۳۳، ۸۲-۹۸.

- غباری‌بناب، باقر، حدادی کوهسار، علی‌اکبر، مظاهری، محمدعلی و حمدیه، مصطفی (۱۳۸۶)، «رابطه سلامت روانی با تصویر ذهنی از خدا و کیفیت دل‌بستگی در دانشجویان»، در چکیده مقالات دومین همایش سراسری نقش دین در بهداشت روان، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران، ص ۵۱.
- فونتانو، دیوید، روان‌شناسی، دین و معنویت، ترجمه ابوبکر ساوار (۱۳۸۵)، قم: ادیان.
- فیست، جس و فیست، گریگوری جی، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۸۶)، تهران: نشر روان.
- فیض کاشانی، محمدمحسن (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع).
- قربانی، نیما (۱۳۸۷)، «تمایز، تحلیل و انسجام روان‌بندها: سازوکار تبیینی دگرذیسی "خود" در روان‌درمانگری در قالب مفاهیم پیازه»، مجله علوم روان‌شناختی، سال ۷، شماره ۲۶، ۲۳۳-۲۳۹.
- قربانی، نیما و واتسن، پل جی. (۱۳۸۴)، «فرایندهای خودشناختی و نظام‌های پردازش خبر عقلانی و تجربه‌ای در ایران و امریکا»، مجله روان‌شناسان ایرانی، سال ۲، شماره ۵، ۱۴-۳.
- کار، آلن، روان‌شناسی مثبت: علم شادمانی و نیرومندی‌های انسان، ترجمه حسن‌پاشا شریفی، جعفر نجفی زند و باقر ثنائی (۱۳۸۵)، تهران: سخن.
- کاظمیان‌مقدم، کبری و مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز (۱۳۸۸)، «مقایسه نگرش مذهبی و سلامت روانی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان»، فصل‌نامه روان‌شناسی و دین، سال ۲، شماره ۲، ۱۷۳-۱۸۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲)، الکافی، تهران: اسلامیه.
- گل‌پرور، محسن و خاکسار، سروره (۱۳۸۸)، «سلامت عمومی دانشجویان تابعی از جهت‌گیری مذهبی، پابیندی مذهبی و باورهای عدلانه توزیعی و رویه‌ای»، دوفصل‌نامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال ۳، شماره ۴، ۴۳-۶۴.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محسنی، نیک‌چهره (۱۳۷۵)، ادراک خود: از کودکی تا بزرگسالی، دیدگاه‌ها، نظریه‌ها و کاربردهای تربیتی و درمانی، تهران: بعثت.
- محمدپور، احمدرضا (۱۳۸۵)، ویکتور امیل فرانکل بنیانگذار معنادرمانی، تهران: دانژه.
- مساح، هاجر، کاظمی، حمید و قربانی، مریم (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه ابعاد چهارگانه هویت و جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی»، فصل‌نامه روان‌شناسی و دین، سال ۵، شماره ۴، ۶۹-۸۴.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸)، به سوی او (مشکات ۵)، تحقیق و تدوین محمدمهدی نادری قمی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، مجموعه آثار (ج ۲۲: فلسفه اخلاق)، تهران: صدرا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، مجموعه آثار (ج ۲۳: انسان کامل)، تهران: صدرا.
- موسوی، اشرف‌السادات و قربانی، نیما (۱۳۸۵)، «خودشناسی، خودانتقادی و سلامت روان»، مطالعات روان‌شناختی، سال ۲، شماره ۳ و ۴، ۷۵-۹۱.
- مهریزی، عزیزالله (۱۳۷۷)، خداشناسی فطری، [بی‌جا]: کانون اندیشه جوان.

میرزا، لاورنس اس. گامست، گلن و گارینو، ا. جی.، پژوهش چندمتغیری کاربردی (طرح و تفسیر)، ترجمه حسن پاشا شریفی، ولی الله فرزاد، سیمین دخت رضاخانی، حمیدرضا حسن آبادی، بلال ایزانلو و مجتبی حبیبی (۱۳۹۱)، تهران: رشد.

میکیلی مینیچ، فرزانه، احمدی خوبی، شاهپور و زارع، حسین (۱۳۹۰)، «بررسی مقایسه‌ای اثربخشی آموزش سه مهارت زندگی بر سلامت عمومی دانشجویان سال اول»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، سال ۲۱، شماره ۸۵، ۱۳۷-۱۲۷.

نجارپور استادی، سعید (۱۳۸۷)، «رابطه جو عاطفی خانواده، خودپنداره، عزت نفس و پایگاه اقتصادی اجتماعی بر شکل‌گیری هویت جوانان»، *فصل‌نامه اندیشه و رفتار*، سال ۳، شماره ۹، ۵۸-۴۹.

نجاتی، محمد عثمان، قرآن و روان‌شناسی، ترجمه عباس عرب (۱۳۷۳)، مشهد: آستان قدس رضوی.  
نجاریان، بهمن و ایران داودی (۱۳۸۰)، «ساخت و اعتباریابی SCL-25 (فرم کوتاه‌شده (SCL-90-R))»، *مجله روان‌شناسی*، سال ۵، شماره ۲ (پیاپی ۱۸)، ۱۳۶-۱۴۹.

نورعلیزاده میانجی، مسعود و جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۹)، «رابطه اضطراب وجودی و اضطراب مرضی و مقایسه آن‌ها در سه گروه افراد بزه‌کار، عادی و مذهبی»، *فصل‌نامه روان‌شناسی و دین*، سال ۳، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)، ۴۴-۲۹.  
نورعلیزاده میانجی، مسعود (۱۳۹۰)، *رابطه خداآگاهی با خودآگاهی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

هادی، مهدی و جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۸)، «اثربخشی درمان یکپارچه توحیدی بر مؤلفه‌های شخصیت و بالینی»، *فصل‌نامه روان‌شناسی و دین*، سال ۲، شماره ۲ (پیاپی ۶)، ۳۶-۲۰.

هومن، حیدرعلی (۱۳۹۱)، *مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل*، تهران: سمت.  
یگانه، طیبه و حسین خانزاده، عباسعلی (۱۳۹۲)، «مقایسه سازش‌یافتگی زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی در دو گروه افراد نمازگزار و غیرنمازگزار»، *فصل‌نامه روان‌شناسی و دین*، سال ۶، شماره ۱ (پیاپی ۲۱)، ۵۸-۴۵.

Ashley, G.C. (2007), *Self-awareness: Scale development and validation*, Dissertation for the Degree of M. A. University of Nebraska at Omaha.

Benson, P., and Spilka, B. (1973), "God image as a function of self- esteem and locus of control", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 12, 297-310.

Brown, K.W. & Ryan, R.M. (2003), "The Benefits of Being Present: Mindfulness and Its Role in Psychological Well-Being", *Journal of Personality and Social Psychology*, 84 (4), 822-848.

Compton, W. and Hoffman, E. (2012), *Positive Psychology: The Science of Happiness and Flourishing*, Cengage Learning.

Flannelly, K.J., Galek, K., Ellison, C.G., Koenig, H.G. (2010), "Beliefs about God, psychiatric symptoms, and evolutionary psychiatry", *Journal religin health*, 49 (2), 246-61.

- Ghobari Bonab, B. and Haddadi Koohsar, A.A. (2010), "Relation between image of God with paranoid ideation in college students", *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 966-969.
- Ghorbani N., Watson, P.J., Bing, M.N., Davison, H.K., and Lebreton, D. (2003), "Two facets of self-knowledge: Cross-cultural development of measures in Iran and the United States", *Social, and General psychology Monographs*, 129, 238-268.
- Ghorbani, N., Watson, P.J. and, Hargis, M.B. (2008), "Integrative self-knowledge scale: correlation and incremental validity of a cross-cultural measure developed in Iran and the United states", *The journal of psychology*, 142 (4), 395-412.
- Granqvist, P. (2002), "Attachment and Religiosity in Adolescence: Cross-Sectional and Longitudinal Evaluations", *personality and social psychology bulletin*, 28 (2), 260-270.
- Greenway, A.P., Milne L.C., Clarke, V. (2003), "Personality variables, self-esteem and depression and an individual's perception of God", *Mental Health, Religion and Culture*, 6 (1), 45-58.
- Haddadi Koohsar, A.A. and Ghobari Bonab, B. (2010), "Relations between image of God with obsessive-compulsive behaviours in college students", *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 979-982.
- Hill, P.C. and Pargament, K.I. (2003), "Advances in the conceptualization and measurement of religion and spirituality: Implications for physical and mental health research", *American Psychologist*, 58 [1], 64-74.
- Schaap-Jonker, H., Eurelings-Bonekoe, E.E.M., Jonker, E.R. and Zock, H. (2008), "Development and validation of the Dutch questionnaire God Image: Effects of mental health and religious culture", *Mental Health, Religion and Culture*, 11 (5), 501-515.
- King, P.E. (2003), "Religion and Identity: The Role of Ideological, Social, and Spiritual Contexts", *Applied Developmental Science*, 7, 197-204.
- Lawrence, R.T. (1997), "Measuring the image of God: The God image inventory and the God image scales", *Journal of Psychology and Theology*, 25, 214-226.
- Maltby, J.; Lewis, C.A. and Day, L. (1999), "Religious orientation and psychological well-being: The role of the frequency of personal prayer", *British Journal of Health Psychology*, 4, 363-378.



- Ochse, R. and Plug, C. (1986), "Cross-cultural investigation of the validity of Erikson's theory of personality development", *Journal of Personality and Social Psychology*, 50 (6), 1240-1252.
- Pargament, K.I, Kennell, J., Hathaway, W., Grevengoed, N., Newman, J., and Jones, W. (1988), "religion and the problem-solving process: three styles of coping", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 27 (1), 90-104.
- Maclean, A.M., Walker, L.J., and Matsuba, K. (2004), "Transcendence and the Moral Self: Identity Integration, Religion, and Moral Life", *Journal for the Scientific Study of Religion*. 43(3), 429-437.
- Peacock, J.R. and Poloma, M.M. (1999), "Religiosity and Life Satisfaction across the Life Course", *Social Indicators Research*, 48, 321-345.
- Pederson, M. (2000), "The relation of spiritual self- identity to religious orientation and attitudes", *Journal of Psychology and Technology*, 128, 138-152.
- Propst, L.R., Ostrom, R., Watkins, P., Dean, T., and Mashburn, D. (1992), "Comparative efficacy of religious and nonreligious cognitive-behavioral therapy for the treatment of clinical depression in religious individuals", *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 60 (1), 94-103.
- Revell, L. (2008), "Spiritual Development in Public and Religious Schools: A Case Study", *Religious Education* 103, 1, 102-118.
- Schaap-Jonker, H.; Eurelings-Bontekoe, E.; Verhagen, P., and Zock, H. (2002), "Image of God and personality pathology: An exploratory study among psychiatric patients", *Mental Health, Religion and Culture*, 5, 55-71.
- Sheep, M.L. and Foreman, P.O. (2012), "An Integrative Framework for Exploring Organizational Identity and Spirituality", *Journal of Applied Business and Economics*, 13 (4), 11-29.
- Shreve-Neiger, A.K. and Edelstein, B.A. (2004), "Religion and anxiety: A critical review of the literature", *Clinical Psychology Review*, 24, 379-397.
- Spilka, B., Addison, J. and Rosensohn, M. (1975), "Parents, self, and God: A test of competing individual-religion relationships", *Review of Religious Research*, 16 (3), 154-165.
- Townsend, M., Kladder, V., Ayele, H. and Mulligan, T. (2002), "Systematic review of clinical trials examining the effects of religion on health", *Southern Medical*

*Journal*, 95 (12), 1429-34.

- Vader, J.P. (2006), "Spiritual health: the next frontier", *The European Journal of Public Health*, 16, 457.
- Wade, N.G., Worthington, E.L., Jr., and Vogel, D.L. (2007), "Effectiveness of religiously tailored interventions in Christian therapy", *Psychotherapy Research*, 17 (1), 91-105.
- Watson, P.J., Morris, R.J., Hood, Jr., R.W., Milliron, J.T., and Stutz, N.L. (1998), "Religious Orientation, Identity, and the Quest for Meaning in Ethics Within an Ideological Surround", *International Journal for the Psychology of Religion*, 8, 149-164.
- Watson, P.J., and Morris R.J. (2005), "Spiritual Experience and Identity: Relationships with Religious Orientation, Religious Interest, and Intolerance of Ambiguity", *review of Religious Research*, 46, 371-379
- Williams, A. (2010), "Spiritual therapeutic landscapes and healing: A case study of St. Anne de Beaupre, Quebec, Canada", *Social Science and Medicine*, 70, 1633-1640.

## اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال اول، شماره اول، پیاپی ۱، تابستان ۱۳۹۴، ص ۴۳ - ۶۲

### اثربخشی آموزش آموزه‌های اسلامی مربوط به روابط زوجین، بر کاهش مشکلات رفتاری فرزندان

#### The Effectiveness of Islamic Teachings about the Relationship between Spouses on Reducing Children's Behavioral Problems

مهدی جعفری / کارشناس ارشد راهنمایی و مشاوره مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

Mahdi Jafari / Corresponding Author, counseling expert of Akhlagh and Tarbiyat Institute  
Email: mahdijafari3@gmail.com

محمد رضا احمدی / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

Mohammad Reza Ahmadi / assistant professor of psychology department. IKI.

رضا مهکام / دانشجوی دکتری گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

Reza Mahkam / PhD student of psychology, IKI.

#### Abstract

Children are initially influenced by the family and the factors affecting it. Therefore, it is not possible to face children's behavioral problems without considering the influential members of the family, especially parents. The aim of this study is to identify the effectiveness of religious teachings about the relationship between spouses on reducing children's behavioral problems.

The research method is experimental, and the (control group, pretest and posttest) model is used. The statistical population of this study consists of all Qom's first grade of secondary school students and their parents who were selected through stratified random sampling. The Girls participating in this study responded to the Achenbach questionnaire. After organizing the experimental and control group, the researcher-developed educational

#### چکیده

کودکان ابتدا از محیط خانواده و عوامل مؤثر بر آن تأثیر می‌پذیرند. از این رو کاهش مشکلات رفتاری کودکان، بدون توجه به افراد تأثیرگذار بر کودک در خانواده، به‌ویژه والدین، ممکن نیست. هدف پژوهش، شناسایی میزان اثربخشی آموزه‌های دینی مربوط به روابط زوجین بر کاهش مشکلات رفتاری فرزندان است. روش پژوهش، آزمایشی از نوع پیش‌تست و پس‌تست با گروه کنترل است. جامعه آماری این پژوهش را همه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوره اول شهر قم و والدین آنها تشکیل داده‌اند که از طریق نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. دختران شرکت‌کننده در این پژوهش به پرسش‌نامه آخنباخ پاسخ دادند. پس از روشن شدن گروه آزمایش و

package was taught to the experimental group's parents and then the post-test was administered.

The obtained data through descriptive statistics were summarized. For answering the research questions, analysis of covariance was used. The results show that teaching of religious doctrines concerning spouses' relationships reduces children's general behavioral problems and their externalized issues. But the hypothesis was not proven regarding the internalized problems. The results also showed that demographic variables had no effect on children's behavioral problems.

Therefore, through intervening and changing the fundamentals of communication, personality traits and methods of conflict management, this educational package has been able to improve the process of relationship between spouses, and the relationship between parents and children.

**Key words:** religious teachings, relations between spouses, children's behavioral problems.

گواه، بسته آموزشی محقق ساخته به والدین گروه آزمایش آموزش داده شد و پس از آزمون انجام گرفت. داده‌های به دست آمده از طریق روش‌های آمار توصیفی، خلاصه، و برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش از تحلیل کوواریانس استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان داد که آموزش آموزه‌های دینی مربوط به روابط زوجین، در کاهش مشکلات کلی رفتاری فرزندان و مشکلات برونی‌سازی شده تأثیر داشته است؛ اما درباره مشکلات درونی‌سازی شده فرضیه به اثبات نرسید. همچنین نتایج نشان داد متغیرهای جمعیت‌شناختی هیچ تأثیری بر مشکلات رفتاری فرزندان نداشته است. در نتیجه این بسته آموزشی با مداخله و ایجاد تغییر در اصول اولیه ارتباط، ویژگی‌های شخصیتی و روش‌های مدیریت تعارض توانسته است در فرایند ارتباط بین زوجین و ارتباط میان والدین و فرزندان تغییرات مثبتی به وجود آورد.

**کلیدواژه‌ها:** آموزه‌های دینی، روابط زوجین، مشکلات رفتاری فرزندان.

## مقدمه

همان‌گونه که توجه و رسیدگی به وضعیت سلامت جسمانی و فیزیکی فرزندان کاری مهم و حیاتی برای آینده و سلامتی آنان است، توجه و اهمیت به سلامت روان آنان نیز می‌تواند تعیین‌کننده زندگی آرام و سالم فرزندان باشد. در سال‌های اخیر توجه به بررسی علمی مشکلات و اختلال‌های دوران کودکی افزایش یافته است؛ زیرا بسیاری از مشکلات کودکان پیامدهای طولانی مدت برای کودک، خانواده و جامعه دارد و همچنین بسیاری از مشکلات و اختلال‌های دوران بزرگ‌سالی ریشه در دوران کودکی دارند (ماش و بارکلی، ۲۰۰۳). پیش از این برخی بر این باور بودند که مشکلات کودکان ناشی از نارسایی‌های

تحوالی آنان است و این کودکان مشکلات را پشت سر خواهند گذاشت. واقعیت این است که فرایند تحول و تغییرات سریع آن همواره نمی‌تواند فاقد ناپایداری رفتاری باشد؛ اما باید توجه داشت که درصد قابل توجهی از کودکانی که در سال‌های نخستین کودکی واجد مشکلات رفتاری و هیجانی هستند، نه تنها به سادگی از آن عبور نمی‌کنند، بلکه ممکن است این تا دوران بلوغ و حتی بزرگسالی نیز با آن درگیر باشند (گیمپل<sup>۳</sup> و هال‌اند<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲). بر اساس پذیرش این واقعیت که مشکلات رفتاری-هیجانی اغلب به‌طور طبیعی کاهش نخواهد یافت، توجه فزاینده‌ای به پیشگیری و درمان مشکلات و اختلال‌های دوران کودکی شده است (کارت‌رایت‌هاتون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵ به نقل از ساپوریان، ۱۳۹۲).

در فرهنگ لغات روان‌شناسی، به رفتارهایی که در نحوه عملکرد فرد اختلال ایجاد کند و یا مشکلی برای دیگران پدید بیاورد، مشکلات رفتاری گفته می‌شود؛ اختلال در عملکرد فرد مانند حساسیت بیش از حد، کم‌رویی، شرم و ترس و رفتارهای مشکل‌زا مانند خشونت در رفتار، عدم حساسیت اجتماعی، مستی، تندگی و جنایت (کرسینی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲). با توجه به اهمیت موضوع مشکلات رفتاری کودکان تاکنون طبقه‌بندی‌های مختلفی برای مشکلات و اختلالات رفتاری صورت گرفته است. طبقه‌بندی مشکلات دوران کودکی در قالب مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی شده از گسترده‌ترین و پرکاربردترین پژوهش‌ها در زمینه طبقه‌بندی اختلالات دوران کودکی است که از رویکرد ابعادی پیروی می‌کند (آخنباخ<sup>۷</sup> و رسکولار<sup>۸</sup>، ۲۰۰۱).

مشکلات درونی‌سازی شده الگوهای رفتاری سازش نایافته‌ای هستند که بیش از، آزار اطرافیان، موجب رنجش خود کودک می‌شوند؛ هسته اصلی این مشکلات اختلال خلق یا هیجان است (کواکز و دولین، ۱۹۹۸ به نقل از ساپوریان، ۱۳۹۲). پژوهشگران میزان شیوع این مشکلات را در حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد تخمین زده‌اند (هانکین<sup>۹</sup>، آبرام سون<sup>۱۰</sup>، مفیت<sup>۱۱</sup>، سیلوا<sup>۱۲</sup>، مک‌گی<sup>۱۳</sup> و انگل<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۸؛ ماناسیس<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۰؛ کاستل<sup>۱۶</sup>، ماستیلو<sup>۱۷</sup>،

3. Gimpel, G.A.

6. Corsini, R. J.

9. Hankin, B.L.

12. Silva, P. A.

15. Manassis, K.

4. Holland, M. L.

7. Achenbach, S.M.

10. Abramson, L.Y.

13. McGee, R.

16. Costello, E. J.

5. Cartwright-Hattom, S.

8. Rescorla, L.A.

11. Moffitt, T.E.

14. Angell, K.E.

17. Mustillo, S.

ارکانلی<sup>۸</sup>، کسler<sup>۹</sup> و انگولد<sup>۲۰</sup>، ۲۰۰۳ و کسler<sup>۱۱</sup>، چيو<sup>۲۲</sup>، دملر<sup>۲۳</sup> و والترز<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۵). محتوای اصلی برخی از اختلال‌های دوران کودکی نیز رفتارهای ضداجتماعی و تضادورزانه است که بر اساس طبقه‌بندی ابعادی، این اختلالات با اصطلاح اختلال‌های برونی‌سازی شده شناخته می‌شوند. این مشکلات الگوهای رفتاری سازش‌نیافته‌ای هستند که در تعارض با دیگر افراد و انتظارهایشان قرار می‌گیرند (آخنباخ و رسکولار، ۲۰۰۱). نشانه‌های این دسته از مشکلات، بر خلاف مشکلات درونی‌سازی شده، در رفتار بیرونی ظاهر می‌شوند و نمایانگر عمل منفی کودک در محیط بیرونی هستند (لایو<sup>۲۵</sup>، ۲۰۰۴)؛ از این رو بیش از آنکه بر خود فرد اثر بگذارند، موجب ایجاد مشکل برای دیگران خواهند شد (دادستان، طهران‌زاده، رسول‌زاده طباطبایی، آزادفلاح و آشتیانی، ۱۳۹۰).

عوامل زیادی برای مشکلات رفتاری کودکان مطرح شده است. طهماسیان (۱۳۸۵) بر این عقیده است که اکثر مشکلات رفتاری کودکان منعکس‌کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده، به ویژه والدین، هستند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که پرخاشگری، بزه‌کاری و سایر مشکلات رفتاری نمایانگر اختلالاتی در روابط بین والدین و فرزندان هستند (می‌کوچی، ۱۳۸۳). مطالعات مربوط به کودکان با والدین دارای آسیب‌های روانی نشان می‌دهد که چنین کودکانی متعلق به خانواده‌هایی هستند که احتمال ابتلا و آسیب در آن‌ها زیاد است و بین آنان و کودکان مربوط به خانواده‌های با آسیب کمتر تفاوت معناداری وجود دارد (تاجیک اسماعیلی، ۱۳۷۰).

می‌توان عوامل مختلفی در محیط خانواده را برشمرد که ممکن است منجر به ایجاد اختلالات روانی-رفتاری کودک شوند. از مطالعه پژوهش‌های گذشته به دست می‌آید که جوّ پرتعارض و گیج‌کننده در یک خانواده هم‌نشان بیماری است و هم بیماری‌زا (تاجیک اسماعیلی، ۱۳۷۰). از نظر طرفداران نظریه یادگیری، روابط نامطلوب و نادرست والدین با یکدیگر در محیط خانواده سبب رفتارهای نامطلوب با کودک و اساس بیماری‌های روانی هستند. آنان عقیده دارند که این تعارضات، که از زمان طفولیت و کودکی به صورت

18. Erkanli, A.

19. Kesler, G.

20. Angold, A.

21. Kessler, R.C.

22. Chiu, W.T.

23. Demler, O.

24. Walters, E.E.

25. Liu, J.

ناخودآگاه و از طریق مشاهده آموخته می‌شوند، اساس بیشتر مشکلات عاطفی در بزرگسالی هستند. ناسازگاری و اختلافات زناشویی در تمام مراحل رشد کودک، یعنی در دوران بارداری، زایمان، نوزادی، شیرخواری و کودکی و حتی دوران بلوغ، اثراتی خواهد گذاشت (تاجیک اسماعیلی، ۱۳۷۰). همچنین مطالعات موردی بر روی زنان و مردانی که در زندگی مشترک دچار تنش شده‌اند نشان داده است که نگرش‌های غیرواقع‌بینانه به زندگی زناشویی، ضعف اخلاقی، نداشتن مهارت‌های ارتباطی و کمبود آگاهی از مسائل جنسی در بروز و افزایش تنش در زندگی مؤثر است (فقیهی، ۱۳۸۶). تحقیقات نشان می‌دهند که آموزش‌های صحیح و همه‌جانبه درباره هدف زندگی، نگرش‌ها و باورها، مهارت‌های اخلاقی و ارتباطی و آشنایی با مسائل جنسی تأثیرات تربیتی روانی خوبی بر همسران دارد و در کاهش تنش و بهبود روابط آنان مؤثر است (فقیهی، ۱۳۸۶).

در سال‌های اخیر مذهب و آموزه‌های مذهبی یکی از متغیرهای مؤثر رفتار و حالات روانی قلمداد شده و به قدری مورد توجه بسیاری از متخصصان علوم رفتاری قرار گرفته است که برخی دین را عامل اساسی بهداشت فردی و اجتماعی معرفی کرده‌اند (سهرابی و سامانی، ۱۳۸۰ به نقل از حیدری ۱۳۸۷). تحقیقات متعددی نشانگر اثر بخشی روان‌درمانی مذهبی بر مشکلات روان‌شناختی هستند (حیدری، ۱۳۸۷). بررسی‌های متعدد انجام شده در زمینه مذهب و رضامندی زناشویی حاکی از وجود رابطه مثبت بین این دو است (دادلی<sup>۲۶</sup> و کاسینسکی<sup>۲۷</sup>، ۱۹۹۰ به نقل از جمشیدی، ۱۳۹۱). به همین دلیل یکی از روش‌هایی که احتمالاً می‌تواند نقش مهمی در ایجاد رضایت زناشویی و حل اختلافات ایفا کند، استفاده از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های آموزه‌های دینی مربوط به روابط زوجین برای کنترل، هدایت، مدیریت و جهت‌دهی روابط و در نتیجه ارتقای روابط زوجین است. آموزه‌های روان‌شناختی مبتنی بر وحی، به دلیل توجه ویژه به فطرت و تمایلات طبیعی زن و مرد و هماهنگی آن‌ها با اهداف آفرینش، در سلامت زندگی مشترک و آرامش روانی و بهبود روابط همسران مؤثر است. با توجه به اهمیت و نقش آموزه‌های مبتنی بر اساس آیات و احادیث در سالم‌سازی زندگی انسان، به‌ویژه زندگی خانوادگی و فراهم‌سازی زمینه نیل به کمال و

26. Dudley, G.M.

27. Kosinski, A.F.

رضوان الهی، آموزش آموزه‌های مربوط به روابط زوجین می‌تواند ارتقا و تعمیق سلامت معنوی همسران را به دنبال داشته باشد (فقیهی، ۱۳۸۶). همچنین از آنجا که کیفیت روابط پدر و مادر بر رفتار فرزندان تأثیرگذار است، آموزش این آموزه‌ها احتمالاً می‌تواند در کاهش مشکلات رفتاری فرزندان سودمند باشد. بر اساس متون دینی می‌توان مؤلفه‌هایی مانند پایبندی‌های مذهبی زوجین، حل اختلاف و تعارض، ارضای نیاز جنسی، مدیریت اقتصادی خانواده، صفات شخصیتی، تفریح و اوقات فراغت خانواده، رفت و آمدهای فامیلی، فرزندآوری و فرزندپروری را مؤلفه‌های تقویت‌کننده روابط زوجین و رضامندی زناشویی آنان به شمار آورد (جدیری، ۱۳۸۷). بنابراین برای ارتقای روابط زوجین لازم است که زوجین به یادگیری و به کارگیری آموزه‌های دینی در زندگی زناشویی خود اقدام کنند.

در پژوهش‌های موجود به نقش آموزه‌های مربوط به روابط زوجین بر کاهش مشکلات رفتاری فرزندان پرداخته نشده است و پژوهش در این موضوع، به سبب نقش آموزه‌های دینی در این زمینه، ممکن است راه‌کارهای مفیدی به مشاوران ارائه دهد، به همین جهت این پژوهش درصدد است تا به سنجش میزان تأثیر آموزش آموزه‌های دینی مربوط به روابط زوجین بر کاهش مشکلات رفتاری فرزندان بپردازد. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤالات است: آموزش آموزه‌های دینی مربوط به روابط زوجین چه تأثیری بر مشکلات رفتاری فرزندان دارد؟ اثربخشی آموزش آموزه‌های دینی مربوط به روابط زوجین بر مشکلات رفتاری فرزندان، بر حسب متغیرهای جمعیت‌شناختی، چگونه است؟

### روش پژوهش

در این پژوهش برای رسیدن به هدفی کاربردی از روش آزمایشی استفاده شده است. منظور از مشکلات رفتاری در این پژوهش نمره‌ای است که فرد در پرسش‌نامه مقیاس سنجش آخنباخ دریافت می‌کند و افرادی که نمره آنان، در هر یک از اختلالات، بیش از حد بهنجار باشد دارای مشکل رفتاری به حساب می‌آیند و در طیف بالینی قرار می‌گیرند. منظور از آموزه‌های دینی بسته‌ای آموزشی است که محقق طراحی کرده و به والدین آموزش داده است. برای تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات به‌دست‌آمده جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌های این پژوهش، از روش‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی و میانگین) و آمار استنباطی



(کوواریانس) در مقایسه نتایج پیش‌آزمون و پس‌آزمون استفاده شده است. جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه: در پژوهش حاضر جامعه آماری موردنظر تمام زوج‌های ساکن شهر مقدس قم هستند که فرزندان‌شان دچار مشکلات رفتاری هستند. در این پژوهش از نمونه‌گیری چند مرحله‌ای بهره‌برده شده است؛ ابتدا به‌طور تصادفی از میان نواحی آموزش و پرورش، ناحیه دو و از میان لیست مدارس این ناحیه، مدرسه متوسطه دخترانه دوره اول امام حسن مجتبی (علیه‌السلام)، از منطقه چهار آموزش و پرورش شهرستان قم انتخاب و تعداد ۱۳۰ فرم خودگزارش‌دهی کودک (YSR) میان دانش‌آموزان این مدرسه توزیع شد. پس از نمره‌گذاری آزمون‌های پر شده ۳۴ دانش‌آموز که دچار مشکلات رفتاری تشخیص داده شدند، به‌صورت تصادفی به دو گروه همگن گواه و آزمایش تقسیم شدند و از والدین گروه آزمایش برای شرکت در کارگاه آموزه‌های دینی دعوت به عمل آمد. هفت جلسه آموزشی نود دقیقه‌ای و با فاصله زمانی یک هفته برای زوج‌ها و به صورت گروهی برگزار شد؛ بدین صورت که ابتدای هر جلسه تکلیف جلسه قبل بررسی و بعد مطالب جدید ارائه می‌شد. پس از برگزاری کارگاه و گذشت ۴۵ روز، برای اجرای پس‌آزمون، فرم خودگزارش‌دهی کودک (YSR) آخنباخ (۲۰۰۱) میان تمامی دانش‌آموزان توزیع گردید. پس از نمره‌گذاری و کنار گذاشتن تعدادی از فرم‌ها، به دلیل یکسان نمودن تکمیل‌کننده فرم‌ها و همگن بودن پاسخ‌ها، داده‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه گواه (۱۴ نفر) و گروه آزمایش (۱۴ نفر) اطلاعات این پژوهش را شکل دادند.

ابزار پژوهش

الف) فهرست خودگزارش‌دهی نوجوانان (YSR): در این پژوهش برای اندازه‌گیری مشکلات رفتاری کودکان از فرم خودگزارش‌دهی نوجوانان (YSR) در نظام سنجش مبتنی بر تجربه آخنباخ (ASEBA)<sup>۲۸</sup> استفاده شده است. این فرم برای سنین یازده تا هجده سال هنجاریابی شده و دارای دو بخش است که باید خود نوجوان، بر اساس وضعیت خود در شش ماه گذشته، آن را تکمیل کند (مینایی، ۱۳۸۴). اعتبار آزمون -

بازآزمون با فاصله زمانی یک هفته و نیز اعتبار بین مصاحبه‌گران در نمرات گزارش‌های والدین (CBCL) بین ۹۳٪ تا ۹۷٪ بوده است. این پایایی برای مقیاس‌های صلاحیت، کنش‌وری سازشی و نشانگان عاطفی - رفتاری در فهرست خودگزارش‌دهی نوجوانان (YSR) برابر با ۸۲٪ بوده است (آخنباخ و رسکورلا، ۲۰۰۱). همسانی درونی مقیاس صلاحیت درونی نظام سنجش مبتنی بر تجربه آخنباخ (ASEBA) بین آلفای ۵۵٪ تا ۷۵٪ در YSR بوده است و نمرات YSR در طول ۷ ماه ثبات داشته‌اند (مهمکام، ۱۳۸۷). مینایی (۱۳۸۴) برای هنجاریابی نظام سنجش مبتنی بر تجربه آخنباخ در ایران، این فهرست را پس از انطباق‌های لازم و لحاظ زبان، فرهنگ و اجتماع، با استفاده از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای بر نمونه‌ای به تعداد ۱۴۳۸ نفر - شامل ۶۸۹ دختر و ۷۴۹ پسر، بر اساس مقطع و پایه تحصیلی از سه بخش شمال، مرکز و جنوب شهر تهران و تعدادی از مراجعه‌کنندگان به بخش‌های روان‌پزشکی بیمارستان - اجرا کرد. همسانی درونی مقیاس‌های شایستگی نظام سنجش مبتنی بر تجربه آخنباخ در سطح نسبتاً بالایی قرار داشته و در نوسان بوده است. ضریب آلفای مقیاس کلی فرم گزارش معلم نیز ۰/۸۳ بوده است. ضرایب آلفای مقیاس سندرمی مبتنی بر DSM در سطح رضایت‌بخشی قرار داشته و دامنه آن برای فرم خودگزارش‌دهی نوجوانان از ۰/۶۴ تا ۰/۷۳ گزارش شده است. همچنین ضرایب آلفای مقیاس سندرمی مبتنی بر تجربه نیز در سطح رضایت‌بخشی بوده و دامنه آن برای فهرست خودگزارش‌دهی نوجوانان از ۰/۶۵ تا ۰/۸۷ گزارش شده است (ساطوریان، ۱۳۹۲). آخنباخ و رسکورلا (۲۰۰۱) بر اساس تحلیل عاملی که بر روی سؤالات مربوط به مشکلات عاطفی - رفتاری این فرم انجام دادند، مقیاس‌ها یا خرده‌آزمون‌هایی را استخراج کردند و آن‌ها را مقیاس‌های مبتنی بر تجربه نام نهادند. مقیاس‌های مبتنی بر تجربه در فرم YSR به این ترتیب هستند: اضطراب/افسردگی؛ گوشه‌گیری/افسردگی؛ شکایات جسمانی؛ مشکلات اجتماعی؛ مشکلات تفکر؛ مشکلات توجه؛ رفتار قانون‌شکنی؛ رفتار پرخاشگری؛ درونی‌سازی؛ برونی‌سازی و مشکلات کلی.

ب) بسته محقق ساخته: محقق در ابتدا با بررسی تحقیقات مختلف درباره مؤلفه‌های رضامندی زناشویی و واریس متون دینی، اعم از قرآن و روایات، در زمینه مسائل

زناشویی و خانوادگی به سرفصل‌هایی در زمینه رضامندی زناشویی از منظر دینی دست یافت. در گام اول، آیات و روایات مربوط را گرد آورد و سپس به توصیف هر یک از سرفصل‌ها پرداخت و ده سرفصل را — که از نظر متخصصان علوم دینی بیشترین ارتباط را با مباحث خانوادگی از منظر دین داشتند — انتخاب و به همراه مستندات آن‌ها به هشت نفر از متخصصان روان‌شناسی و مذهبی ارائه داد؛ این متخصصان دارای مدرک تحصیلی دکترا و فوق لیسانس روان‌شناسی و سطح سه و چهار حوزه بودند و سابقه کار بالینی در حوزه مسائل خانواده داشتند. روایی این ده سرفصل مبتنی بر ارتباط آن‌ها با روابط زوجین، با میانگین کلی ۸۵٪ تأیید شد (دامنه روایی هر یک از سرفصل‌ها از ۷۵٪ تا ۹۷٪ بود). پس از این مرحله، محقق اقدام به جمع‌آوری مطالب و ساخت بسته آموزشی کرد. ارتباط کلامی و غیرکلامی، پایبندی‌های مذهبی زوجین، مدیریت تعارض، روابط جنسی (آداب و کارکردهای روابط جنسی سالم از دیدگاه اسلام)، مدیریت اقتصادی خانواده، ویژگی‌های شخصیتی، تفریح و اوقات فراغت خانواده، صله رحم، نقش زن و مرد و فرزندپروری سرفصل‌های این بسته آموزشی را تشکیل می‌دهند.

### یافته‌های پژوهش

در این پژوهش برای بررسی تأثیر آموزش آموزه‌های دینی بر کاهش مشکلات فرزندان از آزمون تحلیل کوواریانس با رعایت پیش‌فرض‌های آماری استفاده شد. در جدول ۱ شاخصه‌های توصیفی متغیرهای پژوهش، یعنی مشکلات رفتاری کلی، مشکلات درونی‌سازی‌شده و برونی‌سازی‌شده به تفکیک گروه آزمایش و گواه و پیش‌آزمون و پس‌آزمون ارائه شده است.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی مشکلات رفتاری فرزندان برحسب گروه و مرحله آزمون

| متغیر                 | گروه   | آزمون     | کمینه | بیشینه | میانگین | انحراف استاندارد | تعداد |
|-----------------------|--------|-----------|-------|--------|---------|------------------|-------|
| مشکلات کلی            | آزمایش | پیش‌آزمون | ۵۹    | ۸۵     | ۷۱/۶۴   | ۸/۰۲             | ۱۴    |
|                       |        | پس‌آزمون  | ۴۸    | ۶۹     | ۵۸/۲۱   | ۷/۱۳             | ۱۴    |
|                       | گواه   | پیش‌آزمون | ۵۴    | ۸۳     | ۶۵/۵۰   | ۸/۹۸             | ۱۴    |
|                       |        | پس‌آزمون  | ۴۸    | ۸۵     | ۶۵/۳۹   | ۱۰/۰۳            | ۱۴    |
| مشکلات درونی‌سازی شده | آزمایش | پیش‌آزمون | ۵۱    | ۸۴     | ۶۶/۶۴   | ۷/۴۰             | ۱۴    |
|                       |        | پس‌آزمون  | ۴۴    | ۶۵     | ۵۴/۹۳   | ۷/۱۱             | ۱۴    |
|                       | گواه   | پیش‌آزمون | ۵۴    | ۷۳     | ۶۱/۲۸   | ۵/۴۸             | ۱۴    |
|                       |        | پس‌آزمون  | ۴۴    | ۷۳     | ۶۱/۲۹   | ۸/۲۸             | ۱۴    |
| مشکلات برونی‌سازی شده | آزمایش | پیش‌آزمون | ۴۰    | ۸۰     | ۵۶/۲۸   | ۱۰/۹۲            | ۱۴    |
|                       |        | پس‌آزمون  | ۳۸    | ۶۹     | ۴۹/۵۰   | ۹/۵۰             | ۱۴    |
|                       | گواه   | پیش‌آزمون | ۴۰    | ۶۲     | ۵۳/۵۷   | ۷/۸۶             | ۱۴    |
|                       |        | پس‌آزمون  | ۳۶    | ۷۰     | ۵۴/۸۶   | ۹/۳۰             | ۱۴    |

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود میانگین مشکلات کلی در گروه آزمایش در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون ۱۳/۴۳ نمره کاهش داشته است؛ این در صورتی است که میانگین مشکلات کلی در گروه گواه فقط ۰/۲۱ نمره کاهش داشته است. میانگین مشکلات درونی‌سازی شده در گروه آزمایش ۱۱/۷۱ نمره کاهش داشته، ولی در گروه گواه ۰/۰۱ افزایش داشته است. میانگین مشکلات برونی‌سازی شده نیز در گروه آزمایش ۶/۷۸ نمره کاهش داشته، در صورتی که در گروه گواه ۱/۲۹ افزایش داشته است. این مسئله تغییر کاهشی میانگین در پس‌آزمون گروه آزمایش نسبت به پیش‌آزمون را نشان می‌دهد. فرض همگنی واریانس‌های دو گروه آزمایش و گواه در پیش‌آزمون با استفاده از آزمون لوین ارزیابی شد؛ نتایج داده‌های این پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- نتایج تحلیل واریانس (ANOVA) برای همگنی دو گروه آزمایش در مرحله پیش‌آزمون

| تحلیل واریانس (ANOVA) |       |        |     |     | آزمون همگنی واریانس‌ها |       |                  |                       |
|-----------------------|-------|--------|-----|-----|------------------------|-------|------------------|-----------------------|
| P                     | F     | MS     | df2 | df1 | SS                     | P     | Levene Statistic |                       |
| ۰/۰۳۹                 | ۴/۷۳  | ۲۰۰/۸۹ | ۲۶  | ۱   | ۲۰۰/۸۹                 | ۰/۵۹۵ | ۰/۲۸۹            | مشکلات درونی‌سازی شده |
| ۰/۴۵۷                 | ۰/۵۷۰ | ۵۱/۵۷  | ۲۶  | ۱   | ۵۱/۵۷                  | ۰/۵۳۸ | ۰/۳۹۰            | مشکلات برونی‌سازی شده |
| ۰/۰۶۸                 | ۳/۶۴۰ | ۲۶۴/۱۴ | ۲۶  | ۱   | ۲۶۴/۱۴                 | ۰/۹۹۲ | ۰/۰۰۰            | مشکلات کلی            |

با توجه به جدول ۲ آزمون لوین<sup>۲۹</sup> نشان می‌دهد که در متغیرهای مشکلات برونی‌سازی شده

و مشکلات کلی، دو گروه آزمایش و گواه در مرحله پیش‌آزمون واریانس‌های یکسانی در متغیرهای پژوهش دارند که بنابراین، مفروضه انجام تحلیل واریانس فراهم است؛ اما نتایج آزمون لوین نشان می‌دهد که در مشکلات درونی‌سازی شده میان گروه آزمایش و گواه همگنی واریانس‌ها وجود ندارد؛ زیرا دو گروه آزمایش و گواه به‌طور تصادفی از میان گروه نمونه انتخاب شده‌اند. جدول زیر تحلیل کوواریانس فرضیه اصلی پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۳- نتایج تحلیل کوواریانس برای بررسی اثر بسته آموزشی بر مشکلات رفتاری فرزندان گروه‌های آزمایش و گواه

| متغیر                 | منبع تغییر | SS      | df | MS     | F     | P     |
|-----------------------|------------|---------|----|--------|-------|-------|
| مشکلات درونی‌سازی شده | پیش‌آزمون  | ۲۱۲/۶۱  | ۱  | ۲۱۲/۶۱ | ۴/۰   | ۰/۰۵۷ |
|                       | گروه       | ۴۴۹/۰۹  | ۱  | ۴۴۹/۰۹ | ۸/۴۴  | ۰/۰۰۸ |
|                       | خطا        | ۱۳۲۹/۱۷ | ۲۵ | ۵۳/۱۶  |       |       |
|                       | کل         | ۹۶۳۶۵   | ۲۸ |        |       |       |
| مشکلات برونی‌سازی شده | پیش‌آزمون  | ۷۳۴/۶۶  | ۱  | ۷۳۴/۶۶ | ۱۱/۷۳ | ۰/۰۰۲ |
|                       | گروه       | ۳۲۳/۶۱  | ۱  | ۳۲۳/۶۱ | ۵/۱۷  | ۰/۰۳۲ |
|                       | خطا        | ۱۵۶۴/۵۵ | ۲۵ | ۶۲/۵۸  |       |       |
|                       | کل         | ۷۸۷۳۳   | ۲۸ |        |       |       |
| مشکلات کلی            | پیش‌آزمون  | ۳۳۷/۰۹  | ۱  | ۳۳۷/۰۹ | ۴/۲۹  | ۰/۰۴۹ |
|                       | گروه       | ۴۸۸/۴۴  | ۱  | ۴۸۸/۴۴ | ۴/۹۴  | ۰/۰۳۵ |
|                       | خطا        | ۱۹۶۲/۱۱ | ۲۵ | ۷۸/۴۸  |       |       |
|                       | کل         | ۷۸۷۳۳   | ۲۸ |        |       |       |

نتایج تحلیل کوواریانس مندرج در جدول ۳ بیانگر آن است که بین نمرات پس‌آزمون در گروه آزمایش و کنترل متغیرهای مشکلات برونی‌سازی شده و مشکلات کلی تفاوت معناداری وجود دارد ( $p < 0/05$ )؛ به عبارت دیگر، مداخله انجام گرفته از اثر بخشی معناداری برخوردار است و فرضیه تحقیق در سطح معناداری ( $p < 0/05$ ) تأیید می‌شود؛ اما در مشکلات درونی‌سازی شده، با توجه به اینکه همگنی واریانس‌ها به دست نیامد، مشاهده می‌شود مشخصه F از لحاظ آماری برای پیش‌آزمون معنادار نیست و می‌توان نتیجه گرفت که میانگین نمرات در پس‌آزمون تحت تأثیر پیش‌آزمون نبوده است. مشخصه F مربوط به گروه (اثر مداخله) با تعدیل نمره پیش‌آزمون برابر با ۸/۴۴ بوده و از لحاظ آماری معنادار است. مقایسه میانگین‌های دو گروه آزمایش و گواه در مشکلات درونی‌سازی شده نشان

می‌دهد که گروه آزمایش، پس از مداخله دچار کاهش قابل توجه میانگین شده است و اگر همگن نبودن واریانس‌های دو گروه نبود، می‌شد نتیجه گرفت که مداخله اسلامی در کاهش اختلال‌های درونی‌سازی شده تأثیر داشته است.

جدول ۴ نتایج تحلیل کوواریانس فرضیه فرعی را نشان می‌دهد؛ بر اساس فرضیه فرعی آموزش آموزه‌های دینی مربوط به روابط زوجین برای کاهش مشکلات رفتاری فرزندان، برحسب متغیرهای جمعیت شناختی (سن، تحصیلات و مدت ازدواج والدین)، تفاوت معنادار دارد.

جدول ۴- نتایج تحلیل کوواریانس اثر متغیرهای جمعیت شناختی بر مشکلات درونی‌سازی شده

| متغیر        | SS     | df | MS     | F     | p     |
|--------------|--------|----|--------|-------|-------|
| سن دانش‌آموز | ۱۴۲/۶۶ | ۱  | ۱۴۲/۶۶ | ۲/۸۸  | ۰/۱۰۲ |
| پایه تحصیلی  | ۱۰۲/۲۵ | ۱  | ۱۰۲/۲۵ | ۲/۰۰  | ۰/۱۰۷ |
| سن پدر       | ۰/۹۳   | ۱  | ۰/۹۳   | ۰/۰۱۷ | ۰/۸۹۸ |
| سن مادر      | ۸/۲۴   | ۱  | ۸/۲۴   | ۰/۱۵  | ۰/۷۰۲ |
| تحصیلات پدر  | ۲۷/۰۸  | ۱  | ۲۷/۰۸  | ۰/۵۰۴ | ۰/۴۸۵ |
| تحصیلات مادر | ۲۶/۴۰  | ۱  | ۲۶/۴۰  | ۰/۳۹  | ۰/۵۴۵ |
| مدت ازدواج   | ۳۳/۸۰  | ۱  | ۳۳/۸۰  | ۰/۷۳  | ۰/۴۰۳ |

نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۴، که سطح معناداری در تمامی متغیرها ( $p > ۰/۰۵$ ) بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، نشان می‌دهد که متغیرهای جمعیت شناختی تأثیری بر متغیر وابسته، یعنی مشکلات درونی‌سازی شده، نداشته‌اند.

جدول ۵- نتایج تحلیل کوواریانس اثر متغیرهای جمعیت شناختی بر مشکلات برونی‌سازی شده

| متغیر        | SS     | df | MS     | F    | p     |
|--------------|--------|----|--------|------|-------|
| سن دانش‌آموز | ۱۱۵/۸۵ | ۱  | ۱۱۵/۸۵ | ۱/۹۲ | ۰/۱۷۹ |
| پایه تحصیلی  | ۴۱/۰۵  | ۱  | ۴۱/۰۵  | ۰/۶۵ | ۰/۴۲۹ |
| سن پدر       | ۷۱/۹۹  | ۱  | ۷۱/۹۹  | ۱/۱۶ | ۰/۲۹۳ |
| سن مادر      | ۱/۲۳   | ۱  | ۱/۲۳   | ۰/۰۲ | ۰/۸۹۱ |
| تحصیلات پدر  | ۲۱/۱۳  | ۱  | ۲۱/۱۳  | ۰/۴  | ۰/۵۳۳ |
| تحصیلات مادر | ۱۶/۳۲  | ۱  | ۱۶/۳۲  | ۰/۱۸ | ۰/۶۸۰ |
| مدت ازدواج   | ۸۲/۱۶  | ۱  | ۸۲/۱۶  | ۱/۶۴ | ۰/۲۱۴ |

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۵، که سطح معناداری در تمامی متغیرها بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، متغیرهای جمعیت‌شناختی تأثیری بر متغیر وابسته، یعنی مشکلات برونی‌سازی شده، نداشته‌اند.

جدول ۶- نتایج تحلیل کوواریانس اثر متغیرهای جمعیت شناختی بر مشکلات کلی

| متغیر        | SS     | df | MS     | F    | p     |
|--------------|--------|----|--------|------|-------|
| سن دانش‌آموز | ۲۶۱/۴۱ | ۱  | ۲۶۱/۴۱ | ۵/۲۸ | ۰/۳۱۰ |
| پایه تحصیلی  | ۱۱۷/۵۸ | ۱  | ۱۱۷/۵۸ | ۲/۱۱ | ۰/۱۵۸ |
| سن پدر       | ۰/۹۵۴  | ۱  | ۰/۹۵۴  | ۰/۰۲ | ۰/۹۰۱ |
| سن مادر      | ۴۰/۷۴  | ۱  | ۴۰/۷۴  | ۰/۶۹ | ۰/۴۱۳ |
| تحصیلات پدر  | ۵۳/۰۴  | ۱  | ۵۳/۱۰۴ | ۰/۹۲ | ۰/۳۴۸ |
| تحصیلات مادر | ۱/۹۵   | ۱  | ۱/۹۵   | ۰/۰۳ | ۰/۸۷۴ |
| مدت ازدواج   | ۲۰۷/۹۸ | ۱  | ۲۰۷/۹۸ | ۹/۲۹ | ۰/۰۵۵ |

نتایج به دست آمده در جدول ۶ که سطح معناداری در تمامی متغیرها بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، بیانگر این است که متغیرهای جمعیت شناختی تأثیری بر متغیر وابسته، یعنی مشکلات کلی، نداشته‌اند.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که آموزش آموزه‌های دینی مربوط به روابط زوجین بر مشکلات رفتاری فرزندان تأثیر کاهشی داشته است. چنانکه تحلیل داده‌های جدول ۳ نشان داد، این فرضیه در متغیر وابسته مشکلات کلی - که مجموع مشکلات درونی‌سازی شده، مشکلات برونی‌سازی شده، مشکلات توجه، مشکلات تفکر، مشکلات اجتماعی و مشکلات دیگر است - و مشکلات برونی‌سازی شده به اثبات رسیده است؛ اما در مشکلات درونی‌سازی شده به اثبات نمی‌رسد؛ زیرا واریانس‌ها همگن نبودند و میانگین نمرات در پس‌آزمون نیز تحت تأثیر پیش‌آزمون نبوده است. این یافته با نتایج پژوهش‌های وبستر- استراتون<sup>۳۰</sup> (۱۹۹۰) - درباره آموزش مهارت‌های رفتاری به والدین (BPST)<sup>۳۱</sup> خانواده‌هایی که فرزندان آن‌ها دچار اختلالات برونی‌سازی شده بودند - و فرا تحلیل تاوک‌جیو (۲۰۰۸) درباره میزان تأثیر این نوع مداخلات بر اختلالات رفتاری فرزندان هم‌خوانی دارد. این نتایج با نتایج پژوهش‌های داخلی نیز هم‌خوانی دارد، مانند بررسی اثر آموزش مادران در کاهش اختلال‌های رفتاری کودکان (طهماسیان، مهریار، بوالهروی و بیرشک، ۱۳۷۶)؛ بررسی میزان تأثیر آموزش رفتاری والدین در کاهش مشکلات رفتاری بیرونی کودکان پیش‌دبستانی (کلانتری، مولوی و

30. Webster-Stratton, C.

31. Behavioral Parent Skills Training

عابدی، ۱۳۷۶)؛ تأثیر آموزش فرزندپروری مثبت بر کاهش علایم کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای (جلالی، شعیری، طهماسیان و پوراحمدی، ۱۳۸۶)؛ تأثیر آموزش برنامه فرزندپروری مثبت بر کاهش اختلالات برونی‌سازی‌شده در کودکان ۷ تا ۱۰ ساله (جلالی، پوراحمدی، باباپور، خیرالدین و شعیری، ۱۳۸۸) و تشخیص اختلال‌های برونی‌سازی‌شده در دانش‌آموزان پسر دبستانی استان قم و مداخله بر اساس آموزه‌های اسلامی روان‌شناختی در سطح والدین (مهکام، ۱۳۸۷).

نتایج به‌دست‌آمده در جدول‌های ۴ و ۵ و ۶ نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از متغیرهای جمعیت‌شناختی در پژوهش حاضر در نمره پس‌آزمون تأثیر معناداری نداشته‌اند؛ بنابراین فرضیه فرعی به اثبات نمی‌رسد. نتایج به‌دست‌آمده در مورد سن مادر با نتایج به‌دست‌آمده در پژوهش ساطوریان (۱۳۹۲) تفاوت دارد؛ نتایج پژوهش ساطوریان نشان می‌دهد که سن مادر در مشکلات رفتاری کودکان و تحصیلات پدر در مشکلات درونی‌سازی‌شده کودکان دارای اثر معنادار هستند. در پژوهش حاضر درباره وضعیت تحصیلی پدر و مادر تأثیر معناداری بر مشکلات رفتاری کودکان به دست نیامد؛ اما نتایج مطالعات طهماسیان و فتی (۱۳۸۵)، خوشابی و همکاران (۱۳۸۶)، حمیدی (۱۳۸۵)، یوسفی (۱۳۷۷)، بارکلی (۱۹۹۸) و بیدرمن و فاراوان (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که بین وضعیت تحصیلی پدر و مشکلات و اختلالات رفتاری کودکان رابطه معناداری وجود دارد؛ به‌عبارت‌دیگر، کودکانی که والدینشان از سطح تحصیلات پایین‌تری برخوردارند، احتمال خطر بیشتری برای ابتلا به مشکلات رفتاری دارند. نتایج مطالعه شهیم، مهرانگیز و یوسفی (۱۳۸۶) نیز نشان داد که کودکانی که والدینشان سطح سواد پایین‌تری دارند، بیشتر در معرض برای ابتلا به کاستی توجه و بیش‌فعالی هستند (ساطوریان، ۱۳۹۲).

در تبیین نتایج این پژوهش می‌توان گفت که بین تعامل والد-کودک و سازگاری عاطفی و رفتاری کودک در اوایل کودکی، اواسط کودکی و نوجوانی رابطه وجود دارد (کاراملا و لئو، ۲۰۰۴) و کیفیت تعامل والد-کودک را غالباً می‌توان پیش‌بینی‌کننده‌ای برای مشکلات رفتاری کودکان در نظر گرفت (اسمارت، ۲۰۰۱ و برونشتاین، ۱۹۹۴). تعامل‌هایی که همراه با خصومت متقابل، بدبینی، مهار بیش‌ازحد و خشونت هستند، در بسیاری از آسیب‌شناسی‌های دوران کودکی دخالت دارند (هالنشتاین<sup>۳۲</sup>، ۲۰۰۴) و پذیرش



فرزندان از سوی والدین و کنترل مناسب رابطه مثبت و معناداری با سازگاری نوجوان دارد (کورک و فاین، ۱۹۹۴). بر اساس پژوهش‌های کامینگ (۱۹۹۸) نیز مشخص شد که قرار گرفتن مکرر کودکان در تعارض‌های خانوادگی به احتمال بروز رفتارهای برونی‌سازی منجر می‌شود. مطالعات طولی پیش‌گستر نشان می‌دهند که هم عدم توافق والدین در خصوص فرزندپروری و هم مسائل زناشویی اساس مشکلات رفتاری دوره کودکی هستند و نیز خصومت و خشم آشکار زناشویی، در مقایسه با خود مسائل زناشویی، ارتباط نزدیک‌تری با مشکلات رفتاری برونی‌سازی کودکان دارد (فین چام<sup>۳۳</sup> و آزبورن<sup>۳۴</sup>، ۱۹۹۳ به نقل از کمپل<sup>۳۵</sup>، ۱۳۸۶).

نکته‌ای که نباید از آن غفلت نمود توجه به عامل تعارض بین والدین است که تأثیری منفی بر رابطه والد-کودک می‌گذارد. به هر دلیلی که بین والدین تعارض به وجود آید، تأثیر منفی خود را بر رابطه آنان و فرزندان خواهد گذاشت و بر مشکلات رفتاری فرزندان خواهد افزود. پژوهش تاجیک اسماعیلی (۱۳۷۰)، که در پی بررسی علل ناسازگاری دانش‌آموزان دوره ابتدایی بود، نشان داد که چگونگی رابطه پدر و مادر با یکدیگر در میزان ناسازگاری دانش‌آموزان (رفتارهای ضداجتماعی) نقش دارد. همچنین پژوهش‌های دیگری (به نقل از ساطوریان، ۱۳۹۲) نیز نشان داده‌اند که تعارض پدر و مادر کودک را به استرس، ترس و خشم دچار می‌سازد و تجربه پی‌درپی تعارض والدین به مشکلات رفتاری (کامینگز و دیویس، ۲۰۰۲) و جسمانی کودک (الشیخ، هارگر و ویتسون، ۲۰۰۱) می‌انجامد.

به نظر می‌رسد این بسته آموزشی با مداخله و ایجاد تغییر در چند مسئله توانسته است در فرایند ارتباط بین زوجین و ارتباط بین والدین و فرزندان تغییرات مثبتی به وجود آورد و از این راه رفتارهای تضادورزانه فرزندان را به گونه‌ای کاهش دهد که تفاوت تغییرات بین میانگین‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش معنادار باشد و در نهایت فرضیه پژوهش را به اثبات رساند. محتوای آموزشی این بسته چنین است:

الف) اصول اولیه ارتباط: بسیاری از افراد اصول اولیه ارتباط را بلد نیستند یا به دلیل مشکلات زندگی از آن‌ها غافل شده‌اند. اصل توجه به نیازهای عاطفی و جسمانی طرف مقابل در ارتباط را همواره باید مدنظر داشت تا تعاملی سازنده و آرامش‌بخش به وجود بیاید. در این بسته تلاش شد تا اساسی‌ترین نیازها و مهم‌ترین ویژگی‌های عاطفی همسر

33. Fincham, F.

34. Osborn, L.N.

35. Cambel, S.B.

و فرزندان بازگو و بر روش ارضای آن تأکید شود. نیاز به تعلق، نیاز به شادی و شادکامی، نیاز به احترام و تکریم و نیاز به درک متقابل در این بخش مطرح شده است.

(ب) ویژگی‌های اخلاقی- شخصیتی: عده‌ای از افراد فاقد ویژگی‌های اخلاقی- شخصیتی مناسب در خانواده هستند؛ بنابراین در عمل صلاحیت لازم برای تشکیل خانواده و فرزندپروری را ندارند. در حقیقت این افراد صلاحیت انجام نقش خود در خانواده را ندارند و در انجام وظایف نقشی دچار مشکل می‌شوند. در بخش دیگری از این بسته آموزشی سعی شد، با توجه به آموزه‌های دینی، نقش‌های همسران و وظایف نقشی هر فرد معرفی شود و ویژگی‌های اخلاقی- شخصیتی لازم در هر نقش مورد تأکید قرار گیرد؛ برای مثال ویژگی‌های اخلاقی- شخصیتی مثل حسن خلق، حسن ظن، سخاوت و عفو صفات برتر انسان‌ها معرفی شدند و بر ایجاد و حفظ این مهارت‌ها در دوران زندگی تأکید شد.

(ج) روش‌های مدیریت تعارض: تعارضات یکی از مشکلات شایع در خانواده است. تعارض در روابط صمیمی امری طبیعی است و هیچ خانواده‌ای از این قاعده مستثنا نیست؛ زیرا تعاملات مکرر و مختلف افراد خانواده زمینه‌های بی‌شماری را برای تعارض فراهم می‌کند. از طرفی در خانواده‌ای که در مدیریت این تعارضات موفق است، والدین آرام و قانونمند به فرزندان عشق می‌ورزند و با توجه به نیازهای آنان توانایی‌هایشان را تقویت می‌کنند و از تنبیه فیزیکی و اذیت و آزار کلامی آنان می‌پرهیزند؛ اما در خانواده‌ای که به سبب نبود مدیریت تعارض، دچار آشوب و بحران است، با به وجود آمدن استرس‌های ناگهانی و گوناگون، والدین باهم جنگ و دعوا دارند، فرزند خود را کتک می‌زنند و به نیازهای آنان بی‌توجه هستند (عربگل، ۱۳۸۷). مهارت‌های ضعیف حل مسئله و مدیریت تعارض، به همراه قوانین بی‌ثبات و نظارت کم والدین، اختلالات رفتاری فرزندان را به دنبال دارد. این نوع فرزندپروری کودکان را به سمت نافرمانی سوق می‌دهد. ضعف مسئولیت‌پذیری والدین و تنبیه شدید نیز خطر بروز اختلالات رفتاری را افزایش می‌دهد (بلوم کویست<sup>۳۶</sup>، ۱۳۸۳). والدین کودکان مبتلا به نافرمانی مقابله‌ای، غالباً در برخوردهای انضباطی خود والدینی خشن، ناهماهنگ و ناتوان در مدیریت تعارض هستند. این مسائل موجب رویارویی متقابل والد-کودک می‌شوند و اختلالات عاطفی و رفتاری را در کودکان و نوجوانان ایجاد می‌کنند (بینا و سلطانی‌فر، ۱۳۸۶).

آموزه‌های دینی علت بالا گرفتن تعارضات را در اتخاذ الگوی غلط رفتاری در تعارضات، مانند عجله، تکبر، لجاجت و سرزنش، می‌داند. بر مبنای آموزه‌های دینی بالا گرفتن تعارضات ناشی از ناآگاهی افراد و موجب ارائه پاسخ نامناسب به طرف مقابل در تعارضات است. عدم درک طرف مقابل در تعارضات و توجه نداشتن به ریشه یا علت رفتار، موجب وخیم تر شدن اوضاع در تعارضات می‌شود؛ بنابراین در این بسته سعی شد، برای مدیریت تعارضات، الگوهای صحیح رفتاری، مثل صبر و بردباری، مدارا، تعافل و گذشت، جایگزین الگوهای رفتاری غلط مورد تأکید قرار گیرد تا با تأثیر الگوهای رفتاری صحیح بر رفتار والدین، فرزندان کمتر شاهد مشاجرات والدین باشند. والدین نیز با رسیدن به آرامش به فرزندان عشق بورزند و با توجه به نیازهای آنان توانایی‌هایشان را تقویت کنند و از تنبیه فیزیکی و اذیت و آزار کلامی آنان بپرهیزند. به این ترتیب رویارویی متقابل والد-کودک از بین می‌رود و اختلالات عاطفی و رفتاری فرزندان، به علت کاسته شدن رفتار تضادورزانه آنان، کاهش می‌یابد.

در بینش اسلامی انسان‌ها امانت‌های خداوند تلقی می‌شوند و فرزندان امانتی در دست والدین به حساب می‌آیند. اسلام بنای زندگی خانوادگی را بر حقوقی با دامنه وسیع و حاوی ظرافت‌ها و نکته‌های لطیف استوار کرده است و برای زوجین و نوع مسئولیت‌هایی که در قبال تشکیل خانواده بر عهده‌دارند، به‌طور واضح و روشن شرح و تقسیم وظیفه و برای استحکام و تداوم زندگی مشترک رهنمودهای اخلاقی بسیار ارزنده‌ای القا نموده است (قائمی، ۱۳۷۴). همچنین ضمن تعیین ساختار خانواده، نقش اعضا و حیطه و مرز رفتاری هر یک از آنان را مشخص کرده است. برای هر یک از اعضا حقوق و وظایفی ترسیم شده است تا کارآمدی نظام خانواده دوچندان شود. تعامل اعضای خانواده بر اساس نیاز به یکدیگر شکل می‌گیرد و برآورده شدن این نیازها بر اساس تعیین نقش‌هاست، بنابراین طبیعی است که مسئولیت‌های خانوادگی بر مبنای این دو مؤلفه (نیاز و نقش) شکل بگیرد؛ در آموزه‌های دینی با عنوان «حقوق متقابل همسران» و «حقوق متقابل والدین و فرزندان» از آن یاد شده است (جمشیدی، ۱۳۹۰).

از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به جامعه و نمونه مورد پژوهش و تأثیر متغیرهای فرهنگی اشاره کرد. در صورتی که چنین پژوهشی در جامعه و نمونه‌های دیگر و همچنین در سنین نوجوانی نیز انجام شود، قابلیت تعمیم بیشتری خواهد داشت.

## منابع

- بلوم کویت، مایکل. آی. (۱۹۹۶)، مهارت‌های سازگاری با کودکان ناسازگار: راهنمای عملی برای والدین و درمانگران، ترجمه دکتر جواد علاقی‌راد (۱۳۸۳)، تهران: انتشارات سنا، پژوهشکده علوم شناختی، انجمن روان‌پزشکی کودک و نوجوان ایران.
- بینا، مهدی و سلطانی‌فر، عاطفه (۱۳۸۶)، «بررسی شیوع نشانه‌های افسردگی کودکان دبستانی ۹ تا ۱۱ ساله در تهران و رابطه آن با عملکرد خانواده»، فصل‌نامه اصول بهداشت روانی، شماره ۳۳ و ۳۴، ۷-۱۴.
- تاجیک اسماعیلی، عزیزالله (۱۳۷۰)، «خانواده و نقش آن در ایجاد اختلالات رفتاری»، ماه‌نامه تربیت، سال ششم، شماره ۵۹، ۵-۹.
- جدیری صابونی، جعفر (۱۳۸۷)، بررسی رابطه رضامندی زناشویی بر اساس معیارهای دینی با ثبات هیجانی در دانش‌پژوهان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- جمشیدی قرچق، محمدعلی (۱۳۹۱)، اثر بخشی توانمندسازی کارکردی زوجین به صورت گروهی و رضایتمندی زناشویی با رویکرد اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- حیدری، مجتبی (۱۳۸۷)، بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و رضامندی از زندگی زناشویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- دادستان، پریخ، طهرانی‌زاده، مریم، رسول‌زاده طباطبایی، کاظم، آزادفلاح، پرویز و فتحی آشتیانی، علی (۱۳۹۰)، «اثر بخشی برنامه درمانگری مقابله‌ای کت در کاهش نشانه‌های درونی‌سازی شده کودکان ایرانی»، روان‌شناسی تحولی، سال هفتم، شماره ۲۸، ۳۲۱-۳۱۳.
- ساطوریان، سیدعباس (۱۳۹۲)، مقایسه ابعاد والدگری، رابطه والد - کودک و مشکلات رفتاری کودکان در خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- طهماسبیان، کارینه، مهریار، امیرهوشنگ، بوالهری، جعفر و بیرشک، بهروز (۱۳۷۶)، «بررسی اثر آموزش مادران در کاهش اختلال‌های رفتاری کودکان»، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، شماره ۱۱، ۵۴-۶۰.
- طهماسبیان، کارینه، فتی، لادن (۱۳۸۵)، «نقش تحصیلات والدین در خود اترمندی دختران و پسران نوجوان»، فصل‌نامه خانواده‌پژوهی، شماره ۸، ۳۵۵-۳۷۰.
- عربگل، فریبا (۱۳۸۷)، فرزندپروری: چگونه کودکم را تربیت کنم؟، تهران: انتشارات قطره.
- فقیهی، علی‌نقی (۱۳۸۶)، «آموزش‌های روان‌شناختی مبتنی بر قرآن و حدیث و بررسی تأثیرات روانی و تربیتی آن در روابط همسران»، دوفصل‌نامه تربیت اسلامی، سال دوم، شماره ۴، ۸۹-۱۳۰.
- قائمی، علی (۱۳۷۴)، نظام حیات خانواده در اسلام، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- قهاری، شهربانو، مهریار، امیرهوشنگ و بیرشک، بهروز (۱۳۸۲)، «بررسی مقایسه‌ای برخی از اختلالات روانی در کودکان ۷ تا ۱۲ ساله شاهد، محروم از پدر، جانباز و عادی شهرستان چالوس»، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، سال سیزدهم، شماره ۴۱، ۸۱-۹۰.

- کاکابرایی، کیوان، حبیبی، مجتبی و فدایی، زهرا (۱۳۸۶)، «هنجار یابی مقیاس مشکلات رفتاری آنبخ»، فصل‌نامه پژوهش در سلامت روان شناختی، شماره ۴، ۵۰-۶۶.
- کلانتری، مهرداد، مولوی، حسین و عابدی، محمدرضا (۱۳۷۶)، «بررسی میزان تأثیر آموزش رفتاری والدین در کاهش مشکلات رفتاری بیرونی کودکان پیش‌دبستانی»، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۸، ۱۳۹-۱۴۰.
- کمپل، سوزان بی. (۲۰۰۶)، مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی/ مسائل بالینی و رشدی، ترجمه سعید صیادلو (۱۳۸۶)، تهران: دانژه.
- مهکام، رضا (۱۳۸۷)، تشخیص اختلال‌های برونی‌سازی‌شده در پسران دبستانی استان قم و مداخله بر اساس برنامه اسلامی- روان‌شناختی در سطح والدین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- می کوچی، ژوزف (۱۹۹۸)، نوجوانان و خانواده درمانی: شکستن چرخه اختلاف و کنترل، ترجمه مهشید یاسایی (۱۳۸۳)، تهران: ققنوس.
- مینایی، اصغر (۱۳۸۴)، انطباق و هنجار یابی کتابچه راهنمای فرم‌های سن مدرسه نظام مبتنی بر تجربه آنبخ (ASBA)، تهران: سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور، پژوهشکده کودکان استثنایی.
- Achenbach, T. M., & Rescorla, L. A. (2001), *Manual for the ASEBA School-Age Forms & Profiles*. Burlington, VT: University of Vermont, Research Center for Children, Youth, & Families.
- Corsini, Raymond J, (2002), *The Dictionary of Psychology*, New York: Brunner-Routledge.
- Costello, E. J. Mustillo, S. Erkanli, A. Kesler, G. & Angold, A. (2003), "Prevalence and development of Psychiatric disorders in childhood and adolescence", *Archives of psychiatry*, 60, 837-844.
- Gimpel, G.A. & Holland, M.L. (2002), *Emotional and behavioral problem of young children: Effective intervention in the preschool and kindergarten years*. 1st ed. New York: Guildford; 400-27.
- Hankin, B.L., Abramson, L.Y., Moffitt, T.E., Silva, P. A. McGee, R. & Angell, K.E. (1998), "Development of depression from preadolescence to young adulthood: Emerging gender differences in a 10-year longitudinal study", *Journal of Abnormal Psychology*. 107,128-140.
- Kessler, R.C., Chiu, W.T., Demler, O. & Walters, E.E. (2005), "Prevalence, severity, and comorbidity of 12-month DSM-IV disorders in the National Comorbidity Survey Replication", *Archives of General Psychiatry*, 62,617-627.
- Liu, J. (2004), "Childhood externalizing behavior: Theory and implications", *Journal of Child and Adolescent Psychiatric Nursing*. 17, 93-100.

- Manassis, K. (2000), "Childhood anxiety disorders: Lessons from The literature", *Canadian Journal of Psychiatry*, 45, 724-730.
- Mash, E.J, & Barkley, R.A. (2002), *Child Psychopathology*, 1<sup>st</sup> ed, New York: Guildford; 108-48.
- Webster-Stratton, C. (1990), "Stress: A potential disruptor of parent perceptions and family of interactions", *Journal of Clinical child Psychology*, 4,302-312.
- Hollenstein, T. (2004), "Rigidity in parent-child interaction and the developmental of externalizing and internalizing early childhood", *Journal of Abnormal Child Psychology*, 32(4), 595-607.

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال اول، شماره اول، پیاپی ۱، تابستان ۱۳۹۴، ص ۶۳ - ۸۰

## رابطه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و ویژگی‌های شخصیتی با صفت اخلاقی تکبر

### The Relationship between Early Maladaptive Schemas and Personality Traits with Ethical Code of Pride

عباس علی هراتیان / دانشجوی دکتری روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

Abbas Ali Haratiyan / PhD student of psychology, RIHU

محمد جواد ترکاشوند / دانشجوی دکتری روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

Jayad Torkashvand / Corresponding Author, PhD student of psychology, IKI.

Email: torkashj@gmail.com

محمد رضا جهانگیرزاده / دانشجوی دکتری روان‌شناسی و مربی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

Mohammad Reza Jahangirzadeh / PhD student of psychology, instructor in IKI.

#### Abstract

The purpose of this study is to determine the relationship between early maladaptive schemas, personality traits and arrogance. The research method is descriptive, correlation type and the statistical population includes all the students of Islamic Azad University of Khomein. Among them, 384 students were selected through random sampling, and they responded to early maladaptive schemas questionnaire, the five-factor personality questionnaire and the Islamic scale of arrogance and humility. The data were analyzed Using Pearson correlation coefficient and stepwise regression

The results showed that all areas of early maladaptive schemas and subscale of neuroticism have a positive relationship with arrogance, and the subscales of extroversion, experienceability, agreeability and

#### چکیده

هدف پژوهش پیش‌رو، تعیین رابطه میان روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، ویژگی‌های شخصیتی و تکبر است. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بوده و جامعه آماری آن، همه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین بودند که از این میان، تعداد ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب، و به پرسش‌نامه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، پرسش‌نامه پنج‌عاملی شخصیتی و مقیاس اسلامی تکبر - تواضع پاسخ دادند. داده‌ها به روش ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون، گام‌به‌گام تجزیه و تحلیل شد.

نتایج نشان داد که همه حوزه‌های روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و زیرمقیاس روان‌آزردگی، ارتباط مثبت با تکبر دارند و زیرمقیاس‌های برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، موافق بودن و باوجدان بودن، رابطه

conscientiousness have a negative relationship with arrogance. The total score of early maladaptive schemas, agreeability, disordered restrictions, neuroticism and extroversion can explain a significant part of the variance of arrogance.

**Key words:** early maladaptive schemas, personality traits, arrogance.

منفی با تکبر دارند. همچنین نمره کل روان‌بنده‌های ناسازگار اولیه، موافق بودن، محدودیت‌های مختل، روان‌آزدگی و برون‌گرایی، توانایی تبیین بخش معناداری از واریانس تکبر را دارند.

**کلیدواژه‌ها:** روان‌بنده‌های ناسازگار اولیه، ویژگی‌های شخصیتی، تکبر.

### مقدمه

اخلاق جمع «خُلُق» و به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که تنها با دیده بصیرت و غیرظاهر قابل درک است (راغب اصفهانی، ۱۳۴۰، ص ۱۵۹). خُلُق را صفت نفسانی راسخ نیز می‌گویند که انسان رفتارهای متناسب با آن را بی‌درنگ انجام می‌دهد (همان). این حالت استوار درونی ممکن است در فردی به صورت طبیعی، ذاتی و فطری وجود داشته باشد. منشأهای دیگر خُلُق، وراثت و تمرین و تکرار است (ابن‌مسکویه، ۱۹۶۱، ص ۵۱ به نقل از تجلیل و ایرانمنش، ۱۳۹۰، ص ۴). این صفت راسخ درونی ممکن است فضیلت و منشأ رفتار خوب یا رذیلت و منشأ کردار زشت باشد (همان).

مباحث اخلاقی از مهم‌ترین خاستگاه‌های پژوهش‌های روان‌شناختی در اسلام هستند. امروزه با گسترش ناپه‌نجاری‌های رفتاری و اخلاقی، استفاده از آموزه‌های دینی در فرایند مشاوره و روان‌درمانی توجه روان‌شناسان بسیاری را به خود جلب کرده و مطالعات زیادی نیز در این زمینه صورت گرفته است (ولی‌زاده و آذربایجانی، ۱۳۸۹، ص ۴۶). از میان این مباحث، ویژگی‌هایی که موجب اختلال در کارکرد فردی و اجتماعی می‌شوند و گاه حتی سلامت جسمی و روانی فرد را به خطر می‌اندازند (رذایل اخلاقی)، اهمیت ویژه‌ای دارند؛ برای نمونه می‌توان «تکبر» را نام برد. در آیات و روایات و منابع اخلاقی و تاریخی به موضوع تکبر بسیار توجه شده است. نخستین صفت از صفات رذیله که در داستان انبیا و آغاز خلقت انسان به چشم می‌خورد تکبر است که به اعتقاد بسیاری از علمای اخلاق، ریشه همه رذایل اخلاقی و همه بدبختی‌ها و صفات زشت انسانی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۲،



ص ۲۱). در حدیثی از امام سجاد<sup>ع</sup> نقل شده که فرمود: «گناهان سرچشمه‌هایی دارند؛ اولین سرچشمه گناه و معصیت پروردگار تکبر است که گناه ابلیس بود و به سبب آن از انجام فرمان خدا امتناع کرد و تکبر ورزید و از کافران شد» (قمی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۰۰ و ۴۰۱).

کبر در لغت به معنای بزرگی (جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۸، ص ۵۹۳۱)، خودپسندی، کوچک شمردن دیگران و بزرگ دانستن خود، عجب، غرور، بزرگواری، پندار (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ذیل کبر)، بزرگی فروختن، خودگرفتن و نخوت (معین، ۱۳۸۸، ج ۳، ذیل کبر) آمده است. تکبر نیز در لغت به معنای تعظم (خود را بزرگ پنداشتن) (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۳۹۶)، بزرگواری شدن، بزرگ‌منشی، عظمت، برتنی، بوج، پغار، بزرگی نمودن، گردن‌کشی کردن، غرور، خودبینی، گستاخی (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، ذیل تکبر)، باد سر شدن و خود را بزرگ دانستن (معین، ۱۳۸۸، ج ۱، ذیل تکبر) آمده است. در علم اخلاق تکبر متضاد تواضع و به معنای برتر دانستن خود از دیگران و خوار دیدن و تحقیر آنان است (عدی، ۱۳۶۵، ص ۱۸؛ مقدسی، ۱۳۹۸ق، ص ۲۲۷ و نراقی، ۱۳۸۷، ص ۳۹۱). تهنوی کبر را جهل انسان به خود و قرار دادن خود در جایگاهی بالاتر از جایگاه واقعی‌اش می‌داند (جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۸ق، ص ۵۹۳۱). اساس تکبر این است که انسان از اینکه خود را برتر از دیگری ببیند، احساس آرامش کند. بنابراین، تکبر از سه عنصر تشکیل می‌شود: ۱. انسان برای خود مقامی قائل شود؛ ۲. برای دیگری نیز مقامی قائل شود و ۳. مقام خود را برتر از دیگری ببیند و احساس خوشحالی و آرامش کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۵).

به علت فاصله زمانی اندک میان ساخت ابزار سنجش این صفت و مطالعه حاضر، پژوهش مستقیمی در حوزه روان‌شناسی بومی یافت نشد و در حوزه غیربومی نیز پژوهش‌ها به مفاهیمی نزدیک به این مفهوم (مانند خودشیفتگی) پرداخته‌اند؛ اما در متون دینی زمینه‌ها و پیامدهایی برای این صفت اخلاقی - شخصیتی بیان شده است. از جمله زمینه‌ها می‌توان به ترک حق<sup>۱</sup>، برتر دانستن خود از دیگران<sup>۲</sup>، ترجیح آبروی خود بر آبروی مردم<sup>۳</sup>، احساس

۱. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: «طَلَبْتُ الْخُضُوعَ فَمَا وَجَدْتُ إِلَّا بَقُولِ الْحَقِّ، اقْبَلُوا الْحَقَّ، فَإِنَّ قَبُولَ الْحَقِّ يُبْعَدُ مِنَ الْكِبَرِ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۶، ص ۴۰۰).

۲. امام صادق: «مَنْ ذَهَبَ يَرَى أَنْ لَهُ عَلَى الْآخِرِ فَضْلاً فَهُوَ مِنَ الْمُسْتَكْبِرِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۲۸).

۳. رسول‌الله: «وَلَكِنَّ الْكِبْرَ أَنْ تُتْرَكَ الْحَقُّ وَتَتَجَاوَزَهُ إِلَى غَيْرِهِ وَتَنْظُرَ إِلَى النَّاسِ وَ لَا تَرَى أَنْ أَحَدًا عَرَضَهُ كَعْرَضِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۴، ص ۹۲).

حقارت<sup>۴</sup>، تردید و انکار قیامت<sup>۵</sup>، ضعف معرفت به عظمت خداوند<sup>۶</sup>، احساس نیاز<sup>۷</sup>، ضعف معرفت به حقیقت آدمی<sup>۸</sup> و توهم و تخیل برخوردار از کمالات مستقل (تحریری، ۱۳۹۰، ۳۵۵) اشاره کرد. از همبسته‌های تکبر نیز می‌توان موارد ذیل را برشمرد: میل به صدرنشین<sup>۹</sup>، توقع سلام از دیگران<sup>۱۰</sup>، عدم گذشت<sup>۱۱</sup>، ناتوانی در کنترل خشم<sup>۱۲</sup>، ریا<sup>۱۳</sup>، عدم تمایل به انجام کارهای شخصی روزانه<sup>۱۴</sup>، نداشتن دوست<sup>۱۵</sup>، مجادله<sup>۱۶</sup>، گرفتار شدن به گناهان (تحریری، ۱۳۹۰، ص ۳۵۵)، نازیدن به مواردی مانند توانایی جسمی، زیبایی و تناسب اندام، ثروتمندی، حسب و نسب و علم و احساس استحقاق به سبب برخوردار از آن‌ها<sup>۱۷</sup>، محرومیت از یادگیری<sup>۱۸</sup>، عدم نشاط در عبادات<sup>۱۹</sup>، ترک استغفار<sup>۲۰</sup>، تحقیر دیگران<sup>۲۱</sup>، جهل به

۴. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ: «مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لِدَلِيلِهِ وَجَدَهَا فِي نَفْسِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۱).

۵. «وَ اسْتَكْبَرَ هُوَ وَ جُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ» (قصص: ۳۹).

۶. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: «لَا يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ عَظَمَةَ اللَّهِ أَنْ يَتَعَظَّمَ فَإِنَّ رَفْعَةَ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ مَا عَظَمَةَ اللَّهِ أَنْ يَتَوَاضَعُوا لَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۳۹۰).

۷. عنكبوت: ۳۹؛ فصلت: ۳۸؛ غافر: ۸۳.

۸. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: «عَجَبًا لِلْمُخْتَالِ الْفَخُورِ وَ إِنَّمَا خُلِقَ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ يَعُودُ جِفَةً وَ هُوَ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ لَا يَذَرِي مَا يُصْنَعُ بِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۲۹).

۹. امام صادق: «مِنَ التَّوَاضُعِ أَنْ تَرْضَى بِالْمَجْلِسِ دُونَ الْمَجْلِسِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۲۲، ح ۶).

۱۰. امام صادق: «مِنَ التَّوَاضُعِ ... وَ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَى مَنْ تَلَقَى» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۲۲، ح ۶).

۱۱. امام صادق: «التَّوَاضُعُ دَرَجَاتٌ مِنْهَا ... عَافٍ عَنِ النَّاسِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۱۳).

۱۲. امام صادق: «التَّوَاضُعُ دَرَجَاتٌ مِنْهَا ... كَاطِمِ الْغَيْظِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۱۳).

۱۳. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: «ثَلَاثَ هُنَّ رَأْسُ التَّوَاضُعِ: ... وَ يَكْرَهُ الرِّيَا وَ السَّمْعَةَ» (متقی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۷۰۱، ح ۸۵۰۶).

۱۴. رسول الله: «مَنْ حَلَبَ شَاتَهُ وَ رَفَعَ قَمِيصَهُ ... بَرَى مِنَ الْكِبَرِ» (متقی، ۱۴۰۹، ج ۳، ح ۷۷۹۳).

۱۵. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: «لَيْسَ لِمَتَكَبِّرٍ صَدِيقٌ» (التمیمی، ۱۳۶۶، ص ۳۱۱، ح ۷۱۶۲).

۱۶. امام صادق: «مِنَ التَّوَاضُعِ ... وَ أَنْ تَتْرُكَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كُنْتَ مُحِقًّا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۲۲، ح ۶).

۱۷. «فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً» (فصلت: ۱۵).

۱۸. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: «لَا يَتَعَلَّمُ مَنْ يَتَكَبَّرُ» (التمیمی، ۱۳۶۶، ص ۵، ح ۸۵۰).

۱۹. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: «مَا حَرَسَ اللَّهُ عِبَادَهُ الْمُؤْمِنِينَ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ مَجَاهِدَةِ الصِّيَامِ» (دشتی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۹۲).

۲۰. قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ: «مَنْ قَالَ اسْتَغْفِرَ اللَّهَ وَ أَتَى إِلَيْهِ فُلَيْسَ بِمُسْتَكْبِرٍ وَ لَا جَبَّارٍ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۴۰۲).

۲۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ: قَالَ: «الْكِبَرُ أَنْ تَعْمَسَ النَّاسَ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۰، ص ۲۱۷؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۲۴، ح ۸) و هود: ۳۸ و ۳۹.

حق و طعنه به اهل حق<sup>۳۲</sup>، دوری از محبت خداوند<sup>۳۳</sup>، دوری از راه راست<sup>۳۴</sup>، خواری و ذلت<sup>۳۵</sup> و عذاب<sup>۳۶</sup>.

تکبر شباهت‌هایی با اختلال شخصیت خودشیفته دارد. بیشتر بیماران مبتلا به اختلال شخصیت خودشیفته نیز احساس نقص و بی‌ارزشی می‌کنند و به همین دلیل به دیگران اجازه نمی‌دهند که وارد روابط صمیمی با آنان شوند (یانگ، کلوسکو و ویشار، ۲۰۰۳، ص ۱۳۳). هنگامی که ذهنیت خودبزرگ‌منشی در این بیماران فعال می‌شود، بسیار خودخواهانه رفتار می‌کنند، رقابت طلب می‌شوند، خودشان را از دیگران برتر می‌بینند، با دیگران بدرفتاری می‌کنند یا اینکه با عطش فراوان به دنبال منزلت‌طلبی هستند؛ این ذهنیت بیشتر اوقات در افراد مبتلا به اختلال شخصیت خودشیفته فعال است (همان، ص ۱۳۶). شایع‌ترین سبک‌های مقابله‌ای بیماران مبتلا به اختلال شخصیت خودشیفته در زمان فعال شدن ذهنیت خودبزرگ‌منش عبارت‌اند از پرخاشگری و خصومت، سلطه‌گری و گستاخی، توجه‌طلبی و منزلت‌طلبی، آلت دست قراردادن و سوءاستفاده‌گری (همان).

پژوهش‌ها همبستگی مثبت و معنادار روان‌بینه‌های ناسازگار اولیه با خودشیفتگی (تورس<sup>۳۷</sup>، ۲۰۰۲، ص ۷۰)، تعارض و خشونت در روابط دوران بزرگ‌سالی (بلومنتال<sup>۳۸</sup>، نیمن<sup>۳۹</sup> و مورفی، ۱۹۹۸<sup>۴۰</sup>، ص ۱۷۵؛ دیویس<sup>۳۱</sup>، پیترتیک-جکسون<sup>۳۲</sup> و تینگ<sup>۳۳</sup>، ۲۰۰۱، ص ۶۳؛

۲۲. رسول الله ﷺ: «یجهل الحق یطعن علی اهل» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۲۴، ح ۹).

۲۳. «لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُغْلِبُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ» (نحل: ۲۳).

۲۴. «اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَا لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر: ۴۳)؛ «سَاصِرْفُ عَنْ آيَاتِ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعِثِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ» (اعراف: ۱۴۶)؛ «وَالَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبْرًا مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارًا» (غافر: ۳۵).

۲۵. قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِ (اعراف: ۱۳).

۲۶. «وَإِذَا تَلَّى عَلَيْهِ آيَاتِنَا وَالَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ كَانُوا لَمْ يَسْمَعُهَا كَأَنْ فِي أُذُنَيْهِ وَقُرْآنُ فَتَشْرَهُ بِعَذَابِ أَلِيمٍ» (لقمان: ۷)؛ «يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَنْ لَمْ يَسْمَعُهَا فَتَشْرَهُ بِعَذَابِ أَلِيمٍ» (جاثیه: ۸).

27. Torres, C.

28. Blumenthal, D.R.

29. Neemann, J.

30. Murphy, C.M.

31. Davis, J.L.

32. Petretic-Jackson, P.A.

33. Ting, L.

آماتو و بوت<sup>۳۴</sup>، ۲۰۰۱، ص ۶۲۷؛ کرافورد<sup>۳۵</sup> و رایت<sup>۳۶</sup>، ۲۰۰۷، ص ۹۳؛ مسمن مور<sup>۳۷</sup> و کوتز<sup>۳۸</sup>، ۲۰۰۷، ص ۷۵) و نیز همبستگی منفی و معنادار روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه با سلامت روانی (شهامت، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳)، احساس امنیت، اعتماد، حرمت‌خود و کنترل (پانس<sup>۳۹</sup>، ویلیامز<sup>۴۰</sup> و آلن<sup>۴۱</sup>، ۲۰۰۴، ص ۹۷) را تأیید کرده‌اند.

روان‌بنه، به‌طور کلی، به معنای ساختار، قالب<sup>۴۲</sup> یا چهارچوب<sup>۴۳</sup> است (یانگ، کلسکو و ویشار، ۲۰۰۳، ص ۲۹). روان‌بنه بازنمایی<sup>۴۴</sup> انتزاعی از خصوصیت‌های متمایزکننده یک واقعه است. اعتقاد بر این است که ادراک از طریق روان‌بنه واسطه‌مندی<sup>۴۵</sup> می‌شود و پاسخ‌های افراد نیز با روان‌بنه جهت پیدا می‌کند (یوسفی، عابدین، تیرگری و فتح‌آبادی، ۱۳۸۹، ص ۲۶). یانگ (۱۹۹۰، ص ۱۰) معتقد است که روان‌بنه‌ها قدیمی‌ترین مؤلفه‌های شناختی محسوب می‌شوند و اغلب نفوذ خود بر سیستم پردازش اطلاعات را در زیر آستانه هوشیاری اعمال می‌کنند (ریزو، تویت، استین و یانگ، ۲۰۰۷، ص ۱۵). روان‌بنه می‌تواند مثبت یا منفی و سازگار یا ناسازگار باشد؛ همچنین می‌تواند در اوایل زندگی یا در سیر بعدی زندگی شکل بگیرد (یانگ و دیگران، ۲۰۰۳، ص ۲۹ و ۳۰). یانگ (۱۹۹۰، ۱۹۹۱ به نقل از یانگ و دیگران، ۲۰۰۳، ص ۳۰-۳۲) معتقد است ممکن است برخی از این روان‌بنه‌ها — به‌ویژه آن‌ها که اغلب در نتیجه تجارب ناگوار دوران کودکی شکل می‌گیرند — هسته اصلی اختلال‌های شخصیت، مشکلات منش‌شناختی خفیف‌تر و بسیاری از اختلال‌های مزمن محور I قرار بگیرند. شایع‌ترین محتویات منفی روان‌بنه‌ها پیش‌فرض‌ها، خاطرات و واکنش‌های عاطفی تداعی‌کننده آن‌ها در موضوعات ارزش خود، ماهیت زندگی ما/ دنیای ما، زندگی اجتماعی ما، یکپارچگی/ امنیت خود ما و ارزش دیگران است (فری، ۲۰۰۷، ص ۷۵ و ۱۰۱)؛ از نظر فری (۲۰۰۷، ص ۱) روان‌بنه‌ها عوامل شکل‌دهنده شخصیت‌اند. موریس (۲۰۰۶) طی مطالعه‌ای گزارش کرد که تمامی روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه با عامل روان‌آزردگی همبسته هستند و روان‌بنه ایثار با توافق و روان‌بنه آسیب‌پذیری

34. Booth, A.

37. Messman-Moore, T.L.

40. Williams, M.K.

43. outline.

35. Crawford, E.

38. Coates, A.A.

41. Allen, G.J.

44. representation.

36. Wright, M.O.

39. Ponce, A.N.

42. framework.

45. mediate.

از زیان با تجربه‌پذیری رابطه مثبت دارند. ساوا (۲۰۰۹) نیز نشان داد که روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه رابطه معناداری با توافق پایین و روان‌آزدگی بالا دارند. علاوه بر این، پژوهش‌هایی نیز نشان داده‌اند که میان روان‌آزدگی و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه رابطه مثبت و میان توافق و برون‌گرایی و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه رابطه منفی وجود دارد (بهرامی‌زاده، ۲۰۱۱ به نقل از رضایی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۷۹). در رویکرد صفات، صفت فروتنی از صفات عامل موافق بودن در سنجش شخصیتی (NEO) است (فتحی‌آشتیانی و داستانی، ۱۳۸۸، ص ۴۵). این صفت معرف افرادی است که می‌توانند منافع خود را نادیده بگیرند و ضرورتاً کمبود اعتماد به نفس ندارند. افرادی که در این بخش پرسش‌نامه نمرات پایینی کسب می‌کنند، افرادی متکبرند که فکر می‌کنند استثنایی هستند (همان).

درباره شخصیت تعریف واحدی، که مورد اتفاق همگان باشد، وجود ندارد (بشیری، ۱۳۷۸، ص ۵۷)؛ اما به صورت کلی می‌توان گفت که شخصیت بیانگر ویژگی‌هایی در فرد یا افراد است که شامل الگوهای ثابت فکری، عاطفی و رفتاری آنان است (پروین و جان، ۲۰۰۱، ص ۳). یکی از ابزارهای سنجش شخصیت، مدل ویژگی‌های شخصیتی پنج‌عاملی است؛ این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: روان‌آزدگی، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، موافق‌بودن و باوجدان بودن. این مدل چهار دهه سابقه تحول دارد و محصول سنت واژگان و سنت تحلیل عاملی در تحقیقات شخصیت است (فتحی‌آشتیانی و داستانی، ۱۳۸۹، ص ۳۵). افراد با نمره بالا در روان‌آزدگی دارای ویژگی‌های اضطراب، خصومت، زودرنجی و غیرقابل‌پیش‌بینی هستند (حقیقی و سماواتیان، ۱۳۹۰، ص ۸۷) و، بدون داشتن خُلق افسرده، به یادآوری افکار و خاطرات خوشایند اندک و خاطرات منفی بسیار تمایل دارند؛ به نظر می‌رسد این حالت به افسردگی بالینی و اختلال عاطفی فصلی تمایل دارد. افراد موافق به نوع‌دوستی، میانه‌روی و فروتنی، بخشندگی و اعتمادکردن (حقیقی و سماواتیان، ۱۳۹۰، ص ۸۸)، هم‌حسی، همکاری و حمایت‌کنندگی در روابط بین فردی تمایل دارند؛ اما موافق‌بودن در حالت افراطی ناخوشایند است و به صورت رفتار وابسته و فراموش کردن خود در برخورد با دیگران آشکار می‌شود.

با توجه به مطالبی که بیان شد، هدف پژوهش حاضر آزمون فرضیه‌های ذیل است:  
الف) روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه رابطه معناداری با تکبر دارند و بخش معناداری از واریانس

آن را تبیین می‌کنند؛ ب) ویژگی‌های شخصیتی رابطه معناداری با تکبر دارند و بخش معناداری از واریانس آن را تبیین می‌کنند.

### روش پژوهش

این پژوهش، پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین (۱۱۰۰ نفر) بودند که از این جامعه، به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، تعداد ۳۸۴ نفر انتخاب و با پرسش‌نامه‌های فرم کوتاه روان‌بندهای ناسازگار اولیه یانگ (YSQ-SF)، مقیاس ۲۳ گویه‌ای تکبر - تواضع و پرسش‌نامه پنج عاملی شخصیتی NEO-FFI-60 مورد آزمون قرار گرفتند.

### ابزار پژوهش

الف) فرم کوتاه پرسش‌نامه روان‌بندهای ناسازگار اولیه یانگ<sup>۴۶</sup> (YSQ-SF): نسخه اصلی این فرم ۲۰۵ سؤالی را یانگ (۱۹۹۴) برای اندازه‌گیری روان‌بندهای ناسازگار اولیه ساخت و فرم کوتاه آن را در سال ۱۹۹۸ برای اندازه‌گیری ۱۵ روان‌بنده ناسازگار اولیه — در پنج حوزه بریدگی و طرد، خودمختاری و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، دیگرجهت‌مندی و گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری — طراحی کرد که از ۷۵ ماده که در فرم ۲۰۵ ماده‌ای بیشترین بار عاملی را داشتند، تشکیل شده است (شایقیان و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۳۲ و یوسفی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۳۰).

بررسی‌های متعددی (از جمله بارانف<sup>۴۷</sup>، اویی<sup>۴۸</sup>، چو<sup>۴۹</sup> و اون<sup>۵۰</sup>، ۲۰۰۶ و ریج‌کبور<sup>۵۱</sup> و واندن‌برگ<sup>۵۲</sup>، ۲۰۰۶) درباره ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه انجام شده است. در پژوهش اسمیت<sup>۵۳</sup>، جونیر<sup>۵۴</sup>، یانگ<sup>۵۵</sup> و تلک<sup>۵۶</sup> (۱۹۹۵) در نمونه‌ای ۱۵۶۴ نفری برای هر روان‌بنده ناسازگار اولیه ضریب آلفایی از ۰/۸۳ (برای روان‌بنده خود تحول‌نیافته / گرفتار) تا ۰/۹۶ (برای روان‌بنده نقص / شرم) به دست آمد و ضریب بازآزمایی در جمعیت

46. Young Schema Questionnaire: Short Form.

47. Baranoff, J.

48. Oei, T.P.

49. Cho, S.H.

50. Kwon, S.M

51. Rijkeboer, M.M.

52. Van Den Bergh, H.

53. Schmidt, N.B.

54. Joiner, T.E.

55. Young, J.E.

56. Telch, M.J.

غیربالینی بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۲ بود. آنان همچنین نشان دادند که این پرسش‌نامه با مقیاس‌های ناراحتی روان‌شناختی، احساس ارزشمندی، آسیب‌پذیری شناختی از افسردگی و نشانه‌شناسی اختلالات شخصیت، روایی هم‌گرا و افتراقی خوبی نشان داده است (یوسفی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۰). در ایران در پژوهشی که آهی، محمدی‌فر و بشارت (۱۳۸۶، ص ۵) برای بررسی روایی و اعتبار فرم کوتاه مقیاس یانگ (فرم ۷۵ سؤال) بر روی دانشجویان انجام دادند، نشان داده شد که اعتبار پرسش‌نامه به دو شیوه همسانی درونی آلفای کرونباخ و بازآزمایی به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۶ بود. همچنین رابطه خرده‌مقیاس‌های SQ-SF و SCL-25 نشان داد که این پرسش‌نامه اعتبار سازه کافی برای استفاده در جامعه دانشجویی ایران را دارد. در فرم کوتاه، هر روان‌بنه با پنج سؤال شش درجه‌ای (کاملاً غلط=۱ تا کاملاً درست=۶) سنجیده می‌شود و نمره بالا نشان‌دهنده روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه است.

(ب) مقیاس اسلامی تکبر-تواضع (ISPH): هراتیان، آگاه هریس و موسوی (۱۳۹۲) مقیاس اسلامی تکبر-تواضع را براساس قرآن کریم و روایات پیامبر و اهل‌بیت (ع) و برای سنجش رذیله اخلاقی تکبر و فضیلت اخلاقی تواضع ساخته‌اند. در این پرسش‌نامه ۳۱ گویه‌ای چهار عامل مربوط به تکبر از این قرارند: الف) پذیرش دیگران، به معنای به رسمیت شناختن استعدادها، توانایی‌ها و ارزشمندی دیگران و در مقابل، عدم پذیرش دیگران که نوعی خودبرتری‌بینی شناختی و رفتاری است و تعامل مثبت و کارآمد با دیگران را به خطر می‌اندازد؛ ب) ضعف هیجان و معرفت دینی در افراد متکبر به معنای ضعف شناختی آنان درباره اصول دین و فقدان هیجان لازم در انجام تکالیف و آیین‌های دینی؛ ج) احساس حقارت و خودسرزنش‌گری، که در حوزه‌های فردی، افت حرمت خود و عزت نفس را در پی دارد و در حوزه‌های اجتماعی، موجب دفاع خودمحورانه و مکانیسم‌های دفاعی ناپخته می‌شود؛ د) نیاز به تأیید اجتماعی، نشانگر ویژگی فردی است که منبع درونی ثابت و قوی برای تولید هیجان مثبت ندارد و تلاش می‌کند این خلأ را در روابط اجتماعی بیابد. پاسخ‌نامه یک طیف ۴ گزینه‌ای («کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم») دارد. بررسی روایی مقیاس با روش‌های روایی محتوا (نظر کارشناسان) و تحلیل عاملی (اکتشافی و تأییدی) میزان

۹۴/۳۸ درصدی موافقت کارشناسان را نشان می‌دهد. ضریب بازآزمایی ۰/۸۵۷ و ضریب دونیمه‌سازی ۰/۷۸۱ نشانگر اعتبار قوی این مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس برابر با ۰/۸۳۷ محاسبه شد که همسانی درونی مناسب این مقیاس را بیان می‌کند؛ ضریب آلفای کرونباخ برای چهار عامل به ترتیب ۰/۶۵۸، ۰/۶۷۰، ۰/۷۵۹ و ۰/۶۳۲ است. شاخص‌های برازندگی نیز برازش مناسب مدل را نشان دادند (هراتیان، آگاه هریس و موسوی، ۱۳۹۲، ص ۵-۲۲).

ج) پرسش‌نامه شخصیتی NEO-FFI-60: این پرسش‌نامه ۶۰ گویه‌ای را مک‌کری<sup>۵۷</sup> و کاستا<sup>۵۸</sup> در سال ۱۹۸۹ ساختند که بر اساس مقیاس لیکرت پنج‌تایی (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. هر یک از پنج عامل بزرگ شخصیت (روان‌آزردگی، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، سازگاری و مسئولیت‌پذیری) با دوازده گویه این پرسش‌نامه سنجیده می‌شود. در ایران گروسی (۱۳۷۷) این پرسش‌نامه را هنجاریابی کرد و اعتبار آن را با آزمون-بازآزمون در مورد ۲۰۸ نفر از دانشجویان، به فاصله ۳ ماه به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ برای عوامل C, A, O, E, N به دست آورد. همچنین در تحقیق ملازاده (۱۳۸۱) آلفای کرونباخ برای روان‌آزردگی ۰/۸۶، برون‌گرایی ۰/۸۳، تجربه‌پذیری ۰/۷۴، سازگاری ۰/۷۶، مسئولیت‌پذیری ۰/۷۸ و آلفای کل برابر ۰/۸۳ به دست آمده است (فتحی آشتیانی و داستانی، ۱۳۸۹، ص ۵۰). برای گردآوری اطلاعات این پژوهشی چند کلاس به طور تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و با ارائه توضیحات لازم درباره اهداف پژوهش و نحوه پاسخ‌دهی به پرسش‌های آزمون، از دانشجویان خواسته شد که پس از خواندن شیوه‌نامه کتبی، با دقت به گزاره‌ها پاسخ دهند؛ دانشجویان باید مشخصات جمعیت‌شناختی خود، مثل سن، جنس، مقطع و رشته تحصیلی و وضعیت تأهل، را نیز درج می‌کردند. تعداد ۳۸۴ پرسش‌نامه با پاسخ کامل از ۴۰۰ پرسش‌نامه توزیع شده، به کمک برنامه SPSS نمره‌گذاری و تجزیه و تحلیل شد؛ برای انجام تحلیل عاملی تأییدی نیز از نرم‌افزار AMOS استفاده شد.



### یافته‌های پژوهش

در جدول‌های ۱ و ۲ توصیف متغیرهای مورد پژوهش ارائه شده است. در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمره برای خرده مقیاس‌های تکبر، شخصیت و روان‌بندهای ناسازگار اولیه به تفکیک آورده شده است.

جدول ۱- اطلاعات توصیفی متغیرهای پژوهش

| متغیر                      | میانگین                 | انحراف استاندارد | کمینه | بیشینه | تعداد |
|----------------------------|-------------------------|------------------|-------|--------|-------|
| تکبر                       | عدم پذیرش دیگران        | ۱۱/۵۴            | ۲/۴۲  | ۵      | ۳۸۴   |
|                            | معرفت و هیجان دینی      | ۸/۷۹             | ۱/۶۷  | ۵      | ۳۸۴   |
|                            | احساس حقارت             | ۲۲/۳۷            | ۴/۱۰  | ۱۲     | ۳۸۴   |
|                            | نیاز به تأیید اجتماعی   | ۸/۷۸             | ۱/۷۴  | ۳      | ۳۸۴   |
|                            | کل                      | ۵۱/۵۰            | ۷/۲۸  | ۲۹     | ۳۸۴   |
| شخصیت                      | روان‌آزردگی             | ۳۵/۲۴            | ۷/۴۲  | ۱۴     | ۳۸۴   |
|                            | برون‌گرایی              | ۴۰/۴۹            | ۶/۲۰  | ۲۳     | ۳۸۴   |
|                            | تجربه‌پذیری             | ۳۸/۴۹            | ۴/۶۰  | ۲۴     | ۳۸۴   |
|                            | موافق بودن              | ۴۱/۷۹            | ۵/۵۵  | ۲۴     | ۳۸۴   |
|                            | با وجدان بودن           | ۴۴/۵۵            | ۶/۷۰  | ۲۶     | ۳۸۴   |
| روان‌بندهای ناسازگار اولیه | بریدگی و طرد            | ۶۱/۲۳            | ۱۹/۳۳ | ۲۵     | ۳۸۴   |
|                            | خودگردانی و عملکرد مختل | ۴۶/۴۶            | ۱۵/۸۵ | ۲۰     | ۳۸۴   |
|                            | محدودیت‌های مختل        | ۳۰/۷۰            | ۸/۰۶  | ۱۰     | ۳۸۴   |
|                            | جهت‌مندی دیگرسو         | ۲۹/۰۸            | ۸/۳۴  | ۱۰     | ۳۸۴   |
|                            | گوش‌به‌زنگی             | ۳۱/۸۰            | ۸/۰۱  | ۱۳     | ۳۸۴   |
|                            | کل                      | ۱۹۹/۳۰           | ۴۷/۸۷ | ۹۶     | ۳۴۵   |

در جدول ۲ ماتریس همبستگی میان نمره کل شخصیت و زیرمقیاس‌های آن و نمره کل روان‌بندهای ناسازگار اولیه و پنج حوزه آن با نمره کل تکبر و زیرمقیاس‌های آن ارائه شده است.

جدول ۲- ماتریس همبستگی میان ویژگی‌های شخصیتی، روان‌بندهای ناسازگار اولیه و تکبر

| متغیر                   | تکبر             |                           |             |                       |          |
|-------------------------|------------------|---------------------------|-------------|-----------------------|----------|
|                         | عدم پذیرش دیگران | نقص در معرفت و هیجان دینی | احساس حقارت | نیاز به تأیید اجتماعی | کل       |
| روان‌آزردگی             | ۰/۱۸۰**          | ۰/۰۶۶                     | ۰/۳۴۱**     | ۰/۲۷۷**               | ۰/۳۳۴**  |
| برون‌گرایی              | -۰/۰۸۴           | -۰/۰۸۳                    | -۰/۱۴۷**    | -۰/۱۱۲**              | -۰/۱۵۷** |
| تجربه‌پذیری             | -۰/۰۸۱           | -۰/۰۹۹                    | -۰/۰۲۱      | ۰/۰۰۳                 | -۰/۰۶۱   |
| موافق بودن              | -۰/۲۵۸**         | -۰/۲۳۵**                  | -۰/۴۰۴**    | -۰/۱۰۸**              | -۰/۳۹۴** |
| با وجدان بودن           | -۰/۱۴۱**         | -۰/۱۴۱**                  | -۰/۱۶۷**    | ۰/۰۶۶                 | -۰/۱۹۰** |
| بریدگی و طرد            | ۰/۲۶۴**          | ۰/۲۵۱**                   | ۰/۳۳۳**     | ۰/۱۳۱*                | ۰/۳۶۵**  |
| خودگردانی و عملکرد مختل | ۰/۲۸۷**          | ۰/۲۴۰**                   | ۰/۲۴۸**     | ۰/۱۲۰*                | ۰/۳۲۰**  |
| محدودیت‌های مختل        | ۰/۲۳۶**          | ۰/۱۴۵**                   | ۰/۳۵۵**     | ۰/۲۶۷**               | ۰/۳۷۶**  |
| دیگرجهت‌مندی            | ۰/۱۶۲**          | ۰/۱۱۵*                    | ۰/۱۵۸**     | ۰/۱۶۴**               | ۰/۲۰۹**  |

|              |         |         |         |         |         |
|--------------|---------|---------|---------|---------|---------|
| گوشه به زنگی | ۰/۱۶۴** | ۰/۱۱۸*  | ۰/۲۵۱** | ۰/۲۰۷** | ۰/۲۷۳** |
| کل           | ۰/۲۹۷** | ۰/۲۴۵** | ۰/۳۴۶** | ۰/۲۰۱** | ۰/۳۹۹** |

\* $P < .05$ , \*\* $P < .01$

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، میان روان‌آزردگی و تکبر رابطه معنادار مستقیم با شدت متوسط ( $P < .01$  و  $r = 0/334$ ) وجود دارد. همبستگی معنادار میان زیر مقیاس‌های شخصیت و تکبر در دامنه‌ای بین  $r = -0/157$  تا  $r = -0/394$ ، بیانگر رابطه معکوس و ضعیف تا متوسط میان تکبر با برون‌گرایی، موافق بودن و باوجدان بودن است. میان نمره کل روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه با نمره کل تکبر به‌طور معنادار، رابطه مستقیم با شدت متوسط وجود دارد ( $P < .01$  و  $r = 0/399$ ). همچنین همبستگی معنادار میان هر یک از حوزه‌های روان‌بنه‌ای با تکبر در دامنه‌ای بین  $r = 0/209$  تا  $r = 0/376$ ، رابطه مستقیم و ضعیف تا متوسط میان تکبر با هر یک از حوزه‌های مذکور را نشان می‌دهد.

جدول ۳- اطلاعات رگرسیون گام‌به‌گام مربوط به پیش‌بینی تکبر از روی روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و ویژگی‌های شخصیتی

| مدل | SS       | MS       | R     | R <sup>2</sup> | F      | df | P      |
|-----|----------|----------|-------|----------------|--------|----|--------|
| ۱   | ۳۲۲۸/۰۰۱ | ۳۲۲۸/۰۰۱ | ۰/۳۹۹ | ۰/۱۵۹          | ۷۲/۱۵۳ | ۱  | ۰/۰۰۰۱ |
| ۲   | ۴۶۰۰/۸۶۷ | ۲۳۰۰/۴۳۳ | ۰/۴۷۶ | ۰/۲۲۶          | ۵۵/۷۶۵ | ۲  | ۰/۰۰۰۱ |
| ۳   | ۴۹۷۶/۸۶۷ | ۱۶۵۸/۹۵۶ | ۰/۴۹۵ | ۰/۲۴۵          | ۴۱/۰۹۲ | ۳  | ۰/۰۰۰۱ |
| ۴   | ۵۱۴۹/۱۷۱ | ۱۲۸۷/۲۹۳ | ۰/۵۰۳ | ۰/۲۵۳          | ۳۲/۱۶۴ | ۴  | ۰/۰۰۰۱ |
| ۵   | ۵۳۲۱/۰۹۱ | ۱۰۶۴/۲۱۸ | ۰/۵۱۲ | ۰/۲۶۲          | ۲۶/۸۲۴ | ۵  | ۰/۰۰۰۱ |

۱ روان‌بنه (کل)

۲ روان‌بنه (کل) + موافق بودن

۳ روان‌بنه (کل) + موافق بودن + محدودیت‌های مختل

۴ روان‌بنه (کل) + موافق بودن + محدودیت‌های مختل + روان‌آزردگی

۵ روان‌بنه (کل) + موافق بودن + محدودیت‌های مختل + روان‌آزردگی + برون‌گرایی

در جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام برای پیش‌بینی تکبر از روی روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و برخی از حوزه‌های آن و برخی از زیرمقیاس‌های شخصیت ارائه شده‌است. همان‌گونه که در جدول نیز مشاهده می‌شود، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، موافق بودن، محدودیت‌های مختل، روان‌آزردگی و برون‌گرایی می‌توانند تکبر را پیش‌بینی کنند. نسبت-های معنادار F بیانگر آن است که متغیرهای پیش‌بین از قدرت تبیین خوبی برخوردار هستند ( $P < .01$ ). روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، موافق بودن، محدودیت‌های مختل، روان‌آزردگی و برون‌گرایی با هم می‌توانند ۲۶٪ از واریانس تغییرات تکبر را به‌طور معنادار

تبيين کنند. بر اساس نتايج مندرج در جدول، روان‌بنه‌های ناسازگار اوليه به‌تنهایی توانایی تبيين ۱۶٪ از واريانس تکبر را دارند که با اضافه شدن مؤلفه موافق بودن اين ميزان به ۲۳٪، با اضافه شدن مؤلفه محدوديت‌های مختل به ۲۴٪، با اضافه شدن مؤلفه روان‌آزردگی به ۲۵٪ و با اضافه شدن مؤلفه برون‌گرایی به ۲۶٪ می‌رسد. بنابراین، با توجه به اين نتايج، به نظر می‌رسد که از میان مؤلفه‌های مذکور، مؤلفه روان‌بنه (کل) سهم بیشتری در پيش‌بینی تکبر دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط ویژگی‌های شخصیتی و روان‌بنه‌های ناسازگار اوليه با صفت اخلاقی - شخصیتی تکبر و پيش‌بینی تکبر از روی اين دو متغير بود.

بر اساس یافته جدول‌های ۲ و ۳، فرضیه اول پژوهش، مبنی بر وجود رابطه معنادار میان روان‌بنه‌های ناسازگار اوليه و صفت اخلاقی - شخصیتی تکبر و همچنین توان پيش‌بینی صفت تکبر از راه روان‌بنه‌های ناسازگار اوليه، مورد تأیید قرار گرفت. مطالعه هم‌سو یا ناهم‌سوی مستقیم روان‌شناختی در اين مورد یافت نشد؛ اما با در نظر گرفتن نزدیکی مفهوم خودشیفتگی به بخشی از مفهوم تکبر، اين یافته‌ها را می‌توان هم‌سو با نظر يانگ و ديگران (يانگ و ديگران، ۲۰۰۳، ص ۱۳۶) دانست. اين یافته‌ها با برخی از نصوص اسلامی نیز هم‌سو هستند (از جمله کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۱؛ ج ۸، ص ۱۲۸ و تحریری، ۱۳۹۰، ص ۳۵۵).

در تبيين اين یافته‌ها می‌توان یادآور شد که شایع‌ترین محتویات منفی روان‌بنه‌ها پيش‌فرض‌ها، خاطرات و واکنش‌های عاطفی تداعی‌کننده در موضوعات ارزش خود، ماهیت زندگی، دنیا، زندگی اجتماعی، یکپارچگی / امنیت خود و ارزش ديگران است (فری، ۲۰۰۷، ص ۷۵ و ۱۰۱). بازخوردهای فرد متکبر نشان می‌دهند که نشانگان اين صفت اخلاقی - شخصیتی حاصل آسیب‌دیدگی ذهنیت‌های عمیق فرد در موضوعات مذکور است. شاهد بر اين مدعا نظر يانگ و ديگران (۲۰۰۳، ص ۱۴۱) است که معتقدند معمولاً اغلب محیط دوران کودکی افراد مبتلا به اختلال شخصیت خودشیفته چهار ویژگی دارد: تنهایی و انزوا، محدودیت‌های ناکافی، سابقه بدرفتاری یا آلت دست واقع شدن و پذیرش مشروط. آموزه‌های اسلامی نیز زمینه اصلی تکبر را آسیب‌های شخصیتی می‌دانند که فرد در گذشته گرفتار آن‌ها شده است، مانند حقارت، نقص و شرمی که فرد در درون خود احساس

می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۱) و به لحاظ ارزشی خود را بی‌ارزش و دوست‌نداشتنی و کوچک می‌یابد. به نظر می‌آید چنین برداشتی از خود، با اضطراب و خشم نیز همراه است و سبب می‌شود که فرد با مکانیسم‌های شناختی، هیجانی و رفتاری درصدد جبران برآید و با روی آوردن به عالم خیال و توهم و تخیل کمالات مستقل (تحریری، ۱۳۹۰، ص ۳۵۵) و ایجاد شناخت‌های غلط از خود، مبنی بر استحقاق، بزرگ‌منشی و برتری خود بر دیگران (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۲۸) و بروز رفتارهای بیمارگونه درباره عدم حقارت خود و تحقیر دیگران، به جبران نوروژیک ضعف، نقص و کمبودهای روحی خود اقدام کند و از میزان اضطراب و خشم خود بکاهد. انتخاب سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد از سوی افراد متکبر در زمان فعال شدن روان‌بنه‌ها، به پرخاشگری و خصومت، سلطه‌گری و گستاخی، توجه‌طلبی و منزلت‌طلبی، آلت دست قرار دادن و سوءاستفاده‌گری منجر می‌شود.

نداشتن پایگاه مطمئن درونی برای ایجاد خودپنداره مثبت و هویت منسجم، فرد را نیازمند به بیرون از خود و محیط و روابط اجتماعی می‌کند. چنین فردی نیازمند تأیید دیگران است و در برابر انتقاد، و حتی نصیحت، واکنش منفی نشان می‌دهد. شاید نپذیرفتن دیدگاه و شخصیت دیگران، مقابله‌ای ناهشیار جهت سرکوب یا مخفی کردن نیاز به دیگران باشد. روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، بر معنای دنیا و زندگی فرد تأثیر می‌گذارند؛ از این رو می‌توانند پیش‌بین ضعف در پایبندی مذهبی افراد باشند.

بر اساس یافته جدول‌های ۲ و ۳، فرضیه دوم پژوهش، مبنی بر وجود رابطه معنادار میان ویژگی‌های شخصیتی و صفت اخلاقی - شخصیتی تکبر و همچنین توان پیش‌بینی صفت تکبر از راه ویژگی‌های شخصیتی، تأیید شد. مطالعه هم‌سو یا ناهم‌سو مستقیم روان‌شناختی در این مورد یافت نشد. در تبیین یافته‌های مربوط به همبستگی مثبت میان روان‌آزردگی و تکبر می‌توان گفت که افراد روان‌آزرده دارای ویژگی‌های اضطراب، خصومت، زودرنجی و غیرقابل‌پیش‌بینی بودن هستند (حقیقی، سماواتیان، ۱۳۹۰، ص ۸۷)؛ داشتن احساسات منفی، مانند ترس، غم، برانگیختگی، خشم، احساس گناه و احساس کلافگی، مبنای این شاخص را تشکیل می‌دهد. بازخوردهای فرد متکبر نشان می‌دهد که او به لحاظ هیجانی دچار آسیب‌هایی در گذشته بوده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۱). از آنجا که هیجان مخرب در سازگاری فرد و محیط تأثیر دارد، احتمال بیشتری دارد که افراد روان‌آزرده که باورهای غیرمنطقی دارند، قدرت کمتری در کنترل تکانه‌ها داشته

باشند و میزان سازش ضعیف‌تری با دیگران و شرایط استرس‌زا نشان دهند (فتحی آشتیانی، داستانی، ۱۳۸۹، ص ۴۰). فرد متکبر نیز باورهای غلطی مبنی بر توانمندی و جایگاه اجتماعی خود دارد و همین موضوع می‌تواند زمینه ناسازگاری با دیگران را در او به وجود بیاورد و به دلیل حقارتی که در درون خود احساس می‌کند و دیگران را برتر از خود می‌یابد، مدام خشم و خصومت با دیگران را تجربه می‌کند و معمولاً آن را در قالب تحقیر دیگران بروز می‌دهد. بنابراین، روان‌آزدگی و تکبر با خشم، خصومت، باورهای غیرمنطقی، کاهش کنترل تکانه و کاهش میزان سازش با دیگران همراه است.

در تبیین رابطه معکوس تکبر با برون‌گرایی و موافق بودن نیز باید گفت که برخلاف افراد متکبر، که انرژی روانی خود را بر درون و احساس نقص و حقارت خود متمرکز می‌کنند و بیشتر درصدد جبران هستند و هیجانات منفی را تجربه می‌کنند، برون‌گراها انرژی روانی خود را به بیرون و به سوی دنیای خارج متمرکز می‌سازند. افراد برون‌گرا با ویژگی‌های هیجان‌خواهی، عواطف مثبت و مطلوب، لذت‌طلب و اجتماعی شناخته می‌شوند (حقیقی، سماواتیان، ۱۳۹۰، ص ۸۸). ویژگی شخصیتی موافق بودن نیز به دلیل در بر گرفتن زیرمقیاس فروتنی، در تقابل آشکار با تکبر است. افراد موافق افرادی فروتن هستند و می‌توانند منافع خود را نادیده بگیرند. افرادی که در مقیاس موافق بودن نمره پایینی دارند، دارای ویژگی تکبرند و فکر می‌کنند که افرادی استثنایی هستند. جنبه‌های بیمارگونه این ویژگی در شخصیت‌های خودشیفته دیده می‌شود (فتحی آشتیانی، داستانی، ۱۳۸۹، ص ۴۵). دیگر ویژگی‌های افراد موافق نیز با تکبر سازگاری ندارد؛ افراد موافق به نوع دوستی، میانه‌روی، بخشندگی و اعتمادکردن (حقیقی، سماواتیان، ۱۳۹۰، ص ۸۸)، هم‌حسی، همکاری و حمایت‌کنندگی در روابط بین فردی تمایل دارند.

## منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر.
- آهی، قاسم، محمدی فر، محمدعلی و بشارت، محمدعلی (۱۳۸۶)، «اعتباریابی مقیاس طرح‌واره سازش نیافته (فرم کوتاه)»، *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*، سال سی و ششم، شماره ۳، ۲۰-۵.
- بشیری، ابوالقاسم (۱۳۷۸)، *ارزیابی و مقایسه سطح پرخاشگری و ارتباط آن با مؤلفه‌های شخصیت دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- پروین، لارنس ا. و جان، اولیور بی. (۲۰۰۱)، *شخصیت نظریه و پژوهش*، ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور (۱۳۸۱)، تهران: آبیژ.
- تجلیل، جلیل و ایرنمنش، زهرا (۱۳۹۰)، «آموزه‌های اخلاقی در متون روایی و غیر روایی»، *پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی*، سال سوم، شماره ۱۱، ۲۸-۱.
- تحریری، محمدباقر (۱۳۹۰)، *عروج عقل شرح حدیث عقل و جهل*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، *غررالحکم و دررالکلم*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- جمعی از نویسندگان (۱۴۱۸ق)، *موسوعه نضرة النعمیم فی أخلاق الرسول الکریم*، جده: دار الوسیله للنشر و التوزیع.
- حسینی همدانی، محمدحسین (۱۴۰۴ق)، *انوار درخشان*، تهران: کتاب‌فروشی لطفی.
- حقیقی، عالیبه و سماواتیان، حسین (۱۳۹۰)، «رابطه ویژگی‌های شخصیتی همکاران و زبردستان با نحوه ارزیابی آنان از عملکرد سرپرستان و مدیران»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال دوازدهم، شماره ۴۶، ۸۲-۹.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹)، *نهج البلاغه*، قم: انتشارات مشرقین.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- ذوالفقاری، مریم، فاتحی‌زاده، مریم‌السادات و عابدی، محمدرضا (۱۳۸۷)، «تعیین رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی زوجین»، *فصل‌نامه خانواده‌پژوهی*، سال چهارم، شماره ۳، ۲۴۷-۲۶۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۴۰)، *آفرینش و خوشبختی دو جهان*، تبریز: کتاب‌فروشی ابن‌سینا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵)، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، تهران: مرتضوی.
- رضایی، مهدی، غلامرضایی، سیمین، سپهوندی، محمدعلی، غضنفری، فیروزه و دریکوند، فضل‌الله (۱۳۹۲)، «توان طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ابعاد شخصیت در پیش‌بینی افسردگی»، *مجله اندیشه و رفتار*، دوره هشتم، شماره ۲۹، ۷۷-۸۷.
- ریزو، لارنس پی، تویت، پیترال.دو، استین، دان.جی و یانگ، جفری (۲۰۰۷)، *طرح‌واره‌های شناختی و باورهای بنیادین در مشکلات روان‌شناختی*، ترجمه رضا مولودی و سیما احمدی (۱۳۹۰)، تهران: ارجمند و نسل فردا.
- شایقیان، زینب، آگیلار وفایی، ماریا و رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم (۱۳۹۰)، «بررسی طرح‌واره‌ها و پیوند والدینی در دختران نوجوان با وزن طبیعی، چاق و یا دارای علائم بی‌اشتهایی عصبی»، *پژوهنده*، سال اول، شماره ۱، ۳۸-۳۰.
- شهامت، فاطمه (۱۳۸۹)، «پیش‌بینی نشانه‌های سلامت عمومی (جسمانی‌سازی، اضطراب و افسردگی) براساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه»، *فصل‌نامه روان‌شناسی (دانشگاه تبریز)*، سال پنجم، شماره ۲۰، ۱۰۳-۱۲۴.
- صدوقی، زهره و آگیلاروفایی، ماریا و رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم (۱۳۸۷)، «تحلیل عاملی نسخه کوتاه پرسش‌نامه روان‌بند یانگ در نمونه غیربالینی ایرانی»، *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال چهاردهم، شماره ۲، ۲۱۴-۲۱۹.

- طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: اسلام.
- عدی، یحیی (۱۳۶۵)، *تهذیب الاخلاق*، تصحیح و ترجمه و تعلیق محمد دامادی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- فتحی آشتیانی، علی، داستانی، محبوبه (۱۳۸۹)، *آزمون‌های روان‌شناختی ارزشیابی شخصیت و سلامت روان*، تهران: بعثت.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۵ق)، *العین*، قم: دارالهجره.
- فری، مایکل (۲۰۰۷)، *شناخت درمانگری گروهی*، ترجمه مسعود جان‌بزرگی (۱۳۸۸)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قمی، شیخ عباس (۱۴۱۶ق)، *سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار*، تهران: اسوه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- متقی هندی، حسام‌الدین (۱۴۰۹ق)، *کنز العمال*، بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار*، بیروت: الوفاء.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معین، محمد (۱۳۸۸)، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیر کبیر.
- مقدسی، ابن قدامه (۱۳۹۸ق)، *مختصر منهاج القاصدین*، دمشق: شعیب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸)، *اخلاق در قرآن*، قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع).
- مهیار، رضا (۱۳۷۵)، *فرهنگ ابجدی الفبایی*، تهران: اسلامی.
- میرزا، لاورنس اس.، گامست، گلن و گارینو، ا. جی. (۲۰۰۶)، *پژوهش چندمتغیری کاربردی (طرح و تفسیر)*، ترجمه حمیدرضا حسن‌آبادی، حسن پاشا شریفی، ولی‌الله فرزاد، سیمین دخت رضاخانی، بلال ایزانلو و مجتبی حبیبی (۱۳۹۱)، تهران: رشد.
- نراقی، محمد مهدی (۱۳۸۷)، *جامع السعادات*، نجف: بی‌نا.
- نراقی، احمد (۱۳۸۶)، *معراج السعاده*، قم: زهیر.
- نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل‌البتیة لاحیاء التراث.
- هراتیان، عباس‌علی، آگاه‌هریس، مژگان و موسوی، الهام (۱۳۹۲)، «ساخت و اعتباریابی مقیاس اسلامی تکبر—تواضع»، *روان‌شناسی و دین*، سال ششم، شماره ۲۴، ۲۲-۵.
- ولی‌زاده، ابوالقاسم و آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۹)، «آزمون اولیه سنجش حسادت با تکیه بر منابع اسلامی»، *روان‌شناسی و دین*، سال سوم، شماره ۲، ۶۰-۴۵.
- یانگ، جفری (۱۹۹۰)، *شناخت‌درمانی اختلالات شخصیت: رویکرد طرح‌واره‌محور*، ترجمه علی‌صاحبی و حسن حمیدپور (۱۳۸۳)، تهران: آگه و ارجمند.
- یانگ، جفری؛ کلوکسو، ژانت و ویشار، مارجوری (۲۰۰۳)، *طرح‌واره‌درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی*، جلد اول. ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز (۱۳۹۰)، تهران: ارجمند.
- \_\_\_\_\_ (۲۰۰۳)، *طرح‌واره‌درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی*، ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز (۱۳۸۶)، تهران: ارجمند.

- \_\_\_\_\_ (۲۰۰۳)، طرح‌واره درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی، جلد اول، ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز (۱۳۹۱)، تهران: ارجمند.
- یوسفی، رحیم، عابدین، علیرضا، تیرگری، عبدالحکیم و فتح‌آبادی، جلیل (۱۳۸۹)، «اثربخشی مداخله آموزشی مبتنی بر مدل طرحواره‌ها در ارتقا رضایت زناشویی»، *روان‌شناسی بالینی*، سال دوم، شماره ۷، ص ۲۵-۳۷.
- Amato, P., and Booth, A. (2001), "The legacy of parents' marital discord: Consequences for children's marital quality", *Journal of Personality and Social Psychology*, 81,627-638.
- Baranoff, J., Oei Tian, P.S., Seong Hc. and Kwon, S.M. (2006), "Factor Structure and Internal Consistency of the Young Schema Questionnaire (Short Form) in Korean and Australian Samples", *Journal of Affective Disorders*; 93,133-40.
- Blumenthal, D.R., Neemann, J., and Murphy, C.M. (1998), "Lifetime exposure to interparental physical and verbal aggression and symptom expression in college students", *Journal of Victims and Violence*, 13, 175-196.
- Crawford, E., and Wright, M.O. (2007), "The impact of childhood psychological maltreatment on interpersonal schemas and subsequent experiences of relationship aggression", *Journal of Emotional Abuse*, 7, 93-116.
- Davis, J.L., Petretic-Jackson, P.A. and Ting, L. (2001), "Intimacy dysfunction and trauma symptomatology: Long-term correlates of different types of child abuse", *Journal of Traumatic Stress*, 14(1), 63-79.
- Messman-Moore, T.L., and Coates, A.A. (2007), "The impact of childhood psychological abuse on adult interpersonal conflict: The role of early maladaptive schemas and patterns of interpersonal behavior", *Journal of Emotional Abuse*, 7, 75-92.
- Ponce, A.N., Williams, M.K. and Allen, G.J. (2004), "Experience of maltreatment as a child and acceptance of violence in adult intimate relationships: mediating effects of distortions in cognitive schemas", *Journal of Violence and Victims*, 19, 97-108.
- Rijkeboer, M.M. and Van Den Bergh, H. (2006), "Multiple Group Confirmatory Factor Analysis of the Young Schema-Questionnaire in a Dutch Clinical Versus Non-clinical Population", *Journal of Cognitive Therapy and Research*, 30(3), 263-278.
- Seligman, M.E.P. (2002), *Authentic Happiness: Using the New Positive Psychology to Realize Your Potential for Lasting Fulfillment*, New York: Free Press/ Simon and Schuster.
- Tangney, J. P. (2000), "Humility: Theoretical perspectives, empirical findings and directions for future research", *Journal of Social and Clinical Psychology*, v 19, p. 70-82.
- Tangney, J.T. (2002), *Humility*, Ads in Snyder, C.R. and Lopez, S.J. (2002), *The handbook of positive psychology*, New York: Oxford University Press. p. 411-419.



اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال اول، شماره اول، پیاپی ۱، تابستان ۱۳۹۴، ص ۸۱ - ۹۴

## اثربخشی آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر خویشن‌داری جنسی دانشجویان پسر

### The Effectiveness of Teaching Spiritual Intelligence Components on Male Students' Sexual Self-Control

✍️ نصیر عابدینی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

✉️ Nasir Abedini / PhD student of psychology, RIHU.

Email: abedininasir@yahoo.com

✍️ فرامرز سهرابی / دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

Faramarz Sohrabi / associate professor of Allamah Tabatabaai

#### Abstract

The present study aims to determine the effectiveness of teaching the components of spiritual intelligence on sexual self-control of male students of Tehran Universities. The research design used in this research is experimental with pretest posttest, control group. Among all male students of Tehran Universities, 26 participants were selected using multistage random cluster sampling. The data were collected through sexual self-control questionnaire, for the description of data mean and standard deviation were used, and covariance test was used for inferential analysis. The results of data analysis showed that teaching the components of spiritual intelligence leads to increasing sexual self-control in male students of Tehran universities.

**Key words:** spiritual intelligence, sexual self-control, experimental design.

#### چکیده

پژوهش پیش رو، با هدف تعیین میزان اثربخشی آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر خویشن‌داری جنسی دانشجویان پسر دانشگاه‌های تهران انجام شده است. طرح پژوهشی استفاده‌شده در این پژوهش، طرح آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش، همه دانشجویان پسر دانشگاه‌های تهران بود که از میان جامعه آماری، ۲۶ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات، از پرسش‌نامه خویشن‌داری جنسی، در سطح توصیف داده‌ها از میانگین و انحراف معیار، و در سطح تحلیل استنباطی از آزمون کوواریانس استفاده شده است. نتایج تحلیل داده‌های این پژوهش نشان داد که آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی، موجب افزایش خویشن‌داری جنسی دانشجویان پسر دانشگاه‌های تهران می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** هوش معنوی، خویشن‌داری جنسی، طرح آزمایشی.

## مقدمه

غریزه جنسی یکی از نیرومندترین غرایز آدمی است که اگر، هماهنگ با هدف آفرینش انسان، در مسیر تشکیل خانواده هدایت شود، باعث افزایش سلامت روان، آرامش، مهرورزی و رضامندی از زندگی می‌شود و اگر کنترل و مدیریت نگردد مشکلاتی چون بی‌رغبتی به ازدواج‌های قانونی، افزایش خیانت‌های زناشویی، طلاق، گسترش تجاوز، سوءاستفاده از کودکان، تجارت سازمان‌یافته فحشا، فراگیری صنعت پورنوگرافی و نیز بیماری‌های مقاربتی را در پی خواهد داشت (گلزاری، ۱۳۸۵). از این رو یکی از مباحث مهم و سرنوشت‌ساز در مسائل جنسی و آسیب‌شناسی آن، بحث کنترل و خویشنداری جنسی است که، به ویژه در چند سال اخیر، روان‌شناسان را به خود مشغول داشته است (جعفری، ۱۳۸۶).

خویشنداری جنسی یعنی به تعویق انداختن ارضای میل جنسی تا زمان ازدواج و نیز عدم ارضای غیرشرعی و غیرعرفی آن پس از ازدواج (گلزاری، ۱۳۷۹). عوامل بسیاری می‌توانند در افزایش خویشنداری جنسی مؤثر باشند که بخشی از آن‌ها عوامل معنوی هستند. تحقیقات بسیاری (از جمله فولتن<sup>۱</sup>، گورسوچ<sup>۲</sup> و می‌نارد<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹؛ بیت - هالاهمی<sup>۴</sup> و آرگیل<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷؛ استارک<sup>۶</sup> و بین بریچ<sup>۷</sup>، ۱۹۹۶ و دوناهو<sup>۸</sup> و بنسن<sup>۹</sup>، ۱۹۹۵ به نقل از گلزاری، ۱۳۷۹) نقش عوامل معنوی و مذهبی را در کاهش رفتارهای جنسی نشان داده‌اند. مفاهیم و عوامل معنوی تا حدودی کلی و غیرساختارمند هستند؛ از این رو در سال‌های واپسین قرن بیستم مفهومی جدید و کاربردی از معنویت به نام «هوش معنوی»<sup>۱۰</sup> سر برآورد. هوش معنوی دربرگیرنده مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌هایی است که برای افزایش بهزیستی و انطباق‌پذیری فرد از منابع معنوی استفاده می‌کنند (سیسک<sup>۱۱</sup> و تورنس<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۱). مفهوم هوش معنوی در ادبیات آکادمیک روان‌شناسی را اولین بار در سال ۱۹۹۶ استیونز<sup>۱۳</sup> و در سال ۱۹۹۹ امونز<sup>۱۴</sup> مطرح کردند (سهرابی، ۱۳۸۷). امونز تلاش کرد معنویت

- |                 |                             |                   |                      |
|-----------------|-----------------------------|-------------------|----------------------|
| 1. Fulton, A.S. | 2. Gorsuch, R.L.            | 3. Maynard, E.A.  | 4. Beit-Hallahmi, B. |
| 5. Argyle, M.   | 6. Stark, R.                | 7. Bainbridge, W. | 8. Donahue, M.J.     |
| 9. Benson, P.L. | 10. spiritual intelligence. | 11. Sisk, D.A.    | 12. Torrance, E.P.   |
| 13. Stivens,    | 14. Emmons, R.A.            |                   |                      |

را بر اساس تعریف گاردنر<sup>۱۵</sup> در چارچوب هوش مطرح نماید و معتقد بود معنویت می‌تواند شکلی از هوش تلقی شود؛ زیرا عملکرد و سازگاری فرد را پیش‌بینی و قابلیت‌هایی را مطرح می‌کند که افراد را قادر می‌سازد به حل مسائل بپردازند و به اهداف‌شان دسترسی داشته باشند (همان). هوش معنوی، از نظر امونز (۲۰۰۰)، کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی برای حل مسئله در زندگی روزانه و فرایند دستیابی به هدف است. وی به صورت ابتکاری پنج مؤلفه را برای هوش معنوی پیشنهاد کرده است: ۱. ظرفیت تعالی (فراگذشتن از دنیای جسمانی و مادی و متعالی کردن آن)؛ ۲. توانایی آراستن فعالیت‌ها، حوادث و روابط زندگی روزانه با احساسی از تقدس؛ ۳. توانایی ورود از هوشیاری به حالت‌های معنوی؛ ۴. توانایی استفاده از منابع معنوی برای حل مسائل زندگی؛ ۵. ظرفیت اشتغال به رفتار فضیلت‌مآبانه (بخشش، سپاس‌گزاری، فروتنی، احساس شفقت و ...) (به نقل از ناصری، ۱۳۸۶).

بر اساس نظر زوهر<sup>۱۶</sup> و مارشال<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۰) به واسطه هوش معنوی به مشکلات معنا و ارزش می‌بخشیم و به حل آن‌ها می‌پردازیم. با استفاده از هوش معنوی می‌توانیم اعمال و زندگی‌مان را در بافتی که از لحاظ معنادهی غنی‌تر و وسیع‌تر است قرار دهیم و میزان معنای یک روش یا یک راه زندگی را در مقایسه با دیگر راه‌ها و روش‌ها بسنجیم. هوش معنوی، هوش بنیادی و اساسی ما و پایه‌ای ضروری برای عملکرد مؤثر هوش منطقی و هوش هیجانی است. زوهر و مارشال (۲۰۰۰) نشانه‌های یک هوش معنوی رشدیافته را چنین بیان کرده‌اند: ۱. ظرفیت انعطاف‌پذیری؛ ۲. درجه بالایی از خودآگاهی؛ ۳. ظرفیت رودررویی با رنج و استفاده از آن؛ ۴. ظرفیت رودررویی با درد و متعالی کردن آن؛ ۵. ویژگی الهام گرفتن از رؤیا و ارزش‌ها؛ ۶. عدم تمایل به آزار و اذیت؛ ۷. گرایش به دیدن پیوندهای بین چیزهای گوناگون (کل‌نگر بودن)؛ ۸. گرایش آشکار به پرسیدن سؤال‌های «چرا» یا «چه می‌شود» و جست‌وجوی پاسخ‌های اساسی؛ ۹. استقلال از بافت، که فعالیت بر خلاف عرف را تسهیل می‌کند.

سانتوس<sup>۱۸</sup> (۲۰۰۶) معتقد است هوش معنوی درباره ارتباط با آفریننده جهان است. وی این هوش را توانایی شناخت اصول زندگی (قوانین طبیعی و معنوی) و بنا نهادن زندگی بر اساس این قوانین تعریف کرده است. وی این مؤلفه‌ها را برای هوش معنوی عنوان کرده

15. Gardner, H.

16. Zohar, D.

17. Marshall, I.

18. Santos, E.S.

است: ۱. شناخت و تصدیق هوش معنوی، یعنی باور داشتن به اینکه ما موجوداتی معنوی هستیم و زندگی جسمانی (در این جهان) موقتی است؛ ۲. بازشناسی و باور یک موجود معنوی برتر (یعنی خداوند)؛ ۳. اگر خالق هست و ما مخلوق هستیم، باید کتاب راهنمایی هم وجود داشته باشد؛ ۴. لزوم شناسایی هدف زندگی (وجود چیزی که انسان را فرا می‌خواند) و پذیرفتن اینکه از نظر ژنتیکی، بعضی از توانایی‌ها کدگذاری شده‌اند؛ ۵. شناختن جایگاه خود در نزد خداوند (شخصیت فرد بازتاب فهم وی از خداوند است)؛ ۶. شناخت اصول زندگی و پذیرفتن اینکه برای داشتن زندگی موفق باید سبک زندگی و تصمیمات خود را مطابق این اصول شکل داد.

به دلیل نو بودن مفهوم هوش معنوی تحقیقات چندانی درباره رابطه این مفهوم با دیگر مفاهیم روان‌شناختی در محافل آکادمیک جهان صورت نگرفته است. از این رو پیشینه تحقیقی خاصی برای رابطه هوش معنوی با خویشتن‌داری جنسی یافت نشد. در میان تعاریف متعدد هوش معنوی، تعریف سانتوس (۲۰۰۶) برای آموزش انتخاب شد؛ زیرا اولاً بر مفهوم معنویت مذهبی تأکید دارد و از این جهت به مفهوم دین‌داری نزدیک می‌شود؛ بنابراین تحقیقات قبلی در زمینه رابطه دین‌داری با خویشتن‌داری جنسی می‌تواند خلأ پیشینه تحقیق را پر نماید و از این طریق بر استحکام تحقیق بیفزاید. ثانیاً به نظر می‌رسد آموزش مؤلفه‌های آن تأثیر بیشتری بر خویشتن‌داری جنسی داشته باشد. با عنایت به این نکته باید گفت تحقیقات بسیاری درباره نقش دین و معنویت در کاهش سوء رفتارهای جنسی به انجام رسیده است.

بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که هرچه میزان معنویت و دین‌داری افراد بیشتر باشد، مصونیت بیشتری در برابر کژی‌های رفتاری پیدا می‌کنند (احمدی، ۱۳۸۷). به نظر نیومن<sup>۱۹</sup> و پارگامنت<sup>۲۰</sup> (۱۹۹۰ به نقل از صادقی جهانپهان، ۱۳۷۹) مذهب می‌تواند در آرامش هیجانی و مهار تکانه مؤثر باشد. لارسن<sup>۲۱</sup> در تحقیقی با موضوع روان‌پزشکی مذهبی و تأثیر اعتقاد دینی در عملکرد بالینی گزارش می‌کند که در جنبش روان‌پزشکی مسیحی عملکرد درمانی ۱۹۳ روان‌پزشک بررسی شد تا نقش و تأثیر عقاید مذهبی در اقدامات درمانی آنان ارزیابی شود. ۴۹٪ از آزمودنی‌ها، که روان‌پزشکانی با عقاید قوی

19. Newman, J.S.

20. Pargament, K.I.

21. Larson, M.

مذهبی بودند. معتقد بودند عقاید مذهبی آنان را از هم‌جنس‌بازی یا تجارب جنسی پیش از ازدواج بازمی‌دارد و ۲۸٪ دیگر، که مذهبی نبودند، اظهار داشتند که با دعا و نیایش از این رفتارها دوری گزیده‌اند (صادقی جهانپهان، ۱۳۷۹).

موسوی (۱۳۷۸) به نقل از جعفری، (۱۳۸۶) در تحقیق خود با عنوان «بررسی چگونگی و علل انحرافات اجتماعی و زنان جوان (بین سنین ۱۳ تا ۲۸ ساله) در شهر مشهد» به این نتیجه رسید که هرچه میزان پای‌بندی فرد به شعائر مذهبی بیشتر باشد، احتمال انحراف وی کمتر می‌شود. گلزاری (۱۳۷۹) در تحقیق خود با عنوان «تهیه ابزارهایی جهت سنجش عمل به باورهای دینی و انواع حیا و بررسی رابطه دین‌داری و حیا با ویژگی‌های شخصیت و سلامت روانی» به رابطه مثبت حیا و خویش‌داری جنسی با دین‌داری رسیده است. کروین<sup>۲۲</sup> و بندا<sup>۲۳</sup> (۲۰۰۰) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که تقیّد مذهبی تأثیر ویژه‌ای بر کاهش تخلفات دوران نوجوانی دارد.

هیرسچی<sup>۲۴</sup> و استارک<sup>۲۵</sup> (۱۹۶۹) به نقل از کروین و بندا، (۲۰۰۰) نشان دادند که تقیّد مذهبی رابطه‌ای منفی با رفتارهای منحرفانه دارد. تورنتون<sup>۲۶</sup> و کامبرن<sup>۲۷</sup> (۱۹۸۹) به نقل از لطف‌آبادی، (۱۳۸۱) نیز نشان دادند که عموم نوجوانان و جوانانی که تعلق و وابستگی محکم‌تری به کلیسا دارند و به‌طور مستمر در مراسم آن شرکت می‌کنند، نگرشی منفی به ارتباط جنسی خارج از ازدواج دارند، اطلاعات و تجربه اندکی در این مورد دارند و دوستان خود را نیز از افرادی شبیه خویش انتخاب می‌کنند.

پژوهش‌های زیادی (از جمله فولتن، گورسوچ و می‌نارد، ۱۹۹۹؛ بیت - هالاهمی و آرگیل، ۱۹۹۷؛ استارک و بین‌بریچ، ۱۹۹۶ و دوناهو و بنسن، ۱۹۹۵) به نقل از گلزاری، (۱۳۷۹) تأیید می‌کنند که افراد مذهبی، بیشتر میل جنسی خود را در چارچوب ازدواج قانونی و شرعی ارضا می‌کنند و نسبت به افراد غیرمذهبی، کمتر به روابط قبل از ازدواج، تماس‌ها و ارتباط‌های بعد از ازدواج، تجاوز، زنا با محارم، هم‌جنس‌خواهی، جامعه‌ستیزی، جرم و بزه‌کاری می‌پردازند. این یافته مطابق تقریباً تمام پژوهش‌هایی است که در این زمینه انجام شده است. چادویک<sup>۲۸</sup> و تاپ<sup>۲۹</sup> (۱۹۹۳) با مطالعه ۲۱۴۳ نوجوان عضو یک کلیسا به

22. Corwyn, R.F.

25. Stark, N.

28. Chadwick, B.A.

23. Benda, B.B.

26. Thorton, A.

29. Top, B.L.

24. Hirschi, M.

27. Camburn, D.

این نتیجه رسیدند که ارزش‌های اخلاقی در افراد مذهبی درونی می‌شود و به همین دلیل آنان کم‌تر از افراد غیرمذهبی مرتکب بزه‌کاری و اعمال خلاف قانون می‌شوند. دونا هو و بنسن (۱۹۹۵) با تلخیص پژوهش گسترده بنسن (۱۹۹۳)، که در ۳۲ ایالت امریکا بر روی صدها هزار نوجوان امریکایی صورت گرفت، و به نام «سفر پر دردسر» منتشر شد، نشان دادند که باورهای مذهبی می‌توانند نوجوانان را در برابر تجاوز جنسی، سوء مصرف الکل و مواد مخدر، انحرافات، آزار و دزدی، شرارت، قتل و دیگر بزه‌کاری‌ها و قانون‌شکنی‌ها مصونیت بخشند.

هولدر<sup>۳۰</sup> و دیگران (۲۰۰۰) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که معنویت یک عامل نگهدارنده نوجوانان برای مقاومت و تسلیم نشدن در برابر رفتارهای پرخطر و فشارهای منفی جنس مخالف است. این گروه مطالعه‌ای نیز بر روی ۱۴۱ نوجوان امریکایی انجام دادند و به این نتیجه دست یافتند که نوجوانانی که دوستانشان دارای ارزش‌ها و باورهای معنوی هستند، احتمالاً کمتر درگیر فعالیت جنسی داوطلبانه می‌شوند (همان).

پژوهش بک<sup>۳۱</sup> و دیگران (۱۹۹۱) به این نتیجه رسید که افرادی که باورها و ارزش‌های قوی معنوی خود را حفظ کرده‌اند، در موضوع رفتار جنسی قوه تمیز بیشتری دارند. لیک<sup>۳۲</sup> (۱۹۹۳) معتقد است که معنویت همبستگی مثبتی با خویش‌داری دارد. نتیجه تحقیق روزنائو<sup>۳۳</sup> و تان<sup>۳۴</sup> (۲۰۰۲) این بود که افرادی که باورها و ارزش‌های قوی معنوی دارند در برابر رفتارهای جنسی پرخطر مقاوم‌ترند. فیشر<sup>۳۵</sup> (۱۹۸۶) در تحقیقی به این نتیجه دست یافت که نوجوانانی که خودشان را معنوی می‌پندارند، احتمالاً کمتر از نوجوانانی که با خداوند یا موجودات برتر دیگر ارتباط معنوی ندارند، مشغول رفتارهای پرخطر می‌شوند. داسول<sup>۳۶</sup>، کوپات<sup>۳۷</sup> و تیلور<sup>۳۸</sup> (۲۰۰۳) به این نتیجه رسیدند که تقیید مذهبی و خصوصی نوجوان، که از طریق دعا و مراقبه ابراز می‌شود، بیشتر از ابراز عمومی مذهب باعث مقاومت در برابر شروع زود هنگام رابطه جنسی می‌شود. آنان همچنین نشان دادند که معنویت رابطه مثبتی با کاهش رفتار جنسی نوجوانان افریقایی‌تبار امریکا دارد. چایلدز<sup>۳۹</sup>

30. Holder, D.W.

31. Beck, S.H.

32. Leak, O.K.

33. Rosenau, D.E.

34. Tan, E.S.N.

35. Fisher, T.D.

36. Doswell, W.M

37. Kouyate, M.

38. Taylor, J.

39. Childs, G.

(۲۰۰۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که معنویت یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در خویشتن‌داری جنسی دختران افریقایی تبار امریکا است. اهمیت روزافزون تحقیق درباره رفتار جنسی انسان و خلأهای موجود در این تحقیقات این ضرورت را ایجاد می‌کند که از ابعاد مختلف به این موضوع پرداخته شود. در این تحقیق با این فرضیه که «آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر خویشتن‌داری جنسی دانشجویان مؤثر است» به بررسی تأثیر آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر خویشتن‌داری جنسی دانشجویان پرداخته‌ایم.

### روش پژوهش

این پژوهش از روش آزمایش از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بهره برده است. جامعه آماری این پژوهش از کلیه دانشجویان پسر دانشگاه‌های تهران شکل گرفته است (به دلیل حساسیت موضوعات مرتبط با امور جنسی در عرف جامعه و نزد مسئولان دانشگاه‌ها امکان اجرای آن در میان دختران وجود نداشت). ابتدا با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای چهار دانشگاه از دانشگاه‌های تهران به صورت تصادفی انتخاب شدند و از هر دانشگاه یک رشته و از هر رشته یک کلاس انتخاب شد. پرسش‌نامه خویشتن‌داری جنسی به دانشجویان داده شد و در نهایت از ۱۲۴ پرسش‌نامه ۲۶ نمونه، پس از تصحیح و استخراج اطلاعات و نتایج، انتخاب شدند. با توجه به ترجیح وجود حداقل ۸ تا ۱۲ نفر در هر گروه پژوهش آزمایشی (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۰)، تعداد هر گروه ۱۳ نفر در نظر گرفته شد. این دانشجویان دارای خویشتن‌داری جنسی پایین و نمرات کم در پرسش‌نامه بودند. این ۲۶ نفر، به شیوه جورکردنی و به صورت تصادفی، در دو گروه سیزده نفره آزمایشی و کنترل جایگزین شدند. ابزار گردآوری در پژوهش حاضر پرسش‌نامه خویشتن‌داری جنسی بود که جعفری در سال ۱۳۸۶ تهیه کرده است. این پرسش‌نامه، که زیرمقیاس ندارد، حاوی ۴۴ عبارت است و کلید نمره‌گذاری دارد که به کمک آن می‌توان نمره‌های آزمودنی‌ها را محاسبه کرد. ۲۰ پرسش (شماره‌های ۱، ۳، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۷، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۸ و ۴۳) دارای نمره مثبت و ۲۴ سؤال دیگر دارای نمره منفی هستند. این پرسش‌نامه نقطه برش ندارد و هرچه جمع جبری این پرسش‌ها به عدد ۲۰ نزدیک‌تر باشد، سطح خویشتن‌داری آزمودنی بالاتر است. پایایی این

پرسش‌نامه را جعفری در سال ۱۳۸۶، با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ و هم‌چنین هم‌سانی درونی سوالات، اندازه‌گیری کرد؛ ضریب پایایی نهایی این پرسش‌نامه برابر با ۰/۹۳ بود. جعفری در همان سال روایی ساختاری این پرسش‌نامه را نیز با استفاده از روش تحلیل عاملی بررسی کرد. برخی عبارات پرسش‌نامه عبارت‌اند از: «ترجیح می‌دهم با جنس مخالف تنها نمانم»، «معمولاً به سایت‌های جنسی سر می‌زنم» و «با رابطه جنسی قبل از ازدواج موافقم».

گروه آزمایشی یک جلسه در هفته تحت آموزش قرار گرفت. با توجه به نو بودن مفهوم هوش معنوی و نبود هیچ بسته آموزشی داخلی و خارجی در این زمینه، این بسته را پژوهشگر این طرح برای اولین بار طراحی کرد و محتوا و فرم آن را به تأیید سه نفر از روان‌شناسان با تجربه رساند. ده جلسه آموزشی یک ساعته در نظر گرفته شد. بعد از ده جلسه آموزش برای گروه آزمایشی، از اعضای هر دو گروه آزمایش و کنترل دوباره دعوت به عمل آمد و پس از آزمون پرسش‌نامه خویش‌تن‌داری جنسی در میان هر دو گروه اجرا شد.

خلاصه برنامه جلسات آموزشی به شرح ذیل است: جلسه اول: تعریف معنویت (از منظر روان‌شناختی)؛ جلسه دوم: تعریف هوش، هوش معنوی؛ جلسه سوم: آموزش مؤلفه اول هوش معنوی از منظر سانتوس: «باور به اینکه ما موجوداتی معنوی هستیم و زندگی جسمانی (در این جهان) موقتی است»؛ جلسه چهارم: آموزش مؤلفه دوم هوش معنوی از منظر سانتوس: «بازشناسی و باور یک موجود معنوی برتر (یعنی خداوند)»؛ جلسه پنجم: آموزش مؤلفه سوم هوش معنوی از منظر سانتوس: «باور به اینکه اگر خالق هستی و ما مخلوق هستیم باید کتاب راهنمایی هم وجود داشته باشد»؛ جلسه ششم: آموزش مؤلفه چهارم هوش معنوی از منظر سانتوس: «اعتقاد به لزوم شناسایی هدف زندگی»؛ جلسه هفتم: آموزش مؤلفه پنجم هوش معنوی از منظر سانتوس: «شناختن جایگاه خود در نزد خداوند»؛ جلسه هشتم: آموزش بخش اول مؤلفه ششم هوش معنوی از منظر سانتوس: «شناخت اصول زندگی»؛ جلسه نهم: آموزش بخش دوم مؤلفه ششم هوش معنوی از منظر سانتوس: «پذیرفتن اینکه برای داشتن زندگی موفق باید سبک زندگی و تصمیمات خود را مطابق این اصول شکل داد»؛ جلسه دهم: جمع‌بندی مطالب و تقدیر و تشکر از دانشجویان.



### یافته‌های پژوهش

در این پژوهش به منظور بررسی تأثیر آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر خویشتن‌داری جنسی دانشجویان از آزمون تحلیل کواریانس، با رعایت پیش فرض‌های آماری استفاده شده است. در جدول ۱ شاخصه‌های توصیفی متغیر پژوهش، یعنی خویشتن‌داری جنسی به تفکیک گروه آزمایش و کنترل و پیش‌آزمون و پس‌آزمون، ارائه گردیده است.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی خویشتن‌داری جنسی دانشجویان بر حسب گروه و مرحله آزمون

| شاخص             | گروه کنترل             |                        | گروه آزمایش            |                        |
|------------------|------------------------|------------------------|------------------------|------------------------|
|                  | قبل از آموزش هوش معنوی | بعد از آموزش هوش معنوی | قبل از آموزش هوش معنوی | بعد از آموزش هوش معنوی |
| میانگین          | ۱۰/۹۴                  | ۱۱/۳۴                  | ۱۱/۱۳                  | ۱۶/۹۶                  |
| انحراف استاندارد | ۲/۳۰                   | ۲/۴۸                   | ۲/۲۲                   | ۲/۱۵                   |
| حداقل            | ۸                      | ۹                      | ۸                      | ۱۳                     |
| حداکثر           | ۱۲                     | ۱۲                     | ۱۲                     | ۱۸                     |
| تعداد            | ۱۳                     | ۱۳                     | ۱۳                     | ۱۳                     |

چنانکه در جدول ۱ مشاهده می‌شود میانگین خویشتن‌داری جنسی در گروه آزمایش در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون ۵/۸۳ نمره افزایش داشته است. این در صورتی است که میانگین خویشتن‌داری جنسی در گروه کنترل فقط ۰/۴۰ نمره افزایش داشته است که نشان‌دهنده تغییر افزایشی میانگین در پس‌آزمون گروه آزمایش نسبت به پیش‌آزمون است. فرض همگنی واریانس‌های دو گروه آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون با استفاده از آزمون لوین ارزیابی شد؛ نتایج داده‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- نتایج تحلیل واریانس برای همگنی دو گروه آزمایش در مرحله پیش‌آزمون

| متغیر            | آزمون همگنی واریانس‌ها |      |        |   |    |        |      | تخلی واریانس |
|------------------|------------------------|------|--------|---|----|--------|------|--------------|
|                  | Levene Statistic       |      |        |   |    |        |      |              |
| خویشتن‌داری جنسی | ۰/۳۱                   | ۰/۲۴ | ۲۱۷/۵۴ | ۱ | ۲۴ | ۲۱۷/۵۴ | ۱/۲۴ | ۰/۳۸۴        |

با توجه به جدول ۲، آزمون لوین نشان می‌دهد که متغیر خویشتن‌داری جنسی دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پیش‌آزمون واریانس‌های یکسانی دارند؛ بنابراین مفروض انجام تحلیل کواریانس فراهم است. جدول زیر نتایج تحلیل کواریانس فرضیه اصلی پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۳- نتایج تحلیل کواریانس  
برای بررسی اثر بسته آموزشی بر خویشتن‌داری جنسی گروه‌های آزمایش و کنترل

| متغیر            | SS      | df | MS      | F     | P      |
|------------------|---------|----|---------|-------|--------|
| خویشتن‌داری جنسی | ۲۴۳/۵۱۳ | ۱  | ۲۴۳/۵۱۳ | ۴۸/۷۹ | ۰/۰۰۰۱ |

در جدول ۳ اثرات اصلی متغیرهای پژوهش گزارش شده است. بر اساس این نتایج، از آنجا که مقدار F به دست آمده ( $P < ۰/۰۱$ ) معنادار است، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر خویشتن‌داری جنسی (فرضیه پژوهش) تأثیر معناداری داشته است.

### بحث و نتیجه‌گیری

آزمون فرضیه این تحقیق نشان داد که آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی می‌تواند بر افزایش خویشتن‌داری جنسی دانشجویان اثر بگذارد و موجب تفاوت معناداری بین میانگین‌های دو گروه آزمایش و کنترل شود.

در تبیین اثربخشی آموزش هوش معنوی بر افزایش خویشتن‌داری جنسی دانشجویان باید گفت که بر طبق مؤلفه اول تعریف سانتوس (تعریف منتخب از میان تعاریف متعدد هوش معنوی) هوش معنوی یعنی باور داشتن به اینکه ما موجوداتی معنوی هستیم و بی‌شک معنوی دانستن خود می‌تواند عامل بازدارنده‌ای در برابر انجام رفتارهای ضد معنوی، مانند رفتارهای جنسی غیرخویشتن‌دارانه، قلمداد گردد؛ چراکه بر طبق تحقیقات هولدر و دیگران (۲۰۰۰) معنویت یک عامل محافظت‌کننده نوجوانان برای مقاومت و تسلیم نشدن در برابر رفتارهای پر خطر و فشارهای منفی جنس مخالف است. همچنین یک و دیگران (۱۹۹۱) معتقدند افرادی که باورها و ارزش‌های قوی معنوی را حفظ کرده‌اند، دارای قوه تمیز بیشتری در موضوع رفتار جنسی هستند. نظر لیک (۱۹۹۳) مبنی بر اینکه میزان معنویت نوجوانان رابطه‌ای مثبت با خویشتن‌داری دارد، مؤید اثرگذاری این مؤلفه هوش معنوی سانتوس (۲۰۰۶) بر خویشتن‌داری جنسی است. بر اساس مؤلفه دوم سانتوس، یعنی باور به یک موجود معنوی برتر (یعنی خداوند)، خداوند می‌تواند عامل بازدارنده مهمی در برابر رفتارهای غیرخداپسندانه، مانند رفتارهای جنسی نامشروع، باشد. نظر فیشر (۱۹۸۶)، که معتقد است نوجوانانی که خودشان را معنوی می‌پندارند در قیاس با

نوجوانانی که با «خداوند» یا «موجودات برتر» دیگر ارتباط معنوی ندارند، احتمالاً کمتر مشغول به رفتارهای پرخطر می‌شوند، اثرگذاری مؤلفه دوم هوش معنوی سانتوس بر خویشتن‌داری جنسی را تأیید می‌کند. مؤلفه سوم تعریف سانتوس وجود کتاب راهنمایی از سوی خالق را لازم می‌داند. قرآن، کتاب راهنمای مسلمانان، به شدت رفتارهای غیرخویشتن‌دارانه جنسی را رد می‌کند و آن را گناهی بزرگ می‌داند. برای تبیین اثر آموزش این مؤلفه، کروین و بندا (۲۰۰۱) در تحقیقی نشان دادند که خواندن کتاب مقدس تأثیر بازدارنده بر اعمال غیرخویشتن‌دارانه افراد دارد. مؤلفه چهارم سانتوس، یعنی هدفدار بودن زندگی، نیز انسان را از باری به هر جهت بودن و لابلالی‌گری و اقدام به رفتارهای غیرخویشتن‌دارانه جنسی باز می‌دارد. هر کدام از مؤلفه‌های پنجم و ششم سانتوس، یعنی شناختن جایگاه خود در نزد خداوند و لزوم رعایت اصول زندگی، می‌تواند تأثیر بسزایی در ارتقای سطح خویشتن‌داری جنسی انسان داشته باشد.

نتیجه به دست آمده در تحقیق حاضر، در مجموع با نتایج تحقیقات هولدر و دیگران (۲۰۰۰)، که معنویت را یک عامل نگهدارنده نوجوانان برای مقاومت و تسلیم نشدن در برابر رفتارهای پرخطر و فشارهای منفی جنس مخالف می‌داند، هم‌سو است. این نتیجه با نتیجه تحقیق بک و دیگران (۱۹۹۱)، که معتقدند افرادی که باورها و ارزش‌های قوی معنوی را حفظ کرده‌اند دارای قوه تمیز بیشتری در موضوع رفتار جنسی هستند، نیز هم‌داستان است. نظر لیک (۱۹۹۳) مبنی بر اینکه معنویت نوجوانان رابطه مثبتی با خویشتن‌داری دارد، مؤید نتیجه تحقیق حاضر است. تحقیق فیشر (۱۹۸۶) نیز نتیجه‌ای مطابق با نتیجه تحقیق حاضر دارد. فیشر به این نتیجه رسید که نوجوانانی که خودشان را معنوی می‌پندارند در برابر نوجوانانی که با خداوند یا دیگر موجودات برتر ارتباط معنوی ندارند، احتمالاً کمتر مشغول به رفتارهای پرخطر می‌شوند.

در جمع‌بندی یافته‌ها می‌توان گفت آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی یک سازه منسجم و کاربردی از معنویت است که بر افزایش خویشتن‌داری جنسی دانشجویان تأثیر دارد. با توجه به آمار روزافزون رفتارهای آسیب‌زای جنسی جوانان، باید بر روی عوامل مؤثر بر خویشتن‌داری جنسی آنان، که از مهم‌ترین آن‌ها ارتقای سطح معنوی و رشد هوش معنوی است، سرمایه‌گذاری پژوهشی و تحقیقاتی صورت پذیرد.

با توجه به مذکر و دانشجو بودن گروه نمونه، نتایج این پژوهش قابل تعمیم به جنس مؤنث و غیردانشجو نیست؛ اما می‌توان تحقیق مشابهی بر روی دانشجویان دختر صورت داد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های کیفی جهت پی بردن به نواقص و ارائه راهبردهای آموزشی مناسب در دو موضوع هوش معنوی و خویشتنداری جنسی و نیز مطالعات تطبیقی و بومی‌سازی بر روی دو مفهوم هوش معنوی و خویشتنداری جنسی انجام شود.

## منابع

- احمدی، محمدرضا، گلزاری، محمود، شاملی، عباس علی و رسولزاده طباطبایی، کاظم (۱۳۸۷)، «بررسی ابعاد روان‌شناختی مناسک حج و تأثیر آن بر سطح دین‌داری حجاج»، *روان‌شناسی و دین*، سال اول، شماره ۴، ۷-۴۳.
- جعفری، الهه (۱۳۸۶)، *ساخت مقیاس خویش‌داری جنسی و هنجاریابی آن در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، گروه روان‌شناسی.
- سهرابی، فرامرز (۱۳۸۷)، «مبانی هوش معنوی»، *فصلنامه سلامت روان*، سال اول، شماره ۱، ۲۰-۲۲.
- شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۸۰)، *پویایی گروه و مشاوره گروهی*، تهران: رشد.
- صادقی جهانپهان، محمود (۱۳۷۹)، «روانپزشکی مذهبی، تأثیر اعتقاد دینی در عملکرد بالینی»، *ماه‌نامه روان‌شناسی دین*، سال دوم، شماره ۳، ۷۷-۸۱.
- غباری بناب، باقر، سلیمی، محمد، سلیمانی، لیلا و نوری‌مقدم، ثنا (۱۳۸۶)، «هوش معنوی»، *اندیشه نوین دینی*، سال سوم، شماره ۱۰، ۵۶-۶۹.
- گلزاری، محمود (۱۳۷۹)، *تهیه ابزارهایی جهت سنجش عمل به باورهای دینی و انواع حیا و بررسی رابطه دینداری و حیا با ویژگی‌های شخصیت و سلامت روانی*، پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، گروه روان‌شناسی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، *تربیت جنسی در غرب و مقایسه‌ی آن با سنت و سیره‌ی نبوی؛ چکیده مقالات همایش پیامبر اعظم و تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۱)، «روان‌شناسی رشد اخلاقی، ارزشی و دینی در نوجوانی و جوانی»، *فصل‌نامه حوزه و دانشگاه*، سال هفتم، شماره ۳۱، ۵-۱۵.
- ناصری، اسماعیل (۱۳۸۶)، *بررسی مفهوم و مؤلفه‌های هوش معنوی و ساخت ابزاری برای سنجش آن‌ها در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی*، سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، گروه روان‌شناسی.
- Amram, Y. (2005), *Intelligence Beyond IQ: The contribution of emotional and spiritual intelligence to effective business leadership*, Institute of Transpersonal Psychology.
- Amram, Y. (2007), "The Seven Dimensions of Spiritual Intelligence: An Ecumenical Grounded Theory", The 115th Annual Conference of the American Psychological Association, San Francisco, CA.
- Beck, S. H., Cole, B.S. and Hammond, J. A. (1991), "Religious heritage and premarital sex: Evidence from a national sample of young adult", *Journal for the Scientific Study of Religion*. 30(2), 173 – 180.
- Chadwick, B.A. and Top, B.L. (1993), "Religiosity and Delinquency among LDS, Adolescents", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 32 (1), 51-67.

- Childs, G. (2007), Psychosocial factors that influence, abstinence and sexual activity among African American adolescent girls (Doctoral dissertation), University of South Carolina, Retrieved from [www.proquest.com](http://www.proquest.com)
- Corwyn, R. F. and Benda, B. B. (2000), "Religiosity and Church Attendance: The Effects on Use of "Hard Drugs" Controlling for Sociodemographic and Theoretical Factors", *The International Journal for the Psychology of Religion*, 10 (4), 241-258.
- Donahue, M. J. and Benson, P. L. (1995), "Religion and the wellbeing of adolescents", *Journal of Social Issues*, 51, 145-160.
- Doswell, W. M, Kouyate, M., and Taylor, J. (2003), "The role of spirituality in preventing early sexual behavior", *American Journal of Health Studies*, 18 (4), 195 – 202.
- Fisher, T. D. (1986), "An exploratory study of parent – child communication about sex and sexual attitudes of early, middle, and late adolescents", *Journal of Genetic psychology*, 147 (4), 543- 557.
- Holder, D. W., Durant, R., Harris, T., Daniel, J. H., Obeidallah, D., and Goodman, E. (2000), "The association between adolescent spirituality and voluntary sexual activity", *Journal of Adolescent Health*, 26 (4), 295-302.
- King, D. B. (2007), "The Spiritual Intelligence Project", Trent University, Canada, Retrieved from [www.dbking.net/spiritualintelligence](http://www.dbking.net/spiritualintelligence).
- Leak, O. K. (1993), "Relationship between religious orientation and sexual behavior", *Journal of Psychology and Theology*, 21, 315 – 318.
- Noble, K. D. (2000), "Spiritual Intelligence. A new frame of mind", *Advanced Development Journal*, 19, 1-28.
- Rosenau, D. E., and Tan, E. S. N. (2002), "single and sexual: the churches neglected dilemma", *Journal of Psychology and Theology*, 30 (3), 185 – 194.
- Santos, E, Severo (2006), "Spiritual intelligence; What is spiritual intelligence?" Retrieved from [www.Skopun.Files.Wordpress.com](http://www.Skopun.Files.Wordpress.com).
- Sisk, D. A. and Torrance, E. P. (2001), *Spiritual intelligence: Developing higher consciousness*, Buffalo, New York: Creative Education Foundation Press.
- Zohar, D. and Marshall, I. (2000), *SQ: Spiritual intelligence, The ultimate intelligence*, London: Bloomsbury.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال اول، شماره اول، پیاپی ۱، تابستان ۱۳۹۴، ص ۹۵ - ۱۱۴

## مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی

### دانش‌آموزان خانواده‌های دارای تک و دو فرزند با بیش از دو فرزند

#### Personality Traits and Life Satisfaction: A Comparison between Students from Families with one or two Children and Families with more than two Children

محمد زارعی توپخانه / دانشجوی دکتری روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

Mohammad Zarei Tupkhaneh / PhD student of psychology, RIHU.

Email: mohammad1358z@gmail.com

#### Abstract

The present study compares the personality traits and life satisfaction of students from families with one or two children and families with more than two children. The sample included 295 high school students at first to third grades in city of Baharestan in Tehran province, who were selected through random cluster sampling. The research method is descriptive, correlation type and the instruments used were Eysenck Personality questionnaire and satisfaction of life questionnaire. Data were analyzed based on Mann-Whitney U test.

The findings indicate that an average score of neuroticism and schizophrenia in students from families with one and two children is significantly higher than those from families with more than two children. Also, there is no significant difference in the average score of extroversion and life satisfaction in these two groups; therefore, the more the number of members in the family, the more the possibility of

#### چکیده

پژوهش پیش رو، به مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی دانش‌آموزان خانواده‌های دارای تک و دو فرزند با خانواده‌های دارای بیش از دو فرزند پرداخته است. حجم نمونه مورد پژوهش، ۲۹۵ نفر از دانش‌آموزان اول تا سوم دبیرستان‌های شهرستان بهارستان استان تهران است که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است و ابزار استفاده‌شده، پرسش‌نامه شخصیتی آیسنک و پرسش‌نامه رضایت از زندگی است. داده‌ها براساس آزمون مان‌ویتنی تحلیل شد. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که میانگین رتبه روان‌آزردگی و روان‌گسستگی دانش‌آموزان خانواده‌های یک و دو فرزند به‌طور معناداری بیش از دانش‌آموزان خانواده‌های دارای بیش از دو فرزند است. همچنین، میان میانگین رتبه برون‌گرایی و رضایت از زندگی این دو گروه، تفاوت معناداری وجود ندارد؛ در نتیجه، با افزایش جمعیت خانواده، احتمال سلامت شخصیت و

personality health and life  
satisfaction of children.

رضایت از زندگی فرزندان، فزونی خواهد یافت.

**Key words:** personality, life  
satisfaction, number of children.

**کلیدواژه‌ها:** شخصیت، رضایت از زندگی، تعداد  
فرزند.

### مقدمه

تعداد فرزند در خانواده و آثار فردی، خانوادگی و اجتماعی آن از مباحث چالش برانگیزی است که همواره پژوهشگران و اندیشمندان رشته‌های علوم انسانی را به خود مشغول کرده است. نظریه‌پردازان علوم اجتماعی ارزش فرزند و تعداد آن را بر اساس آداب و سنن اجتماعی و قوانین حاکم بر جامعه (محمودیان و پوررحیم، ۱۳۸۱) و نظریه‌پردازان اقتصادی تعداد فرزندان را بر اساس منافع و هزینه‌ها ارزیابی می‌کنند. تعداد فرزندان با توجه به منافع فرزندان مانند کالا، منبع لذت و نیروی کار بودن آنان و تأمین والدین در سنین کهولت و بیماری و نگهداری از آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد (لیبنشتاین<sup>۱</sup>، ۱۹۷۴). فرزند موجب افزایش وابستگی زوجین به همدیگر و افزایش اعتماد در زندگی می‌شود و انگیزه آنان را برای کسب موفقیت دوچندان می‌سازد (فریدمن<sup>۲</sup>، هکتر<sup>۳</sup> و کانازاوا<sup>۴</sup>، ۱۹۹۴). برخی نیز با بررسی رابطه سلامت و بیماری والدین با تعداد فرزندان خانواده دریافته‌اند که افسردگی والدین با تعداد فرزندان ارتباط دارد (یانگین<sup>۵</sup>، سوزر<sup>۶</sup>، سنگون<sup>۷</sup> و کوکولو<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸)؛ هرچند برخی پژوهش‌های دیگر این رابطه را گزارش نکرده‌اند (یساری، افشاری، تدین، کمیلی‌ثانی و حقیقی‌زاده، ۱۳۹۰). برخی از روان‌شناسان تحولی (مانند هارتپ<sup>۹</sup>، ۱۹۸۳ و استونمن<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۴ به نقل از کمیل<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۶) نیز دریافته‌اند که بین تعداد فرزندان خانواده و تحول فرزندان رابطه وجود دارد.

در سال‌های اخیر بر اثر تغییرات مهم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، پیدایش مفاهیم نوین درباره آزادی خصوصی و تجدیدنظر در خصوص عقاید مذهبی دیرین درباره زاد و ولد،

1. Leibenstein, H.

2. Fridman, D

3. Hechter, M.

4. Kanazawa, S.

5. Yangin, H. B.

6. Sozer, G. A.

7. Sengun, N.

8. Kukululu, K,

9. Hartup, W.W.

10. Stoneman, Z.

11. Campbell, S.B



وسعت خانواده به سرعت رو به کاهش گذاشته است (شجاعی، ۱۳۸۶). در حال حاضر میزان باروری در بیشتر کشورهای اروپایی به زیر حد جایگزین رسیده است و ۸۵ درصد از کشورهای در حال توسعه به طور رسمی سیاست‌های تنظیم خانواده را پذیرفته‌اند یا در عمل رویه‌هایی همگام با این سیاست‌ها اتخاذ کرده‌اند (بستان، بختیاری و شرف‌الدین، ۱۳۸۸). در کشور ما نیز علاوه بر تبلیغات گسترده‌ای که در سال‌های گذشته برای کاهش تعداد فرزند صورت گرفت نتایج برخی از پژوهش‌ها (ساطوریان، طهماسیان و احمدی، ۱۳۹۳) نشان می‌دهند که تک‌فرزندها ویژگی‌های مثبتی در زمینه عاطفی- رفتاری دارند؛ بنابراین برخی از والدین به داشتن یک فرزند بسنده می‌کنند و برخی دیگر تمایل به داشتن تنها یک فرزند دارند. بیشتر زنان و شوهران جوان، به دلیل مشکلات اقتصادی و روحیه رفاه‌طلبی، از داشتن فرزند امتناع می‌ورزند (ساطوریان و همکاران، ۱۳۹۳)؛ برخی نیز به دلیل مشکلات تربیتی از داشتن فرزند بیشتر خودداری می‌کنند. بیماری‌ها، مشکلات، اختلالات روانی و بزه‌کاری‌های اجتماعی از دیگر عوامل روی‌گردانی والدین از داشتن فرزند بیشتر است (شجاعی، ۱۳۸۶). به نظر می‌رسد که کنترل نامناسب جمعیت، کاهش نامناسب جمعیت را در پی داشته است؛ برای نمونه بر اساس آمار بانک جهانی، میانگین اعضای خانواده‌های ایرانی از ۶ نفر در دهه ۱۹۸۶ به ۳/۲ نفر در سال ۱۹۹۵ و ۱/۹ نفر در سال ۲۰۱۲ کاهش یافته است (بانک جهانی، ۲۰۱۵). این امر افت شدید جمعیت در دهه ۹۰ را نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که بر اساس قرائن موجود، در چند سال آینده کشور با رشد منفی جمعیت مواجه می‌شود و با چالش‌های گوناگون فردی، خانوادگی و اجتماعی متعددی درگیر خواهد شد (فولادی، ۱۳۹۰).

از منظر آموزه‌های اسلامی فرزندآوری و تعدد فرزند امری پسندیده تلقی می‌شود و با مراجعه به آموزه‌های دینی می‌توان آثار مثبت و سازنده آن را مشاهده کرد. در اسلام فرزندان از ارکان مهم خانواده محسوب می‌شوند. «ولود» بودن<sup>۱۲</sup> (شهیدثانی، بی تا) از ویژگی‌های مهم در انتخاب همسر دانسته شده است؛ ولود به معنای بسیار زاینده است (معلوف، ۱۳۸۶) و همسر ولود یعنی همسری که توانایی آوردن فرزندان بسیار داشته باشد. در قرآن و کلمات و سیره ائمه معصوم از فرزند با تعابیری چون: میوه

۱۲. سَوَاءٌ وُلُوْدٌ خَيْرٌ مِّنْ حَسَنَاءٍ لَا تَلِدُ قَائِلًا يُكْفِرُ بِكُمْ اَلْمَم.

دل<sup>۱۳</sup> (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳)، نور دیده (همان)، مایه خوشبختی<sup>۱۴</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱)، کسی که انسان را یاری می‌کند<sup>۱۵</sup> (همان) و مایه رحمت و غفران الهی<sup>۱۶</sup> (همان) یاد شده است؛ از این رو در روایات توصیه فراوانی به فرزندآوری شده است<sup>۱۷</sup> (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۰). این نکته قابل پیش‌بینی است که وجود باورهای قوی دینی و پایبندی مذهبی در میان زوجین می‌تواند زمینه‌ساز میل به داشتن فرزند بیشتر باشد. می‌توان از سفارش‌های مؤکد و بسیار اسلام درباره ازدواج و تولید نسل، مطلوب بودن داشتن فرزند زیاد را استنباط کرد؛ هرچند بنا به مصالحی و با در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی و توان تربیت خانواده‌ها به طور موقت توجه قرار نگیرد. آیت الله لنکرانی معتقد است: «رشد جمعیت مسلمانان مطلوب اسلام است، ولی امکان دارد در شرایط خاصی به دلیل عوارضی اسلام با کنترل جمعیت موافق باشد» (عظیم‌زاده اردبیلی و خدایی، ۱۳۹۱).

یکی از چالش‌های اساسی تغییر جمعیت خانواده آثار و پیامدهای آن در تحول<sup>۱۸</sup> و شخصیت فرزندان است. کاهش تعداد فرزندان، به‌ویژه تک‌فرزندی، فرایند رشد کودکان را با چالش روبه‌رو می‌سازد (ناچمن<sup>۱۹</sup> و تامسون<sup>۲۰</sup>، ۱۹۹۸). برخی از تحقیقات ویژگی‌های مثبتی برای تک‌فرزندها نشان می‌دهند (سردارپور گودرزی، درخشان‌پور، صدر و یاسمی، ۱۳۸۲ و بیاتی، ۱۳۸۳)؛ اما تحقیقات دیگری نیز ویژگی‌های نامطلوبی را برای تک‌فرزندان گزارش داده‌اند (زانگ<sup>۲۱</sup>، کنستام<sup>۲۲</sup>، چنگ<sup>۲۳</sup> و لاو<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۱؛ لیسن<sup>۲۵</sup> و بلانتون<sup>۲۶</sup>، ۲۰۰۱ و عزیزی، ۱۳۹۰). به‌طور کلی همشیرگی یک تجربه اجتماعی متفاوت است و ارتباط با همشیران موجب شکل‌گیری روحیه اجتماعی در کودکان می‌شود. ادراک اجتماعی، رفتار

۱۳. قال رسول الله: «أنهم تَمَرَةُ الْقُلُوبِ وَ قُرَّةُ الْأَعْيُنِ».

۱۴. سَعِيدٌ أَمْرٌ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَبْرَى خَلْفًا مِنْ نَفْسِهِ.

۱۵. مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ.

۱۶. وَ أَنْ بَقِيَ بَعْدَهُ اسْتَغْفَرَ لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ.

۱۷. قال رسول الله صلوات الله عليه وآله: «تناكحوا تكثروا أنى أباهى بكم الامم يوم القيامة و لو بالسقط».

18. development.

19. Nachman, P.

20. Thompson, A.

21. Zhang, Y.

22. Kohnstamm, G.

23. Cheung, P.C.

24. Lau, S.

25. Lisen, C.

26. Blanton, P.W.

جامعه‌پسند و رشد اخلاقی کودکان تحت تأثیر روابط همسیران در نظام خانواده و روابط والدین و کودک قرار دارد (کمبل<sup>۲۷</sup>، ۲۰۰۶). تعدادی از پژوهش‌ها ویژگی‌های رابطه‌ای را که در دوره اولیه کودکی بین همسیره‌ها شکل می‌گیرد به دست آورده‌اند و جوانب مثبت و منفی آن را روشن نموده‌اند. این محققان معتقدند که اگر فقط بر روی جنبه منفی رقابت‌جویی همسیران تمرکز شود، وجوه مثبت رابطه آنان، که بر روی تحول اجتماعی-هیجانی کودکان و نظام خانواده تأثیر می‌گذارد، از دست می‌روند. در خانواده پیوند دوستی و همدلی عاطفی بین همسیران خردسال به وجود می‌آید و آنان درباره احساسات، رقابت‌سازنده و الگوهای قابل قبول رفتار اجتماعی چیزهایی از یکدیگر می‌آموزند (دان و کندریک<sup>۲۸</sup>، ۱۹۸۳ و استوارت و همکاران، ۱۹۸۷ به نقل از کمبل، ۲۰۰۶). به نظر می‌رسد مشکل‌ساز بودن تک‌فرزندی، در مقایسه با خانواده‌هایی با چند فرزند، تأیید شده است (لیسن و بلانتون، ۲۰۰۱).

مقایسه ویژگی‌های شخصیتی فرزندان خانواده‌های کم جمعیت به ویژه تک فرزند با خانواده‌های چند فرزند قابل بررسی است. حجم خانواده یکی از عوامل تعیین‌کننده خصوصیات شخصیتی فرزندان به شمار می‌رود (احدی و بنی‌جمال، ۱۳۷۴). شخصیت عبارت است از مجموعه ویژگی‌ها و گرایش‌های پایداری که رفتارهای مشابه و متفاوت روان‌شناختی افراد (شامل افکار، هیجانات و کنش‌ها) را در طول زمان تعیین می‌کند (ربکا<sup>۲۹</sup> و پینا<sup>۳۰</sup>، ۲۰۱۱). صفات شخصیتی ویژگی‌های پایداری هستند که موجب تمایز افراد از یکدیگر می‌شوند (میر<sup>۳۱</sup> و کورتز<sup>۳۲</sup>، ۲۰۰۶). بر اساس پژوهش‌های به عمل آمده، شخصیت جایگاه تعیین‌کننده‌ای در سلامت، شکل‌گیری هیجانات و کنش‌های افراد دارد. یافته‌های کلین<sup>۳۳</sup> و همکاران (۲۰۰۲) و ربکا و پینا (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که بین شخصیت با سلامت و اختلالات خلقی رابطه وجود دارد. میر و کورتز (۲۰۱۰) دریافتند ویژگی‌های شخصیتی از عوامل تعیین‌کننده رفتار به شمار می‌آیند. بر اساس جهان‌بینی اسلامی نیز شخصیت هر فرد در شکل‌گیری رفتارش نقشی تعیین‌کننده دارد؛ قرآن کریم می‌فرماید: «هر کسی بر اساس خلق و خوی (شخصیت) خود رفتار می‌کند» (اسراء: ۳۲).

27. Campbell, S.B.

28. Kendrich, C.

29. Rebecca, A.

30. Pina, R.

31. Meyer, G.J.

32. Kurtz.

33. Klein, D.N.

بر اساس نظریه شخصیتی آیسنک، رفتار افراد سه بُعد از شخصیت آنان را منعکس می‌کند که شامل روان‌رنجوری<sup>۳۴</sup>، روان‌گسستگی<sup>۳۵</sup> و برون‌گرایی<sup>۳۶</sup> است (براتیس<sup>۳۷</sup>، راباویلاس<sup>۳۸</sup>، پاپادیمیترو<sup>۳۹</sup> و پاپاگرژیو<sup>۴۰</sup>، ۲۰۱۱ و کال<sup>۴۱</sup>، ۲۰۰۶). روان‌رنجوری یکی از ویژگی‌های مهم شخصیتی است. افراد روان‌رنجور به داشتن تجربه هیجان‌های منفی، عزت نفس پایین، بی‌ثباتی هیجانی، اضطراب، افسردگی و احساس گناه شناخته می‌شوند (براتیس و همکاران، ۲۰۱۱ و کال، ۲۰۰۶). شواهدی زیادی نتایج مثبت و منفی رشد عاطفی مبتنی بر روابط خواهر و برادری را نشان می‌دهد؛ برای مثال همشیران روابط مثبت‌تر، اعتماد به نفس بالاتر و احساس تنهایی کمتری دارند (شرمن، لنفورد و والینگ، ۲۰۰۶ به نقل از آقامحمدی، ۱۳۹۱). دعوای همشیران می‌تواند با افزایش افسردگی در کودکان همراه باشد؛ اما صمیمیت همشیران با افزایش کارایی در میان همسالان (برای دختران) و کاهش افسردگی در آنان (برای هر دو جنس) همراه است (کیم، هال، کروتر و آزگود، ۲۰۰۷ به نقل از آقامحمدی، ۱۳۹۱). همشیران نشانه‌های کمتری از افسردگی و تنهایی را دارند، ارتباط بیشتری با هم‌سالان برقرار می‌کنند و در کنار دیگران احساس راحتی بیشتری دارند (میلوسکی<sup>۴۲</sup>، ۲۰۰۵ به نقل از عزیززی، ۱۳۹۰). ساطوریان و همکاران (۱۳۹۳) دریافتند که مشکلات درونی‌سازی شده<sup>۴۳</sup>، مانند کناره‌گیری از تعامل‌های اجتماعی، بازدارندگی، اضطراب و افسردگی، در میان تک‌فرزندان بیش از همشیران است.

روان‌گسستگی از دیگر ویژگی‌های شخصیتی است. افراد روان‌گسسته به صفاتی از قبیل رفتار ضد اجتماعی، فقدان حساسیت هیجانی، تفکر پارانویید، تکانشگری، پرخاشگری، خودمحوری، خلاقیت و افکار خشونت‌بار گرایش دارند (براتیس و همکاران، ۲۰۱۱ و کال، ۲۰۰۶). انتهای طیف روان‌گسستگی با نشانه‌های روان‌گسستگی، شامل جامعه‌ستیزی، اسکیزوتایپی، افسردگی دو قطبی و اسکیزوفرنی، ارتباط دارد (بوکینگام، کیرنان<sup>۴۴</sup> و اینسورث<sup>۴۵</sup>، ۲۰۱۲). روان‌گسستگی بهترین پیش‌بین اختلالات شخصیت (شامل اسکیزوتایپی و پارانویید) و بیماری‌های روانی است. نمرات بالای روان‌گسستگی

34. neuroticism

35. psychoticism.

36. extraversion.

37. Beratis, I.N.

38. Rabavilas, A.D.

39. Papadimitriou, G.N.

40. Papageorgiou, C.

41. Cal, E.M.

42. Milvesky, M.

43. interalization.

44. Kiernan, M..

45. Ainsworth, S.

جوانان جرایم پنج سال بعد آنان را به‌طور معناداری پیش‌بینی می‌کند. گرایش‌های بزه‌کاری به‌طور جدی با نمرات بالا در روان‌گسستگی ارتباط دارد. تمایل به سوء‌مصرف مواد، الکل، ماری‌جوانا و کوکائین در بین جوانان روان‌گسسته بیشتر است. روان‌گسستگان ارتباطات میان‌فردی رضایت‌بخشی ندارند و به رفتارهای ضد اجتماعی گرایش دارند و در تعامل با دیگران بی‌پروا و سرکش هستند (هیون<sup>۴۶</sup> و سیاروچی<sup>۴۷</sup>، ۲۰۰۶). بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که روان‌گسستگی با تعداد فرزند در ارتباط است. آدلر معتقد است تک‌فرزندها خودخواه‌تر از دیگران‌اند و در دوران بزرگسالی نیز، همانند کودکی خود، به‌شدت در پی آن هستند که مرکز توجه باشند؛ به همین دلیل احتمال بیشتری وجود دارد که ضربات شدید روانی را تجربه کنند (شولتز و شولتز، ۱۳۸۹). بر اساس برخی از تحقیقات، تک‌فرزندها به داشتن ویژگی‌های نامطلوبی مانند لوس بودن، خودگرایی، ناسازگاری، سمج بودن و ناپختگی توصیف می‌شوند (لیسن و بلانتون، ۲۰۰۱). برخی از این تحقیقات در اوایل دهه ۱۹۸۰ نشان دادند که تک‌فرزندان چینی خودخواه، غیراجتماعی، ناسازگار، متکبر و ترسو هستند (ژانگ<sup>۴۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۱). مصباح، زارعان، بی‌ریا، آقاتهرانی، رهنمایی، شاملی، حقانی و ساجدی (۱۳۸۳) بیان کرده‌اند که تک‌فرزندها را معمولاً «بچه لوس» معرفی می‌کنند؛ چون در آنان تلفیقی از نشانه‌های نامطلوب، مانند وابستگی، خودستایی، عدم خویش‌داری و اختلالات عاطفی، به چشم می‌خورد. نتایج تحقیقات جیائو<sup>۴۹</sup> و همکاران (۱۹۸۶) به نقل از بیاتی، (۱۳۸۳) نیز نشان داد که تک‌فرزندان بیشتر خودمحورند، در حالی که کودکان دارای خواهر یا برادر خصوصیات مثبتی مانند استقلال فکری، روحیه همکاری، تعاون و منزلت بیشتری در میان هم‌سالان خود دارند. ساطوریان و همکاران (۱۳۹۳) دریافتند که مشکلات برون‌سازی<sup>۵۰</sup>، مانند رفتار ضد اجتماعی، تضادورزی و پرخاشگری، در میان تک‌فرزندان بیش از همشیران است. در مقابل، سردارپور و همکاران (۱۳۸۲) بیان کردند که فراوانی اختلال‌های رفتاری سلوک، کمبود توجه، بیش‌فعالی و سایر اختلال‌های رفتاری، در کودکان تک‌فرزند به مراتب کمتر از همشیران است. ویلکینسون<sup>۵۱</sup> و راولیا<sup>۵۲</sup>

46. Heaven, P.C.L.

47. Ciarrochi, J.

48. Zhang, Y.

49. Jiao, J.I.

50. externalization.

51. Wilkinson, J.

52. Ravelia, L.

(۱۹۹۷) و وانگ<sup>۵۳</sup> (۱۹۹۸) در بررسی‌های خود در کشور هلند نشان دادند که تک‌فرزندان، در مقایسه با بچه‌های دارای خواهر یا برادر، از نظر هوش و کارایی و میزان سازگاری در سطح مطلوب‌تری قرار دارند (بیاتی، ۱۳۸۳).

از ویژگی‌های شخصیتی افراد برون‌گرایی و درون‌گرایی است. بیشتر افرادی که در مقیاس برون‌گرایی نمره بالایی دارند معاشرتی، خونگرم، اجتماعی، فعال و خوش‌بین هستند، در حالی که افراد دارای نمره پایین و درون‌گرا ساکت، غیراجتماعی، منفعل و مراقب هستند (ماتوس<sup>۵۴</sup> و گیلیند<sup>۵۵</sup>، ۱۹۹۹). پژوهش‌ها گویای این مطلب‌اند که همشیران رشد اجتماعی بالاتری دارند و احساسات، رقابت‌سازنده و الگوهای قابل قبول رفتار اجتماعی را از یکدیگر می‌آموزند (کمبل، ۲۰۰۶). میلوسکی (۲۰۰۵) به نقل از عزیزی، (۱۳۹۰) در تحقیقات خود دریافت که کودکان دارای خواهر یا برادر که از سوی همشیران خود حمایت می‌شوند گرایش بیشتری به سازگاری اجتماعی دارند و به لحاظ اجتماعی آسان‌تر با دیگران انس می‌گیرند. اندرسون (۱۹۹۹) به نقل از آقامحمدی، (۱۳۹۱) دریافت که همشیران از نظر اجتماعی مسئولیت‌پذیرترند و از نظر عملکرد شناختی، استقلال و روابط اجتماعی در وضعیت بهتری به سر می‌برند.

رابطه رضایت از زندگی با تعداد فرزند از موضوعات مهمی است که باید به آن پرداخته شود. رضایت از زندگی و بهزیستی از عناصر اساسی زندگی در همه فرهنگ‌ها است. روان‌شناسان سلامت می‌کوشند تا عوامل پرورش سطوح بالاتر بهزیستی و رضایت از زندگی را شناسایی کنند (لوکاس<sup>۵۶</sup>، ۲۰۰۷). مفهوم رضایت تجربه درونی است که حضور مثبت هیجان‌ها و نبود احساسات منفی را در بر می‌گیرد (رود<sup>۵۷</sup>، ۲۰۰۵). بر اساس پژوهش‌ها، جوانی، سلامت، تحصیلات خوب، توانایی‌های مالی، برون‌گرایی، خوش‌بینی، عدم تنش و نگرانی، مذهب، تأهل، عزت نفس و آرزوهای معتدل از عوامل رضایت از زندگی به‌شمار می‌آیند (ویلسون<sup>۵۸</sup>، ۱۹۶۷ و دینر<sup>۵۹</sup>، دینر<sup>۶۰</sup> و دینر<sup>۶۱</sup>، ۱۹۹۵). همچنین فرزندآوری با رضایت از زندگی والدین در ارتباط است. کودکان والدین را از تنهایی رهایی

53. Wang, C.

56. Lucas, R.E.

59. Diener, E.

54. Matthews, G.

57. Rode, J.C.

60. Diener, M.

55. Gilliland, K.

58. Wilson, W.R.

61. Diener, C.

می‌بخشند و موجب نشاط و شادابی آنان می‌گردند (محمودیان و پوررحیم، ۱۳۸۱). دعوی همشیران می‌تواند احساس رضایت را در کودکان کاهش دهد؛ اما صمیمیت آنان افزایش رضایت از زندگی و کاهش افسردگی را به همراه دارد (کیم، هال، کروترو و آزگود، ۲۰۰۷ به نقل از آقامحمدی، ۱۳۹۱). همشیران نشانه‌های کمتری از افسردگی و تنهایی نشان می‌دهند، ارتباط بیشتری با همسالان دارند و در کنار دیگران احساس راحتی بیشتری می‌کنند (میلوسکی، ۲۰۰۵ به نقل از عزیزی، ۱۳۹۰).

از عوامل تأثیرگذار بر رضایت از زندگی می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی اشاره کرد (چیو<sup>۶۲</sup>، ۲۰۰۸) که با تعداد فرزندان نیز در ارتباط است. یافته‌های سپوتس<sup>۶۳</sup>، لیچتنتستین<sup>۶۴</sup>، پدرسن<sup>۶۵</sup>، نیدرهیسر<sup>۶۶</sup>، هنسون<sup>۶۷</sup>، سدربلاد<sup>۶۸</sup> و ریس<sup>۶۹</sup> (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که شخصیت زوجین در بهزیستی و رضایت از زندگی آنان مؤثر است. موسک<sup>۷۰</sup> (۲۰۰۷) دریافت افرادی که در عامل عمومی شخصیت بالاتر هستند، رضایت از زندگی بیشتر و عزت نفس بالاتری دارند. عطارزاده و همکاران (۱۳۸۵)، سرمدی، داوودی، پیرانی و گیوکی (۱۳۸۷) نیز نشان دادند که عامل روان‌رنجوری با رضایت از زندگی رابطه منفی دارد؛ اما سایر عوامل شخصیتی، مانند برون‌گرایی، پذیرا بودن، سازگاری و مسئولیت‌پذیری رابطه مثبتی با رضایت از زندگی دارند. آقابابایی (۱۳۹۱) با انجام پژوهشی در میان دانشجویان دریافت که برون‌گرایی، توافق، وظیفه‌شناسی، صداقت و فروتنی با رضایت از زندگی رابطه مثبت و روان‌رنجوری با رضایت از زندگی رابطه منفی دارد. در مجموع، تعداد فرزندان و روابط خواهران و برادران هم می‌تواند زمینه محافظت از فرزندان را فراهم آورد و هم می‌توان آن را عامل خطر در نظر گرفت (کمیجانی و ماهر، ۱۳۸۶ و احدی و بنی‌جمال، ۱۳۷۵). در کشور ما با توجه به شعار رایج سال‌های اخیر، یعنی دو بچه کافی است، زمینه کاهش فرزندآوری در خانواده ایجاد شده است. پژوهش حاضر با هدف مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی دانش‌آموزان خانواده‌های یک و دو فرزند با خانواده‌های دارای بیش از دو فرزند صورت گرفته است. پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از: ۱. آیا بین روان‌آزردگی دانش‌آموزان این خانواده‌ها

62. Chew, P.K.

65. Pedersen, N.

68. Hansson, K..

63. Spotts, E.L.

66. Neiderhiser, J.M

69. Reiss, D.

64. Lichtenstein, P.,

67. Hansson, K..

70. Musek, J.

تفاوت وجود دارد؟ ۲. آیا روان‌گسستگی دانش‌آموزان این خانواده‌ها با هم تفاوت دارد؟  
۳. آیا برون‌گرایی دانش‌آموزان در این خانواده‌ها متفاوت است؟ ۴. آیا رضایت از زندگی دانش‌آموزان در این خانواده‌ها یکسان است؟

### روش پژوهش

این پژوهش از نوع همبستگی است. با توجه به اینکه توزیع نرمال نیست آزمون غیرپارامتریک به کار گرفته شد و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و مقایسه گروه‌ها از آزمون مان‌ویتنی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش متشکل از دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان بهارستان استان تهران است. حجم نمونه مورد پژوهش ۲۹۵ نفر است که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی به دست آمد. دبیرستان‌های یکی از بخش‌های شهرستان یک خوشه در نظر گرفته شد و سپس هشت دبیرستان دخترانه و پسرانه به‌طور تصادفی انتخاب شدند. پرسش‌نامه‌ها در بین دانش‌آموزان مدارس منتخب توزیع و داده‌ها جمع‌آوری شد و پرسش‌نامه‌های کامل مورد استفاده قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss تجزیه و تحلیل شدند.

### ابزار پژوهش

الف) مقیاس شخصیتی آیسنک<sup>۷۱</sup>: پرسش‌نامه شخصیتی آیسنک در سال ۱۹۶۳ برای سنجش برخی از ویژگی‌های شخصیتی، مانند برون‌گرایی، روان‌آزردگی و روان‌گسستگی، ساخته شد. خرده‌مقیاس‌های آن شامل سه ویژگی شخصیتی مذکور به همراه خرده‌مقیاس دروغ‌سنج است. پرسش‌نامه دارای دو فرم است که فرم بزرگسال آن ۹۰ سؤالی است و با پاسخ بلی یا خیر جواب داده می‌شود (فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸). آیسنک آن را بر روی گروه واحد در دو زمان متفاوت اجرا نمود و اعتبار و روایی آن را به دست آورد. ضریب اعتبار درونی (آلفای کرونباخ) برای مردان روان‌گسستگی ۰/۷۸، برون‌گرایی ۰/۹۰، نوروگرایی ۰/۸۸ و دروغ ۰/۸۲ و برای زنان روان‌گسستگی ۰/۷۶، برون‌گرایی ۰/۸۵، نوروگرایی ۰/۸۵ و دروغ ۰/۷۹ به دست آمد. همچنین با روش بازآزمایی به فاصله یک ماه بر روی یک نمونه ۲۳۰ نفری، ضریب همبستگی به شرح



زیر گزارش شد: برای مردان روان‌گسستگی ۰/۷۷، برون‌گرایی ۰/۸۳، نوروزگرایی ۰/۷۶ و دروغ ۰/۷۶ و برای زنان روان‌گسستگی ۰/۸۱، برون‌گرایی ۰/۸۹، روان‌آزردگی ۰/۸۱ و دروغ ۰/۸۰ (آیسنک، ۱۹۷۵ به نقل از فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸). ضریب اعتبار در نمونه ایرانی با روش بازآزمایی به فاصله دو ماه به شرح زیر گزارش شده است: روان‌گسستگی ۰/۷۲، برون‌گرایی ۰/۹۲، نوروزگرایی ۰/۸۹ و دروغ ۰/۸۸ (کاوایی، ۱۳۸۲ به نقل از فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر اعتبار آزمون با روش آلفای کرونباخ شاخص‌های روان‌گسستگی ۰/۷۷، روان‌آزردگی ۰/۷۳، برون‌گرایی ۰/۸۲ و دروغ‌سنجی ۰/۷۸ به دست آمده است.

ب) مقیاس رضایت از زندگی<sup>۷۲</sup>: این مقیاس تک‌عاملی و دارای پنج گویه است. داینر<sup>۷۳</sup> این مقیاس را برای سنجش وجه شناختی بهزیستی فاعلی ساخته و تاکنون یکی از پرکاربردترین ابزارها در زمینه رضایت از زندگی بوده است (اتینزا<sup>۷۴</sup>، بالاگور<sup>۷۵</sup> و گارسیا مریتا<sup>۷۶</sup>، ۲۰۰۳). این مقیاس را بیاتی، کوچکی و گودرزی (۱۳۸۶) اعتباریابی کرده‌اند. به گزارش آنان، اعتبار این مقیاس از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و با روش بازآزمایی ۰/۶۹ به دست آمد و برای گروه‌های سنی مختلف قابل اجرا است. در پژوهش حاضر اعتبار آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۱ به دست آمد.

### یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱ توزیع فراوانی ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی را توصیف می‌کند. از مجموع ۳۱۶ شرکت‌کننده نمره میانگین روان‌آزردگی ۱۴/۱۸ و انحراف استاندارد آن ۴/۵۲، نمره میانگین روان‌گسستگی ۷/۰۹ و انحراف استاندارد آن ۳/۱۶ و نمره میانگین رضایت از زندگی ۲۱/۲۳ و انحراف استاندارد آن ۶/۴۶ است.

72. Satisfaction with Life Scale

73. Diener, E.

74. Atienza, F.L.

75. Balaguer, I.

76. Garcí'a-Merita, M.L.

جدول ۱- توزیع فراوانی متغیرهای رضایت از زندگی و ویژگی‌های شخصیتی (n=۲۹۵)

| متغیر          | میانگین | انحراف استاندارد | کمینه | بیشینه |
|----------------|---------|------------------|-------|--------|
| روان‌آزردگی    | ۱۳/۶۲   | ۴/۲۰             | ۳     | ۲۸     |
| روان‌گسستگی    | ۶/۹۱    | ۳/۳۳             | ۰     | ۱۷     |
| برون‌گرایی     | ۱۳/۰۹   | ۳/۱۸             | ۲     | ۲۰     |
| رضایت از زندگی | ۲۱/۳۵   | ۶/۴۶             | ۵     | ۳۵     |

در جدول شماره ۲ میانگین رتبه ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی بر اساس تعداد فرزندان مورد مقایسه قرار گرفته است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود میانگین رتبه روان‌آزردگی دانش‌آموزان خانواده‌های دارای یک و دو فرزند بیشتر از دانش‌آموزان خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر است. همچنین میانگین رتبه روان‌گسستگی دانش‌آموزان خانواده‌های دارای یک و دو فرزند بیشتر از دانش‌آموزان خانواده‌هایی با سه فرزند و بیشتر است. میانگین رتبه برون‌گرایی دانش‌آموزان خانواده‌هایی با یک و دو فرزند اندکی بیش از دانش‌آموزان خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر است. میانگین رتبه رضایت از زندگی دانش‌آموزان خانواده‌هایی با یک و دو فرزند تفاوتی با دانش‌آموزان خانواده‌هایی با سه فرزند و بیشتر ندارد.

جدول شماره ۲- میانگین رتبه ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی با توجه به تعداد فرزند

| متغیر          | تعداد فرزند      | تعداد | میانگین |
|----------------|------------------|-------|---------|
| روان‌آزردگی    | یک و دو فرزند    | ۵۳    | ۱۷۴/۰۲  |
|                | سه فرزند و بیشتر | ۲۴۲   | ۱۴۲/۳۰  |
|                | کل               | ۲۹۵   | ۱۴۷/۹۹  |
| روان‌گسستگی    | یک و دو فرزند    | ۵۳    | ۱۸۲/۸۵  |
|                | سه فرزند و بیشتر | ۲۴۲   | ۱۴۰/۳۷  |
|                | کل               | ۲۹۵   | ۱۴۸/۰۰  |
| برون‌گرایی     | یک و دو فرزند    | ۵۳    | ۱۵۴/۵۸  |
|                | سه فرزند و بیشتر | ۲۴۲   | ۱۴۶/۵۶  |
|                | کل               | ۲۹۵   | ۱۴۸/۰۰  |
| رضایت از زندگی | یک و دو فرزند    | ۵۳    | ۱۴۴/۵۵  |
|                | سه فرزند و بیشتر | ۲۴۲   | ۱۴۸/۷۶  |
|                | کل               | ۲۹۵   | ۱۴۸/۰۱  |

جدول شماره ۳ آزمون مان ویتنی را نشان می‌دهد که برای مقایسه گروه‌ها بر اساس تعداد فرزند با ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی به کار رفته است. با توجه به این آزمون، تفاوت میانگین رتبه روان‌آزردگی با توجه به تعداد فرزند ( $P < 0/05$ ،  $Z = -2/45$ ) و تفاوت میانگین رتبه روان‌گسستگی با توجه به تعداد فرزند ( $P < 0/01$ ،  $Z = -3/29$ ) از نظر آماری معنادار است؛ اما تفاوت میانگین رتبه برون‌گرایی با توجه به تعداد تولد ( $Z = -0/62$ ) و تفاوت میانگین رتبه رضایت از زندگی با توجه به تعداد فرزند ( $Z = -0/32$ ) و تفاوت میانگین رتبه رضایت از زندگی با توجه به تعداد فرزند ( $P > 0/05$ ) از نظر آماری معنادار نیست.

جدول شماره ۳: آزمون مان ویتنی

برای مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی با توجه به تعداد فرزند

| آزمون           | روان‌آزردگی | روان‌گسستگی | برون‌گرایی | رضایت از زندگی |
|-----------------|-------------|-------------|------------|----------------|
| آماره مان ویتنی | ۵۰۳۴        | ۴۵۶۶        | ۶۰۶۴       | ۶۳۳۰           |
| Z               | -۲/۴۵       | -۳/۲۹       | -۰/۶۲      | -۰/۳۲          |
| سطح معناداری    | ۰/۰۱        | ۰/۰۰۱       | ۰/۵۳       | ۰/۷۴           |

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته اول نشان می‌دهد میانگین رتبه روان‌آزردگی دانش‌آموزان خانواده‌های دارای یک و دو فرزند بیشتر از دانش‌آموزان خانواده‌های دارای بیش از دو فرزند است. تعداد فرزندان خانواده رابطه معناداری با روان‌آزردگی آنان دارد و دانش‌آموزان خانواده‌هایی با بیش از دو فرزند روان‌آزردگی کمتری دارند. این یافته با پژوهش‌های شرم، لنفورد و والینگ (۲۰۰۶) به نقل از آقامحمدی، (۱۳۹۱)؛ میلوسکی (۲۰۰۵) به نقل از عزیززی، (۱۳۹۰) و ساطوریان و همکاران (۱۳۹۳) هم‌سو است. در تبیین یافته مذکور می‌توان گفت همان‌طور که ساطوریان و همکاران (۱۳۹۳) اذعان داشته‌اند بسیاری از والدین خانواده‌های کم‌جمعیت، فرزندان خود را مورد محبت و رسیدگی شدید و یا سخت‌گیری و کنترل بیش از حد قرار می‌دهند. کنترل‌گری زیاد والدین در خانواده‌های کم‌جمعیت زمینه اضطراب و افسردگی را در کودک ایجاد خواهد کرد. از سوی دیگر در خانواده‌های کم‌فرزند احتمال افزایش شاغل بودن پدر و مادر، تعامل پایین با والدین، ارتباط و بازی محدود با هم‌سالان و خواهر و برادر و احساس تنهایی و وابستگی کودک وجود دارد (همان) که زمینه مؤلفه‌های روان‌آزردگی مانند، عزت نفس پایین،

بی‌ثباتی هیجانی، اضطراب، افسردگی و احساس گناه، را فراهم می‌آورد. یافته دوم گویای این مطلب است که میانگین رتبه روان‌گسستگی دانش‌آموزان خانواده‌هایی با یک و دو فرزند بیشتر از دانش‌آموزان خانواده‌های دارای بیش از دو فرزند است. تعداد فرزندان خانواده رابطه معناداری با روان‌آزردگی آنان دارد و دانش‌آموزان خانواده‌های بیش از دو فرزند روان‌گسستگی کمتری دارند. یافته مذکور با نتایج تحقیقات لیسن و بلانتون (۲۰۰۱)، زانگ و همکاران (۲۰۰۱)، جیائو و همکاران (۱۹۸۶) به نقل از بیاتی، (۱۳۸۳)، ساطوریان و همکاران (۱۳۹۳)، شولتز و شولتز (۱۳۸۹) و مصباح و همکاران (۱۳۸۳) هم‌سو و با پژوهش‌های سردارپور و همکاران (۱۳۸۲)، ویلکینسون و راولیا (۱۹۹۷) و وانگ (۱۹۹۸) به نقل از بیاتی، (۱۳۸۳) ناهم‌سو است. یافته مذکور را می‌توان چنین تفسیر نمود که زندگی در خانواده‌ای که همشیران با هم به سر می‌برند، مهارت‌های اجتماعی و ارتباط صمیمی بین همشیران را توسعه می‌دهد. این همزیستی ممکن است گاهی با تعارض همراه باشد؛ اما تجربه این تعارضات در دوران کودکی موجب می‌شود کودک مدیریت حل تعارض را بیاموزد (کیتزمن، ۲۰۰۲ به نقل از عزیزی، ۱۳۹۰). همشیران در منظومه خانواده اوقات زیادی را با هم می‌گذرانند و کیفیت تعاملات آنان می‌تواند نقش مهمی در رشد کودک ایفا کند (برادی<sup>۷۷</sup>، استونمن<sup>۷۸</sup> و مک‌کوی<sup>۷۹</sup>، ۱۹۹۲). این امر سازگاری اجتماعی فرزندان را بالا می‌برد و مهارت‌های حل مسئله و کنترل تکانه را به آنان می‌آموزد. به همین دلیل در مؤلفه‌های روان‌گسستگی نمره پایین‌تری به دست می‌آورند. از سویی نیز تنبیه جسمانی و انضباط متناقض میان خانواده‌های کم‌فرزند از سایر خانواده‌ها بیشتر است که، همراه افزایش احتمال شاغل بودن هر دو والد و پایین بودن سن مادر و کنترل شدید والدین یا سهل‌گیری بیش از حد در خانواده‌های کم‌فرزند (ساطوریان و همکاران، ۱۳۹۳)، زمینه مؤلفه‌های روان‌گسستگی، مانند کارهای ضداجتماعی، تکانش‌گری، پرخاشگری و خودمحوری، را فراهم می‌آورد.

یافته سوم نشان می‌دهد که میانگین رتبه برون‌گرایی دانش‌آموزان خانواده‌های دارای یک و دو فرزند تفاوت معناداری با دانش‌آموزان خانواده‌هایی با بیش از دو فرزند ندارد. پژوهش خاصی هم‌سو با این یافته به دست نیامد؛ اما پژوهش‌های کمبل (۲۰۰۶)،

77. Brody, G.H.

78. Stoneman, Z.

79. McCoy J.K.

می‌لوسکی (۲۰۰۵ به نقل از عزیزی، ۱۳۹۰) و اندرسون (۱۹۹۹ به نقل از آقامحمدی، ۱۳۹۱) با این پژوهش ناهم‌سو و گویای این مطلب‌اند که همشیران اجتماعی‌تر و برون‌گراترند. با توجه به پژوهش‌های گذشته انتظار این بود که بین تعدد فرزندان و برون‌گرایی ارتباط معناداری به دست آید؛ اما فرضیه مذکور تأیید نشد. به نظر می‌رسد یافته مذکور را می‌توان چنین تبیین کرد که در خانواده‌های کم‌فرزند احتمال اشتغال والدین بیشتر است (ساطوریان و همکاران، ۱۳۹۳) که زمینه ورود فرزندان، در سنین پایین، را به محیط‌های آموزشی مانند مهد کودک فراهم می‌آورد و فرزندان تا حدی مهارت‌های اجتماعی و اجتماعی‌شدن را می‌آموزند.

بر اساس یافته چهارم میانگین رتبه رضایت از زندگی دانش‌آموزان خانواده‌های دارای یک و دو فرزند تفاوت معناداری با دانش‌آموزان خانواده‌هایی با بیش از دو فرزند ندارد. برای یافته مذکور پژوهش هم‌سوئی مشاهده نشد؛ اما پژوهش‌های ناهم‌سوی کیم، هال، کروتر و آزگود (۲۰۰۷ به نقل از آقامحمدی، ۱۳۹۱) و می‌لوسکی (۲۰۰۵ به نقل از عزیزی، ۱۳۹۰) گویای این مطلب‌اند که تعداد فرزندان با رضایت از زندگی در ارتباط است.

با توجه به پیشینه پژوهش و بر اساس پژوهش‌های گذشته، که همبستگی ویژگی‌های شخصیتی با رضایت از زندگی را به دست داده‌اند (سپوتس و همکاران، ۲۰۰۵؛ موسک، ۲۰۰۷؛ عطارزاده و همکاران، ۱۳۸۵ و سرمدی و همکاران ۱۳۸۷) و نیز با عنایت به پژوهش موجود که ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی با رضایت از زندگی را نتیجه داد، توقع این بود که بین رضایت از زندگی و تعدد فرزندان هم ارتباط معناداری یافت شود؛ اما فرضیه مذکور تأیید نشد. گفتنی است که در پژوهش حاضر نیز این رابطه، به صورت غیرمعنادار، به دست آمد و به نظر می‌رسد در صورت کنترل بیشتر متغیرهای مزاحم امکان معناداری رابطه به وجود بیاید. یافته مذکور را می‌توان چنین تبیین کرد که بر اساس پژوهش‌ها، توانایی مالی از عوامل رضایت از زندگی به شمار می‌آید (ویلسون، ۱۹۶۷ و دینر، ۱۹۹۵) و خانواده‌های کم‌فرزند، در مقایسه با خانواده‌های پرجمعیت، سرمایه‌گذاری مالی بیشتری انجام می‌دهند و فرزندان از امکانات مادی بیشتری برخوردارند؛ بنابراین ممکن است فرزندان، دست‌کم تا قبل از ازدواج، روی منابع مالی والدین تکیه کنند و احساس رضایت بیشتری از خود نشان دهند و این امر نقصان ناشی از ویژگی‌های شخصیتی را به‌طور موقت جبران نماید.

در مجموع می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که میانگین رتبه روان‌آزردگی و روان‌گسستگی دانش‌آموزان خانواده‌های دارای یک و دو فرزند به‌طور معناداری بیشتر از دانش‌آموزان خانواده‌هایی با بیش از دو فرزند است. همچنین میانگین رتبه برون‌گرایی و رضایت از زندگی دانش‌آموزان خانواده‌هایی با یک و دو فرزند تفاوت معناداری با دانش‌آموزان خانواده‌های دارای بیش از دو فرزند ندارد. دو یافته اول با بسیاری از پژوهش‌های به عمل آمده هم‌سو و بر اساس آموزه‌های اسلامی است.

این پژوهش دارای محدودیت‌هایی است؛ برای نمونه روش آماری به کار رفته در آن از نوع همبستگی است و نباید آن را به صورت علت و معلولی تبیین کرد. همچنین این پژوهش فقط در جامعه دانش‌آموزی صورت گرفته که ممکن است ویژگی‌های شخصیتی افراد به‌درستی شکل نگرفته باشد؛ از این رو لازم است تعمیم‌پذیری با دقت صورت پذیرد و پیشنهاد می‌شود برای دستیابی به نتایج دقیق‌تر پژوهش‌های متعددی در جوامع مختلف صورت بگیرد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، به منظور سلامت شخصیت فرزندان، توصیه می‌شود تعدد بیش از دو فرزند مورد توجه قرار گیرد.

## منابع

- احدی، حسن و بنی‌جمال، شکوه‌السادات (۱۳۷۵)، مفاهیم بنیادی در روان‌شناسی کودک و روان‌شناسی رشد، تهران: بنیاد آقابابایی، ناصر (۱۳۹۱)، «رابطه صداقت و فروتنی با شخصیت، دین و بهزیستی فاعلی»، روان‌شناسی و دین، سال پنجم، شماره ۳، ۲۵-۴۰.
- آقامحمدی، سوده (۱۳۹۱)، اثر آموزش مدیریت روابط همشیران به والدین بر بهبود روابط همشیران و کاهش استرس والدگری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بانک جهانی (۲۰۱۵)، نرخ زاد و ولد کشورهای دنیا، قابل دسترسی در: <http://data.worldbank.org/indicator/SP.DYN.TFRT.IN>
- بستان، حسین، بختیاری، محمدعزیز و شرف‌الدین، حسین (۱۳۸۸)، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بیاتی، علی‌اصغر، کوچکی، عاشورمحمد و گودرزی، حسنیه (۱۳۸۶)، «اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی»، روان‌شناسان ایرانی، سال سوم، شماره ۱۱، ۲۵۹-۲۶۵.
- بیاتی، فاطمه (۱۳۸۳)، مقایسه سازگاری عاطفی، اجتماعی، آموزشی و همدلی مادران و دختران در بین دانش‌آموزان دختر تک‌فرزند و چندفرزند مقطع راهنمایی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، تهران: دانشگاه الزهراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- ساطوریان، سیدعباس، طهماسبیان، کارینه و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۳)، «مقایسه مشکلات رفتاری کودکان در خانواده‌های تک‌فرزند و دو فرزند»، روان‌شناسی و دین، سال هفتم، شماره ۱، ۶۵-۸۰.
- سردارپور گودرزی، شاهرخ؛ درخشان‌پور، فیروزه، صدر، سیدسعید و یاسمی، محمدتقی (۱۳۸۲)، «اختلال‌های رفتاری در کودکان خانواده‌های تک‌فرزند و چند فرزند شهر تهران»، اندیشه و رفتار، سال نهم، شماره ۱، ۲۰-۲۶.
- سرمدی، افسانه، داوودی، حسین، پیرانی، ذبیح و گیوکی، ابراهیم (۱۳۸۷)، «رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت NEO-R و رضایت زناشویی»، چکیده مقالات همایش روان‌شناسی و کاربرد آن در جامعه، مردودشت: دانشگاه آزاد اسلامی.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۶)، «نقش فرزند در استحکام و بهداشت روانی خانواده»، همایش تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- شولتز، دوان بی و شولتر، سیدنی ال (۱۳۸۹)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر ویرایش.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی بن‌احمد (۱۴۰۶ق)، مسکن الفؤاد عند فقد الاحبّه و الاولاد، قم: بصیرتی.
- عزیزی، الهه (۱۳۹۰)، بررسی پیوندهای خانوادگی کودکان مبتلا به اختلال ADHD و مقایسه آن با کودکان عادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانواده‌درمانی، تهران: پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی.
- عطارزاده، عبدالکریم، مومبینی، شمس، کاظمی، زهرا و نامجو، ایزدپناه (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه ساده و چند گانه بین ویژگی‌های شخصیت و وسواس با رضایت زناشویی»، چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و خدایی، انسیه (۱۳۹۱)، «فرهنگ کنترل موالید در نگاه فقهی و اجتماعی»، فقه و حقوق خانواده، سال هفدهم، شماره ۵۷، ۵-۲۷.
- فتحی آشتیانی، علی (۱۳۸۸)، آزمون‌های روان‌شناختی، تهران: بعثت.
- فولادی، محمد (۱۳۹۰)، «تأملی در سیاست کنترل جمعیت: آثار و پیامدهای آن»، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم، شماره ۱، ۱۵۳-۱۸۰.

- کیمیجانی، مهرناز و ماهر، فرهاد (۱۳۸۶)، «مقایسه شیوه‌های فرزندپروری والدین نوجوانان با اختلال سلوک و نوجوانان عادی»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، سال نهم، شماره ۳۳، ۶۳-۹۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحارالانوار، بیروت: موسسه الوفاء.
- محدث نوری، میرزاحسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک‌الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- محمودیان، حسین و پوررحیم، محمدرضا (۱۳۸۱)، «ارزش فرزند از دیدگاه زوجین جوان و رابطه آن با باروری (مطالعه موردی شهرستان بهشهر)»، فصل‌نامه جمعیت، شماره ۴۱، ۸۹-۱۰۳.
- مصباح، علی، زارعان، محمدجواد، بی‌ریا، ناصر، آقانه‌رانی، مرتضی، رهنمایی، احمد، شاملی، عباس، حقانی، ابوالحسن و ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۳)، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، تهران: سمت.
- معلوف، لویس (۱۳۸۶)، المنجد فی اللغة، قم: انتشارات بلاغت.
- یساری، فهیمه، افشاری، پوران‌دخت، تدین، میترا، کمیلی‌ثانی، حسین و حقیقی‌زاده، محمدحسین (۱۳۹۰)، «بررسی فراوانی افسردگی و عوامل مرتبط با آن در زنان یائسه مراجعه‌کننده به مرکز بهداشتی درمانی شهرستان دزفول»، مجله علمی پزشکی، دوره دهم، شماره ۶، ۶۶۵-۶۷۴.
- Atienza, F. L., Balaguer, I. & Garcí'a-Merita, M. L. (2003), "Satisfaction with Life Scale: analysis of factorial invariance across sexes", *Personality and Individual Differences*, 35, 1255-1260.
- Beratis, I. N., Rabavilas, A. D., Papadimitriou, G. N. & Papageorgiou, C. (2011), "Eysenck's model of personality and psychopathological components in right and left handers", *Personality and Individual Differences*, 50, 1267-1272.
- Brody, G. H., Stoneman, Z. & McCoy J. K. (1992), "Associations of maternal and paternal direct and differential behavior with sibling relationships: Contemporaneous and longitudinal analyses", *Child Development*, 63 (1), 82-92.
- Buckingham, R., Kiernan, M. & Ainsworth, S. (2012), "Fluid insight mode rates the relationship between psychoticism and crystallized intelligence", *Personality and Individual Differences*, 52, 406-410.
- Cal, E. M. (2006), "A quantitative review of the relations between the 'Big 3' higher order personality dimensions and antisocial behavior", *Journal of Research in Personality*, 40, 250-284.
- Campbell, S. B. (2006), *Behavior problems in preschool children*, second edition: clinical and developmental issues, Guilford Press.
- Chew, P. K. (2008), "Job stress, employee health, and life satisfaction", *Journal of Occupational Health and safety*, 47, 50-53.
- Diener, E. Diener, M. & Diener, C. (1995), "Factor predicting the subjective well-being of nations", *Journal of Personality and Social Psychology*, 69, 851-864.
- Fridman, D., Hechter, M. & Kanazawa, S. (1994), "A theory of the value of children", *Journal of Demography*, 31(3), 375-401.
- Heaven, P. C. L., & Ciarrochi, J. (2006), "Perceptions of parental styles and



- Eysenckian psychoticism in youth: A prospective analysis”, *Personality and Individual Differences*, 41, 61-70.
- Klein, D. N., Durbin, C. E., Shankman, S. A. & Santiago, N. J. (2002), *Depression and personality*, in *Handbook of Depression*, I.H. Gotlib and C. L. Hammen, Eds., pp. 115–140, Guilford Press, New York.
- Leibenstein, H. (1974), “Socio-economic fertility theories and their relevance to population policy”, *Journal of International Labour Review*, 109(5-6), 443-57.
- Lisen, C. R. & Blanton, P. W. (2001), “Experience of only children”, *Journal of Individual Psychology*, 57 (2), 725-740.
- Lucas, R. E. & Donnellan, M. B. (2007), “How stable is happiness? Using the STARTS model to estimate the stability of life satisfaction”, *Journal of Research in Personality*, 41, 1091-1092.
- Matthews, G. & Gilliland, K. (1999), “The Personality theories of H.J.Eysenck and J.A.Gray : a comparative review”, *Personality and Individual Differences*, 26, 583- 626.
- Meyer, G. J. & Kurtz, J. E. (2006), “Advancing personality assessment terminology: time to retire ‘objective’ and ‘protective’ as personality test descriptors”, *Journal of Personality Assessment*, 87 (3), 223-225.
- Musek, J. (2007), “A general factor of personality: Evidence for the Big One in the five-factor model”, *Journal of Research in Personality*, 41, 1213-1233.
- Nachman, P. & Thompson, A. (1998), *You and Your Only Child: The Joys, Myths, and Challenges of Raising an Only Child*. Harper Collins.
- Rebecca, A. & Pina, R. (2011), *Depression and Self-Concept: Personality Traits or Coping Styles in Reaction to School Retention of Hispanic Adolescents*, Houston, Hindawi Publishing Corporation Depression Research and Treatment.
- Rode, J. C. (2005), “Life satisfaction and student performance, Academy of management learning and education”, *Journal of Social Behavior and Personality*, 4(3), 421-433.
- Spotts, E. L., Lichtenstein, P., Pedersen, N., Neiderhiser, J. M., Hansson, K., Cederblad, M., & Reiss, D. (2005), “Personality and marital satisfaction: a behavioral analysis”, *European Journal of Personality*, 19 (3), 205- 227.
- Wilson, W. R. (1967), “Correlates of avowed happiness”, *Psychological Bulletin*, 67, 294-306.
- Yangin H. B., Sozer G. A., Sengun, N. & Kukulu, K. (2008), “The relationship between depression and sexual function in menopause period”, *Maturitas*, 61, 233- 237.
- Zhang, Y., Kohnstamm, G., Cheung, P. C. & Lau, S. (2001), “A new look at the old little emperor: developmental changes in the personality of only children in China”, *Social Behavior and personality*, 29 (7), 725-732.



## اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال اول، شماره اول، پیاپی ۱، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۱۵ - ۱۲۸

### رابطه حرمت خود با خودمهارگری اسلامی؛

### با توجه به جنسیت و وضعیت تأهل

## The Relationship between Self-Esteem and Islamic Self-Control, Based on Gender and Marital Status

✍ حمید رفیعی هنر / دانشجوی دکتری روان شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞

✉ Hamid Rafiei Honar / PhD student of psychology, IKI.

Email: hamidrafii2@gmail.com

عباس آیینه چی / دانشجوی دکتری روان شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞

Abbas Ayne Chi / PhD student of psychology, IKI.

مریم رجبی / کارشناس روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞

Maryam Rajabi / BA student of General psychology. IKI.

#### Abstract

The present study was conducted with the aim of determining the relationship between self-esteem and self-control among women and men. Through convenient sampling, 433 students from the office of supreme leader's representative at universities were selected, and they completed self-esteem and Islamic self-control questionnaires. Data analyzed using Pearson correlation and Fisher's Z test, showed that there is a significant positive relationship between overall self-esteem and overall self-control and its components including motivation for self-control, self-monitoring, emotional-behavioral self-control, sexual self-control and goal-acceptance.

On the other hand, the difference in relationship between self-esteem and self-control among men and women is significant, but no significant

#### چکیده

پژوهش پیش رو، با هدف شناسایی رابطه حرمت خود و خودمهارگری در میان زنان و مردان انجام شد. تعداد ۴۳۳ نفر از دانشجویان مرتبط با نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب، و پرسش‌نامه‌های حرمت خود و پرسش‌نامه خودمهارگری اسلامی را تکمیل کردند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و Z فیشر نشان داد که بین حرمت خود کلی با خودمهارگری کلی و مؤلفه‌های آن - که شامل انگیزش خودمهارگری، خودنظارتگری، خودمهارگری هیجانی - رفتاری، خودمهارگری جنسی و هدف‌پذیری است - رابطه مثبت معناداری وجود دارد. از سوی دیگر، تفاوت رابطه بین حرمت خود و خودمهارگری در گروه مردان و زنان نیز معنادار بوده، ولی تفاوت معناداری میان افراد متأهل در قیاس با افراد مجرد دیده نمی‌شود. بنابراین با افزایش حرمت خود افراد،

difference was observed between married people compared to single ones. Therefore, with the increase of self-esteem we can expect an increase in people's self-control based on Islamic sources. In this regard, gender variable, unlike marital status, can also play a role

**Key words:** self-respect, self-control, virtue, self-esteem.

می‌توان انتظار داشت که خودمهارگری مبتنی بر منابع اسلامی آنها نیز افزایش یابد که در این باره، متغیر جنسیت برخلاف متغیر وضعیت تأهل نیز می‌تواند نقش داشته باشد.

**کلیدواژه‌ها:** حرمت خود، خودمهارگری، تقوا، کرامت نفس.

### مقدمه

انسان‌ها در تمایلات و تکانه‌های زیادی با دیگر حیوانات مشترک‌اند؛ اما نوعی توانایی را در خود رشد داده‌اند که بتوانند آن تمایلات را برای انجام اخلاقی اعمال مهار نمایند. این توانایی خودمهارگری نام دارد. در یک نگاه، خودمهارگری یک توانایی روان‌شناختی جهت رساندن رفتار انسان به مرز قواعد و معیارهای معنادار است (جیبر<sup>۱</sup> و بامیستر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵، ص ۴۱۱).

در دهه‌های اخیر پژوهش درباره خودمهارگری با رشدی باورنکردنی مواجه بوده است. با بررسی و مرور مقالات منتشرشده در زمینه خودمهارگری از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ درمی‌یابیم که تعداد این پژوهش‌ها بیش از مقالات منتشرشده در کل چهار دهه قبل از آن است. امروزه می‌دانیم که سطح شخصی خودمهارگری پیش‌بینی‌کننده نتایج مهم زندگی، از جمله عملکرد تحصیلی، رفتارهای سالم و سوء مصرف مواد، خواهد بود. در حوزه بالینی، خودمهارگری پایین یکی از مشخصه‌های اصلی بسیاری از اختلالات بالینی به شمار می‌آید. به‌علاوه خودمهارگری پیش‌بینی‌کننده‌ای معتبر برای رفتارهای مسئله‌ساز و آسیب‌شناسانه در کودکان محسوب می‌شود (ماگن<sup>۳</sup> و گراس<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰، ص ۳۳۵).

امروزه خودمهارگری در پنج حوزه مورد مطالعه قرار می‌گیرد: تنظیم هیجانات، مهار افکار، هدایت رفتاری، کنترل توجه<sup>۵</sup> و غلبه بر تکانه‌های ابتدایی (واس<sup>۶</sup> و اسمیشل<sup>۷</sup>،

1. Geyer, A.L.

2. Baumeister, R. F.

3. Magen, E.

4. Gross, J. J.

5. attentional control.

6. Vohs, K.D.

7. Schmeichel, B.J.

۲۰۰۷، ص ۱۴۰). با توجه به اهمیت سازه خودمهارگری و وجود حوزه‌های متنوع برای آن، چه عواملی می‌توانند در کاهش یا افزایش آن نقش داشته باشند؟ یکی از متغیرهایی که در عرصه ادبیات روان‌شناختی می‌تواند با موضوع خودمهارگری ارتباط داشته باشد «حرمت خود»<sup>۸</sup> است. معمولاً وقتی سخن از فرایندهای بین فردی به میان می‌آید، در کنار مفاهیم خود پنداشت و آرمان‌ها و نگرش‌ها، از دو فرایند حرمت خود و خودنظم‌بخشی (مشمتمل بر خودمهارگری) نیز یاد می‌شود (ماتساموتو<sup>۹</sup>، ۲۰۰۹، ص ۲۶۵).

حرمت خود عبارت است از میزان نگرش، عقیده و ارزیابی مثبت فرد از بدن، تاریخچه، فرایندهای روانی و رفتار خویش. این سازه با بسیاری از جنبه‌های فکری، هیجانی و رفتاری مرتبط است و غالباً یکی از بخش‌های مرکزی فهم و درک یک شخص تلقی می‌شود (ماتساموتو، ۲۰۰۹، ص ۴۷۳). طبق نظر کوپراسمیت<sup>۱۰</sup> (۱۹۶۷) توجهی که یک فرد از سایر مردم دریافت می‌کند و درجه پذیرش و احترامی که فرد احساس می‌کند، در شکل‌گیری حرمت خود نقش دارند. حرمت خود بالا فرد را هنگام تعامل با محیط، مؤثر، شاد، موفق و مطمئن می‌سازد (ارسلان<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۹، ص ۵۵۷). پژوهشگران چند دهه است که در حال مطالعه این سازه هستند. آغاز آن در دهه‌ی ۱۹۶۰ بود، زمانی که رزنبرگ<sup>۱۲</sup> مقیاس کوتاه تک‌بعدی را در زمینه حرمت خود طراحی نمود و پژوهشگران بعدی مطرح کرده‌اند که حرمت خود می‌تواند بر اساس نوع تأمل و تفکر فرد، ابعاد چندگانه به خود بگیرد (فراری<sup>۱۳</sup>، استونس<sup>۱۴</sup>، لگler<sup>۱۵</sup> و جیسون<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۲، ص ۲۹۸). علی‌رغم اهمیت دو سازه خودمهارگری و حرمت خود در روابط میان فردی، آن مقدار که محققان این پژوهش جست‌وجو نموده‌اند، تا به حال پژوهش‌های اندکی رابطه حرمت خود و خودمهارگری را مورد بررسی قرار داده‌اند که به برخی از تحقیقات مرتبط اشاره می‌شود.

فراری و همکاران (۲۰۱۲، ص ۲۹۳) در پژوهش خود حرمت خود و خودمهارگری را دو متغیر پیش‌بینی کننده سازه امید دانسته‌اند. از نگاه آنان سازه امید مشتمل بر هدف و موفقیت است و خودمهارگری می‌تواند یک منبع تسهیل کننده برای پیگیری

8. self-esteem.

11. Arslan, C.

14. Stevens, E.B.

9. Matsumoto, D.

12. Rosenberg.

15. Legler, R.

10. Coopersmith.

13. Ferrari, J.R.

16. Jason, L.A.

هدف و موفقیت در بین قلمروهای گوناگون از موضوعات دانشگاهی تا مدیریت برداشت قلمداد و تحقیق شود. نتایج پژوهش مذکور نشان داد روابط معناداری میان خودمهارگری، حرمت خود و امید وجود دارد. در پژوهشی دیگر هافر<sup>۱۷</sup>، باخ<sup>۱۸</sup> و کارتر<sup>۱۹</sup> (۲۰۱۱، ص ۲۱۳) ضمن مطالعه رابطه خودنظم‌بخشی و بهزیستی روانی نشان دادند که نمره‌های بالاتر در کنترل توجه (یکی از حوزه‌های خودمهارگری) به‌طور معناداری با نمره‌های بالاتر در حرمت خود ارتباط دارند. در حوزه دیگری از خودمهارگری، یعنی حوزه تنظیم هیجانات، پژوهش‌ها به رابطه معنادار منفی میان حرمت خود نوجوانان و خشم خصیصه‌ای و نیز رابطه معنادار مثبت میان حرمت خود و کنترل خشم اذعان نموده‌اند. این نتیجه نشان می‌دهد که به اندازه‌ای که حرمت خود نوجوان بالا می‌رود، سطح خشم خصیصه‌ای او کاهش و کنترل خشمش افزایش می‌یابد. از این رو می‌توان گفت افرادی که حرمت خود پایین دارند بسیار آسان‌تر از کسانی که حرمت خود بالا دارند خشمگین می‌شوند (ارسلان، ۲۰۰۹، ص ۵۵۳).

آموزه‌های ادیان نیز به مبحث خودمهارگری پرداخته‌اند. بسیاری از ادیان با این پرسش که چگونه می‌توان هوای نفس را محدود نمود، سروکار داشته‌اند. برای مثال در سنت کاتولیک مسیحی فقدان مهار خود در برابر هوای نفس ارتباط عمیقی با مفهوم گناه و فساد دارد (هافمن<sup>۲۰</sup> و فریتز<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۹، ص ۱۶۳). در بسیاری از ادیان همچنین رفتار پرهیزکارانه یا مهار تکانه‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. آیین یهود و مسیحیت (برای مثال ده فرمان مسیحیت) اعمال خودخواهانه را محکوم می‌نمایند و حتی می‌توان هفت گناه بزرگ، مثل شکم‌پرستی، غرور، حرص و تنبلی، در اصول مذهب کاتولیک را اشاره‌ای به کوتاهی‌ها در مسئله خودمهارگری تلقی نمود. به‌اضافه اینکه چهار فضیلت محوری، یعنی دوراندیشی<sup>۲۲</sup>، عدالت<sup>۲۳</sup>، بردباری<sup>۲۴</sup> و اعتدال<sup>۲۵</sup>، بر خودمهارگری متکی است و آن را تأیید می‌کند (جیبر و بامیستر، ۲۰۰۵، ص ۴۱۴).

17. Hofer, J.

20. Hofmann, W.

23. justice.

18. Busch, H.

21. Fritz, S.

24. fortitude.

19. Kartner, J.

22. prudence.

25. moderation.

در آموزه‌های دین اسلام تأکید ویژه‌ای بر مسئله مهار خویشتن در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی شده است. این موضوع در قالب مفاهیمی اساسی، مانند تقوا، عقل، صبر، حیا و عفت، نمود یافته است (رفیعی‌هنر و جان‌بزرگی، ۱۳۸۹، ص ۳۲). رفیعی‌هنر، جان‌بزرگی، پسندیده و طباطبایی (۱۳۹۳) «سازه خودمهارگری اسلامی بر اساس اندیشه اسلامی» را تبیین نمودند. آنان با روش تحلیل محتوای منابع اسلامی نشان دادند که سازه خودمهارگری اسلامی از دو سطح تشکیل شده است. سطح اول شامل دو مؤلفه «شناخت» و «بازدارندگی» است که از دو مفهوم عقل و تقوا استنباط شده است و سطح دوم، که از ارتباط مفاهیم سطح اول با دیگر مفاهیم دینی استنباط شده، دارای هفت مؤلفه است که عبارت‌اند از: خودنظارت‌گری، هدف‌شناسی، مؤلفه انگیزشی، مهار رفتاری، مهار شناختی، مهار هیجانی و مهار تداوم‌بخش. روایی محتوای سازه مذکور نیز به تأیید خبرگان دینی رسیده است.

با توجه به مطالعات روان‌شناختی درباره رابطه حرمت خود و خودمهارگری و نیز اثبات وجود رابطه خودمهارگری اسلامی و خودمهارگری روان‌شناختی در میان دانشجویان و طلاب علوم دینی (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۰) پرسش‌های ذیل قابل بررسی هستند: آیا بین حرمت خود و خودمهارگری اسلامی رابطه مثبت معناداری وجود دارد؟ آیا بین زنان و مردان تفاوت معناداری در رابطه حرمت خود و خودمهارگری اسلامی وجود دارد؟ آیا بین افراد مجرد و متأهل تفاوت معناداری در رابطه بین حرمت خود و خودمهارگری اسلامی وجود دارد؟

### روش پژوهش

جامعه و نمونه: پژوهش حاضر از روش همبستگی استفاده کرده و یک جامعه آماری ۱۸ هزار نفری متشکل از دانشجویان زن و مرد مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ عضو اداره مشاوره نهاد رهبری در دانشگاه‌ها را بررسی کرده است. در این جامعه فقط متغیرهای جنسیت و وضعیت تأهل مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس جدول مورگان، برای جامعه مذکور تعداد ۳۷۷ نفر کفایت می‌کند؛ با این حال تعداد نمونه تحقیق حاضر شامل ۴۳۳ نفر (۲۳۷ زن با میانگین سنی ۲۴/۴۰ و انحراف استاندارد

۶/۱۹ و ۱۹۶ مرد با میانگین سنی ۲۴/۸۶ و انحراف استاندارد ۶/۵۴ از دانشجویان است که به صورت نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند.

ابزار پژوهش

الف) پرسش‌نامه حرمت‌خود کوپر اسمیت<sup>۲۶</sup> (۱۹۶۷): این پرسش‌نامه ۵۸ ماده چهارگزینه‌ای دارد که مشتمل بر پنج خرده مقیاس است: ۱. مقیاس عمومی ۲۶ ماده، مقیاس اجتماعی ۸ ماده، مقیاس خانوادگی ۸ ماده، مقیاس شغلی (یا تحصیلی) ۸ ماده و مقیاس دروغ ۸ ماده. حداکثر نمره در مقیاس عمومی ۲۶ و در هر یک از سه مقیاس دیگر مساوی ۸ و حداکثر نمره کلی حرمت‌خود مساوی ۵۰ است؛ نمره مقیاس دروغ در مجموع نمرات محاسبه نمی‌شود. بررسی‌ها در ایران و خارج از ایران بیانگر آن است که این آزمون از اعتبار و روایی قابل قبولی برخوردار است. هرز<sup>۲۷</sup> و گولن<sup>۲۸</sup> (۱۹۹۹) ضریب آلفای ۰/۸۸ را برای نمره کلی آزمون گزارش کرده‌اند. همچنین جهت سنجش روایی بین نمره کل آزمون با خرده مقیاس روان‌آزرده‌گرایی در آزمون شخصیت آیسنک، روایی واگرایی منفی و معنادار و با خرده مقیاس برون‌گرایی روایی هم‌گرایی مثبت معنادار به دست آمده است. پورشافعی (۱۳۷۰) با روش دو نیمه کردن، ضریب ۰/۸۷ را برای این پرسش‌نامه گزارش کرده است (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۱).

ب) مقیاس خودمهارگری بر اساس منابع اسلامی: رفیعی هنر (۱۳۹۰) با استفاده از قرآن کریم و روایات اسلامی مؤلفه‌های سازه خودمهارگری اسلامی را تبیین و مقیاسی ۶۴ سؤالی ارائه کرده است که خودمهارگری افراد بزرگسال را اندازه‌گیری می‌کند. ضریب همبستگی نظرات کارشناسان برای بررسی روایی محتوایی این مقیاس بالاتر از ۰/۹۶ و ضریب تطابق کندال ۰/۲۵۷ بوده که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. روایی ملاکی با محاسبه ضریب همبستگی مقیاس حاضر و دو مقیاس هم‌ارز مقیاس خودمهارگری (تانجی<sup>۲۹</sup>، بامیستر<sup>۳۰</sup> و بوون<sup>۳۱</sup>، ۲۰۰۴) و خرده‌مقیاس اعتدال از پرسش‌نامه توانمندی خویش (پیترسون<sup>۳۲</sup> و سلیگمن<sup>۳۳</sup>، ۲۰۰۴) به ترتیب ۰/۵۸۷ و ۰/۴۰۳ بوده و در سطح ۰/۰۱ معنادار است. نتیجه بررسی روایی سازه به شیوه تحلیل عاملی استخراج پنج عامل بوده که در مجموع ۳۴/۳۱۵

26. Coopersmith Self-esteem Inventory.

27. Herz, L.

28. Gullone, E.

29. Tangney, J.P.

30. Baumeister, R.F.

31. Boone, A.L.

32. Peterson, C.

33. Seligman, M.P.



درصد واریانس کل مقیاس را برآورد می‌کند. همبستگی بین عوامل و کل مقیاس در سطح ۰/۰۱ معنادار است. عوامل به ترتیب عبارت‌اند از: انگیزش خودمهارگری، خودنظارت‌گری - مهار رفتاری، خودمهارگری هیجانی - رفتاری، خودمهارگری جنسی، هدف‌پذیری. در بررسی اعتبار مقیاس، ضریب آلفای کرونباخ در دو مرحله به ترتیب ۰/۹۴۲ و ۰/۹، همه ضرایب آلفای عوامل پنج‌گانه بالاتر از ۰/۶۶۶ و همبستگی بین دو نیمه مقیاس برابر با ۰/۷۵۳ بوده است. ضریب همبستگی آزمون - باز آزمون نیز برابر ۰/۶۹۲ بوده و در سطح ۰/۰۰۰۱ معنادار است. جانباز (۱۳۹۲) ضریب همبستگی آزمون خودمهارگری اسلامی را با آزمون خودشناسی اسلامی ۰/۳۰۶ به دست آورده که در سطح ۰/۰۰۰۱ معنادار است و تأیید دیگری بر روایی ملاکی این آزمون به حساب می‌آید.

پرسش‌نامه های مذکور، همراه با توضیحات لازم، برای ۵۰۰ دانشجوی انتخاب‌شده بر اساس نمونه‌گیری تصادفی ساده ارسال شد. تعداد ۴۳۳ نفر به صورت کامل به آن پاسخ دادند و پاسخ‌نامه را ارسال کردند. داده‌ها با نرم افزار SPSS و با استفاده از مدل‌های آماری همبستگی پیرسون و ZI فیشر تجزیه و تحلیل شدند.

### یافته‌های پژوهش

با توجه به شیوه نمره‌گذاری آزمون حرمت خود کوپراسمیت، در صورتی که نمرات مؤلفه دروغ‌سنج بیش از چهار باشد، آن تست اعتبار لازم را نخواهد داشت. بعد از بررسی نتایج شرکت‌کنندگان در تست مذکور معلوم شد که تعداد ۹۹ نفر از آنان در آیتم دروغ‌سنج نمره ۵ و بیشتر را کسب کرده‌اند؛ از این رو تعداد مذکور از محاسبه همبستگی حذف شدند و تعداد نمونه‌ها برای بررسی همبستگی دو متغیر حرمت خود و خودمهارگری اسلامی از ۴۳۳ نفر به ۳۳۴ نفر کاهش یافت. نتایج این محاسبه در جدول ۳ مشاهده می‌شود.

جدول ۱- همبستگی بین حرمت خود و خودمهارگری اسلامی و مؤلفه‌های آن‌ها

|                               | ۱      | ۲      | ۳      | ۴      | ۵      | ۶      | ۷      | ۸      | ۹      | ۱۰     |
|-------------------------------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|
| ۱. حرمت خود کلی               |        |        |        |        |        |        |        |        |        |        |
| ۲. خودمهارگری کلی             | .۴۱۴** |        |        |        |        |        |        |        |        |        |
| ۳. انگیزش خودمهارگری          | .۲۹۰** | .۸۶۱** |        |        |        |        |        |        |        |        |
| ۴. خودنظارت‌گری               | .۳۳۲** | .۷۸۵** | .۶۱۵** |        |        |        |        |        |        |        |
| ۵. خودمهارگری هیجانی - رفتاری | .۱۳۵*  | .۴۰۵** | .۰۱۳*  | .۲۲۰** |        |        |        |        |        |        |
| ۶. خودمهارگری جنسی            | .۵۳۷** | .۷۱۲** | .۴۱۹** | .۵۴۳** | .۳۵۳** |        |        |        |        |        |
| ۷. هدف پذیری                  | .۱۸۷** | .۶۵۴** | .۵۳۸** | .۳۸۰** | .۲۳۰** | .۳۱۰** |        |        |        |        |
| ۸. حرمت خود عمومی             | .۹۴۰** | .۴۰۶** | .۲۵۶** | .۳۴۲** | .۱۶۹** | .۵۵۱** | .۱۵۱** |        |        |        |
| ۹. حرمت خود خانوادگی          | .۵۸۹** | .۲۸۹** | .۲۱۱** | .۱۷۱** | .۱۹۹** | .۲۸۲** | .۱۵۷** | .۴۳۲** |        |        |
| ۱۰. حرمت خود شغلی - تحصیلی    | .۷۵۸** | .۲۹۷** | .۲۳۲** | .۲۵۴** | .۰۱۸*  | .۴۱۲** | .۱۴۲** | .۶۵۰** | .۲۵۳** | .۱**   |
| ۱۱. حرمت خود اجتماعی          | .۶۹۹** | .۲۲۵** | .۲۰۰** | .۱۸۶** | .۰۱۶*  | .۲۴۴** | .۱۴۲** | .۵۴۸** | .۲۵۶** | .۴۸۶** |

\*\*P.<۰/۰۱, \*P.<۰/۰۵

چنانکه در جدول ۱ مشاهده می‌شود، حرمت خود به همراه خرده مقیاس‌هایش با اکثر عوامل خودمهارگری، با ۹۹ درصد اطمینان، همبستگی مثبت و معنادار دارد؛ بنابراین پاسخ سؤال اول پژوهش مبنی بر وجود رابطه مثبت معنادار بین حرمت خود و خودمهارگری تأیید می‌شود.

برای بررسی سؤال دوم و سوم پژوهش، ابتدا باید میزان همبستگی بین دو متغیر حرمت خود و خودمهارگری اسلامی را به تفکیک جنسیت و وضعیت تأهل محاسبه نمود.

جدول ۲- همبستگی حرمت خود و خودمهارگری اسلامی بر اساس جنسیت

| جنسیت | تعداد | متغیرها                        | همبستگی پیرسون |
|-------|-------|--------------------------------|----------------|
| مردان | ۱۴۸   | حرمت خود کلی<br>خودمهارگری کلی | .۵۲۰**         |
| زنان  | ۱۸۶   | حرمت کلی خود<br>خودمهارگری کلی | .۳۱۳**         |

\*\*P.<۰/۰۱

بر اساس جدول ۲ میزان همبستگی دو متغیر حرمت خود و خودمهارگری اسلامی در میان مردان و زنان به ترتیب ۰/۵۲ و ۰/۳۱۳ است که در هر دو جنس این همبستگی معنادار است؛ اما آیا بین این دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد؟ بدین منظور لازم است نتایج r (همبستگی) را به Zr (فیشر) تبدیل نمود و بر اساس فرمول مخصوص، نسبت مورد نظر را به دست آورد و جهت تعیین معناداری تفاوت بین دو ضریب همبستگی برای نمونه‌های مستقل، آن را با نمره‌های معیار مقایسه نمود (فرگوسن و تاکانه، ۱۳۸۹، ص ۲۶۰). بر اساس

جدول تبدیل  $r$  به  $Z$ ، به ترتیب نمره  $0/52$  برابر است با  $0/5763$  و نمره  $0/313$  برابر است با  $0/324$  و بر اساس فرمول تقسیم تفاوت بین دو ارزش  $Z$  بر خطای معیار، تفاوت نسبت مورد نظر  $2/28$  خواهد بود. این نمره از ارزش  $1/96$  بالاتر است؛ بنابراین تفاوت ضریب همبستگی بین زنان و مردان در سطح  $5$  درصد معنادار است. پاسخ سؤال دوم پژوهش حاضر مثبت است و تفاوت معنادار رابطه حرمت خود و خودمهارگری بین زنان و مردان تأیید می‌شود.

جدول ۳- همبستگی حرمت خود و خودمهارگری اسلامی بر اساس وضعیت تأهل

| وضعیت تأهل | تعداد | متغیرها                        | همبستگی پیرسون |
|------------|-------|--------------------------------|----------------|
| مجرد       | ۲۴۵   | حرمت خود کلی<br>خودمهارگری کلی | $0/382^{**}$   |
| متأهل      | ۸۹    | حرمت کلی خود<br>خودمهارگری کلی | $0/487^{**}$   |

$**P < 0/01$

با تبدیل ضرایب همبستگی به  $Z$  فیشر و محاسبه نسبت مورد نظر برای تعیین معناداری، تفاوت بین ضرایب ارزش به دست آمده برابر با  $1/084$  است که از نمره  $1/96$  پایین تر و نشان دهنده عدم وجود تفاوت معنادار بین افراد مجرد و متأهل در همبستگی بین حرمت خود و خودمهارگری اسلامی است. از این رو سؤال سوم پژوهش مورد تأیید قرار نمی‌گیرد و تفاوت معناداری بین افراد مجرد و متأهل در رابطه حرمت خود و خودمهارگری اسلامی وجود ندارد.

### بحث و نتیجه گیری

بر اساس پژوهش‌های انجام شده شواهدی مبنی بر وجود رابطه مثبت و معنادار بین دو متغیر حرمت خود و خودمهارگری وجود دارد. پرسش این پژوهش درباره وجود رابطه معنادار بین حرمت خود و خودمهارگری اسلامی بود. طبق تحقیق حاضر بین حرمت خود و خودمهارگری اسلامی رابطه مثبت برقرار است؛ بدین معنا که هرچه نمره حرمت خود افراد افزایش می‌یابد به نمرات خودمهارگری اسلامی افراد نیز افزوده می‌شود. این نتایج با تحقیقات فراری و همکاران (۲۰۱۲) و هافر و همکاران (۲۰۱۱) همسو است. پژوهش‌های دیگری نیز رابطه مثبت بین حرمت خود و جهت‌گیری مذهبی را به اثبات رسانده‌اند

(مارکسترام<sup>۳۴</sup>، ۱۹۹۹ به نقل از ویلیامز<sup>۳۵</sup>، ۲۰۱۲ و جانز<sup>۳۶</sup> و فرانسیس<sup>۳۷</sup>، ۱۹۹۶). همچنین بین حرمت خود کلی و تمام مؤلفه‌های آن و مؤلفه‌های خودمهارگری (به جز رابطه بین حرمت خود اجتماعی و خودمهارگری هیجانی-رفتاری) رابطه مثبت و معناداری مشاهده می‌شود. پژوهش ارسلان (۲۰۰۹) مبنی بر وجود رابطه مثبت بین حرمت خود و کنترل خشم، بخشی از نتایج حاضر را تأیید می‌کند. در تبیین این روابط مثبت از چند جهت می‌توان بحث کرد:

الف) حرمت خود از نگاه روان‌شناسان به معنای درجه پذیرش و احترامی است که فرد احساس می‌کند (ارسلان، ۲۰۰۹) و مبتنی بر ارزیابی مثبت فرد از تاریخچه زندگی، فرایندهای روانی و رفتار خویش است (ماتساموتو، ۲۰۰۹)؛ از این رو فرد به اهداف از پیش تعیین شده خود دست یافته است و از شرایط موجود خود ارزیابی مثبت دارد. بنابراین، اهداف و برنامه‌های آینده نیز برای فرد با حرمت خود بالا مهم تلقی خواهند شد و برای دستیابی به آن‌ها قادر خواهد بود که در برابر تکانه‌های معارض با هدف مقاومت و خود را مهار کند؛ موضوعی که یکی از هسته‌های اصلی خودمهارگری به‌شمار می‌آید (تانجی و همکاران، ۲۰۰۴). همچنین با توجه به اینکه یکی از مؤلفه‌های اصلی خودمهارگری اسلامی انگیزش خودمهارگری است، افراد با حرمت خود بالا، به دلیل اهمیتی که برای اهداف خود قائل‌اند، در مقایسه با افراد با حرمت خود پایین انگیزه بالاتری برای مهار خویش خواهند داشت و به خودنظارت‌گری بالاتری دست خواهند زد.

ب. پژوهشگران (بنیانی، ۱۳۹۱) رابطه حرمت خود در روان‌شناسی و کرامت نفس در آموزه‌های اسلامی را به اثبات رسانده‌اند و تأثیر کرامت و عزت نفس در افزایش مقاومت در برابر وسوسه‌ها و خواهش‌های نفسانی در نگاه اسلامی نیز امری پذیرفته شده است؛ در آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات خداوند می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ؛ همانا بزرگوارترین شما نزد خداوند خویشتن‌دارترین شماست» و در روایتی از حضرت علی علیه‌السلام آمده است: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ؛ هر کس خویشتن خویش در نزدش بزرگ باشد شهوات در نزد او خوار خواهند شد» (شریف رضی، ۱۳۷۹).

بررسی‌های لغوی و اصطلاحی نشان می‌دهند که می‌توان کرامت نفس را به «احساس

34. Markstrom, C.A.

35. Williams, E.

36. Jones, S.H.

37. Francis, L.J.

بزرگواری که خدای متعال در اختیار فرد قرار داده است» معنا نمود. این احساس فرد را قادر می‌سازد که برای دستیابی به اهداف عالی‌تر از اهداف سطحی و زودگذر دست بکشد و در برابر کشش‌های شدید اهداف سطحی مقاومت نماید (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۰). آموزه‌های مربوط به کرامت نفس نشان‌دهنده آن است که با افزایش احساس بزرگواری درونی انسان‌ها اولاً انگیزه مهار و ثانیاً مهارگری در برابر هیجانات و تکانه‌های متعارض با هدف متعالی انسان‌ها افزایش خواهد یافت.

نتایج پژوهش حاضر تفاوت معناداری در همبستگی بین حرمت‌خود و خودمهارگری بین مردان و زنان را نشان داد. بر اساس این نتایج مردان در مقایسه با زنان از همبستگی قوی‌تری در متغیرهای مذکور برخوردار بودند. مک مولین<sup>۳۸</sup> و کرنی<sup>۳۹</sup> (۲۰۰۴) و نادری، روحانی، آیزان<sup>۴۰</sup>، شریر<sup>۴۱</sup> و کامر<sup>۴۲</sup> (۲۰۰۹) نیز تفاوت معنادار بین جنسیت و حرمت‌خود را نشان داده‌اند. در تبیین وجود تفاوت معنادار در میان مردان و زنان شاید بتوان گفت که مردان، به دلیل شرایط بدنی مقاوم‌تر (مؤلفه‌ای در ارزیابی مثبت بدنی)، در موقعیت‌های خانوادگی، اجتماعی و شغلی موفق‌تر عمل بوده‌اند (مک مولین و کرنی، ۲۰۰۴) و در نتیجه تشویق‌ها، تأییدها و توجهات مثبت‌تری را از فضاهای مذکور دریافت کرده‌اند. این موضوع باعث افزایش حرمت‌خود آنان در دیگر بخش‌های روانی و شرایط زندگی گشته و به‌نوبه خود، در افزایش خودمهارگری فکری، هیجانی و رفتاری آنان مؤثر واقع شده و یا با آن همراه شده است.

نتایج تحقیق حاضر تفاوت معناداری بین افراد مجرد و متأهل در زمینه ارتباط حرمت‌خود و خودمهارگری اسلامی را تأیید نکرد. پژوهش‌هایی که رابطه مذکور را با در نظر گرفتن متغیر تأهل بررسی نموده باشند به چشم نمی‌خورد و تحقیقات بیشتری در این زمینه نیاز است؛ اما بر اساس نتیجه پژوهش حاضر می‌توان این‌گونه توجیه نمود که حرمت‌خود در مراحل تحول و قبل از ورود فرد در نقش‌های ازدواج شکل می‌گیرد. به‌عبارت دیگر، سازه حرمت‌خود پیشینی است (اورث<sup>۴۳</sup> و رایبیز<sup>۴۴</sup>، ۲۰۱۴) و به تبع رابطه آن

38. McMullin, J.A.

41. Sharir, J.

43. Orth, U

39. Cairney, J.

42. Kumar, V.

44. Robins, R.W.

40. Aizan, H.

با خودمهارگری، قبل از تحقق متغیر تأهل شکل می‌گیرد؛ بنابراین طبیعی خواهد بود که متغیر تأهل نقش تأثیرگذاری در رابطه دو سازه مذکور نخواهد داشت. نتایج پژوهش حاضر را، به دلیل محدودیت جامعه آماری دانشجویان و عضویت آنان در یک نهاد خاص، نمی‌توان به جامعه‌های دیگر تعمیم داد. پیشنهاد می‌شود محققان ضمن اجرای پژوهش حاضر در جامعه‌های دیگر، رابطه متغیرهای مذکور را با متغیرهای متناسب بررسی کنند و کارآمدی بسته‌های آموزشی ارتقای حرمت خود برای افزایش خودمهارگری افراد در جامعه را به آزمون بگذارند.

## منابع

- بنیانی، محمدرضا (۱۳۹۱)، ساخت مقیاس حرمت خود مبتنی بر منابع اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، گروه روان شناسی.
- جانناز، نوید (۱۳۹۲)، خودشناسی از دیدگاه اسلام و روان شناسی و ساخت آزمون آن با نگرش به منابع اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، گروه روان شناسی.
- الشریف الرضی، محمد بن حسین الطاهر (۱۳۷۹)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: دفتر نشر الهادی، چاپ سوم.
- فتحی آشتیانی، علی (۱۳۹۰)، آزمون های روان شناختی، ارزشیابی شخصیت و سلامت روان، تهران: انتشارات بعثت، چاپ ششم.
- فرگوسن، جرج ا. و تاکانه، یوشیو، تحلیل آماری در روان شناسی و علوم تربیتی، ترجمه علی دلاور و سیامک نقشبندی (۱۳۸۹)، تهران: انتشارات ارسباران، چاپ هشتم.
- رفیعی هنر، حمید و جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۹)، «رابطه جهت گیری مذهبی و خودمهارگری»، فصل نامه روان شناسی و دین، سال سوم، شماره ۹، ۳۱-۴۲.
- رفیعی هنر، حمید (۱۳۹۰)، ساخت مقیاس خودمهارگری بر اساس منابع اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، گروه روان شناسی.
- رفیعی هنر، حمید، جان بزرگی، مسعود، پسندیده، عباس و رسول زاده طباطبایی، کاظم (۱۳۹۳)، «تیین سازه خودمهارگری بر اساس اندیشه اسلامی»، فصل نامه روان شناسی و دین، سال هفتم، شماره ۲۷، ۵-۲۶.
- Arslan, C. (2009), "Anger, Self-esteem, and Perceived Social Support in Adolescence", *Social Behavior and Personality*, 37 (4), 555-564.
- Ferrari, J.R., Stevens, E.B., Legler, R. and Jason, L.A. (2012), "Hope, self-esteem, and self-regulation: Positive characteristics among men and women in recovery", *Journal of Community Psychology*, 40 (3), 292-300.
- Hofer, J., Busch, H., and Kärtner, J. (2011), "Self-regulation and Well-being: The Influence of Identity and Motives", *European Journal of Personality*, 25, 211-224.
- Hofmann, W., and Fritz, S. (2009), "Impulse and Self-Control From a Dual-Systems", *Perspectives on Psychological Science*, 4 (2), 162-176
- Geyer, A.L., and Baumeister, R.F. (2005), "Religion, Morality, and Self-Control: Values, Virtues, and Vices. In R.F. Paloutzian, and C.Park (Eds.)", *Handbook of the psychology of religion and spirituality* (pp412-434), New York: Guilford Press.
- McMullin, J.A. and Cairney, J. (2004), "Self-esteem and the intersection of age, class, and gender", *Journal of Aging Studies*, 18, 75 - 90.
- Magen, E. and Gross, J.J. (2010), "Getting Our Act Together: Toward a General Model of Self-Control, In R. Hassin, K. Ochsner, and Y. Trope (Eds.)", *Self Control in Society, Mind, and Brain* (pp. 335-353), New York: Oxford University Press.

- Matsumoto, D. (2009), *The Cambridge Dictionary of Psychology*, London: Cambridge University Press.
- Naderi, H., Rohani. A., Tengku Aizan, H., Sharir, J. and Kumar, V. (2009), "Self Esteem, Gender and Academic Achievement of Undergraduate Students", *American Journal of Scientific Research*, 3, 26-37.
- Orth, U. and Robins, R.W. (2014), "The Development of Self-Esteem", *Current Directions in Psychological Science*, 23 (5), 381-387.
- Peterson, C. and Seligman, M.P. (2004), *Character strengths and virtues: a handbook and classification*, Oxford: University Press, Published by American Psychological Association.
- Tangney, J.P., Baumeister, R.F., and Boone, A.L. (2004), "High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades and interpersonal success", *Journal of Personality*, 72 (2), 271-324
- Vohs, K.D. and Schmeichel, B.J. (2007), "Self-regulation: How and why people reach (and fail to reach) their goals. In C. Sedikides and S. J. Spencer (Eds.)", *Frontiers in social psychology: The self* (pp. 139-162), New York: Psychology Press.
- Williams, E. (2012), "Religious affect and self-esteem: An analysis among teenagers in Wales", *The Welsh Journal of Psychology*, 1 (1), 11-17.



اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال اول، شماره اول، پیاپی ۱، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۲۹ - ۱۵۱

## رابطه پایبندی مذهبی با همدلی در میان دانشجویان دختر و پسر؛ با توجه به وضعیت اقتصادی و تاهل

### The Relationship between Religious Adherence and Empathy in Male and Female Students, Based on Economic and Marital Status

محمدصادق آقاجانی / دانشجوی دکتری روان شناسی، جامعه المصطفی العالمیه

✉ Mohammad Sadegh Agha Jani / Corresponding Author, PhD student of psychology, MIU.  
Email: m.s.aghajani@gmail.com

فاطمه سادات شمسی نژاد / دانشجوی کارشناسی روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم.

Fatemeh Sadat Shamsi Nejad / BA student of Clinical psychology, Azad university of Qom.

زهرا اسکندری / دانشجوی کارشناسی روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم.

Zahra Eskandari / BA student of General psychology, Azad university of Qom.

#### Abstract

Empathy is an effective variable in the quality of interpersonal relationships which has its own special cognitive, emotional and behavioral components. This study seeks to determine the relationship of empathy and its components and religious adherence. The present study is descriptive, correlational and causal-comparative. To this end, from among the students related to the counseling office of the supreme leader at universities (statistical population), 400 participants (male and female) were selected using random sampling. All participants responded to the questionnaire of Janbozorgy's religious adherence and Davis's empathy (list of individual reactions). Using the twentieth edition of SPSS software, Pearson

#### چکیده

همدلی، متغیری تأثیرگذار در کیفیت روابط بین فردی است که مؤلفه‌های شناختی، هیجانی و رفتاری ویژه خود را دارد. هدف این پژوهش، تعیین رابطه همدلی و مؤلفه‌های آن با پایبندی مذهبی است. پژوهش پیش رو، توصیفی و از نوع همبستگی و علی - مقایسه‌ای است. بدین منظور، از میان دانشجویان مرتبط با اداره مشاوره نهاد مقام معظم رهبری - حفظه‌الله - در دانشگاه‌ها (جامعه آماری پژوهش) با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی، تعداد ۴۰۰ نفر (پسر و دختر) انتخاب شدند. همه شرکت‌کنندگان به گویه‌های پرسش‌نامه‌های پایبندی مذهبی جان‌بزرگی و همدلی (فهرست واکنش‌های بین فردی) دیویس پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها با استفاده از نسخه

correlation, variance analysis and Z test, the analysis of data showed that there is a significant relationship between religious adherence and empathy variables and their subscales (except subscales of religious adherence and imagination). Besides, one-way ANOVA test results indicated that there is a significant difference in the total scores of and subscales of imagination, empathic concern and open mindedness, and total scores and subscales of compliance and non-compliance between male and female. Moreover, economic status, unlike marital status, can play a moderating role in this regard.

**Key words:** religious adherence, interpersonal reactions / empathy, gender, economic status, marital status.

بیستم نرم‌افزار آماری SPSS و کاربرد روش‌های آماری همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس و آزمون Z نشان داد که میان متغیرهای پایبندی مذهبی و همدلی و زیرمقیاس‌های آنها (به‌جز زیرمقیاس‌های پایبندی مذهبی و خیال) رابطه‌ای معنادار وجود دارد و نیز نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه، از معناداری تفاوت نمرات کل پایبندی و زیرمقیاس‌های خیال، نگرانی همدلانه و دیدگاه‌پذیری، و نمرات کل و زیرمقیاس‌های پایبندی و ناپایبندی مذهبی بین دو گروه دانشجویان دختر و پسر حکایت دارد. ضمن اینکه وضعیت اقتصادی، برخلاف وضعیت تأهل، می‌تواند نقشی تعدیل‌کننده ایفا کند.

**کلیدواژه‌ها:** پایبندی مذهبی، واکنش‌های بین‌فردی / همدلی، جنسیت، وضعیت اقتصادی، تأهل.

## مقدمه

دین و مذهب یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین نهادهایی است که جامعه بشری به خود دیده است (نوابخش، پوریوسفی و میرآخوری، ۱۳۸۸، ص ۶۲). در تاریخ بشر هیچ دوره‌ای خالی از مذهب و اعتقادات دینی نبوده است و هیچ جامعه شناخته‌شده‌ای بدون دین نبوده است. در طول ادوار مختلف تاریخ و در جوامع متفاوت ادیان به اشکال مختلف وجود داشته‌اند. دین بسیار غنی، فراگیر و پیچیده است و جنبه‌های متفاوت و مختلف آن در زندگی بشر تأثیرگذار است (همان، ۶۳).

برای دین معانی اصطلاحی متعددی ذکر شده است که در تعریفی برگزیده، دین مجموعه‌ای از باورهای قلبی و رفتارهای عملی متناسب با آن باورها است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۰)؛ مذهب شعبه و زیرشاخه دین محسوب می‌شود. دین به حیات مادی انسان معنا و مفهوم دیگری می‌دهد و اصول قابل احترامی مانند ایثار و فداکاری

را تقویت می‌کند (قدردان قراملکی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۸). از نگاه پارگامنت<sup>۱</sup>، اسمیت<sup>۲</sup>، کوئینگ<sup>۳</sup> و پرز<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) رفتارهای دینی، در انواع شخصی (مانند ایمان و دعا) و اجتماعی (مانند شرکت فعال در مسجد و مطرح ساختن مشکلات با روحانی) یا مثبت (آن‌هایی که با هیجان‌های مثبت مانند حمایت، شفقت<sup>۵</sup> یا امید مرتبط می‌شوند) و منفی (آن‌هایی که با هیجان‌های منفی مانند احساس گناه یا ترس از عذاب الهی مرتبط هستند)، راه‌کارهای کارآمد افراد مذهبی برای مقابله با تنش‌های روانی و مشکلات زندگی هستند (کامتور تامسون<sup>۶</sup>، ۱۳۸۸، ص ۱۹۸-۲۰۰).

همدلی<sup>۷</sup> نیز از مفاهیمی است که مورد توجه روان‌شناسان اجتماعی و پژوهشگران روابط انسانی قرار گرفته است (مک میلان<sup>۸</sup>، ۲۰۰۵، ج ۱، ص ۲۶). رابرت ویشر<sup>۹</sup> این واژه را برای اشاره به جنبه‌ای از احساس زیبایی‌شناختی به کار برد و تئودور لپیس<sup>۱۰</sup> آن را به شکلی از دسترسی شهودی به شناخت ذهنیت شخصی دیگر نسبت داد (همان). فروید<sup>۱۱</sup> این واژه را در کتاب *لطیفه‌ها و ارتباطشان با ناخودآگاه* (۱۹۰۵) و تعدادی از مقالاتش به کار برد و تیچنر<sup>۱۲</sup>، در سال ۱۹۰۹، این واژه را از آلمانی به انگلیسی ترجمه کرد (همان). گرینسون<sup>۱۳</sup> (۱۹۶۰، ص ۴۱۸)، بوئی<sup>۱۴</sup> (۱۹۸۱، ص ۲۸۱) و ویدلوشر<sup>۱۵</sup> (۱۹۹۳، ص ۵۰۹) نیز از کسانی بودند که درباره این مفهوم تحقیقاتی انجام دادند. همدلی مفهوم مهمی در حوزه روان‌شناسی و ارتباط بین‌فردی است (احمدی، ۱۳۸۵، ص ۲۱). تحقیقات برادرز<sup>۱۶</sup> (۱۹۹۰، ص ۸۱) و انگرر<sup>۱۷</sup>، دالبی<sup>۱۸</sup>، واترز<sup>۱۹</sup>، بارت<sup>۲۰</sup>، کلک<sup>۲۱</sup> و لوین<sup>۲۲</sup> (۱۹۹۰، ص ۹۳) نشان داد که نگران شدن از ناراحتی دیگران حتی در کودکان ۱۲ ماهه و در میمون‌ها و بوزینه‌ها نیز مشاهده می‌شود. رپر<sup>۲۳</sup> (۱۹۹۵، ص ۲۴۹) معتقد است همدلی هم یک ویژگی شخصیتی و هم یک توانایی است که شرایط لازم را برای توجه به بسیاری از

1. Pargament, K.I.

4. Perez, L.M.

7. Empathy.

10. Lipps, T.

13. Greenson, R.

16. Brothers L.

19. Waters, B.

22. Lewin, V.

2. Smith, B.W.

5. Compassion

8. Macmillan, P.

11. Freud, S.

14. Buie, D.H.

17. Ungerer, J.A.

20. Barnett, B.

23. Reber, A.S.

3. Koenig, H.G.

6. Comptor Thomson, W.C.

9. Vischer, R.

12. Titchener, E.B.

15. Widlöcher, D.

18. Dolby, R.

21. Kelk, N.

پدیده‌ها فراهم می‌کند. پژوهش بورک<sup>۲۴</sup> (۱۹۷۱، ص ۲۶۳) نشان داد که کودکان ۳ تا ۸ سال دارای عواطف همدلانه هستند و توانایی درک دیدگاه و نظر دیگران را دارند. دیویس<sup>۲۵</sup>، لوس<sup>۲۶</sup> و کراس<sup>۲۷</sup> (۱۹۹۴، ص ۳۸۳) همدلی را سازه‌ای چند بعدی می‌دانند که ابعاد آن عبارت‌اند از: ۱. خیال: <sup>۲۸</sup> جایگزینی خیالی خود در قالب احساسات و اعمال شخصیت‌های تخیلی کتاب‌ها و فیلم‌ها؛ ۲. دیدگاه‌پذیری: <sup>۲۹</sup> توانایی در نظر گرفتن دیدگاه دیگران؛ ۳. نگرانی همدلانه: <sup>۳۰</sup> احساسات همدلانه دیگر محور و نگرانی برای افراد درمانده؛ ۴. اندوه شخصی: <sup>۳۱</sup> احساسات خودمحوری، نگرانی و تنش در شرایط بین فردی. پژوهش‌های مارکستورم<sup>۳۲</sup>، هانی<sup>۳۳</sup>، موریس<sup>۳۴</sup> و کراس<sup>۳۵</sup> (۲۰۱۰، ص ۵۹) و بارت<sup>۳۶</sup> (۲۰۰۴، ص ۲۴۹) به این نتیجه رسید که رابطه معناداری بین همدلی و جهت‌گیری مذهبی وجود ندارد؛ اما واتسون<sup>۳۷</sup>، هود<sup>۳۸</sup>، موریس<sup>۳۹</sup> و هال<sup>۴۰</sup> (۱۹۸۴، ص ۲۱۱) رابطه همدلی و جهت‌گیری مذهبی و رفتارهای مطلوب اجتماعی را بر روی ۱۸۰ دانشجوی مقطع کارشناسی بررسی کردند و نشان دادند که همدلی با جهت‌گیری مذهبی درونی رابطه مثبت و معنادار و با جهت‌گیری مذهبی بیرونی رابطه منفی و معناداری دارد. تحقیق حنیف خان<sup>۴۱</sup>، واتسون<sup>۴۲</sup> و حبیب<sup>۴۳</sup> (۲۰۰۵، ص ۴۹) نیز این نتایج را تأیید می‌کند. واتسون، هود و موریس (۱۹۸۵، ص ۷۳) نیز بین پابندی مذهبی و همدلی رابطه مثبت و معناداری به دست آوردند. اسنو<sup>۴۴</sup> و کاپتن<sup>۴۵</sup> (۱۹۹۶، ص ۹۷۹) رابطه مثبت و معناداری بین دین‌داری و مذهبی بودن با همدلی زناشویی یافتند و از تحقیق بردلی<sup>۴۶</sup> (۲۰۰۹، ص ۲۰۱) این نتیجه به دست آمد که باورهای دینی رابطه منفی و معناداری با نگرانی همدلانه، دیدگاه‌پذیری و خیال دارند، احساسات معنوی رابطه مثبت و معناداری با این

24. Borke, H.

27. Kraus, S.J.

30. empathic concern.

33. Huey, E.

36. Bart, D.

39. Morris, R.J.

42. Watson, P.J.

45. Compton, W.C.

25. Davis, M.H.

28. Fantasy.

31. personal distress.

34. Morris, B.

37. Watson, P.J.

40. Hall, J.R.

43. Habib, F.

46. Bradley, C.

26. Luce, C.

29. perspective taking.

32. Markstrom, C.A.

35. Krause, A.

38. Hood, Jr.R.W.

41. Haneef Khan, Z.

44. Snow, T.S.

سه زیرمقیاس همدلی برقرار می‌کند و اندوه شخصی با هیچ یک از احساسات معنوی و باورهای دینی رابطه معناداری ندارد.

به رغم تفاوت در تعاریف همدلی، این اعتقاد کلی وجود دارد که زنان نسبت به مردان همدلی بیشتری دارند. پژوهش‌ها (از جمله ایزنبرگ<sup>۴۷</sup> و لنون<sup>۴۸</sup>، ۱۹۸۳، ص ۱۰۰ و بارون-کوهن<sup>۴۹</sup> و ویلرایت<sup>۵۰</sup>، ۲۰۰۴، ص ۱۶۳) نمرات بالاتری را برای دختران، در مقایسه با پسران، در همدلی عاطفی و شناختی نشان دادند. تحقیق زارواکسلر<sup>۵۱</sup>، راینسون<sup>۵۲</sup> و امد<sup>۵۳</sup> (۱۹۹۲، ص ۱۰۳۸) نشان داد که حتی دختران زیر ۲ سال نیز از پسران در همین سن همدلی بیشتری دارند. ترابست<sup>۵۴</sup> و کولینز<sup>۵۵</sup> و امبری<sup>۵۶</sup> (۱۹۹۴) به نقل از آذربایجانی، کاویانی، سالاری فر، موسوی اصل و عباسی، ۱۳۸۲، ص ۳۵۰) این تفاوت را ناشی از تفاوت‌های ژنتیکی و فرهنگی می‌دانند.

مک کولو<sup>۵۷</sup>، ورثینگتون<sup>۵۸</sup> و راجال<sup>۵۹</sup> (۱۹۹۷، ص ۲۳۱) رابطه مثبت بین همدلی با عفو و گذشت را به‌طور تجربی تأیید کردند. آنان به این نتیجه رسیدند که افرادی که با دیگران همدلی بیشتر و قوی‌تری دارند، حساس‌تر هستند و به صورت عاطفی به آنان پاسخ می‌دهند و بهترین و بیشترین کمک را فراهم می‌آورند. انسان در جریان یک ارتباط عاطفی و همدلانه می‌تواند عواطف و احساسات خود را کنترل و رفتار خود را با انتظارات افراد جامعه هماهنگ و سازگار سازد (درویزه، ۱۳۸۲، ص ۳۱). کالیوپسکا<sup>۶۰</sup> (۱۹۹۲، ص ۱۱۱۹) دریافت که دانشجویانی با احساس همدلی زیاد، در مقایسه با دانشجویانی که کمترین حد همدلی را داشتند، نگرش‌های مثبت‌تری به رفتارهای موجب سلامتی و شیوه رفتاری سالم‌تری داشتند، از حرمت خود بهتری برخوردار بودند و احتمال سیگار کشیدن و مصرف الکل در آنان کمتر بود. فشباخ (۱۹۶۹، ص ۱۰۲) نیز در مطالعه خود درباره همدلی به رابطه‌ای مشخص بین همدلی و رفتار پرخاشگرانه دست یافته است.

47. Eisenberg, N.

50. Wheelwright, S.

53. Emde, R.N.

56. Embree J.M.

59. Rachel, K.C.

62. Björkqvist, K.

48. Lennon, R.

51. Zahn-Waxler, C.

54. Trobst K.K.

57. McCullough, M.E.

60. Kalliopuska, M.

49. Baron-Cohn, S.

52. Robinson, J.L.

55. Collins R.L.

58. Worthington, E.L.

61. Kaukiainen, A.

پژوهش کائوکیانن<sup>۶۱</sup>، جرکوویست<sup>۶۲</sup>، لاگرپز<sup>۶۳</sup>، استرمن<sup>۶۴</sup>، سالمیوالی<sup>۶۵</sup>، روتبرگ<sup>۶۶</sup> و البوم<sup>۶۷</sup> (۱۹۹۹، ص ۸۱) رابطه‌ای معنادار و منفی میان همدلی و پرخاشگری را نشان داد. ایزنبرگ<sup>۶۸</sup> و میلر<sup>۶۹</sup> (۱۹۸۷، ص ۹۱) هم بین رفتارهای مثبت و مساعدت‌های اجتماعی با همدلی رابطه مستقیم و معناداری یافتند.

تحقیقات نشان داده‌اند که همدلی تحت تأثیر عوامل مختلف شخصیتی و موقعیتی قرار می‌گیرد. از جمله این عوامل می‌توان به عوامل ژنتیکی، عوامل مرتبط با جنس، یادگیری و عوامل فرهنگی اشاره کرد (فیض‌آبادی، فرزاد و شهرآرای، ۱۳۸۶، ص ۶۷). دل‌بستگی ایمنی‌بخش با ویژگی‌های آینده فرد، از قبیل عواطف مثبت، همدلی، حرمت‌نفس بالا و تعامل‌های بدون تعارض با هم‌سالان و بزرگ‌سالان، پیوند دارد (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۲۶۷). سروف<sup>۷۰</sup> (۱۹۸۹، ص ۳۶) معتقد است که کودکان دارای دل‌بستگی ایمن توانایی همدلی و همدل بودن را درونی می‌سازند.

از نظر اسلام بخش مهمی از نیازهای اساسی انسان نیازهای عاطفی است که با رفتار حمایتی یعنی همدلی مرتبط است. بسیاری از اختلالات و نارسایی‌های شخصیتی، خلقی و رفتاری ریشه در بی‌توجهی به این نیاز اساسی و کمبود آن دارد. همه انسان‌ها نیازمند محبت، عاطفه و توجه دیگران‌اند و همچنین برای پرورش کمالات انسانی در خود نیاز دارند که به دیگران محبت کنند و دیگران را از عاطفه و توجه خویش بهره‌مند سازند. دین جامع اسلام به این نیاز اساسی توجه کافی داشته و تربیت انسان‌هایی حساس به نیازهای عاطفی دیگران را همت خویش قرار داده است. اسلام با ایجاد نگرش صحیح به مسئله، ترغیب انسان‌ها و نیز ارائه الگوهای عملی کوشیده است برای برآوردن این نیاز اساسی بسترهای مناسب را فراهم آورد (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۳۵۵).

در آموزه‌های اسلامی توجه به این نیاز گاهی به صورت آشکار و صریح مطرح شده است. امام علی علیه‌السلام: «بهترین احسان همدلی با برادران ایمانی است»<sup>۷۱</sup> (تمیمی، ۱۳۶۶، ص

63. Lagerspetz, K.

64. Österman, K.

65. Salmivalli, C.

66. Rothberg, S.

67. Ahlbom, A.

68. Eisenberg, N.

69. Miller, P.A.

70. Sroufe, L.A.

۷۱. قال علی علیه‌السلام: «أحسنُ الاحسانِ مُواساةُ الإخوانِ».

۱۹۴). امام صادق علیه السلام: «با همدلی و یاری برادران ایمانی تان به خدا نزدیک شوید»<sup>۷۲</sup> (شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۸، حدیث ۲۶). همچنین فرمود: «دو خصلت است که در هر که نبود از او دوری کن؛ دوری کن، دوری کن». عرض شد: آن دو چیست؟ فرمود: «مواظبت بر خواندن نماز اول وقت و همدلی»<sup>۷۳</sup> (همان، ص ۴۷، حدیث ۵۰). علی علیه السلام می فرماید: «جوانمردی به معنای عدالت در حکومت و گذشت کردن با وجود توانایی بر انتقام و همدلی در معاشرت (یا همدلی و یاری در دشواری) است»<sup>۷۴</sup> (تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۲۲۷). در بسیاری از موارد نیز به صورت ضمنی و تبعی — که حاکی از نوعی نگاه ظریف به مسئله است — به ارضای این نیاز توجه شده است، مانند نهی مؤمن از تصمیم بر عدم حمایت مالی از برادران ایمانی خود<sup>۷۵</sup>، ثواب قرض دادن به برادر مؤمن<sup>۷۶</sup>، حمایت مالی از ایتام<sup>۷۷</sup> و پناه دادن به دورافتادگان از وطن.<sup>۷۸</sup> در مواردی حمایت عاطفی و وجهه غالب رفتار حمایتی است، مانند کشیدن دست نوازش بر سر یتیم<sup>۷۹</sup>، عیادت بیمار<sup>۸۰</sup> و اکرام سالمندان.<sup>۸۱</sup> در موارد اندکی نیز حمایت فقط جنبه عاطفی دارد، مثل مواردی که توصیه می شود مؤمنان با یکدیگر ارتباط

۷۲. قال الصادق علیه السلام: «تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِمُؤَاَسَاةِ إِخْوَانِكُمْ».

۷۳. عن الصادق علیه السلام: «خَصَلْتَانِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ وَالْأَفْعَزُ بِمَنْ أَعَزَّبَ ثُمَّ أَعَزَّبَ! قِيلَ: وَ مَا هُمَا؟ قَالَ: الصَّلَاةُ فِي مَوَاقِيتِهَا وَ الْمُحَافَظَةُ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَاَسَاةُ».

۷۴. قال علی علیه السلام: «الْمُرُوءَةُ أَعْدَلُ فِي الْأَمْرِ وَ الْعَفْوُ مَعَ الْقُدْرَةِ وَ الْمُؤَاَسَاةُ فِي الْعُسْرَةِ».

۷۵. «وَ لَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَ السَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أَوْلِيَ الْقُرْبَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِيَتَّقُوا وَ لِيَصْفَحُوا أَلَّا تُجْحِبُونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور: ۲۲).

۷۶. عن رسول الله صلى الله عليه وآله: «وَ مَنْ أقرَضَ إِخَاهُ الْمُؤْمِنَ بِكُلِّ دَرْهَمٍ أَقرَضَهُ وَزَنَ جَبَلٍ أُخْرٍ وَ جَبَلِ رِضْوَانٍ وَ طُورِ سَيْنَاءَ حَسَنَاتٍ...» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۳۳۱، حدیث ۲۳۷۸۷)؛ عَنْ جَرَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَلَّا أَخْذُكَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ»، قُلْتُ بَلَى. قَالَ «الصَّفْحُ عَنِ النَّاسِ وَ مُؤَاَسَاةُ الرَّجُلِ إِخَاهُ فِي مَالِهِ وَ ذِكْرُ اللَّهِ كَثِيرًا» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹۰، ص ۱۵۷، حدیث ۳۷).

۷۷. عن الإمام علی علیه السلام: «لِلَّهِ فِي الْآيَاتِ مَا فَاتَتْهُمَا أَفْوَاهُهُمْ وَ لَا يَضِعُونَ بِحَضْرَتِكَ فَنِي سَمِعْتُ حَبِيبِي رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ مَنْ عَالَ يَتِيمًا حَتَّى يَسْتَعْنِيَ عَنْهُ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ بِذَلِكَ الْجَنَّةَ» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳، ذیل الیتیم، حدیث ۶۸۱۴).

۷۸. قال الصادق علیه السلام: «يَا ابْنَ جَنْدَبٍ، قَالَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ فِي بَعْضِ مَا أَوْحَى انَّمَا أَقْبَلَ الصَّلَاةَ مَنْ مَن ... يَأْوِي الْغَرِيبَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، حدیث ۱، باب ۲۴، ص ۲۸۱).

۷۹. قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «مَنْ انْكَرَ مِنْكُمْ قِسَاوَةَ قَلْبِهِ فَلْيَدِنْ قَلْبَهُ يَتِيمًا فَيَلْطَفُهُ وَ لِيَمْسَحَ رَأْسَهُ يَلِينُ قَلْبَهُ بِأَذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَانْ لِلْيَتِيمِ حَقًّا» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۸۶، حدیث ۳۶۶۸).

۸۰. «أَمَرْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِاتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ وَ عِيَادَةِ الْمَرِيضِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۱، باب ۴، حدیث ۳، ص ۲۱۵).

۸۱. «إِمَّا يَلْعَنُ عِنْدَكَ الْكَبِيرَ أَخْذُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفِي» (أسراء، ۲۳)؛ قال الرضا علیه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله: «وقرؤا كباركم و أرحموا صغاركم و صلوا أرحامكم و أحفظوا عليه» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۶، باب ۴۶، ص ۳۵۷، حدیث ۲۵).

عاطفی نزدیک داشته باشند<sup>۸۲</sup>، همسران به یکدیگر اظهار محبت کنند<sup>۸۳</sup> و به والدین فرزندان خویش را به دور از خرافات جاهلی و به شکل فراجنسیتی دوست بدارند.<sup>۸۴</sup> فرهنگ اسلامی از طریق ارائه نگرش‌ها و بینش‌های مثبت به رفتار حمایتی و بینش‌های منفی به بی‌اعتنایی به گرفتاری‌های دیگران و کمک نکردن به نیازمندان از یک سو و از طریق برانگیختگی عاطفی و بالا بردن حساسیت‌ها و تهییج روانی از سوی دیگر می‌کوشد افراد را از نظر شخصیتی به گونه‌ای تربیت کند که با دیگران همدلی داشته باشند (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۳۵۱).

رابطه پایبندی مذهبی با متغیرهای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش‌ها رابطه مثبت و معنادار این متغیر با سلامت روان، شادکامی، سخت‌رویی، رضایت از زندگی، احساس بهزیستی، حرمت خود، توان مقابله با درد و کنترل آن، سرعت بهبود بیماری‌های جسمی، هوش هیجانی، انضباط اجتماعی، سازش‌یافتگی، داشتن رابطه متقابل و متعهدانه با دوستان، برخورداری از حمایت اجتماعی، خودباروی و احساس کارآمدی، اعتماد به نفس، عملکرد تحصیلی، هیجان مثبت (مانند خوش‌خلقی، مهربانی، توجه و آرامش)، انعطاف‌پذیری، کنترل خشم، خودمهارگری و تسلط بر احساس درماندگی را تأیید کرده‌اند. رابطه منفی و معنادار این متغیر با بحران هویت، اختلال‌های روانی، مشکلات جسمی، احتمال طلاق، خودکشی، مصرف سیگار، سوءمصرف مواد، پرخاشگری، روان‌پریش‌خویی، نوروگرایی، بزه‌کاری، جرم و رابطه جنسی نامشروع نیز مورد تأیید پژوهش‌ها قرار گرفته است (هراتیان، ۱۳۹۲، ص ۶۸).

یافته‌های پژوهشی نیکویی و سیف (۱۳۸۴، ص ۶۱)، هادیان‌فرد (۱۳۸۴، ص ۲۲۴ و ۲۳۰) و غرایبی، احمدوند، اکبری دهقی و زوزیان (۱۳۸۷، ص ۶۵) نشان می‌دهد که بین باورهای مذهبی زنان و مردان تفاوت معنادار وجود ندارد؛ اما برخی (مانند نوابخش و

۸۲. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات، ۱۰)؛ «رحماء بینهم» (فتح، ۲۹).

۸۳. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اتقوا الله في الضعيفين: اليتيم والمرأه فإن خياركم وخياركم لأهله» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، باب ۵۹، حدیث ۷)؛ عن أبي عبدالله عليه السلام قال: «فأحبوا نساءكم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، باب ۵۹، حدیث ۱۶)؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «قول الرجل للمراه إنی أحبک لا یذهب من قلبها أبدا» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۲۰، باب ۳، حدیث ۲۴۹۳۰، ص ۲۳).

۸۴. رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: «کسی که دختر بچه خود را شادمان کند مانند کسی است که بنده‌ای از فرزندان اسماعیل ذبیح را آزاد کرده باشد» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۲۲۷).



همکاران، ۱۳۸۸، ص ۸۵ و کنلر<sup>۸۵</sup>، لیو<sup>۸۶</sup>، گاردنر<sup>۸۷</sup>، مک کالوف<sup>۸۸</sup>، لارسون<sup>۸۹</sup> و پرسکات<sup>۹۰</sup>، ۲۰۰۳، ص ۴۹۸) زنان را پایبندتر از مردان و پژوهش بهرامی احسان و پورنقاش تهرانی (۱۳۸۸، ص ۱۵) مردان را مذهبی‌تر از زنان می‌دانند.

این پژوهش در پی مطالعات انجام‌شده درباره نقش دین و دین‌داری در ویژگی‌های روانی - اجتماعی افراد شکل گرفته و هدف آن کشف رابطه پایبندی مذهبی و همدلی و نیز بررسی نقش تعدیل‌کننده جنسیت، وضعیت اقتصادی و تأهل در رابطه این دو متغیر است. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال آزمون این فرضیه‌ها است که میان پایبندی مذهبی و همدلی همبستگی معناداری وجود دارد، میزان پایبندی مذهبی و همدلی دانشجویان دختر و پسر از تفاوت معناداری برخوردار است و وضعیت اقتصادی و تأهل تعدیل‌کننده‌های معناداری در رابطه پایبندی مذهبی و همدلی هستند.

### روش پژوهش

در بخش اول پژوهش حاضر از روش پیمایشی استفاده شده است. در این روش هم به توصیف وضعیت جامعه آماری از نظر متغیرهای خاص توجه شده و هم به ارتباط برخی متغیرها پرداخته شده است تا مشخص شود که آیا متغیرهای مورد بحث با یکدیگر رابطه دارند؟ در صورت رابطه داشتن، در چه شرایطی با هم تغییر می‌کنند؟ (آری<sup>۹۱</sup>، جیکوبز<sup>۹۲</sup> و رضویه، ۱۳۸۰، ص ۵۲۹). پایبندی مذهبی، یعنی عاملی که می‌تواند بر متغیر وابسته (همدلی) تأثیر بگذارد، متغیری مستقل در نظر گرفته می‌شود. در بخش دوم، با کاربرد طرح علی - مقایسه‌ای، به ارزیابی تفاوت میزان همدلی و پایبندی مذهبی در دو جنس و نیز تفاوت ضرایب همبستگی‌ها با توجه به متغیرهای تعدیل‌کننده پرداخته شده است.

جامعه آماری، گروه نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری این پژوهش از ۳۰۰۰۰ دانشجوی مرتبط با اداره مشاوره نهاد رهبری در دانشگاه‌ها تشکیل شده است. حجم نمونه ۴۰۰ نفر (۲۲۷ مؤنث و ۱۷۳ مذکر) ۱۷ تا ۳۰ سال (با انحراف استاندارد ۳/۸ سال) است که با روش نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب شدند. پرسش‌نامه‌های پژوهش از طریق

پست الکترونیکی برای ۵۰۰ نفر از این افراد ارسال شد و پس از حذف نامه‌های بی‌پاسخ و پرسش‌نامه‌های ناقص، در نهایت تعداد ۴۰۰ پرسش‌نامه کامل به دست آمد.

ابزار پژوهش

**الف) پرسش‌نامه پایبندی مذهبی:** این آزمون، بر اساس گزاره‌های قرآن کریم و نهج‌البلاغه (خطبه همام) درباره ویژگی‌های مؤمنان، برای سنجش رفتارهای انسانی و میزان پایبندی مذهبی افراد در جوامع اسلامی ساخته شده است (جان‌بزرگی، ۱۳۸۸، ص ۸۸ و ۸۹). نمونه اولیه این آزمون ۱۰۰ سؤال بوده که پس از جداسازی ۴۰ سؤال تست اضطراب کتل، یک ابزار ۶۰ سؤالی برای سنجش پایبندی مذهبی به دست آمده است (همان، ص ۸۹). جان‌بزرگی (همان، ص ۹۶ و ۹۷) این پرسش‌نامه را دارای سه خرده‌مقیاس می‌داند: پایبندی مذهبی، ناپایبندی مذهبی و دوسوگرایی مذهبی. وی (همان، ص ۹۵) با استفاده از روش تحلیل عاملی مشاهده کرد که آلفای کرونباخ کل آزمون معادل ۰/۸۱۶ است. آلفای کرونباخ هر یک از مقیاس‌های پایبندی مذهبی، دوسوگرایی و ناپایبندی مذهبی به ترتیب ۰/۸۷۸، ۰/۶۸۷، ۰/۷۲۵ است. پاسخ‌ها به شکل طیف لیکرت است که ضمن ارائه نمره هر عامل، نمره کلی پایبندی نیز قابل محاسبه است و با معکوس کردن سؤال‌های گویه‌های مربوط به عامل اول و دوم به دست می‌آید. همه گویه‌ها به صورت مستقیم و تنها گویه ۳۵ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌گردند.

**ب) فهرست واکنش‌های بین فردی:** این ابزار را دیویس<sup>۹۳</sup> (۱۹۸۰) برای گردآوری اطلاعات مربوط به متغیر همدلی ساخته است. این ابزار خودسنجی دارای ۲۸ جمله و چهار خرده‌مقیاس است که عبارت‌اند از: ۱. نگرانی همدلانه (این مفهوم به عواطف دیگرگرای حاصل از درک نیاز دیگری اشاره دارد)؛ ۲. دیدگاه‌پذیری (توانای درک اشیا و اتفاقات از نگاه دیگران، نه از نگاه خود یا توانایی در درک تفکر، احساسات و هیجانات دیگران)؛ ۳. اندوه شخصی (واکنش منفی و هیجانی متمرکز بر خود، مانند اضطراب، نگرانی، ناراحتی، به دلیل درک یا فهم وضعیت عاطفی یا شرایط احساسی دیگران)؛ ۴. خیال (جایگزینی خیالی خود در قالب احساسات و اعمال شخصیت‌های تخیلی کتاب‌ها و فیلم‌ها) (تایس<sup>۹۴</sup>، براتسلاوسکی<sup>۹۵</sup> و بامیستر<sup>۹۶</sup>، ۲۰۰۱).

93. Davis, M.H.

94. Tice, D.M.

95. Bratslavsky, E.

96. Baumeister, R.F.

دیویس همچنین در سال ۱۹۸۰ و ۱۹۹۴ ضریب آلفای کرونباخ را برای هر چهار خرده مقیاس بین ۰/۷۱ تا ۰/۷۷ گزارش کرد. او پایایی آزمون - آزمون مجدد را نیز، پس از یک دوره چهار هفته‌ای، بین ۰/۶۲ تا ۰/۸۰ گزارش نمود. شیوه نمره‌گذاری در این آزمون به صورت چهار نمره‌ای است؛ به این معنا که گزینه‌های الف تا د، به صورت مستقیم و معکوس، نمرات ۱ تا ۴ دریافت می‌کنند. ماده‌های ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ به صورت مستقیم و بقیه پرسش‌ها (۴، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴ و ۱۵) به صورت معکوس نمره دریافت می‌کنند؛ کمترین نمره‌هایی که یک فرد می‌تواند بگیرد ۲۸ و بیشترین آن ۱۱۲ خواهد بود.

### یافته‌های پژوهش

در جدول ۱ توصیفات جمعیت‌شناختی و نمرات به دست آمده از متغیرهای پایبندی مذهبی و همدلی و زیرمقیاس‌های آن‌ها ارائه شده است.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیرهای پایبندی مذهبی و همدلی و زیرمقیاس‌های آن‌ها به تفکیک جنسیت

| متغیر                         | جنسیت | M      | SD    | کمینه | بیشینه | تعداد |
|-------------------------------|-------|--------|-------|-------|--------|-------|
| خیال                          | مرد   | ۱۸/۳۶  | ۳/۷۶  | ۸     | ۲۸     | ۱۷۳   |
|                               | زن    | ۱۹/۴۳  | ۳/۶۶  | ۱۱    | ۲۸     | ۲۲۷   |
|                               | کل    | ۱۸/۹۷  | ۳/۷۴  | ۸     | ۲۸     | ۴۰۰   |
| نگرانی همدلانه                | مرد   | ۱۹/۰۹  | ۲/۴۵  | ۷     | ۲۸     | ۱۷۳   |
|                               | زن    | ۲۱/۰۳  | ۴/۸۲  | ۹     | ۲۸     | ۲۲۷   |
|                               | کل    | ۲۰/۱۹  | ۵/۰۹  | ۷     | ۲۸     | ۴۰۰   |
| همدلی دیدگاه‌پذیری            | مرد   | ۱۷/۶۰  | ۳/۲۳  | ۸     | ۲۶     | ۱۷۳   |
|                               | زن    | ۱۸/۶۵  | ۳/۳۶  | ۱۱    | ۲۸     | ۲۲۷   |
|                               | کل    | ۱۸/۱۹  | ۳/۳۴  | ۷     | ۲۸     | ۴۰۰   |
| اندوه شخصی                    | مرد   | ۱۸/۵۱  | ۳/۴۲  | ۹     | ۲۸     | ۱۷۳   |
|                               | زن    | ۱۹/۰۴  | ۳/۱۹  | ۱۰    | ۲۷     | ۲۲۷   |
|                               | کل    | ۱۸/۸۱  | ۳/۲۹  | ۹     | ۲۸     | ۴۰۰   |
| نمره کل همدلی                 | مرد   | ۷۳/۵۶  | ۱۰/۴۲ | ۴۲    | ۹۷     | ۱۷۳   |
|                               | زن    | ۷۸/۱۴  | ۹/۶۹  | ۴۹    | ۹۶     | ۲۲۷   |
|                               | کل    | ۷۶/۱۶  | ۱۰/۲۵ | ۴۲    | ۹۷     | ۴۰۰   |
| پایبندی مذهبی                 | مرد   | ۶۵/۶۶  | ۱۹/۷۷ | ۲۵    | ۸۸     | ۱۷۳   |
|                               | زن    | ۷۳/۳۰  | ۱۶/۶۰ | ۳۷    | ۸۸     | ۲۲۷   |
|                               | کل    | ۷۰/۰۰  | ۱۸/۴۱ | ۲۵    | ۸۸     | ۴۰۰   |
| پایبندی مذهبی دوسوگرایی مذهبی | مرد   | ۶۱/۲۱  | ۱۱/۶۷ | ۳۳    | ۸۴     | ۱۷۳   |
|                               | زن    | ۶۰/۲۵  | ۱۱/۳۷ | ۳۰    | ۸۴     | ۲۲۷   |
|                               | کل    | ۶۰/۶۶  | ۱۱/۴۹ | ۳۰    | ۸۴     | ۴۰۰   |
| پایبندی مذهبی ناپایبندی مذهبی | مرد   | ۴۷/۲۲  | ۸/۳۱  | ۲۷    | ۶۸     | ۱۷۳   |
|                               | زن    | ۴۳/۰۵  | ۹/۳۸  | ۲۳    | ۶۸     | ۲۲۷   |
|                               | کل    | ۴۴/۸۵  | ۹/۱۶  | ۲۳    | ۶۸     | ۴۰۰   |
| نمره کل پایبندی مذهبی         | مرد   | ۱۴۷/۲۳ | ۲۴/۵۲ | ۹۱    | ۲۰۰    | ۱۷۳   |
|                               | زن    | ۱۶۰/۰۱ | ۲۴/۳۸ | ۱۰۷   | ۲۱۸    | ۲۲۷   |
|                               | کل    | ۱۵۴/۴۸ | ۲۵/۲۲ | ۹۱    | ۲۱۸    | ۴۰۰   |

برای بررسی فرضیه اول از روش همبستگی استفاده شد. در جدول ۲ ماتریس همبستگی میان نمرات کل و زیرمقیاس‌های پایبندی مذهبی و همدلی ارائه شده است. همان‌گونه که در جدول نیز مشاهده می‌شود، فقط رابطه میان زیرمقیاس‌های پایبندی مذهبی و خیال معنادار نیست. دامنه روابط معنادار از  $r = -0.102$  تا  $r = 0.759$  در سطح معناداری  $P < 0.05$  گسترده شده است. بدین ترتیب فرضیه اول مورد تأیید قرار می‌گیرد و رابطه همه زیرمقیاس‌ها، غیر از رابطه زیرمقیاس پایبندی مذهبی با زیرمقیاس خیال، نیز تأیید می‌شود.

جدول ۲- ماتریس همبستگی میان نمرات کل و زیرمقیاس‌های همدلی و پایبندی مذهبی

|                         | ۱       | ۲       | ۳       | ۴       | ۵       | ۶       | ۷       | ۸       |
|-------------------------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|
| ۱ خیال                  |         |         |         |         |         |         |         |         |
| ۲ نگرانی همدلانه        | **0.244 |         |         |         |         |         |         |         |
| ۳ دیدگاه‌پذیری          | -0.18   | **0.40  |         |         |         |         |         |         |
| ۴ اندوه شخصی            | **0.30  | **0.44  | 0.22    |         |         |         |         |         |
| ۵ نمره کل همدلی         | **0.567 | **0.839 | **0.525 | **0.639 |         |         |         |         |
| ۶ پایبندی مذهبی         | 0.087   | **0.759 | **0.447 | **0.332 | **0.661 |         |         |         |
| ۷ دوسوگرایی مذهبی       | **0.267 | **0.264 | **0.205 | **0.628 | **0.364 | **0.290 |         |         |
| ۸ ناپایبندی مذهبی       | **0.162 | **0.278 | **0.289 | **0.222 | *-0.102 | **0.349 | **0.407 |         |
| ۹ نمره کل پایبندی مذهبی | *-0.117 | **0.534 | **0.252 | *-0.125 | **0.354 | **0.752 | **0.392 | **0.804 |

\* $P < 0.05$ , \*\* $P < 0.01$

جهت بررسی فرضیه دوم، یعنی تفاوت نمرات کل و خرده‌مقیاس‌های پایبندی مذهبی و همدلی در دو جنس، با توجه روایی مفروضه‌های آماری (مانند نرمال بودن توزیع نمرات بر اساس نتایج آزمون کولموگراف اسمیرنف ( $P > 0.05$ ))، همگنی واریانس متغیرها در دو گروه زنان و مردان ( $P > 0.05$ ))، فاصله‌ای بودن نمرات و تصادفی بودن انتخاب شرکت‌کنندگان پژوهش))، از تحلیل واریانس یکراهه استفاده شده است. در جدول ۳ برای مقایسه نمرات کل و زیرمقیاس‌های متغیرهای پژوهش بین دو گروه دانشجویان دختر و پسر، نتایج آزمون تحلیل واریانس یکراهه ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود نتایج حاکی از معناداری تفاوت نمرات کل و زیرمقیاس‌های همدلی و پایبندی مذهبی بین دو گروه دانشجویان دختر و پسر در نمره کل پایبندی و زیرمقیاس‌های خیال، نگرانی همدلانه و دیدگاه‌پذیری است ( $P < 0.01$ )؛ به این معنا که نمره کل همدلی و زیرمقیاس‌های خیال، نگرانی همدلانه

و دیدگاه‌پذیری در دانشجویان دختر بیشتر است (جدول ۱). همچنین نتایج حاکی از معناداری تفاوت نمرات کل و زیرمقیاس‌های پایبندی و ناپایبندی مذهبی بین دو گروه دانشجویان دختر و پسر است ( $P < 0/01$ )؛ به این معنا که نمره کل و زیرمقیاس پایبندی مذهبی در دانشجویان دختر و زیرمقیاس ناپایبندی مذهبی در دانشجویان پسر بیشتر است (جدول ۱) و در دوسوگرایی مذهبی تفاوتی میان دانشجویان دختر و پسر وجود ندارد. بدین ترتیب فرضیه دوم، جز در زیرمقیاس‌های اندوه شخصی و دوسوگرایی مذهبی، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۳- آزمون تحلیل واریانس یکراه جهت مقایسه متغیرهای پژوهش بین دو گروه دانشجویان دختر و پسر

| متغیر                 | SS        | df1 | df2 | MS        | F      | P     |
|-----------------------|-----------|-----|-----|-----------|--------|-------|
| خیال                  | ۱۱۳/۱۰۶   | ۱   | ۳۹۸ | ۱۱۳/۱۰۶   | ۸/۲۴۲  | ۰/۰۰۴ |
| نگرانی همدلانه        | ۳۶۹/۳۹۷   | ۱   | ۳۹۸ | ۳۶۹/۳۹۷   | ۱۴/۷۰۶ | ۰/۰۰۰ |
| دیدگاه‌پذیری          | ۱۰۷/۵۰۴   | ۱   | ۳۹۸ | ۱۰۷/۵۰۴   | ۹/۸۶۰  | ۰/۰۰۲ |
| اندوه شخصی            | ۲۷/۰۸۰    | ۱   | ۳۹۸ | ۲۷/۰۸۰    | ۲/۵۰۱  | ۰/۱۱۵ |
| نمره کل همدلی         | ۲۰۶۳/۶۲۲  | ۱   | ۳۹۸ | ۲۰۶۳/۶۲۲  | ۲۰/۵۹۲ | ۰/۰۰۰ |
| پایبندی مذهبی         | ۵۷۲۹/۴۱۹  | ۱   | ۳۹۸ | ۵۷۲۹/۴۱۹  | ۱۷/۶۰۲ | ۰/۰۰۰ |
| دوسوگرایی مذهبی       | ۹۰/۷۴۴    | ۱   | ۳۹۸ | ۹۰/۷۴۴    | ۰/۶۸۶  | ۰/۴۰۸ |
| ناپایبندی مذهبی       | ۱۷۱۲/۹۱۵  | ۱   | ۳۹۸ | ۱۷۱۲/۹۱۵  | ۲۱/۴۵۷ | ۰/۰۰۰ |
| نمره کل پایبندی مذهبی | ۱۶۰۲۹/۱۴۴ | ۱   | ۳۹۸ | ۱۶۰۲۹/۱۴۴ | ۲۶/۸۴۰ | ۰/۰۰۰ |

جهت بررسی آزمون فرضیه سوم، ابتدا همبستگی دو متغیر پایبندی مذهبی و همدلی مورد بررسی قرار گرفت و سپس با استفاده از آزمون Z فیشر، تفاوت همبستگی‌ها ارزیابی شد. با توجه به ضرایب Z به دست آمده و معناداری آن‌ها، نتایج نشانگر تأیید نقش تعدیل‌کنندگی وضعیت اقتصادی و عدم تأیید آن درباره جنسیت و وضعیت تأهل است.

جدول ۴- نتایج آزمون Z فیشر در مورد مقایسه تفاوت همبستگی همدلی با نمره کل پایبندی مذهبی با توجه به وضعیت اقتصادی و تأهل

| متغیر مستقل   | تعدیل‌کننده  | همدلی (متغیر وابسته) | Z      | P      |
|---------------|--------------|----------------------|--------|--------|
| وضعیت تأهل    | متأهل (n=۹۹) | *.۰/۴۰۰              | -۰/۶۵۰ | ۰/۵۱۵۴ |
|               | مجرد (n=۳۰۱) | *.۰/۳۳۴              |        |        |
| وضعیت اقتصادی | ضعیف (n=۷۱)  | -۰/۰۰۶               | ۲/۱۰۵  | ۰/۰۳۵۳ |
|               | قوی (n=۵۸)   | *.۰/۳۵۹              |        |        |

\*\*P < 0/01

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه پابندی مذهبی و همدلی و نقش جنسیت در هر یک از این متغیرها انجام شده است. آزمون فرضیه اول نشان داد که میان نمرات کل و زیرمقیاس‌های پابندی مذهبی (به جز زیرمقیاس پابندی مذهبی و خیال) روابط معناداری وجود دارد. رابطه مثبت نمره کل پابندی مذهبی و زیرمقیاس پابندی مذهبی با نمره کل همدلی و زیرمقیاس‌های نگرانی همدلانه و دیدگاه‌پذیری، با پژوهش مارکستورم، هانی، موریس و کراس (۲۰۱۰، ص ۵۹) و بارت (۲۰۰۴، ص ۲۴۹) ناهم‌سو و با پژوهش‌های واتسون، هود، موریس و هال (۱۹۸۴، ص ۲۱۱)، حنیف خان، واتسون و حبیب (۲۰۰۵، ص ۴۹) و واتسون، هود و موریس (۱۹۸۵، ص ۷۳) هم‌سو است. برای تبیین این یافته می‌توان گفت پابندی مذهبی با ایجاد و تقویت هیجانات مثبت، مانند خوش‌خوشی، مهربانی، توجه و آرامش (بالتز،<sup>۷۷</sup> ۲۰۰۲، ص ۲۳۴)، زمینه‌های عاطفی و شناختی برای همدلی در به اشتراک گذاشتن احساسات همدلانه و نگرانی متعادل برای افراد درمانده و درک دیدگاه دیگران را فراهم می‌نماید. همچنین حمایت‌گری و ثمربخشی عاطفی و رفتاری، که از جمله کارکردهای پابندی مذهبی است (کامتور تامسون، ۱۳۸۸، ص ۱۹۸)، می‌تواند توجیه‌کننده رابطه پابندی مذهبی و همدلی باشد. رابطه منفی و معنادار ناپابندی مذهبی با نگرانی همدلانه و دیدگاه‌پذیری و نیز رابطه منفی و معنادار دوسوگرایی با دیدگاه‌پذیری با همین تبیین قابل توضیح است.

وجود رابطه منفی و معنادار بین نمره کل پابندی مذهبی و زیرمقیاس‌های خیال با پژوهش بردلی (۲۰۰۹، ص ۲۰۱) هم‌سو است و پژوهش تأییدکننده‌ای برای رابطه منفی و معنادار به دست آمده بین نمره کل پابندی مذهبی و اندوه شخصی یافت نشد. برای تبیین این یافته می‌توان گفت پابندی مذهبی با ایجاد خودباوری و احساس کارآمدی (بالتز،<sup>۷۸</sup> ۲۰۰۲، ص ۲۳۴)، افزایش احساس بهزیستی (کوهن<sup>۷۹</sup> و هال<sup>۸۰</sup>، ۲۰۰۹، ص ۳۹)،

97. Bulter, L.

98. Cohen, A.B.

101. Ball, J.

104. Cole, B.

107. Brant, C.

99. Hall, D.E.

102. Armistead, B.

105. Vandercreek, L.

100. Krause, N.

103. Austin, B.

106. Belavich, T.

رضایت از زندگی (کروز<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۳، ص ۱۶۰)، حرمت خود (بال<sup>۱۱</sup>، آرمیستد<sup>۱۲</sup> و آستین<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۴، ص ۴۳۱) و جلب حمایت‌های اجتماعی (کوئینگ، ۲۰۰۷، ص ۷۳۷) فراهم آورنده هویت بهنجار فردی و اجتماعی (رجایی، بیاضی و حبیبی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۹۷) است و تفکر افراطی آرزومندانه و تخیل، که به صورت کاذب و در دنیای ذهنی برای نیل به احساس بهزیستی و کارآمدی اجتماعی صورت می‌گیرد، را کاهش می‌دهد. رابطه مثبت و معنادار ناپایبندی و دوسوگرایی مذهبی نیز با همین تبیین توجه‌پذیر است. اندوه شخصی به معنای احساسات خودمحورانه و تنش‌های افراطی در روابط بین فردی است در حالی که پایبندی مذهبی از طریق افزایش هوش هیجانی (رستمی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۶)، توان سازش‌یافتگی با موقعیت تنش‌زا (بالتز، ۲۰۰۲، ص ۲۳۴)، خودمهارگری و تسلط بر احساس درماندگی (پارگامنت، کول<sup>۱۴</sup>، وندرکریک<sup>۱۵</sup>، بلاویچ<sup>۱۶</sup>، برنت<sup>۱۷</sup> و پرز، ۱۹۹۹، ص ۳۲۷) باعث افزایش تسلط بر هیجان و رفتار در موقعیت‌های تنش‌زا می‌شود و فرد را در حالت بهنجار عاطفی و شناختی نگاه می‌دارد. با همین بیان می‌توان رابطه متوسط تا قوی معنادار و مثبت ناپایبندی و دوسوگرایی مذهبی را تبیین کرد.

در تبیین رابطه مثبت و معنادار دوسوگرایی با نگرانی همدلانه می‌توان گفت فرد دوسوگرا، به دلیل فقدان هویت مذهبی بهنجار، همواره نگران و در یک حالت تردید شناختی - عاطفی مذهبی به سر می‌برد؛ به همین دلیل گاهی بین کردار و گفتارش ناهماهنگی وجود دارد، در برابر سختی‌ها کم تحمل است، احساس خوبی درباره خود و رابطه خود با خدا ندارد، از اعمال مذهبی خود ناراضی است و تنها در سختی‌ها به خدا پناه می‌برد، میزان ناهشیاری یا غفلت او زیاد و در زندگی دارای اشتباه‌های تکراری است (جان‌بزرگی، ۱۳۸۸، ص ۹۷). چنین فردی حرمت خود پایبندی دارد (کیومرثی، ۱۳۸۲، ص ۶۸)؛ زیرا بین خود واقعی و خود آرمانی او فاصله است (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۱۲۰). او تلاش می‌کند تا حتی در موقعیت‌های کوچک اجتماعی رفتاری را به معرض نمایش بگذارد تا از راه بازخورد آن قدری بر حرمت خود خویش بیفزاید و احساس بهتری به خود پیدا کند و مدتی از فشار هیجانی تردید و نگرانی بکاهد؛ از این رو، احساسات دیگرمحور و نگرانی‌های او (نگرانی همدلانه) در موقعیت‌های مناسب وارد عمل می‌شوند.

رابطه مثبت و معنادار زیرمقیاس پایبندی مذهبی با اندوه شخصی را، که با پژوهش‌های شافر<sup>۱۰۸</sup> (۱۹۹۷، ص ۶۳۳) و پلزر<sup>۱۰۹</sup> (۲۰۰۵، ص ۷۲۳) ناهم‌سو و با نظر کویلسکی<sup>۱۱۰</sup> (۱۹۹۹، ص ۴۳) هم‌سو است و دین را برآمده از نگرانی‌های شخصی می‌داند، می‌توان چنین تبیین کرد که بر اساس برخی پژوهش‌ها (مانند جعفری، ۱۳۸۴، ص ۹۱) افرادی که از جهت‌گیری مذهبی بیرونی برخوردارند، یعنی پایبندی مذهبی را وسیله‌ای برای نیل به اهداف و ارضای نیازهای خود می‌دانند، در حل مسائل، بیشتر از شیوه مقابله‌ای هیجان‌محور استفاده می‌کنند؛ از این رو در موقعیت‌ها (اندوه شخصی) خودمحوری و تنش بیشتری دارند.

آزمون فرضیه دوم با تحلیل واریانس یکراهه نشان داد که تفاوت نمرات کل و زیرمقیاس‌های پایبندی مذهبی و همدلی بین دانشجویان دختر و پسر معنادار است؛ به این معنا که نمرات کل همدلی و پایبندی مذهبی و زیرمقیاس‌های پایبندی مذهبی، خیال، نگرانی‌همدلانه و دیدگاه‌پذیری در میان دختران دانشجو و نمره زیرمقیاس ناپایبندی مذهبی در میان دانشجویان پسر بیشتر است. این یافته در مورد پایبندی مذهبی و زیرمقیاس‌های آن با پژوهش‌های نوابخش و همکاران (۱۳۸۸، ص ۸۵)، هراتیان (۱۳۹۲، ص ۹۵) و کنلر، لیو، گاردنر، مک‌کالوف، لارسون و پرسکات (۲۰۰۳، ص ۴۹۸) هم‌سو و با پژوهش‌های نیکویی و سیف (۱۳۸۴، ص ۶۱)، هادیانفرد (۱۳۸۴، ص ۲۲۴ و ۲۳۰)، غرابی، احمدوند، اکبری دهقی و زوزیان (۱۳۸۷، ص ۶۵) و بهرامی احسان و پورنقاش تهرانی (۱۳۸۸، ص ۱۵) ناهم‌سو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت جهت‌گیری مذهبی زنان درونی‌تر از مردان است و به سبب برخورداری از ظرفیت‌های عاطفی، پیوند عمیق‌تری با مناسک مذهبی ایجاد می‌کنند؛ از این رو نمره پایبندی‌شان بیشتر از مردان است. جهت‌گیری‌های بیرونی‌تر مردان، به دلیل توجیحات فردی و اجتماعی، نمره آنان را در ناپایبندی افزایش داده و باعث کاهش رتبه آنان در نمره کل پایبندی مذهبی شده است. یافته مذکور در مورد نمره کل همدلی و زیرمقیاس‌های آن، همسو با پژوهش‌های ایزنبرگ و لنون (۱۹۸۳، ص ۱۰۰)، زارواکسلر، راینسسون و امد (۱۹۹۲، ص ۱۰۳۸) و بارون-کوهن و ویلرایت (۲۰۰۴، ص ۱۶۳) است. تراپست و کولینز و امبری (۱۹۹۴) به نقل

108. Schafer, W.E.

109. Peltzer, K.

110. Kwilecki, S.



از آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۳۵۰) این تفاوت را ناشی از تفاوت‌های ژنتیکی و فرهنگی می‌دانند. هیجانی‌تر و ارتباطی‌تر بودن زنان و برخورداری آنان از تخیلاتی شفاف‌تر از مردان، برتری زنان در متغیر همدلی و زیرمقیاس‌های آن را توضیح می‌دهد. نتایج آزمون فرضیه سوم نقش تعدیل‌کنندگی وضعیت اقتصادی راه، برخلاف وضعیت تأهل، تأیید کرد. این یافته با نتایج پژوهش‌هایی چون قمری (۱۳۸۹، ص ۷۵)، کلانتری و کلانتری (۱۳۹۱، ص ۱۷۳)، رفیعی‌هنر و جان‌بزرگی (۱۳۸۹، ص ۳۱) و نوابخش و همکاران (۱۳۸۸، ص ۸۵) ناهم‌سو و با یافته‌های حامد، امیری، محمدی و پشنگ (۱۳۹۲)، توان، جهانی، سراجی و محمدیگی (۱۳۸۹، ص ۲۷)، ادیبی‌سده، بحری‌پور و بحری‌پور (۱۳۹۲) و گال<sup>۱۱۱</sup>، کریس‌جانسون<sup>۱۱۲</sup>، چاربونه<sup>۱۱۳</sup> و فلوراک<sup>۱۱۴</sup> (۲۰۰۹ق، ص ۱۷۴) هم‌سو است. هم‌سوئی این یافته با برخی گزاره‌های دینی نیز مورد تأیید است، از جمله «چه نزدیک است که فقر به کفر منجر گردد»<sup>۱۱۵</sup> و «فقر در معرض ابتلا به چهار پیامد است: ضعف در یقین، نقصان در عقل، ضعف در دین و کم‌شدن حیا»<sup>۱۱۶</sup>. این نتیجه‌گیری ممکن است به این دلیل باشد که مفاهیم طبقات اقتصادی پایین، متوسط و خوب دارای ارزش کیفی هستند و به طور کمی مشخص نشده‌اند؛ از این رو احتمال تداخل و عدم تفاهم بین پاسخ‌دهندگان وجود دارد. شاید مراحل تحول روانی - معنوی افراد در نقش پایگاه اقتصادی برای تعدیل پایبندی مذهبی تأثیرگذار باشد. بنابر نظریه تحول روانی - معنوی جینیا<sup>۱۱۷</sup> (۱۹۹۰ به نقل از شک<sup>۱۱۸</sup>، ۲۰۱۲، ص ۳ و جان‌بزرگی، ۱۳۸۶، صص ۳۶۰-۳۶۲) دین‌داری افراد می‌تواند در یکی از مراحل پنج‌گانه خودبینانه<sup>۱۱۹</sup>، تعصبی (جزمی‌نگر)<sup>۱۲۰</sup>، دوسوگرایانه<sup>۱۲۱</sup>، بازساخت‌یافته<sup>۱۲۲</sup> و متعالی<sup>۱۲۳</sup> باشد و افراد دارای پایبندی مذهبی می‌توانند در هریک از مراحل پنج‌گانه فوق باشند. در مورد افرادی که در هر یک از

111. Gall, T.L. 112. Kristjansson, E. 113. Charbonneau, C. 114. Florack, P.

۱۱۵. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹ ص ۴۷).  
 ۱۱۶. قال علی علیه السلام: «مَنْ أَبْتَلِيَ بِالْفَقْرِ، أَبْتَلِيَ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ، بِالضَّعْفِ فِي يَقِينِهِ وَالنُّقْصَانِ فِي عَقْلِهِ وَ الرَّقْهِ فِي دِينِهِ وَ قَلْبِهِ الْحَيَاءِ فِي وَجْهِهِ» (همان، ص ۴۷ و ۴۸).

117. Genia, V. 118. Shek, D.T.L. 119. egocentric faith  
 120. dogmatic faith 121. transitional faith 122. reconstructed faith  
 123. transformational faith 124. Verhagen, P. 125. Van, P.H.M.  
 126. López-Ibor, J.J. 127. Cox, J. 128. Moussaoui, D.

سه مرحله اولیه تحول روانی - معنوی مانده باشند، دین‌داری نه تنها نمی‌تواند مقابله مثبتی در موقعیت‌های دشوار اقتصادی باشد، بلکه ممکن است تحت تأثیر فشارهای اقتصادی، فرد به دغدغه رفع نیازهای اولیه و فیزیولوژیک محدود شود.

در مورد یافته مربوط به وضعیت تأهل نیز می‌توان به این احتمال توجه کرد که ازدواج در میزان پایداری افراد اثرگذار نیست؛ زیرا اصل اعتقادات دینی از باورهای هسته‌ای هستند (ورهانگن<sup>۱۳۴</sup>، وان<sup>۱۳۵</sup>، لوپزلیبور<sup>۱۳۶</sup>، کاکس<sup>۱۳۷</sup> و ماسائی<sup>۱۳۸</sup>، ۲۰۱۰، ص ۱۵۸) که کمتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند و نوع و سطح دین‌داری است که، بسته به موفقیت یا عدم موفقیت ازدواج، دچار تغییر می‌گردد.

## منابع

- احمدی، محمدرضا (۱۳۸۵)، «مبانی روان‌شناختی ارتباط مؤثر والدین با فرزندان در محیط خانواده»، مجله معرفت، شماره ۱۰۴، ۱۸-۲۵.
- ادیبی‌سده، مهدی، بحری‌پور، عباس و بحری‌پور، مجتبی (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و میزان دینداری»، جامعه‌شناسی جوانان، سال دوم، شماره ۳، ۲۱-۵.
- آذربایجانی، مسعود، کاویانی، محمد، سالاری‌فر، محمدرضا، موسوی اصل، مهدی و عباسی، اکبر (۱۳۸۲)، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، تهران: سمت.
- آری، دونالد، جیکوبز، لوسی‌چسر و رضویه، اصغر (۱۹۹۶)، روش تحقیق در تعلیم و تربیت، ترجمه وازگن سرکیسیان، مینو نیکو و ایمان سعیدیان (۱۳۸۰)، تهران: سروش.
- بهرامی احسان، هادی و پورنقاش تهرانی، سعید (۱۳۸۸)، «رابطه ابعاد شخصیت و جهت‌گیری مذهبی روان‌شناسی (دانشگاه تبریز)»، مجله روان‌شناسی دانشگاه تبریز، سال چهارم، شماره ۱۳، ۴۱-۳۷.
- التمیمی، عبدالواحد محمد (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، قم: نشر مکتبه الأعلام الإسلامیه.
- توان، بهمن، جهانی، فرزانه، سراجی، محمود و محمدیگی، ابوالفضل (۱۳۸۹)، «رابطه نگرش دینی و سلامت روانی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اراک در سال ۱۳۸۸»، مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک، سال سیزدهم، شماره ۴، ۲۷-۳۴.
- جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۶)، «جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان»، پژوهش در پزشکی، سال سی و یکم، شماره ۴، ۳۴۵-۳۵۰.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، «ساخت و اعتباریابی آزمون پایبندی مذهبی بر اساس گزاره‌های قرآن و نهج‌البلاغه»، اسلام و مطالعات روان‌شناسی، سال سوم، شماره ۵، ۷۹-۱۰۷.
- جعفری، علیرضا (۱۳۸۴)، «رابطه جهت‌گیری مذهبی (درونی- بیرونی) با شیوه‌های مقابله با استرس در دانشجویان»، علوم رفتاری، سال اول، شماره ۱، ۹۱-۱۱۴.
- حامد، بی‌تا، امیری، سیاوش، محمدی، زهرا و پشنگ، سپیده (۱۳۹۲)، بررسی وضعیت دینداری جوانان شهر کرمانشاه (با تأکید بر پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنان) (طرح پژوهشی).
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق)، وسائل‌الشیعه، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
- درویزه، زهرا (۱۳۸۲)، «بررسی رابطه همدلی مادران و دختران دانش‌آموز دبیرستانی و اختلالات رفتاری دختران شهر تهران»، مطالعات زنان، سال اول، شماره ۳، ۵۸-۲۹.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، جلد هشتم، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- رجایی، علیرضا، بیاضی، محمدحسین و حبیبی‌پور، حمید (۱۳۸۸)، «باورهای مذهبی اساسی، بحران هویت و سلامت عمومی جوانان»، روان‌شناسی تحولی، سال ششم، شماره ۲۳، ۹۷-۱۰۷.
- رستمی، نادیا (۱۳۸۳)، «بررسی رابطه وضعیت مذهبی با هوش هیجانی در دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی شهر تهران در سال تحصیلی ۸۳-۸۴، نوآوری‌های آموزشی، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۱۶-۱۲۸.
- رفیعی‌هنر، حمید و جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۹)، «رابطه جهت‌گیری مذهبی و خودمهارگری»، روان‌شناسی و دین، سال سوم، شماره ۱، ۳۱-۴۲.

- روحانی، عباس و معنوی‌پور، داود (۱۳۸۷). «رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، سال دهم، شماره ۳۵ و ۳۶، ۱۸۹-۲۰۶.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۳ق)، *الخصال*، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عمید، حسن (۱۳۸۷)، *فرهنگ فارسی*، جلد دوم، تهران: امیر کبیر.
- غرایبی، بنفشه، احمدوند، افشین، اکبری دهقی، اشرف و زوزیان، سعیده (۱۳۸۷). «بررسی ارتباط سلامت روان با مذهب درونی و بیرونی در شهر کاشان»، پژوهش‌های نوین روان‌شناختی (دانشگاه تبریز)، سال سوم، شماره ۱۰، ۵۹-۸۳.
- فقیهی، علی‌نقی، خدایاری‌فرد، محمد، غباری‌بناب، باقر و شکوهی‌یکتا، محسن (۱۳۸۵). «بررسی الگوی دین‌داری از منظر قرآن و سنت»، اندیشه دینی، سال هشتم، شماره ۱۹، ۴۱-۷۰.
- فیض‌آبادی، زهرا، فرزاد، ولی‌الله و شهرآرای، مه‌ناز (۱۳۸۶). «بررسی رابطه همدلی با سبک‌های هویت و تعهد در دانشجویان رشته‌های فنی و علوم انسانی»، *مطالعات روان‌شناختی*، سال سوم، شماره ۲، ۶۵-۹۰.
- قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۸۹). «کارکرد دین در انسان و جامعه»، *قیسات*، شماره ۲۸، ۱۶۱-۱۸۸.
- قمری، محمد (۱۳۸۹). «بررسی رابطه دین‌داری و میزان شادمانی در بین دانشجویان به تفکیک جنسیت و وضعیت تاهل»، *روان‌شناسی و دین*، سال سوم، شماره ۳، ۷۵-۹۱.
- کیومرثی، محمدرضا (۱۳۸۲). «رابطه جهت‌گیری مذهبی با عوامل شخصیت»، *مجله معرفت*، شماره ۷۵، ۵۹-۷۷.
- کامتور تامسون، ویلیام سی. (۲۰۰۵). «بهبودی از دیدگاه دین و روان‌شناسی»، ترجمه و نقد مبین صالحی و مهدی عباسی (۱۳۸۸)، *روان‌شناسی و دین*، سال دوم، شماره ۲، ۱۸۹-۲۵۳.
- کلانتری، میترا و کلانتری عبدالحسین (۱۳۹۱). «دین‌داری در نسل‌های مختلف (مطالعه موردی شهرستان ساری)»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، سال اول، شماره ۲، ۱۷۳-۲۰۰.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحارالأنوار*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۴ق). *بحارالأنوار*. بیروت: الوفاء.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۳)، *منتخب میزان‌الحکمه*، قم: دارالحدیث.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰)، *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، جلد سوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- معین، محمد (۱۳۸۷)، *فرهنگ فارسی*، جلد سوم، تهران: نشر دبیر.
- نوابخش، مهرداد، پوریوسفی، حمید و میرآخوری، مژگان (۱۳۸۸). «بررسی میزان پایبندی مذهبی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار»، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، سال سوم، شماره ۳، ۹۱-۹۶.
- نیگوی، مریم و سیف، سوسن (۱۳۸۴). «بررسی رابطه دینداری با رضایتمندی زناشویی»، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، سال چهارم، شماره ۱۳، ۶۱-۷۹.
- هادیانفرد، حبیب (۱۳۸۴). «احساس ذهنی بهزیستی و فعالیت‌های مذهبی در گروهی از مسلمانان»، *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)*، سال یازدهم، شماره ۲، ۲۲۴-۲۳۲.
- هراتیان، عباس علی (۱۳۹۲). *رابطه روان‌بنده‌های ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی با توجه به پایبندی مذهبی زوجین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- Ball, J., Armistead, B., and Austin, B. (2004), "The relationship between religiosity and adjustment among African-American, female, urban adolescents", *Journal of Adolescence*, 26, 431-446.
- Baron-Cohn, S and Wheelwright, S. (2004), "The Empathy Quotient: An Investigation of Adults with Asperger Syndrome or High Functioning Autism, and Normal Sex Differences", *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 34(2), 163-175.
- Bart, D. (2004), "Are religious people nicer people? Taking a closer look at the religion-empathy relationship", *Mental Health, Religion and Culture*, 7, 3, 249-254.
- Borke, H. (1971), "Interpersonal perception of young children: Egocentrism or empathy?", *Developmental Psychology*, 5, 263-269.
- Bradley, C. (2009), "The Interconnection between Religious Fundamentalism, Spirituality, and the Four Dimensions of Empathy", *Review of Religious Research*, 51, 2, 201-219.
- Brothers, L. (1990), "The neural basis of primate social communication", *Motivation and Emotion*, 14, 81-91.
- Buie, Dan H. (1981), "Empathy: Its nature and limitation", *Journal of the American Psychoanalytic Association*, 29, 281-307.
- Bulter, L. (2002), "Self-concept as a predictor of college freshman academic adjustment", *College Student Journal*, 36(2), 234-246.
- Cohen, A. B., and Hall, D. E. (2009), "Existential beliefs, social satisfaction and well-being among catholic, jewish and protestant older adults", *International Journal for Psychology of Religion*, 19 (1), 39-54.
- Davis M.H., Luce C., and Kraus S.J. (1994), "The heritability of characteristics associated with dispositional empathy", *Journal of Personality*, 62, 369-391.
- Davis, M. H. (1980), "A multidimensional approach to individual differences in empathy", *JSAS Catalog of Selected Documents in Psychology*, 10(4), 85.
- Eisenberg, N. and Lennon, R. (1983), "Sex differences in empathy and related capacities", *Psychological Bulletin*, 94, 100-131.
- Eisenberg, N. and Miller, PA (1987), "The relation of empathy to prosocial and related behaviors", *Psychological Bulletin*, 101, 91-119.
- Feshbach, N. D., and Feshbach, S. (1969), "The relationship between empathy and aggression in two age groups", *Developmental Psychology*, 1, 102-107.
- Gall, T.L., Kristjansson, E., Charbonneau, C., and Florack, P. (2009), "A longitudinal study on the role of spirituality in response to the diagnosis and treatment of breast cancer", *Journal of Behavioral Medicine*, 32, 174-186.

- Greenson, Ralph R. (1960), "Empathy and its vicissitudes", *International Journal of PsychoAnalysis*, 41, 418-424.
- Haneef Khan, Z., Watson, P.J. and Habib, F. (2005), "Muslim attitudes toward religion, religious orientation and empathy among Pakistanis", *Mental Health, Religion and Culture*, 8, 1, 49-61.
- Hopkins. P.T. (2012), "Transcending the animal: How transhumanism and religion are and are not alike", *Journal of Evolution and Technology*, 14(2), 13-28.
- Kalliopuska, M. (1992), "Attitudes towards health, health behavior, and personality factors among school students very high on empathy", *Psychological Reports*, 70, 1119-1122.
- Kaukiainen, A., Bjorkqvist, K., Lagerspetz, K., Österman, K., Salmivalli, C., Forsblom, S. and Ahlbom, A. (1999), "The relationships between social intelligence, empathy, and three types of aggression", *Aggressive Behaviour*, 25(2), 81-89.
- Kendler KS, Liu XQ, Gardner CO, McCullough ME, Larson D, Prescott CA. (2003), "Dimensions of religiosity and their relationship to lifetime psychiatric and substance use disorders", *American journal of psychiatry*, 160(3), 496-503.
- Koenig, H. G. (2007), "Spirituality and depression: a look at the evidence", *Southern Medical Journal*, 100, 7, 737-739
- Krause, N. (2003), "Religious Meaning and Subjective Well-Being in Late Life", *Journal of Gerontology: Social Sciences*, 58(3), 160-170.
- Kwilecki, S. (1999), *Becoming religious: understanding devotion to the unseen*, Bucknell University Press, Canada.
- Macmillan, P. (2005), *International Dictionary of Psychoanalysis*, Gale, Michigan.
- Markstrom, C.A., Huey, E., Morris, B., and Krause, A. (2010), "Frameworks of Caring and Helping in Adolescence: Are Empathy, Religiosity, and Spirituality Related Constructs?", *Youth Society*, 42(1), 59-80.
- Martineau, J. (1888), *A Study of Religion*, Oxford: Clarendon Press.
- McCullough, M. E., Worthington, E. L., Jr, and Rachel, K. C. (1997), "Interpersonal forgiveness in close relationships", *Journal of Personality and Social Psychology*, 75, 321-326.
- Pargament, K.I., Cole, B., Vandercreek, L., Belavich, T., Brant, C., and Perez, L. (1999), "The vigil: Religious and search for control in the hospital waiting room", *Journal of Health Psychology*, 4 (3), 327-341.

- Peltzer, K. (2005), "Religiosity, personal distress and minor psychiatric morbidity among black students in South Africa", *Social Behavior and Personality*, 33(7), 723-733.
- Peterson, M.; Hasker, W., Reichenbach, B. and Basinger, D. (1991), *Religious Belief, An Interoduction to the Philosophy of Religion*, Oxford University Press.
- Reber, A. S. (1995), *Dictionary of psychology*, London, Penguin Books, Second edition.
- Schafer, W. E. (1997), "Religiosity, spirituality, personal distress among college students", *Journal of College Student Development*, 38, 633-644.
- Shek, D.T.L. (2012), "Spirituality as a Positive YouthDevelopment Construct: A Conceptual Review", *Scientific World Journal*.
- Snow, T.S. and Compton, W.C. (1996), "Marital satisfaction and communication in fundamentalist Protestant marriages", *Psychology Reports*, 78, 979-985.
- Sroufe, L. A. (1989), Relationships, self, and individual adaptation, In A. J. Sameroff and R. N. Emde (Eds.), *Relationship disturbances in early childhood: A developmental approach* (pp. 70-94), New York: Basic Books.
- Tice, D.M., Bratslavsky, E., and Baumeister, R.F. (2001), "Emotional distress regulation takes precedence over impulse control: If you feel bad, do it!", *Journal of Personality and Social Psychology*, 80, 53-67.
- Ungerer, J.A., Dolby, R., Waters, B., Barnett, B., Kelk, N., and Lewin, V. (1990), "The early development of empathy: Self-regulation and individual differences in the first year", *Motivation and Emotion*, 14, 93-106.
- Verhagen, P., Van, P.H.M., López-Ibor, J.J., Cox, J. and Moussaoui, D. (2010), *Religion and Psychiatry: Beyond Boundaries*, Wiley press.
- Watson, P.J.; Hood, Jr. R.W.; Morris, R.J. and Hall, J.R. (1984), "Empathy, Religious Orientation, and Social Desirability", *The Journal of Psychology: Interdisciplinary and Applied*, 117, 2, 211-216.
- Watson, P.J.; Hood, R.W. and Morris, R.J. (1985), "Dimensions of religiosity and empathy", *Journal of Psychology and Christianity*, 4(3), 73-85.
- Widlöcher, Daniel. (1993), "L'analyse cognitive du silence en psychanalyse: Quand les mots viennent à manquer", *Revue Internationale de psychopathologie*, 12, 509-528.
- Zahn-Waxler, C.; Robinson, J.L. and Emde, R.N. (1992), "The development of empathy in twins", *Developmental Psychology*, 28(6), 1038-1047.

## ملخص المقالات

### من الوعي الذاتي إلى الصحة النفسية؛ اختبار نموذج من خلال منهج تحليل المسار<sup>١</sup>

مسعود نور عليزاده ميانجى / طالب دكتوراه فى علم النفس، مؤسسة الإمام الخمينيؑ للتعليم و البحث  
Mnoor57@Gmail.com

#### الملخص

تهدف المقالة التى بين يدى القارئ الكريم إلى تصميم نموذج لاختبار دور الوعي الذاتى والهوية فى عملية تأثير معرفة الله فى الصحة النفسية، وبيان آليات فاعليتهما فى هذه العملية، وتعتمد المقالة على المنهج الوصفى من نوع الترابط، كما استخدم الباحث منهج تحليل المسار لتحليل البيانات المتحصلة من المعايير الأربعة التى تمّ استجوابها من ٢٢٥ شخصاً كعينة مختبرية، حيث تشير نتائج الدراسة إلى وجود توافق مقبول بين النموذج العلى الذى تمّ عرضه وبين منهج تحليل مسار معرفة الله إلى الصحة النفسية من خلال وساطة «الوعي الذاتى» و«البحث عن الهوية». بناءً على ما تقدم، فإنه من الممكن بيان آليات تأثير معرفة الله وذكره فى هدوء النفس وصحتها من خلال عمليتى الوعي الذاتى والبحث عن الهوية، كما يمكن بيان أثرها فى ضمان التوحيد والانسجام والتوازن للنظام النفسى من جراء وظائف الشخصية.

**الكلمات الدالة:** معرفة الله، الوعي الذاتى، البحث عن الهوية، الصحة النفسية، منهج تحليل المسار.



## دراسة مدى فاعلية تعليم المعارف الإسلامية المتعلقة بعلاقات الزوجين في تخفيض الاضطرابات السلوكية عند الأطفال

mahdijafari3@gmail.com

مهدي جعفري / ماجستير الإرشاد والاستشارة بالمعهد العالي للأخلاق والتربية  
محمد رضا أحمدى / أستاذ مساعد في قسم علم النفس بمؤسسة الإمام الخميني للتعليم و البحوث  
رضا مهكام / طالب دكتوراه في علم النفس بمؤسسة الإمام الخميني للتعليم و البحوث

### الملخص

أول ما يتأثر الطفل من بيئة الأسرة والعوامل المؤثرة فيها، فلذلك لا يمكن تخفيض الاضطرابات السلوكية عند الأطفال بمعزل عن الأشخاص المؤثرين فيه في الأسرة خاصة والديه، والهدف الذي تتبعه هذه المقالة هو دراسة مدى فاعلية تعليم المعارف الإسلامية المتعلقة بالعلاقات الزوجية في تخفيض الاضطرابات السلوكية عند الأطفال، وتعتمد فيها على منهج الاختبار من نوع الاختبار القبلي-البعدي وإنشاء مجموعة المقارنة. ويتمثل المجتمع الاحصائي لهذه الدراسة في جميع التلاميذ البنات في المرحلة المتوسطة الأولى بمدينة قم المقدسة والديهن، حيث اخترنا عينات البحث بشكل عشوائي في عدة مراحل وأجابت البنات المختارات عن استبانة آخباخ، وبعد إنشاء مجموعتي الاختبار والمقارنة، قمنا بتوزيع الحزمة التعليمية المصممة بواسطة الباحثين بين والدي مجموعة الاختبار وتوجيههم ومن ثم قمنا بإجراء الاختبار البعدي. أما البيانات المتحصلة، فقد تم تحليلها وتلخيصها على أساس مناهج الإحصاء الوصفي، كما استخدمنا تحليل التباين المشترك (كوفاريانس الإحصائي) للإجابة عن أسئلة البحث، بحيث تشير النتائج إلى أن تعليم المعارف الدينية المتعلقة بالعلاقات الزوجية يؤثر في تخفيض الاضطرابات السلوكية العامة والاضطرابات الناشئة عن المثيرات البيئية عند الأطفال. أما نتائج البحث، فإنها لا تثبت فرضية البحث حول تأثير تعليم المعارف الدينية في الاضطرابات الناجمة عن المثيرات الداخلية. كما تشير النتائج إلى أن المتغيرات السكانية (الديموغرافية) لن تؤثر في ظهور الاضطرابات السلوكية عند الأطفال، لذلك، فإن الحزمة التعليمية تمكنت من تحقيق التغييرات الإيجابية في عملية الارتباط بين الزوجين والارتباط بين الوالدين والأطفال، وذلك من خلال التدخل وإيجاد التغيير في المبادئ الأساسية للارتباط والخصائص الشخصية ومناهج إدارة التعارض.

**الكلمات الدالة:** المعارف الدينية، العلاقات الزوجية، الاضطرابات السلوكية عند الأطفال.

## علاقة المخططات المبكرة غير التكيفية والخصائص الشخصية برذيلة الكبر

عباس على هراتيان / طالب دكتوراه فى علم النفس، المعهد العالى للحوزة و الجامعة

محمد رضا جهانجيرزاده / طالب دكتوراه فى علم النفس، مؤسسة الإمام الخمينيؑ للتعليم والبحوث

torkashj@gmail.com

محمد رضا جهانجيرزاده / طالب دكتوراه فى علم النفس و المعهد فى مؤسسة الإمام الخمينيؑ للتعليم و البحوث

### الملخص

الهدف من هذه المقالة هو تحديد علاقة المخططات المبكرة غير التكيفية والخصائص الشخصية بالكبر، وتعتمد المقالة على المنهج الوصفي من نوع الترابط، حيث يتمثل المجتمع الإحصائي للبحث فى جميع طلاب جامعة آزاد الإسلامية - فرع خمين. أما عينة البحث، فقد شملت ٣٤٨ طالباً حيث تم اختيارهم بشكل عشوائي عشودى، و أجابوا عن إستبانة المخططات المبكرة غير التكيفية، واستبانة NEO-PI-R واستبانة المعايير الإسلامية للكبر والتواضع. وبالتالي تم تحليل البيانات من خلال بعض المناهج الإحصائية كمعامل الارتباط لبيرسون واختبار تحليل الانحدار التدريجي، حيث تشير نتائج البحث إلى أن هناك ارتباط إيجابى بين جميع المجالات للمخططات المبكرة غير التكيفية والعصابية (Neuroticism) كمقياس جانبى لها، كما تشير إلى إيجاد ارتباط سلبى بين بعض المقاييس الجانبية كالإنسباط، والتجريبية، وكون الإنسان موافقاً وتمتعه بالضمير الواعى وبين الكبر. كما تتمكن درجة جميع المخططات المبكرة غير التكيفية كالتوافق، والقيود المختلة، والعصابية، والإنسباط على أن تبين قسماً ملحوظاً وذات معنى من تباين الكبر.

الكلمات الدالة: المخططات المبكرة غير التكيفية، الخصائص الشخصية، الكبر.

## تأثير تعليم مكونات الذكاء الروحاني في كبح الشهوة الجنسية عند الطلاب البنين

abedininasir@yahoo.com

نصير عابديني / طالب دكتوراه في علم النفس، المعهد العالي للحوزة و الجامعة  
فرامرز سهرابي / أستاذ مشارك في جامعة العلامة الطباطبائي

### المخلص

تهدف هذه المقالة إلى تحديد مدى تأثير تعليم مكونات الذكاء الروحاني في كبح الشهوة الجنسية عند الطلاب البنين في جامعات مدينة طهران، وتعتمد الدراسة على منهج الاختبار من نوع الاختبار القبلي-البعدي وإنشاء مجموعة المقارنة. أمّا المجتمع الإحصائي للدراسة، فيتمثل في جميع طلاب البنين في جامعات مدينة طهران، حيث اختير من بينهم ٢٦ شخصاً بشكل عشوائي عنقودي وفي عدة مراحل، وقد استخدم الباحثان استبانة كبح الشهوة الجنسية لجمع البيانات، ومنهج محاسبة الوسط والانحراف المعياري لوصفها، كما استخدمتا التباين المشترك (كوفاريانس الإحصائي) لتحليلها. وأسفرت نتائج تحليل البيانات عن أن تعليم مكونات الذكاء الروحاني ينجم عن زيادة كبح الشهوة الجنسية عند الطلاب البنين في جامعات مدينة طهران.

**الكلمات الدالة:** الذكاء الروحاني، كبح الشهوة الجنسية، المنهج الاختباري.

## مقارنة الخصائص الشخصية والرضا عن الحياة عند التلاميذ في الأسر ذات الطفل الواحد أو طفلين والأسر ذات أطفال أكثر من طفلين

محمد زارعي توبخانه / طالب دكتوراه في علم النفس ، المعهد العالي للحوزة والجامعة mohammad1358z@gmail.com

### الملخص

تتطرق المقالة التي بين يدي القارئ الكريم إلى مقارنة الخصائص الشخصية ومدى الرضا عن الحياة عند التلاميذ في الأسر ذات الطفل الواحد أو طفلين والأسر ذات الأطفال الأكثر، وشملت عينة البحث ٢٥٩ تلميذاً من تلامذة السنة الأولى حتى الثالثة في المدارس الثانوية بمدينة بهارستان في محافظة طهران، حيث تم اختيارهم بشكل عشوائي وعقودي. تعتمد المقالة في دراستها على المنهج الوصفي من نوع الترابط، وأجاب المجتمع الإحصائي عن استبانة آيزنك للشخصية واستبانة الرضا عن الحياة. إن البيانات المتحصلة تم تحليلها من خلال اختبار -U مان ويتنى، حيث تشير النتائج إلى أن معدل درجة العصبية والفصام عند التلاميذ في الأسر ذات الطفل الواحد أو طفلين هو أكثر من التلاميذ في الأسر ذات الأطفال الأكثر بشكل ملحوظ وذات معنى، كما لا يوجد أي اختلاف ملحوظ بين المجموعتين بالنسبة إلى معدل درجة انبساطهم أو رضاهم عن الحياة، نتيجة لذلك، فيزداد احتمال صحة الشخصية والرضا عن الحياة عند الأطفال، كلما يزداد عددهم في الأسرة.

الكلمات الدالة: الشخصية، الرضا عن الحياة، عدد الأطفال.

## الصلة بين حرمة النفس وضبط النفس الإسلامى بالنظر إلى الجنس والحالة الاجتماعية (متزوج أو أعزب)

حميد رفيعى هنر / طالب دكتوراه فى علم النفس، مؤسسة الإمام الخمينيؑ للتعليم و البحوث hamidrafii2@gmail.com  
عباس آينه شى / طالب دكتوراه فى علم النفس، مؤسسة الإمام الخمينيؑ للتعليم و البحوث  
مريم رجبى / ماجستير علم النفس العام، مؤسسة الإمام الخمينيؑ للتعليم و البحوث

### المُلخَص

أجريت الدراسة التى بين يدي القارئ الكريم بهدف الكشف عن الصلة بين حرمة النفس وضبط النفس بين النساء والرجال، أمّا عَيّنات البحث، فقد شملت ٤٣٣ شخصاً من الطّلاب التابعين لممثلة قائد الثورة الإسلامية فى الجامعات، حيث تمّ اختيارهم على أساس منهج أخذ العيّنات العرضية (الراحة أخذ العيّنات) وأجاب المجتمع الإحصائي عن الأسئلة الموجودة فى استبانات حرمة النفس واستبانة ضبط النفس الإنسانى، ومن ثمّ قام الباحثان بتحليل البيانات اعتماداً على اختبار معامل الارتباط لبيرسون واختبار Z (قيمة Z المحسوبة)، حيث تشير نتائج البحث إلى أنّ هناك صلة ملحوظة وذات معنى بين حرمة النفس وضبط النفس بشكل عام وبين عناصره كالحافز لضبط النفس، ومراقبة الذات، وضبط النفس العاطفى-السلوكى، وضبط النفس الجنىسى، وقبول الهدف. ومن جانب آخر فإنّ الاختلاف بين صلة حرمة النفس وضبط النفس فى مجموعة الرجال و مجموعة النساء كان ملحوظاً، ولكن لم يكن الفرق بين الأشخاص المتزوجين والعزّب كثيراً من خلال مقارنة بعضهم مع البعض. بناءً على ما تقدّم، فمن المتوقّع ارتفاع مستوى ضبط النفس عند الأشخاص، طالما يزداد فيهم حرمة النفس، وفى ذلك الحين، فإنّ متغيّر الجنس يمكن أن يلعب الدور على خلاف متغيّر الحالة الاجتماعية.

**الكلمات الدالّة:** حرمة النفس، ضبط النفس، التقوى، كرامة النفس.

## الصلة بين الالتزام الديني والتعاطف بين الطلاب البنات والبنين، بالنظر إلى الأوضاع الاقتصادية والحالة الاجتماعية

محمد صادق أقالجاني / طالب دكتوراه في علم النفس في جامعه المصطفى العالميه  
فاطمة السادات شمسي نجاد / ماجستير علم النفس العيادي، جامعه آزاد الإسلامية فرع قم  
زهراء اسكندري / ماجستير علم النفس العام، جامعه آزاد الإسلامية فرع قم

### الملخص

إنّ التعاطف يعدّ متغيّراً فاعلاً في كيفية العلاقات بين الأفراد، ويتمتع بمكونات معرفية، وعاطفية، وسلوكية خاصة بذاته، والهدف الذي تتبعه هذه المقالة هو الصلة بين التعاطف ومكوناته وبين الالتزام الديني. أمّا المنهج المعتمد عليها في هذه المقالة، فهو المنهج الوصفي من نوع الترابط والمنهج العليّ-المقارن، ويتمثل المجتمع الإحصائي لهذا البحث في ٤٠٠ طالباً وطالبة من الطلاب المنتمين إلى إدارة الاستشارة لممثلية قائد الثورة الإسلامية (دام ظلّه الوارف) في الجامعات، حيث تمّ اختيارهم على أساس أخذ العينات بشكل عشوائي، وأجابوا عن أسئلة استبانة الالتزام الديني لجان بزرجي واستبانة التعاطف (قائمة ردود الفعل بين الأفراد) لديفيز. حيث تشير نتائج تحليل البيانات من خلال استخدام الإصدار العشرين لبرنامج SPSS (برنامج تحليل الإحصائيات الاجتماعية) وبعض المناهج الإحصائية كمعامل الارتباط لبيرسون وتحليل التباين واختبار Z (قيمة Z المحسوبة)، إلى أنّ هناك صلة ملحوظة وذات معنى بين متغيرات الالتزام الديني والتعاطف والمقاييس الفرعية لهما (بغض النظر عن المقاييس الفرعية للالتزام الديني والخيال)، كما تدلّ النتائج المتحصّلة من تحليل التباين الأحادي على أنّ هناك اختلاف ملحوظ بين المجموعتين من الطلاب البنات والبنين من حيث جمع العلامات للالتزام الديني والمقاييس الفرعية للخيال، والقلق تعاطفاً وقبول رؤية الآخرين، وبين جمع علامات المقاييس الفرعية للالتزام الديني وعدم الالتزام الديني، ناهيك عن الدور الذي يمكن أن يلعبه الأوضاع الاقتصادية في توازن هذه الصلة على خلاف الحالة الاجتماعية.

الكلمات الدالة: الالتزام الديني، ردود الفعل بين الأفراد / التعاطف، الجنس، الأوضاع الاقتصادية، الحالة الاجتماعية.

## Table of Contents

|  |            |
|--|------------|
| <b>From Awareness of God to Mental Health: Testing a Model Using Path Analysis / Masood Nour Ali Zadeh Miyanji .....</b>   | <b>5</b>   |
| <b>The Effectiveness of Islamic Teachings about the Relationship between Spouses on Reducing Children's Behavioral Problems / Mahdi Jafari / Mohammad Reza Ahmadi / Reza Mahkam .....</b>                          | <b>43</b>  |
| <b>The Relationship between Early Maladaptive Schemas and Personality Traits with Ethical Character of Pride / Abbas Ali Haratiyan / Jayad Torkashvand / Mohammad Reza Jahangirzadeh .....</b>                     | <b>63</b>  |
| <b>The Effectiveness of Teaching Spiritual Intelligence Components on Sexual Self-Control of/in Male Students / Nasir Abedini / Faramarz Sohrabi.....</b>  | <b>81</b>  |
| <b>Personality Traits and Life Satisfaction: A Comparison between Students from Families with one or two Children and Families with more than two Children / Mohammad Zarei Tupkhaneh .....</b>                    | <b>95</b>  |
| <b>The Relationship between Self-Esteem and Islamic Self-Control, Based on Gender and Marital Status / Hamid Rafiei Honar / Abbas Ayne Chi / Maryam Rajabi .....</b>   | <b>113</b> |
| <b>The Relationship between Religious Adherence and Empathy in Male and Female Students, Based on Economic and Marital Status / Mohammad Sadegh Agha Jani / Fatemeh Sadat Shamsi Nejad / Zahra Eskandari .....</b> | <b>127</b> |

**In the Name of Allah**

**Islam & Psychological Research**  
A Quarterly Journal of Psychology

Vol.1, No.1  
Summer 2015

**Proprietor:** The High Institute of Ethics and Education

**Managing Director:** Dr. Mohammad Javad Zarean

**Editor in Chief:** Dr. Mohammad Reza Ahmadi

**Deputy Editor:** Abbas Ali Haratiyan

**Executive Secretary:** Hadi Ershad Hoseini

**Editorial Board:**

- ▣ **Hujjat ul-Islam Dr. Mas'ud Azarbajani:** *Research Institute of Hawza Wa Daneshgah*
- ▣ **Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi:** *IKI*
- ▣ **Dr. Hadi Bahrami Ehsan:** *Tehran University*
- ▣ **Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Javad Zare'an:** *Academic Institute for Ethics And Education*
- ▣ **Ayatollah Sayyid Mohammad Gharavi:** *Research Institute of Hawza Wa Daneshgah*
- ▣ **Dr. Ali Fathi Ashtiani:** *Baqiyatallah University*
- ▣ **Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Kaviani:** *Research Institute of Hawza Wa Daneshgah*
- ▣ **Dr. Mahmood Golzari:** *Allameh Tabataba'i University*
- ▣ **Hujjat ul-Islam Dr. Rahim Narouei:** *IKI*
- ▣ **Hujjat ul-Islam Dr. Mahmood Nozari:** *Research Institute of Hawza Wa Daneshgah*

---

**ADDRESS:**

**The High Institute of Ethics and Education**

No. 13, Shahid Shahbazi Street, Shahid Sadooqi Blvd, Qom, Iran

Postcode: 3716715545

Tel: +9825332918444

Fax: +982532922239

[www.ipr.ueae.ir](http://www.ipr.ueae.ir)

[ipr@ueae.ir](mailto:ipr@ueae.ir)



## فرم اشتراک فصلنامه

### مشخصات متقاضی حقیقی

نام خانوادگی: ..... نام: .....  
میزان تحصیلات: ..... رشته تحصیلی: .....  
مبلغ واریز شده: ..... تاریخ و شماره فیش بانکی: .....  
آدرس پستی و کد پستی: .....  
صندوق پستی: ..... تلفن: .....  
امضاء متقاضی

### مشخصات متقاضی حقوقی

نام موسسه: ..... واحد درخواست کننده: .....  
آدرس و کد پستی: .....  
تاریخ و شماره فیش بانکی: ..... مبلغ واریز شده: .....  
تلفن: ..... دورنگار: .....

امضاء مسؤول و مهر موسسه

از متقاضیان حقیقی و حقوقی دریافت مجله درخواست می‌شود که پس از تکمیل فرم اشتراک، هزینه مربوطه را به شماره حساب ۰۱۰۳۵۷۰۴۰۳۰۰۰ بانک صادرات شعبه صدوقی، بنام «موسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت» واریز نموده و اصل یا تصویر فرم اشتراک و فیش بانکی را بوسیله پست، دورنگار یا ایمیل به دفتر فصلنامه ارسال نمایند.

حق اشتراک سالیانه برای دانشجویان ۸۰/۰۰۰ ریال و تک شماره ۲۰/۰۰۰ ریال  
حق اشتراک سالیانه برای مؤسسات ۱۶۰/۰۰۰ ریال و تک شماره ۴۰/۰۰۰ ریال

## فراخوان مقاله برای مجله پژوهش نامه تربیت دینی

با استعانت از درگاه خداوند متعال و در ظل عنایات بقیه الله الاعظم، دانشکده تربیت وابسته به مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت در نظر دارد به منظور رونق بخشیدن به فعالیت‌های علمی و پژوهشی در حوزه تربیت دینی، انتشار یافته‌های پژوهشی، زمینه‌سازی برای تضارب آراء صاحب نظران در عرصه تربیت دینی، پاسخگویی به نیازها و مسائل حوزه تربیت دینی، و نظریه پردازی و تولید علم در حوزه تربیت دینی، مجله‌ای با عنوان «پژوهش نامه تربیت دینی» در سطح علمی پژوهشی منتشر کند. از استادان، پژوهشگران، طلاب و دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی دعوت به عمل می‌آید مقالات خود را در محورهای موضوعات زیر به نشانی مؤسسه ارسال کنند.

مطالعات تطبیقی در تربیت دینی  
مطالعات تاریخی در حوزه تربیت دینی  
آراء اندیشمندان مسلمان در تربیت دینی  
چالش‌های تربیت دینی  
تربیت معلم و تربیت دینی  
تربیت دینی در نهادهای غیررسمی  
آسیب شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش رسمی و غیر رسمی  
آسیب شناسی سیاستگذاری تربیت دینی  
مطالعات مربوط به چگونگی سیاستگذاری تربیت دینی و مبانی آن در جمهوری اسلامی ایران  
مناسبات مطالعات تربیت دینی با تربیت اخلاقی و تربیت معنوی  
مناسبات مطالعات تربیت دینی با دانش مدیریت و دانش فقه، تفسیر، اقتصاد، مدیریت

مفهوم، ماهیت و قلمرو تربیت دینی  
رویکردها به دین و دینداری و تاثیر آن در تربیت دینی  
روش‌شناسی تحقیق در تربیت دینی  
مبانی فلسفی تربیت دینی  
مبانی جامعه‌شناختی و روانشناختی تربیت دینی  
اهداف تربیت دینی  
اصول تربیت دینی  
روشهای تربیت دینی  
مراحل تربیت دینی  
عوامل تربیت دینی  
موانع تربیت دینی  
آسیب شناسی تربیت دینی  
رویکردها به تربیت دینی در تمدن اسلامی  
الگوهای تربیت دینی  
مسائل تربیت دینی در آموزش و پرورش

آدرس: قم، ۴۵ متری صدوق، بعد از فلکه زنبیل آباد، بلوار شهید شهبازی، (بین کوچه ۲۸ - ۳۰)، پلاک ۱۳

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۸۴۴۴ کد پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

آدرس الکترونیک: [religousedu@uae.ir](mailto:religousedu@uae.ir)